اطلاعات

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۸ – ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۱ – ۱۲ فوریه ۲۰۲۰ – سال نودوچهارم – شماره ۲۷۴۹۸ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – تک شماره ۲۰۰۰ تومان

موافقت رهبر معظم انقلاب با عفو و تخفیف مجازات ۲۳۱۵ نفر از محکومان

* به مناسبت سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با عفو و تخفیف مجازات ۲۳۱۵ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی موافقت کردند

صفحه ۲

شمار مصدومان آمریکا در حمله موشکی ایران به ۱۰۹ تن رسید

* پنتاگون در ادامه روند قطره چکانی اعلام خبر افزایش شمار زخمی‌های حمله موشکی کشورمان به «عین‌الاسد»، آمار زخمی‌ها را ۱۰۹ تن اعلام کرد
* مراسم اربعین شهادت سپهبد سلیمانی و ابومهندس در بغداد و ۱۴ استان دیگر عراق برگزار شد

صفحه ۱۶

این ملک سلیمانی...

رئیس جمهوری: شهید سلیمانی مرد جنگ و صلح بود

* روحانی در جمع راهپیمایان ۲۲ بهمن: ملت ایران همیشه و در همه موضوعات و مسائل مهم حق انتخاب دارد
* این که عین الاسد آمریکا در عراق موشکباران می‌شود، یعنی اجرای خواست مردم
* هر وقت همه با هم بودیم، آمریکا شکست خورده و شکوفایی در این کشور اتفاق افتاده است
* اگر کاری کنیم که همه ما احساس پیروزی بکنیم، آن کار «انقلابی» است
* هر وقت ۱۰ میلیون را خوشحال کردیم، ۱۰ میلیون را ناراحت کردیم و بقیه را مردد کردیم باید فکر کنیم کجای کار ما ایراد دارد
* در بسیاری از موارد «این» یا «آن» نادرست است. یا مقاومت یا دیپلماسی، غلط است
* ممکن است افرادی فکر کنند، ما باید جمهوری را تضعیف کنیم تا اسلامیت را تقویت کنیم؛ با کمال ادب و احترام به این دوستان عزیز می‌گویم، اشتباه می‌فرمایید
* بازتاب جهانی حضور پرشور و گسترده مردم ایران در راهپیمایی سالروز انقلاب

صفحات ۲ و ۱۶



عکس از حسین ولایتی – فارس



محمدحسین مهدویان – بهترین کارگردان



نازنین احمدی – بهترین هنرپیشه نقش اول زن

برگزیدگان سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر معرفی شدند

* جایزه ویژه سردار شهید قاسم سلیمانی به فیلم «آبادان، یازده ۶۰» اهدا شد
* محمدحسین مهدویان سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی برای فیلم «درخت گردو» را دریافت کرد
* سیمرغ بلورین بهترین فیلم سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر به فیلم «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی اهدا شد

صفحه ۳

اعلام نرخ رشد اقتصادی در فصل پائیز

* رئیس مرکز آمار ایران: نرخ رشد اقتصادی بدون نفت در پائیز به ۰/۹ درصد و با احتساب نفت به منفی ۱/۷ درصد رسید
* رشد اقتصادی در ۹ ماهه امسال در بخش کشاورزی ۳/۲ درصد، صنایع و معادن ۲ درصد، خدمات منفی ۰/۲ درصد بوده است
* مرکز پژوهش‌های مجلس: هر چند به دلیل نرخ رشد منفی بخش نفت، نرخ رشد اقتصادی کشور امسال منفی خواهد بود، اما رشد اقتصادی بدون نفت ۱/۸ درصد برآورد می‌شود

صفحه ۴

برف سنگین و سرمای شدید در مناطق وسیعی از کشور

* بارش سنگین برف و سرمای شدید هوا به قطعی آب و برق و همچنین انسداد مسیرهای برون شهری و حتی معابر شهری برخی مناطق منجر شد
* ارتفاع برف در اردبیل تا سقف خانه‌ها هم رسید به نحوی که درِ برخی منازل هم باز نمی‌شد
* خوزستانی‌ها برای نخستین‌بار در ۳۰ سال گذشته سرمای زیر صفر درجه را تجربه کردند

صفحه ۱۳

یادداشت
شکرانه به جای آریم...
فتح‌الله آملی
صفحه ۲

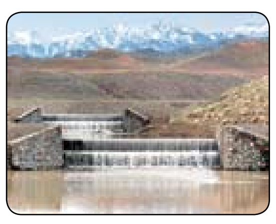
گزارش
قبح اشتباه در رسانه‌ها ریخته شده است
صفحه ۵



ایران‌شناسی
ایرانیان و پایه‌گذاری و گسترش علوم اسلامی
دکتر مهدی محقق
صفحه ۶



اقتصادی
جایگاه سد و آبخیز در مهار سیلاب‌ها
صفحه ۷



روابط بین الملل
شکست عربستان در سوریه و ضرورت تغییر رویکرد ریاض
صفحه ۱۲





ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

یادداشت

شکرانه به جای آریم ...

فتح‌الله آملی

حتی هوای سرد و خیابان‌های یخ‌بسته هم از شور و گرمای جمعیت کم نکرده بود. در پایتخت گرچه خورشید بود و می‌تابید اما برفی که از شب قبل باریده بود بر تن شهر سنگینی می‌کرد. سوزی که می‌وزید و شلاق بادی که بوی انجماد می‌داد تابی برای بیرون آمدن و قدم‌زدن و فریاد نمی‌گذاشت اما آمده بودند مردم. پیچیده در خود اما شکفته چون گل سرخ. لبخند بر لب و فریاد بر دهان. لبخند به‌خاطر حضوری که می‌دانند چه اثری دارد و چه اخمی بر چهره دشمنان این مرز و بوم می‌نشاند و فریاد بر سر آنان که عزتشان را نمی‌خواهند.

آنها که بیش از چهار دهه است منتظر خستگی و نفس‌بریدگی این مردمند. اما انتظار ستوه و تضرع و تسلیم این خلق خدا را که به درازنای تاریخ مردانگی و غیرت این سرزمین، ایستاده‌اند، مغرور و سربلند چون سرو، با خود به گور خواهند برد.

دیروز همه آنها که اهمیت حضورشان را می‌دانستند در تمام جغرافیای افتخارآمیز این سرزمین حاضر شدند. برف و باران یخ و سرما و تهمت و طعنه این و آن را به هیچ انگاشتند تا نمایش صبر و مقاومت و ایثار دهند و سرود وحدت و عشق و غیرت بخوانند و چه خوبند این مردم.

***

۲۲بهمن و مراسم و جشن آن همه شکوه و عظمتش را از همین حضور دارد و همه قدرت و اقتدارش را نیز از همین می‌گیرد. معمولاً در بزرگداشت‌هایی از این قبیل با رژه نیروهای مسلح و یا با نمایش اقتدار نظامی، قدرت و هیمنه یک نظام را به رخ می‌کشند. با نمایش تانک‌ها، زره‌پوش‌ها، ادوات، موشک‌ها، گردان‌های نظامی، نظم دسته‌ها و پرواز نمایشی جنگنده‌ها و سالگرد انقلاب یا استقلال را با نمایش قدرت تسلیحاتی و نظامی جشن می‌گیرند اما در ایران پس از انقلاب این نمایش اقتدار از یک مولفه قدرت نرم اما از هر مولفه قدرت دیگری موثرتر و سخت‌تر بهره گرفته است. قدرت مردم. مولفه حضور و حمایت مردم. با نمایش مشارکت مردمی، و این خیل جمعیتی که هر ساله با اسلام و انقلاب و امام و ولایت و آرمان‌های دینی و ملی و میهنی‌اش تجدید بیعت می‌کند، آنقدر بیدار و هوشیار و فهیم هست که انبوهی از مشکلات و سختی‌ها و تنگناها و ملاحظه دهها و صدها مسأله، بی‌تدبیری و کم‌کاری و پیش چشم داشتن مفسده‌ها و خیانتها و سوء مدیریت‌ها و ظلمها و تبعیضها او را از بصیرت شناخت ضرورت‌ها باز ندارد و دشمنان این آب و خاک را بر سر جایشان ننشاند.

بصیرت و غیرت و شناخت عمیقی که شوربختانه در برخی از کارگزاران و متولیان و مسئولان نیست وگرنه بیشتر به آن خدمت می‌کردند و کمتر در حق آنان جفا روا می‌داشتند و اینهمه به دنبال کسب قدرت و منفعت نبودند و در میانه مشکلات و دشواریها تنهایشان نمی‌گذاشتند...بگذریم.

دیروز اما جدای نمایش وحدت و بیعت هرساله با انقلاب؛ مراسم جلوه دیگری هم داشت. چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب با چهلمین روز شهادت سردار محبوب این مردم گره خورده بود و به همین اعتبار رنگ و بوی مراسم، جلوه تازه‌ای داشت. پیوند با سردار دلها و قدرشناسی مردم از سرباز فداکارشان که همه با قدرتی که لرزه بر اندام بدخواهان این ملک و ملت می‌انداخت در برابر مردم رئوف و مهربان و سربه زیر و فروتن بود. و نیز فریادهای مردم نشانگر خشم و نفرتی که این مردم از عاملان این جنایت ناجوانمردانه داشته‌اند و دارند.

***

رئیس جمهور در مراسم روز گذشته در میان سخنان مهمی که داشت به یک نکته ظریف اشاره کرد و آن این‌که مجموعه فشارها و تحریم‌ها که در دو سال اخیر بر کشور وارد آمد آنقدر بود و هست که اگر حتی درصدی از آن بر هر کدام از همین کشورهای همسایه ما وارد می‌آمد نفس آنها را می‌گرفت و آنان را به تسلیم یا فروپاشی می‌کشاند اما دولت و ملت آنرا نه تنها تاب آوردند بلکه ضریب آسیب‌پذیری خود را نیز کاهش دادند. این سخن درست است اما شرط استمرار آن این است که حکومت و دولت و کارگزاران و مسئولان در این جنگ اقتصادی نابرابر تنهایشان نگذارند و قدر این صبر و بصیرت آنان را بدانند و با فروتنی و قدرشناسی و حکمرانی خوب و شایسته و رفع مشکلات آنان و مقابله مؤثرتر با فساد و بیکاری و تورم و تبعیض و تنگ‌نظری و افراط و یکجانبه گرایی و تفرقه افکنی، شکرانه این نعمت وفاداری را به‌جای آرند.

پایان سخن تنها می‌ماند سپاس فراوان از درگاه یزدان به خاطر وجود چنین ملتی و آفرین بر آنان.

روی خط انتخابات

کدخدایی: بیش از ۷۱۰۰نفر تائید صلاحیت شدند

سخنگوی شورای نگهبان از تائید صلاحیت بیش از ۷۱۰۰داوطلب نمایندگی انتخابات مجلس یازدهم خبر داد.

به گزارش ایسنا عباسعلی کدخدایی در حاشیه حضور در راهپیمایی ۲۲بهمن در باره آخرین وضع تائید صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس افزود: نتایج تائید صلاحیت ها آماده شد و به تدریج برای وزارت کشور ارسال شد تا از طریق فرمانداری‌ها در اختیار داوطلبین محترم قرار گیرد.کدخدایی افزود: امیدواریم ان شاءالله با اقداماتی که صورت گرفته انتخابات خوبی را پیش رو داشته باشیم. با توجه به تاکیدات مقام معظم رهبری با حضور پرشور و با مشارکت حداکثری همه مردم فارغ از گرایش، جناح و گروه های سیاسی را در انتخابات شاهد باشیم و وعده ما ان‌شاءالله دوم اسفند ماه پای صندوق‌های رای است.

وزیر کشور: گاهی باید مانند استخوانی در گلو رفتار کنیم

وزیر کشور با بیان این که در جایی که دشمنان درصدد کاهش مشارکت هستند قابل قبول نیست که با اهداف آنها همراهی کنیم، گفت: باید گاهی مانند استخوانی در گلو و خاری در چشم رفتار کنیم.

به گزارش ایسنا، عبدالرضا رحمانی فضلی این مطلب رادر جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان البرز اعلام کرد.

انصاری: مشارکت مردم پیام روشنی برای دشمنان انقلاب دارد

یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکید کرد که حضور حداکثری مردم در انتخابات مجلس پیام روشنی به دشمنان و دوستان انقلاب می‌دهد، دوست را امیدوارتر و دشمنان را دلسردتر می‌کند.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام مجید انصاری در حاشیه شرکت در راهپیمایی ۲۲بهمن در جمع خبرنگاران حضور مردم در انتخابات را بسیار مهم خواند و گفت: نظام جمهوری اسلامی به وسیله مردم ایجاد شده است لذا حضور مردم در تمامی عرصه‌ها به ویژه انتخابات بسیار مهم است، چون سرنوشت کشور و خود را رقم می‌زنند.وی با بیان اینکه مجلس خانه مردم و محل ریل گذاری کشور است، افزود: حضور در این دوره از انتخابات به دلایل مختلف داخلی و خارجی دارای اهمیت است.

ربیعی: باید صندوق‌های رای را غنی کرد

سخنگوی دولت با تاکید بر ضرورت مشارکت حداکثری مردم در انتخابات مجلس، گفت :باید حتما کاری کنیم که تحولات اجتماعی و سیاسی از دل صندوق ها بیرون بیاید؛ بنابراین صندوق را به مثابه برنامه توسعه و ثبات ایران دیده و با صندوق های رای قهر نکنیم. باید صندوق ها را غنی کرد نه اینکه با آن ها قهر کرد.

علی ربیعی در حاشیه راهپیمایی ۲۲بهمن در گفتگو با ایسنا، با بیان این که ما هر سال در انتخابات حاضر می‌شویم گفت: درست است که یک جشن ملی می‌گیریم، اما به نظر من پرمعناتر این است که یادمان بیاید ما ملت برای چه انقلاب کردیم.سخنگوی دولت گفت: معتقدم صندوق های رای باید محور همه تحولات نگرشی نسبت به آنچه که مردم می‌خواهند از درون صندوق بجوشد، باشند.

حزب کارگزاران لیست مستقل انتخاباتی ارائه می‌کند

سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی گفت این حزب برای انتخابات مجلس لیست مستقل در تهران ارائه می‌کند.

به گزارش ایسنا، حسین مرعشی با اشاره به اینکه حزب کارگزاران برای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، لیست ۲۰ نفره بدون ائتلاف با هیچ حزب دیگری ارائه خواهد کرد، اظهار داشت: البته تا امروز این لیست را منتشر و از مردم واصلاح‌طلبان دعوت می‌کنیم به این لیست رای بدهند.

وی در ادامه گفت: این لیست لزوما از اعضای حزب نخواهد بود و ما از بین کسانی که تائید صلاحیت شده‌اند، در فضای مجازی فراخوان داده و افرادی که علاقمند بودند در لیست حزب قرار بگیرند را شناسایی و با آنها مصاحبه کرده ایم و در نهایت کسانی را در لیست قرار دادیم که حزب می‌تواند سلامت کار آنها را در مجلس یازدهم تضمین کند.

اسامی ۱۳جبهه حزبی مورد تأیید کمیسیون ماده ۱۰ احزاب

حمید ملانوری مدیرکل سیاسی و دبیر کمیسیون ماده ۱۰قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی گفت: به منظور تنویر افکار عمومی و اطلاع رسانی به رسانه ها، فهرست اسامی ۱۳جبهه حزبی مورد تأیید کمیسیون اعلام می شود تا ضمن جلوگیری از تخلفات احتمالی و فعالیت غیرقانونی جبهه های خارج از این فهرست، موجبات شفاف سازی و مشارکت حداکثری آحاد جامعه در انتخابات پیش رو فراهم شود.

دبیر کمیسیون ماده ۱۰در ادامه اسامی جبهه ها را چنین اعلام کرد:۱- جبهه ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی،۲- جبهه اصلاح طلبان ایران اسلامی،۳- جبهه ایستادگی ایران اسلامی،۴- جبهه پیشرفت، رفاه و عدالت،۵- جبهه تحولگرایان ایران، ۶- جبهه شورای هماهنگی اصولگرایان استان قم،۷- جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا)، ۸- جبهه مستقلین و اعتدالگرایان ایران، ۹- جبهه هماهنگی اصلاحات،۱۰- جبهه پایداری انقلاب اسلامی، ۱۱- ائتلاف بزرگ نیروهای انقلاب اسلامی استان قم (ابنا)،۱۲- جبهه پیروان خط امام و رهبری، ۱۳-جبهه مستقلین ایران

موافقت رهبر معظم انقلاب با عفو و تخفیف مجازات ۲۳۱۵ نفر از محکومان

به مناسبت سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با عفو و تخفیف مجازات دو هزار و ۳۱۵ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی موافقت کردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی رئیس قوه قضائیه به مناسبت فرارسیدن سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در نامه‌ای به رهبر انقلاب اسلامی پیشنهاد عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات دو هزار و ۳۱۵ نفر از محکومان را که در اداره عفو و بخشودگی قوه قضائیه واجد شرایط لازم تشخیص داده شده‌اند، ارائه کرد که این پیشنهاد در اجرای بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی مورد موافقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت.

رایزنی ظریف با قوه قضائیه برای پیگیری پرونده ترور سردار شهید سلیمانی در محاکم داخلی و خارجی

«علی باقری» معاون امور بین‌الملل و دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه با محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه دیدار و گفتگو کرد.

در این دیدار در باره راه‌های تقویت و ارتقای همکاری و هماهنگی بین معاونت بین‌الملل قوه قضائیه و وزارت امور خارجه به ویژه در حوزه دفاع از حقوق ایرانیان مقیم خارج ، پیگیری آزادی زندانیان ایرانی در دیگر کشورها، پیگیری پرونده ترور سردار شهید سلیمانی در محاکم داخلی و خارجی و هماهنگی در دفاع از اصول و موازین جمهوری اسلامی‌ایران در مجامع بین‌المللی از جمله در حوزه حقوق بشر گفتگو و تبادل نظر شد.

وزیر امور خارجه درحاشیه مراسم راهپیمایی ۲۲بهمن هم گفت: مردم ما ۴۰ روز از روز شهادت سردار سلیمانی نشان دادند که آمریکا اقدام تروریستی انجام داده و این اقدام از نظر ما و مردم منطقه منفور است.

ظریف در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت: ترامپ با حرکتی که کرد یک بار دیگر برای همه دنیا نشان داد که در مورد انقلاب ایران ۴۱سال است که اشتباه می‌کند و هنوز هم این اشتباه ادامه دارد و این اشتباه باعث شده که مردم ما یکپارچه در برابر این حرکت ایستادگی کنند.

وی درپاسخ به سئوالی درباره این که در مذاکره با قدرت‌های جهان کارت‌هایی در دست دارید شاید برترین کارت برنده شما حمایت مردم باشد، گفت: حتما همینطور است. این مردم هستند که همه قدرت‌ها را ناگزیر کردند که به جمهوری اسلامی‌احترام بگذارند.

ظریف تصریح کرد: هرچه داریم از همین مردم داریم. این مردم مهمترین مبنای قدرت ایران هستند و با همین مردم است که هرکس به آنان تکیه کند و امید و اعتماد هرکس بعد از خدا به مردم ایران باشد، می‌تواند موفق باشد. موفقیت ما در تکیه بر مردم است. حضرت امام فرمودند که مردم ولی‌نعمت ما هستند و این نشاندهنده این است که بدون مردم هیچ هستیم و با مردم در برابر همه می‌توانیم مقاومت کنیم و دنیا هم ناگزیر خواهد بود.

وزیر امور خارجه اضافه کرد: ۴۱سال است که اشتباه کردند و نفهمیدند و مردم ایران رانشناختند. ۴۱سال منتظرند که با فشار این مردم از انقلاب خود کنار بکشند. دلشان را به بحث خانوادگی و هر جار و جنجالی که در خانه بین برادران و خواهران می‌افتد، خوش کردند برای این که این آرزوی ۴۱ ساله را ادامه دهند.

وی اظهارداشت: مردم در مراسم بزرگداشت شهید قهرمان سپهبد سلیمانی نشان دادند که در واقع با کسی عهد بستند و برای آن فردی آمدند تو خیابان که آمریکایی آن را دشمن خود می‌دانست. آمریکایی‌ها باید از حضور یک درس بگیرند.

ظریف تصریح کرد: مراسم تشییع پیکر شهید سلیمانی یک رفراندوم عمومی بود که به آمریکایی‌ها اعلام کنند که کسی که تروریست است آمریکاست.

روحانی: مردم همواره برای مقابله با توطئه دشمنان به صحنه آمده‌اند

رئیس جمهوری گفت: هر جا توطئه‌ای علیه نظام ما بود این مردم بودند که به صحنه آمدند و در برابر آن توطئه ایستادگی کردند.

حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی در دیدار سفیران کشورهای خارجی و روسای سازمان‌های بین‌المللی در تهران اظهار داشت: انقلاب بی تردید یک انقلاب کاملا مردمی بود و در چهل و یک سال پیش وقتی امام وارد کشور شد میلیون‌ها نفر در خیابان‌های تهران به استقبال امام آمدند، امام(ره) از فرودگاه تا بهشت زهرا روی امواج انسانی حرکت می‌کرد، این انقلابی که بر مبنای آرمان‌های ملی اهداف ملی حرکت خود را آغاز کرده بود برای تثبیت و استمرارش همواره به مردم متکی بود.

رئیس دولت دوازدهم ادامه داد: شرایط بسیار سخت جنگ ۸ساله تحمیلی را مردم با حضور و اتحاد و ایثار پشت سر گذاشتند بدون این که هیچ قدرتی در دنیا به این مردم کمک کنند و بعد هم در همه مراحل ایستادگی مردم و اتحاد آنها بود که سربلندی این کشور و این مردم را به همراه داشت.

وی گفت: امروز در برابر یک تحریم ظالمانه، یک اقدام تروریستی از طرف آمریکا بر کل ملت ایران هستیم و هیچ کس تردید ندارد که فشار حداکثری آمریکا و تحریم آنها علیه تک تک مردم است. یعنی یک نفر در این تحریم استثنا نشده است. کاملا روشن است که تحریمی صد در صد غیرانسانی علیه تمام یک ملت است.

روحانی با تاکید بر این که در تاریخ چنین تحریمی کم‌سابقه است، گفت: آنها به این امید بودند که این فشار حداکثری اول دولتمردان را به زانو در می‌آورد و اگر دولتمردان ایستادگی کنند مردم را به زانو در بیاورد. در هر دو اشتباه کردند نه مردم ما در برابر این فشار خم شدند نه مسئولین و دولتمردان سر تواضع فرود آوردند.

یک ملت بزرگ در برابر قلدری سرفرود نمی‌آورد

رئیس دولت تدبیر و امید افزود: آمریکایی‌ها فکر می‌کردند با این فشار حداکثری بر کل واردات و صادرات، بر زندگی مردم، آنها ناچارند تسلیم شوند یا به عنوان اعتراض به خیابان‌ها بیایند و به آمریکا چراغ سبز نشان بدهند. آنهایی که با این منطقه و با تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران آشنا هستند می‌دانند که یک ملت بزرگ در برابر قلدری و زور، سخن ناحق و غلط و فشار ناروا سر تسلیم فرود نمی‌آورد.

رئیس جمهوری گفت: آمریکا در هیچ یک از طرح‌ها موفق نبوده است. در طول هشت ماه گذشته آمارهای تورم، سرمایه گذاری خارجی در ایران، رشد اقتصادی و اشتغال نشان می‌دهد مسیر مردم و دولت در کنار هم ، مسیر صحیح و درست است.

روحانی با بیان این که همه شرایط امروز کشور ما باثبات است تصریح کرد: کشور را از ۲سال گذشته به خوبی اداره کردیم و برای اداره کشور نه به وام خارجی و نه به استقراض از بانک مرکزی خود نیاز داشتیم.

آمریکا به تعهد خود پایبند نیست

وی افزود: آمریکا نشان داد کشوری نیست که به امضا و تعهد خود پایبند باشد. آمریکا کشوری است که در برابر تعهدات سیاسی و اخلاقی خود پایبند نخواهد بود که اولین ضربه بر حیثیت دولت آمریکا ست. آنها نشان دادند در برابر مقررات بین المللی سر فرود نخواهند آورد.

رئیس جمهوری با بیان این که تحریم مواد غذایی و دارو خلاف همه مقررات بین‌المللی است و آمریکا همه این مقررات را زیر پا گذاشته است، افزود: این اقدامات آمریکا، تروریستی است. اقدام آمریکا علیه اقدامات تامینی دادگاه بین‌المللی لاهه است که آمریکا را موظف کرده تحریم را آغاز نکند. روحانی اقدامات آمریکا را خلاف مصوبات شورای امنیت سازمان ملل از جمله قطعنامه ۲۲۳۱دانست و گفت: آمریکا قانون و عهد و پیمان را زیرپا گذشته و جنایت را علیه یک ملت آغاز کرده است.

سردار سلیمانی دنبال آرامش در منطقه بود

رئیس جمهوری با طرح این سئوال که آیا این اقدامات در تاریخ آمریکا، افتخاری برای آقای ترامپ خواهد بود، تاکید کرد: آیا قانون شکنی، جنایت و ملتی را در فشار قرار دادن، عهد و پیمان را زیر پاگذاشتن، افتخار است؟

روحانی با بیان این که ملت ما در برابر این فشار ایستادگی کرده و برای ملت ما این موضوع افتخار است،



دیدار سفیران کشورهای خارجی و روسای سازمان‌های بین‌المللی با رئیس‌جمهوری

گفت: علیرغم این که آمریکا در طول این ۲۰ ماه باید درس می‌آموخت و می‌فهمید که این مسیر، مسیر غلطی است بر جنایات خود افزود.

وی ادامه داد: ترور یک فرمانده نظامی‌در خاک کشور همسایه که مهمان رسمی‌آن کشور بوده، جنایت بزرگی است که همه مقررات بین‌المللی را نقض می‌کند و هیچ‌کس در منطقه ما تردید ندارد که سردار سلیمانی دنبال ثبات و آرامش در منطقه بود.

رئیس جمهوری با اشاره به آشنایی کامل خود با فعالیت‌های سپاه قدس و سردار سلیمانی در طول سال‌های گذشته تصریح کرد: اگر سردار سلیمانی می‌خواست ژنرال‌های آمریکایی را بکشد برایش انجام این کار در افغانستان، عراق و در هر جای دیگر بسیار آسان بود اما هیچ وقت این‌کار را نکرد.روحانی افزود: مسیر سردار سلیمانی به میدان جنگ و میدانی که عده‌ای بخواهند علیه آمریکا اقدام کنند، نبوده است بلکه از فرودگاه به مسیری می‌رفته که چند ساعت بعد با نخست‌وزیر عراق دیدار کند. این اقدام از نظر ما، جهانیان و مقررات بین‌المللی محکوم است.

وی جنایت دیگر آمریکا را علیه ملت فلسطین و منطقه دانست و اظهار داشت: مقررات بین‌المللی در این زمینه روشن است. قطعنامه‌های سازمان ملل در سال ۱۹۶۷و ۱۹۷۳و بعد و قبل آن روشن است. از نظر قطعنامه‌های سازمان ملل سرزمین فلسطین متعلق به ملت فلسطین است و آوارگان فلسطینی باید به سرزمین خود برگردند. آمریکا اقدام ضد حقوق بشری علیه ملت فلسطین انجام داده است همانطور که علیه ملت سوریه انجام شده است.

رئیس دولت تدبیروامید افزود: ایران از آغاز انقلاب منادی صلح بوده وما در طول این ۴۱ سال علیه هیچ کشوری اقدام نکردیم. به ما جنگ تحمیل شد اما به کشوری حمله نکردیم. به آواره‌ها کمک کردیم. به مردم آواره افغانستان کمک کردیم. به مردم عراق که در جنگ ائتلاف علیه عراق آواره شده بودند کمک کردیم. به مردم کویت در حمله صدام به کویت کمک کردیم.

رئیس جمهوری اظهار داشت: همچنین به مردم قطر در شرایط حصر غیرقانونی کمک کردیم. از لحاظ مواد غذایی و دارویی به مردم یمن کمک کردیم. در طول این ۴۱ سال به مردم فلسطین و آرمان فلسطین کمک کردیم. به مردم لبنان کمک کردیم. ما علیه تروریست‌ها جنگیدیم و خون دادیم.

موشک ما علیه جنایت و ترور است

روحانی اضافه کرد: ملت ما ملتی صلحدوست و علیه تروریسم است و ما ملتی قربانی تروریسم و قربانی مواد شیمیایی و سلاح شیمیایی هستیم. ملت ما قربانی گروهک‌های تروریستی است اما ما همواره به دنبال صلح بودیم . آنچه ما می‌گوییم به نفع مردم منطقه و حتی مردم آمریکاست و آنچه کاخ سفید انجام می‌دهد علیه منافع ملت‌های منطقه و ثبات منطقه و علیه منافع خود آمریکا و ملت آمریکاست.

رئیس جمهوری یادآور شد: به ما می‌گویند چرا موشک‌های نقطه زن و مدرن را می‌سازیم؟ همه دنیا بدانند ما دوبار از موشکمان استفاده کردیم، یک بار علیه داعش آن زمانی که مردم بی‌گناه ما را در خوزستان و اهواز و در کنار مجلس کشت و یک‌بار دیگر علیه پایگاه آمریکایی در عین الاسد عراق به خاطر جنایتی که انجام داد و فرمانده نظامی‌ما را ترور کرد.

وی تاکید کرد: بنابراین موشک ما علیه ترور و جنایت است. ما هیچ گاه موشک برای تجاوز نساختیم و انبار نکردیم. به همه همسایگان و مردم منطقه اطمینان می‌دهیم خواست ما همزیستی مسالمت آمیز است.

رئیس جمهوری گفت: با بسیاری از همسایگانمان وکشورهای جهان روابط برادرانه و دوستانه داریم. خواست ما برادری، دوستی، مذاکره، پایان جنگ‌ها و تجاوزها و پایان حمایت از تروریسم، پایان تحریم‌ها و در کنار هم زندگی کردن است که این پیام انقلاب و امام (ره) است.

پیش از سخنان رئیس جمهوری، دکتر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه گفت: امروز دوستان ما در هیات‌های دیپلماتیک مستقر در جمهوری اسلامی‌ایران وظیفه بسیار مهمی‌برای رساندن صدای مردم ایران به جهان بر عهده دارند.

وزیر امور خارجه اظهار داشت: این وظیفه درچارچوب تقویت صلح و امنیت بین‌المللی و از بین بردن انگاره‌هایی است که همیشه باعث خطا در جهان شده است؛ انگاره‌هایی که فهم و درک درستی از حرکت بزرگ ملت ایران و انقلاب شکوهمند ایران نداشته و به همین دلیل بسیاری از دولت‌ها تا آخرین لحظات در کنار رژیم منهوسی که مورد قبول مردم ایران نبود قرار داشتند.

وی ادامه داد: کسانی که ۴۱ سال است در آرزوی پایان جمهوری اسلامی‌هستند و بر این اساس و فهم غلط هر روز سیاست‌های اشتباه قبلی خود را تکرار و هر روز به بهانه‌ای دل خود را خوش می‌کنند که روز مورد انتظارشان فرا رسیده است و هر چه مردم ایران با حضور، اعلام نگرش و حمایت خود این دیدگاه را رد می‌کنند، باز هم بهانه‌ای برای پایدار ماندن بر دیدگاه غلط خود دارند.

ظریف با اشاره به حضور پرشور مردم در مراسم تشییع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی گفت: اگر نیاز بود مردم ایران به آمریکا اعلام کنند که با شما مخالفیم و سیاست‌های شما را قبول نداریم بهتر از حضور در مراسم گرامیداشت این شهید والامقام نمی‌توانستند این کار را انجام دهند و اگر مردم منطقه می‌خواستند به آمریکا بگویند که از سیاست‌های شما منزجر هستیم و نمی‌پذیریم که شما تروریسم را برای ما تعریف کنید چون خود سردسته آنها هستید، بهتر از حضور در مراسم بزرگداشت شهید سلیمانی نمی‌توانستند این را اعلام کنند.وزیر امور خارجه اظهار داشت: از امریکا توقعی نداریم که این واقعیات را بفهمند اما از دوستان خود که در ایران حضور دارند می‌خواهیم این واقعیات را به پایتخت‌های خود برسانند تا غرب بداند که در قبال ملت ایران چه اشتباهاتی را مرتکب شده است.

دکتر ظریف تصریح کرد: بار دیگر جهان حماسه مردم ایران را خواهند دید اما این حماسه هیچ‌گاه به پای حماسه برای کسی نخواهد رسید که برخی او را بزرگترین دشمن خود می‌دانستند؛ بدانید که مردم ایران طرفدار دشمن آمریکا هستند. وزیر امور خارجه خطاب به دشمنان ملت ایران گفت: آرزوهای غلط خود را کنار بگذارید و دعواها و بگومگوهای خانگی ما را به حساب فاصله مردم نگذارید؛ فاصله مردم از نگرش شما در مراسم تشییع شهید سلیمانی مشخص شد.

ظریف تاکید کرد: هر کس نسبت به این مردم و قهرمانان مردم و منطقه احترام نگذارد و در کنار آمریکا قهرمانان منطقه را تروریست بداند آینده‌ای در این منطقه نخواهد داشت.

صلاح‌الزواوی سفیر فلسطین هم به عنوان مقدم‌السفرا در این مراسم در سخنانی ضمن تبریک چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به دولت و ملت ایران بر ضرورت ایستادگی در برابر فشارها و توطئه دشمنان در قبال ملت‌های منطقه به ویژه در زمینه توطئه اخیر آمریکا تحت عنوان معامله قرن تاکید کرد.

این ملک سلیمانی ...

راهپیمایی ۲۲ بهمن در تهران همزمان با سراسر کشور درحالی برگزار شد که خیابان‌های منتهی به میدان آزادی مملو از جمعیت بود وجشن چهل و یکمین سالروز پیروزی نهضت اسلامی مردم ایران هم به علت تقارن با چهلمین روز شهادت سردار سپهبد قاسم سلیمانی فرمانده شهید نیروی قدس از جلوه‌های خاصی برخوردار بود و بیشتر راهپیمایان تصاویر سردار سپهبد قاسم سلیمانی رادردست داشتند.

دراین مراسم رئیس جمهوری با بیان این که انقلاب ما یک انتخاب بود، اظهار داشت: بهمن ۵۷ در۴۱سال پیش به ما نشان داد که چگونه قدرت خداوند در اراده یک ملت بزرگ تجلی می‌یابد .

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در جمع راهپیمایان ۲۲بهمن در تهران گفت: تمام انقلاب ما در واقع یک انتخاب بود. من می‌خواهم به سئوالی که در ذهن برخی از نسل سوم و چهارم انقلاب ممکن است به وجود آمده باشد، پاسخ دهم که چرا ملت ایران در ۴۱ سال پیش انقلاب را انتخاب و رژیم گذشته را سرنگون کرد؟

رئیس جمهوری ادامه داد: انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر یک انتخاب بود. مردم بین یک رژیم فاسد وابسته به آمریکا و یک نظام مردمسالار دینی، بین فاسدی مثل شاه ملعون و مثل انسانی با ایمان و با دانش و سیاست همچون امام (ره)، امام و مردمسالاری را انتخاب کردند، بین وابستگی به ابرقدرت‌ها و استقلال، استقلال را انتخاب کردند. روحانی گفت: به اعتقاد من در انتخابات پیش رو ، پاسخ مردم امروز ما همان پاسخ ۴۱سال پیش خواهد بود. بسیار مهم است که به این نکته توجه کنید که انقلاب اسلامی مبتنی بر انتخاب بود و بالاترین ثمره انقلاب هم انتخاب است.

روحانی یادآور شد: اگر رژیم فاسد گذشته به مردم اجازه انتخاباتی آزاد می‌داد نیازی به انقلاب نبود، اگر مردم را آزاد می‌گذاشت تا حکومت و قانون اساسی مورد نظر خود را انتخاب کنند و بین استقلال و وابستگی مردم استقلال را انتخاب کنند، انقلابی نمی‌شد. وی تاکید کرد: مگر مردم ما فقط در روز ۱۲بهمن و ۲۲بهمن سال ۵۷این راه را برگزیدند؟ مگر مردم ما فقط در روزهای ۱۰و ۱۱فروردین ۵۸ به صورت رسمی در رفراندوم و همه‌پرسی عمومی، نظام اسلامی را پذیرفتند؟ مردم ما در همان سال یک بار دیگر در انتخابات خبرگان به این نظام رای دادند و باز هم در همه‌پرسی قانون اساسی در سال ۵۸ انتخابات خود را تائید کردند و این اتفاق با انتخابات تکرار می‌شود.

رئیس شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: مسیر ما، مسیر انتخابات و انقلاب ما بر مبنای انتخاب بزرگ یک ملت در ۴۱سال پیش و در انتخاب‌های بعدی به وجود آمد و تکامل پیدا کرد؛ البته روشن است که در تمامی مقاطع از روز اول با دشمنان قسم خورده و سرسختی مواجه بودیم.

آمریکا خواب بازگشت به ایران را می‌بیند

وی خاطرنشان کرد: تاثیرانقلاب فقط در داخل ایران نبود. بر منطقه، جهان، عموم مسلمانان و آزادیخواهان هم بود.طبیعی است برای قدرتی چون آمریکا تحمل انقلاب اسلامی و پیروزی یک ملت بزرگ و بیرون راندن ابرقدرت آمریکا از این سرزمین غیر قابل تحمل باشد و طبیعی است که از ۴۱سال پیش هر شب خواب بازگشت به این سرزمین را ببینند.

رئیس جمهوری با تاکید بر این که دعوای ما با آمریکا دعوای انتخاب است، ادامه داد: ملت ایران همیشه و در همه موضوعات و مسائل مهم حق انتخاب دارد و دشمنان ما می‌گویند شما حق انتخاب ندارید. آمریکا به ما می‌گوید شما باید به گذشته و به ۴۱سال قبل بازگردید. سخن مردم ما این است که ما به عقب باز نمی‌گردیم و راه و مسیر ما برای تعالی و پیشرفت این کشور است.

وی با بیان این که دشمنی و کینه توزی آمریکا در طول ۴۱سال گذشته به شکل‌های مختلف ظهور و بروز پیدا کرد، اما راه انقلاب ما همان راه روز اول است، خطاب به جوانان ، دانشگاهیان و محققان گفت: یکبار دیگر سخن امام را در روز ۱۲بهمن ۵۷در بهشت زهرا بخوانید و دقت کنید آنچه امام روز اول به مردم گفت تا روز آخر و تا پایان عمر پربرکت خود پای آن کلام ایستاد. امام با مردم صادقانه رفتار و به وعده اش عمل کرد .

رئیس جمهوری در ادامه با اشاره به سخنان امام در ۱۲بهمن ۵۷،افزود: امام در بهشت زهرا به مردم گفت سرنوشت مردم در دست خود مردم است و مردم بر سرنوشت خود مسلط هستند، مجلس و دولت باید قانونی باشند و بنای نظام باید مبتنی بر قانون باشد و گفت ما دنبال استقلال فرهنگی و سیاسی در این کشور هستیم و با مظاهر تمدن و تجدد مخالف نیستم، ما با فحشا مخالف هستیم و گفت من به دلیل خواست مردم و به این دلیل که مردم من را قبول دارند دولت تعیین می کنم.

روحانی در ادامه گفت: مردم ما برای بدرقه شهید بزرگوارسردار سلیمانی به خیابان آمدند و از نیروهای مسلح و دولت انتقام خواستند. نیروهای مسلح ما به آنچه مردم خواستند عمل کردند. این که عین‌الاسد آمریکا در عراق موشکباران می‌شود، یعنی اجرای خواست مردم. مردم انتقام را خواستند نیروهای مسلح ما سخن مردم را به کرسی نشاندند.

نیروی مسلح، در کنار مردم است

وی اظهار داشت: آن روز که هواپیمایی در کنار فرودگاه ما، آسمان را نیلی کرد و قلب ما و رهبری را سوزاند، مردم از مسئولان عذرخواهی خواستند و نیروهای مسلح ما هم عمل کردند، صریحا از مردم



عذرخواهی کردند و به مردم قول دادند دقت خواهند کرد دیگر چنین اشتباهی هرگز تکرار نشود،نیروی مسلحی که با مردم است و به خواست مردم عمل می کند، نیروی مسلحی که در کنار مردم است؛ این همانی است که راه انقلاب اسلامی ما تعیین کرده است.

رئیس جمهوری با بیان این که به نکته بسیار مهمی اشاره کنم، افزود: جوانان و مردم عزیز ایران! گاهی سخنانی در رسانه‌ها مطرح می‌شود که با راه امام و انقلاب ما در تضاد است. یادتان نرود که امام همواره تأکید کرد و گفت "همه با هم" و این همه با هم یک استراتژی مهم انقلاب اسلامی بود.

هر وقت همه با هم بودیم، ۲۲ بهمن آفریده می‌شود. هر وقت همه با هم بودیم، آمریکا شکست خورده و هر وقت همه با هم بودیم شکوفایی در این کشور اتفاق افتاده است. نگذاریم عده‌ای بگویند این جناح یا آن جناح، نه، استراتژی ما همه با هم است همه در کنار هم باید از این کشور دفاع کنیم. همه با هم باید در برابر آمریکا بایستیم و همه با هم باید از حقوق ملت ایران دفاع کنیم، این انقلاب برای همه است، برای فرد و گروه خاص نیست.

در ۲۲ بهمن ۵۷ تمام ملت ایران احساس پیروزی کردند. نه این جناح یا آن جناح. در ۲۲ بهمن ۵۷ تمام اقوام و مذاهب احساس پیروزی کردند، شرق و غرب ایران، شمال و جنوب ایران و همه مردم.۳۶ میلیون جمعیت آن روز ایران، همه احساس پیروزی کردند.اگر کاری کنیم که همه ما احساس پیروزی بکنیم، آن کار " انقلابی" است. انقلاب یعنی همین. یعنی اقدامی کنیم به نفع همه ملت، اگر هر وقت اقدامی کردیم که ۸۳ میلیون را خوشحال کردیم، کار ما انقلابی است. هر وقت ۱۰ میلیون را خوشحال کردیم، ۱۰ میلیون را ناراحت کردیم و بقیه را مردد کردیم باید فکر کنیم کجای کار ما ایراد دارد. در بسیاری از موارد" این" یا "آن" نادرست است. مقاومت یا دیپلماسی، این یا آن غلط است. هر دو در کنار هم درست است ، هم مقاومت و هم دیپلماسی. شهید سلیمانی هم سردار میدان جنگ و هم یک دیپلمات ارشد در مذاکره بود. او در مسیر رفتن به جلسه گفتگو با نخست وزیر عراق شهید شد. او به سمت میدان جنگ نمی رفت، به سمت میدان دیپلماسی می رفت که شهید شد. او در میدان جنگ سردار قوی جنگ بود، در میدان مذاکره دیپلمات قدرتمند عزتمند بود.

وی گفت: همه ابعاد شهید سلیمانی را مد نظر قرار دهیم.

او دنبال جنگ در منطقه نبود. آمریکایی‌ها دروغ می گویند. شهید سلیمانی دنبال بی ثباتی در منطقه نبود ، او به دنبال ثبات بود، شهید سلیمانی به کمک مردم عراق و ارتش عراق به عراق ثبات داد، به سوریه و لبنان ثبات داد و به منطقه امنیت داد، شهید سلیمانی مرد جنگ و صلح بود، جنگی که به صلح منتهی شود و صلحی که آنچنان قوی باشیم که جنگی ایجاد نشود؛ قدرت و قوت ما از صلح حفاظت می کند.

تضعیف جمهوریت تقویت اسلامیت نیست

وی خاطرنشان کرد: ممکن است افرادی فکر کنند، ما باید جمهوری را تضعیف کنیم تا اسلامیت را تقویت کنیم؛ با کمال ادب و احترام به این دوستان عزیز می گویم،اشتباه‌می فرمایید؛ تضعیف جمهوریت، تقویت اسلامیت نیست؛ جمهوریت و اسلامیت در کنار هم هستند. این یا آن در اینجا درست نیست. بعضی جاها باید بین این یا آن، انتخاب کنیم؛ درست است؛ اما در بسیاری از موارد هم نباید بین این یا آن انتخاب کنیم؛ یا مقاومت یا دیپلماسی؛ نه ،هر دو. یا تعامل با جهان یا ایستادگی؛ نه ،هر دو. یا خودکفایی در داخل یا تجارت با خارج؛ نه ،هر دو.

اینجا، جاهایی است که این یا آن ناصحیح است و در تاریخ انقلاب هم امام به ما آموخت که اسلامیت در کنار جمهوریت است؛ امام به ما آموخت، دینداری در کنار مردمسالاری است؛ امام به ما آموخت پیشرفت در کنار عدالت است.

رئیس جمهوری یادآور شد: آمریکایی‌ها ، جایگاه و عظمت ملت ایران را درک نکرده‌اند. آمریکایی‌ها فکر می‌کنند با ۴۱سال تمدن مواجهند. خیر، آمریکایی‌ها با هزاران سال تمدن ایران مواجهند .آمریکا با نظام و با دولتمردان مواجه نیست. خطای آمریکا این است که با ۸۳میلیون جمعیت ایران مواجه است؛ مردم ما جایی که بحث ملت، انقلاب و منافع ملی باشد،یکپارچه و یکصداست.

رئیس دولت تدبیر و امید با بیان این که دولت، ملت، نیروهای مسلح، قوای سه گانه، همه و همه زیر پرچم جمهوری اسلامی و رهبری معظم انقلاب یکپارچه ایستادگی خواهند کرد، گفت: آمریکایی‌ها تصور می‌کردند مردم در نیازهای اساسی خود در برق، آب، نان، مواد غذایی ضروری، مدرسه، بهداشت با مشکل عظیم و بزرگی مواجه هستند. گفتند اگر سه ماه تحریم را ادامه دهیم مواد غذایی، دارو، در ایران پیدا نمی‌شود .آیا این چنین شد؟ در دو سال گذشته که در شدیدترین تحریم‌ها بودیم،مردم روزهای سختی را گذراندند،اما در طول ماه‌های اخیر دولت و ملت بر مشکلات روز به روز فائق‌تر آمدند و مشکلات را پشت سر می‌گذارند.

وی اظهارداشت: از متخصصین و کشاورزان و صنعتگران بپرسید امسال در بخش صنعت و کشاورزی رشد داریم یا نه؟ دو سال تحریم کامل، اما امروز مردم ما می‌بینند در بسیاری از مواد غذایی خودکفا هستند و در بعضی موادغذایی هم در مسیر خودکفایی قرار دارند.رئیس جمهوری اضافه کرد: مردم ما بدانند روزی که انقلاب پیروز شد تولید کشاورزی ایران ۲۶میلیون تن در سال بود و روزی که دولت یازدهم در سال ۹۲کار خود را آغاز کرد تولید مواد غذایی ۹۷میلیون تن بود و امروز تولید موادغذایی ما ۱۲۶میلیون تن است.

بقیه در صفحه ۴

صالحی: ایران در صیانت از امنیت خود تردید نمی کند

معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی‌ایران گفت: ایران در صیانت از امنیت خود در هیچ اقدامی‌تردید و کوتاهی نخواهد کرد.

به گزارش مهر، علی اکبر صالحی در سومین سمینار امنیت هسته‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌که با حضور وزرای خارجه، روسای سازمان‌های انرژی اتمی‌و دیگر مقامات از کشورهای مختلف در وین برگزار شد، با یادآوری اهمیت برجام به عنوان یک دستاورد بین المللی و انتقاد از آمریکا و سیاست‌های نابخردانه دولت حاکم در این کشور، مسئولیت اروپا به عنوان یکی از طرف‌های اصلی این توافق در حفظ آن و رهایی از سیاست‌های زورگویانه و یک جانبه آمریکا را به آنها یادآور شد.

وی با بیان این که حفظ برجام در نهایت تأمین کننده امنیت هسته ای و تلاش‌های بین‌المللی در این حوزه است، دولت آمریکا را مقصر اصلی شرایط موجود معرفی و رفتار غیر مسئولانه و نامعقول رژیم حاکم در آمریکا و اسرائیل را محکوم کرد و گفت: ایران در صیانت از امنیت خود از به‌کارگیری هیچ اقدامی‌تردید و کوتاهی نخواهد کرد.

وی با یادآوری چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی‌و رهایی از سلطه آمریکا، رفتار این کشور در عرصه بین المللی را تروریستی توصیف کرد و از آن جمله به شهادت سردار عزیز کشورمان، قاسم سلیمانی اشاره کرد و جدی بودن ایران در برخورد با هر گونه تجاوز از این قبیل و پاسخگویی متقابل را مورد تاکید قرار داد.

رئیس سازمان انرژی اتمی‌با ذکر اقدامات گسترده و در حال انجام کشور در حوزه امنیت هسته ای، خواهان برخورد جامعه جهانی با تهدیداتی چون حملات سایبری مانند ویروس «استاکس نت» به تاسیسات هسته‌ای ایران شد.

صالحی همچنین خواستار محکوم کردن و توقف حملات سایبری به تاسیسات هسته‌ای و اقدامات تروریستی مانند به شهادت رساندن دانشمندان هسته ای در ایران شد.

وی با یادآوری وظایف محوله به آژانس بر اساس منشور این سازمان، مسئولیت اولیه امنیت هسته‌ای را همچنان در حوزه دولت‌ها برشمرد و از آژانس بین المللی انرژی اتمی‌خواست نسبت به تضمین همکاری‌های بین المللی در حوزه امنیت هسته‌ای تمهیدات لازم رابیاندیشد و از آسیب رسیدن به این همکاری‌ها به بهانه امنیت هسته ای پیشگیری کند.رئیس سازمان انرژی اتمی‌با یادآوری و قدردانی از همکاری‌های آژانس با کشورمان در حوزه امنیت هسته ای به ذکر نمونه‌هایی از این همکاری‌ها پرداخت و در باره نحوه تامین امنیت سایت‌های هسته ای و ازجمله رعایت موازین آژانس پیرامون امنیت دو نیروگاه در حال ساخت بوشهر توضیحات لازم را ارائه کرد.

روسیه پیشنهاد آمریکا را خیالبافی خواند

نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین و آژانس بین المللی انرژی اتمی‌هم اعلام کرد: پیشنهاد آمریکا برای عقد توافقی با ایران به جای برجام خیال بافی است.

«میخاییل اولیانوف» در گفتگو با ریانووستی افزود: این پیشنهاد آنقدر غیرواقعی است که خود آمریکایی‌ها هم گفته اند تلاش برای هدف قرار دادن سه پرنده با یک سنگ است.

رئیس قوه قضائیه: جلوی افزایش کاذب قیمت‌ها گرفته شود

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه گفت: مسئولان باید با انجام وظایف خود و تشدید نظارت، به ویژه در ایام پایانی سال مانع افزایش کاذب قیمت کالاها شوند و اجازه ندهند مردم در این زمینه نگران شوند.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در جلسه شورای‌عالی قضایی با اشاره به گزارش هایی که درباره افزایش قیمت خودرو به دستگاه قضایی می‌رسد، این مسأله را امری غیرقابل قبول دانست و خواستار نظارت همه‌جانبه مسئولان وزارت صمت، سازمان تعزیرات و سازمان حمایت از حقوق مصرف کنندگان در این زمینه شد. وی، دستگاه قضا را از جلوه های مهم عدالت معرفی کرد و ازمسئولان قضایی خواست با احکام عادلانه و تصمیم گیری‌های بجا و به‌موقع و اقدامات امیدبخش در مردم، مسئولیت و مأموریت خود در تحقق این هدف مهم انقلاب اسلامی را ایفا کنند.

محاکمه «روح‌الله زم» به اتهام افساد فی الارض، جرائم امنیتی و توهین به مقدسات

سرویس حوادث:نخستین جلسه محاکمه «روح الله زم» مدیر شبکه معاند آمد نیوز در دادگاه انقلاب اسلامی برگزار شد.

در این جلسه به ریاست قاضی صلواتی،۱۷ بند اتهامی در کیفرخواست صادره برای روح‌الله زم توسط نماینده دادستان قرائت شد.

وزیری گفت:حسب محتویات پرونده متهم روح الله زم فرزند محمدعلی با اسم مستعار نیما، متولد ۵ مردادماه ۵۷ صادره از ری، متأهل، دارای دو فرزند، فوق دیپلم، مدیر کانال معاند آمد نیوز، بازداشت و دارای یک فقره سابقه کیفری، دارای وکیل به وکالت آقای دبیر دریابیگی و دارای پرونده شخصیت که بر اساس آن، مشارالیه دارای سلامت جسمی و روحی است.

وی سپس اتهامات روح الله زم را افساد فی الارض ، ارتکاب نشر اکاذیب به طور گسترده، معاونت در تخریب، معاونت در ایجاد اخلال در نظام اقتصادی کشور، تشکیل و اداره کانال معاند آمدنیوز و صدای مردم با هدف برهم زدن امنیت داخلی و خارجی کشور، جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی یکی از کشورهای منطقه، جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی کشور فرانسه در ابتدای سال ۹۷ تا زمان دستگیری، همکاری با دولت متخاصم آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی در نیمه دوم اسفند ماه سال ۹۶ تا زمان دستگیری، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، مشارکت در فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام، فعالیت در کانال معاند سحام نیوز با هدف بر هم زدن امنیت داخلی و خارجی کشور، مشارکت در اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار در دی ماه سال ۹۶ ، مشارکت در جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده با هدف برهم زدن امنیت کشور، مشارکت در نشر اکاذیب به طور گسترده، توهین به مقدسات اسلام، تحصیل مال از طریق نامشروع و شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله اتهام های متهم است.

وزیری ، ناامیدی، ایجاد تفرقه و ایجاد غفلت از دشمنی دشمن را از شگردهای دشمن در جنگ نرم برشمرد و گفت:این پرونده یکی از گسترده‌ترین ابعاد جنگ نرم است که توسط فردی به هویت روح الله زم فعالیت می کرده است. وی در دوران تحصیل خود به دلیل بی انضباطی مجبور به ترک دبیرستان و انتقال به یک دبیرستان دیگر شد و همزمان به فعالیت‌های پژوهشی، فیلمبرداری و تدوین مبادرت می‌کرد.

نماینده دادستان با تاکید بر این که متهم در سه حوزه با دولت متخاصم آمریکا همکاری کرده است، افزود: در نخستین مورد به واسطه ساغر کسرایی با کنگره آمریکا ارتباط برقرار کرد. در اواخر سال ۹۶ متهم به منظور ارتباط با سازمان امنیت آمریکا به واسطه فواد پاشایی با فردی به نام نیکولاس ارتباط گرفت که این ارتباط برای اعطای ویزای آمریکا به متهم و خانواده وی در ازای دادن اطلاعات و اخبار بوده است. متهم با استفاده از شبکه عوامل داخلی خود در ایران و عوامل مرتبط با خود ضمن ارسال مطالب به صورت غیر مستقیم به اف بی آی سعی در ارتباط گیری با اف بی آی داشته است و در ازای ارسال یک سند از وزارت اطلاعات به اف بی آی تقاضای ویزا می‌کند.

وی با اشاره به اظهارات متهم درباره ارتباط گیری با ساغر کسرایی ،ادامه داد: متهم می‌گوید شماره تلفن من را از امیرعباس فخرآور گرفت و جمعا ۵ ماه به طور متناوب ارتباط داشتیم. فواد گفت که در «ان اس ای» دوستی دارد که وکیل است و مقرر شده بود متهم در قبال ارائه اخبار واطلاعات موفق به دریافت ویزای آمریکا شود.

وزیری تاکید کرد: بر اساس اعترافات متهم نزد بازپرس، ضابط و سازمان اطلاعات سپاه، وهمچنین اسناد و مدارک به دست آمده، تحقیقات جامع بازپرس و شکایت شکات حقیقی و حقوقی، بزهکاری متهم محرز و مسلم است .

نماینده دادستان گفت:اتهامات ایشان در آن زمان نشر اکاذیب علیه امنیت داخلی و خارجی کشور بوده است و بزهکاری نامبرده محرز و کیفر وی مورد تقاضاست.

قاضی دادگاه سپس پایان نخستین جلسه محاکمه زم را اعلام کرد.

برگزیدگان سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر معرفی شدند

سرویس فرهنگی: آیین اختتامیه سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر عصر روز سه‌شنبه بیست‌ودوم بهمن ماه با اجرای محمدرضا شهیدی‌فرد در مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار شد.

در این مراسم دکتر ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر جشنواره، طی سخنانی گفت: حضور هنرمندان و همکارانمان را که تلاش کردند روزهای دلنشینی برای مردم سینمادوست فراهم شود، گرامی می‌دارم. او در ادامه شهادت سرداروطن شهید حاج قاسم سلیمانی را تسلیت گفت و برای بازماندگان از دست‌رفتگان سانحه هواپیمای اکراینی آرزوی صبر کرد. دبیر جشنواره فیلم فجر گفت: گفتگو، خواندن و شنیدن، راهکارهایی برای درک پیرامون و همدل شدن است. جشنواره فیلم فجر مثل هر عیدانه‌ای تمام افراد خانواده را دعوت می‌کند که با هم‌نشینی درک بهتری از هم به دست آورند. او گفت: جامعه ما برای اینکه کنار هم بودن را تجربه کند، همیشه به آیین‌هایی نیاز دارد و جشنواره فجر یکی از این آیین‌هاست. این رخداد فرخنده را به همه سینمادوستان تبریک می‌گویم و از هنرمندانی که به این رویداد گرمی بخشیدند، ممنونم. به امید روزهای بهتر برای ایران عزیزمان.

در بخش بعدی پس از پخش تیزر بخش مسابقه تبلیغات سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، برگزیدگان این بخش معرفی شدند.

سیمرغ بلورین بهترین عکس فیلم: مریم تخت‌کشیان برای فیلم غلامرضا تختی

سیمرغ بلورین بهترین پوستر فیلم: محمد تقی‌پور برای فیلم ۲۳نفر

سیمرغ بلورین بهترین تیزر و آنونس: امید میرزایی برای فیلم شاه‌کش

در بخش بعدی اهدای جوایز نوبت به اهدای جوایز بخش فیلم کوتاه، مستند و نگاه‌نو رسید.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم کوتاه: دابر ساخته سعید نجاتی

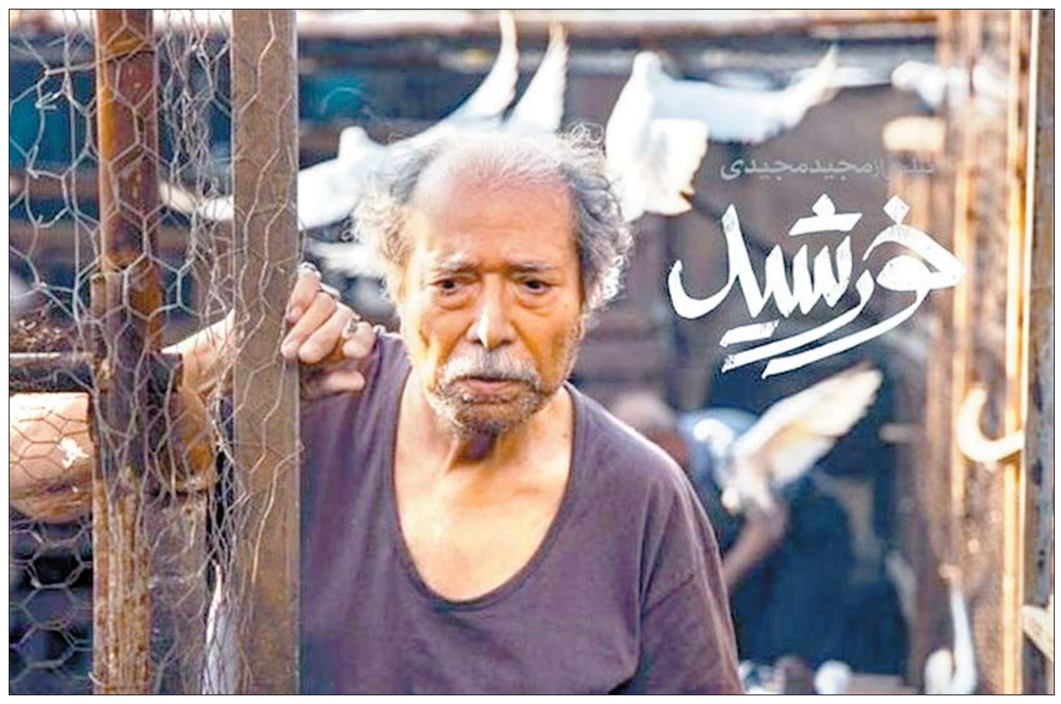
در ادامه جوایز بخش بهترین فیلم مستند بلند و بخش نگاه نو اعلام شد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم مستند بلند: جایی برای فرشته‌ها نیست ساخته سام کلانتری به تهیه‌کنندگی محمد شکیبانیا و محسن شاه‌محمدمیراب

سیمرغ بلورین بهترین فیلم بخش نگاه‌نو: سعید ملکان کارگردان و تهیه‌کننده فیلم روز صفر

در ادامه مراسم پایانی جشنواره فیلم فجر، پیروز حناچی شهردار تهران طی سخنانی گفت: ما تلاش کردیم مسایل و مشکلات در سطح شهر تهران را مد نظر داشته باشیم و جشنواره را فرصتی برای مطرح کردن آن بدانیم زیرا اگر آنها را رعایت کنیم شهر بهتری خواهیم داشت. هنر بهترین وسیله برای تاثیرگذاری است و ما نیز برای نجات بیشتر شهر از این وسیله استفاده کردیم.

در ادامه مراسم بزرگداشت فریدون جیرانی با حضور سیدغلامرضا موسوی و مهدی صباغ زاده از تهیه کنندگان و کارگردان سینما برگزار شد.موسوی در این بخش گفت:



«خورشید» بهترین فیلم جشنواره سی و هشتم شناخته شد



تقدیر ویژه سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر از فریدون جیرانی

صحبت کردن درباره فریدون جیرانی، سهل و ممتنع است. چون او استاد است و من و دوستان نزدیک برای خطاب کردن او از واژه استاد استفاده می‌کنیم. او فقط یک کارگردان، نویسنده و یا روزنامه‌نگار خوب نیست، بلکه او یک انسان خوب است. ما به‌راحتی توانستیم از خمس علم ایشان استفاده کنیم.

سپس با پخش کلیپی از سردار شهید سلیمانی جایزه این بخش که از امسال به این رویداد اضافه شده است،اهدا شد به «آبادان یازده ۶۰» به کارگردانی مهرداد خوشبخت و تهیه کنندگی حسن کلامی که با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان سینمایی و دبیر جشنواره فیلم و فجر و همچنین منوچهر شاهسواری و همایون اسعدیان؛ این تندیس اهدا شد.

سپس سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی گفت: بار دیگر و سال دیگر سینما و جشنواره فجر. سینما شاید نتواند دنیا را تغییر کند، ولی می تواند دریچه گفتگو را باز کند و امروز بیش از هر زمانی به گفتگو احتیاج داریم. در این ده روز با هم بودیم با هم به زبان سینما گفتگو کردیم.

وی افزود: فجر فرصتی یگانه برای گفتگوهای اجتماعی است. از سوی دیگر دوربین سینما ظرفیت ویژه‌ای برای عمیق دیدن دارد و ما به این زاویه‌های دید تازه نیازمندیم. ایران و انسان به این نگاه‌ها و چشم‌اندازها نگاه‌های جدی دارد. این جشنواره فرصتی برای دیدن، تبادل نظر و نقد است. سینما عشق مردم جهان و ایران است و جشنواره حسن مردم و سینماگران است. در این جشنواره مردم و سینماگران مهمان و میزبان هستند و همه در تکاپو هستند که خوب برگزار شود. امروز روز پایانی جشنواره است ولی چراغ سینما خاموش نشدنی است. سپاس از کسانی که این چراغ را روشن‌تر و روشن‌تر می‌کنند.

در ادامه با معرفی داوران بخش «سودای سیمرغ» نوبت به معرفی برگزیدگان این بخش رسید.

سیمرغ بلورین بهترین جلوه‌های ویژه بصری: محمد برادران برای فیلم «خروج»

سیمرغ بلورین بهترین جلوه‌های ویژه میدانی: محسن روزبهانی برای فیلم «روزصفر»

سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی: مهرداد میرکیانی برای فیلم «خروج»

سیمرغ بلورین بهترین طراحی لباس: امیر ملک‌پور برای فیلم «روزصفر»

سیمرغ بلورین بهترین طراحی صحنه: کیوان مقدم برای فیلم «خورشید»

سیمرغ بلورین بهترین طراحی صدا: مهدی صالح‌کرمانی صدابردار و آرش قاسمی صداگذار فیلم «شنای پروانه»

سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن: بامداد افشار برای فیلم «پوست»

سیمرغ بلورین بهترین تدوین: اسماعیل علیزاده برای «شنای پروانه»

سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری: مرتضی نجفی برای فیلم «تومان»

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن: طناز طباطبایی برای فیلم «شنای پروانه»

سیمرغ‌بلورین‌بهترین‌بازیگرنقش‌مکمل مرد: امیر آقایی برای فیلم «شنای پروانه»

در ادامه و قبل از معرفی برندگان سیمرغ نقش های اصلی، لوح تقدیر ویژه داوران بخش سودای سیمرغ به شمیلا شیرزاد، ابوالفضل شیرزاد، روح‌الله زمانی، سیدمهدی موسوی بازیگران کودک‌ونوجوان فیلم «خورشید» اهدا شد.

همچنین در ادامه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اصلی زن به نازنین احمدی برای فیلم «ابر بارانش گرفته» تعلق گرفت.

سیمرغ‌بلورین بهترین بازیگر نقش اصلی مرد نیز به پیمان معادی برای فیلم «درخت گردو» اهدا شد که جایزه او را محمد حسین مهدویان کارگردان این فیلم به همراه ژینا زاهدی بازیگر کودک این فیلم دریافت کرد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم هنر و تجربه هم به بهرام و بهمن ارک برای فیلم «پوست» تعلق گرفت.

سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه مشترک هم به نیما جاویدی و مجید مجیدی برای فیلم «خورشید» اهدا شد.

هم چنین سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیأت‌داوران به سعید ملکان برای فیلم «روزصفر» تعلق گرفت.

سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی نیز به محمدحسین مهدویان برای «درخت گردو» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم هم به فیلم «خورشید» به‌تهیه‌کنندگی امیر بنان و مجید مجیدی تعلق گرفت.

بهترین فیلم از نگاه ملی؛ «روز صفر»

بهترین فیلم از نگاه تماشاگران؛ «شنای پروانه»

توصیه حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی به رسانه‌ها

پیرو انتشار گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) از هشتمین نشست «مسأله فرهنگ» که در خانه کتاب برگزار شده بود، حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی با ارسال نامه‌ای خیرخواهانه از مضمون سخنان استاد دانشگاه آزاد اسلامی در این نشست انتقاد کردند.

در نامه آیت‌الله العظمی سبحانی خطاب به مدیر مسئول روزنامه اطلاعات آمده است: فراز نخست کلام حسن محدثی استاد دانشگاه آزاد اسلامی حاکی از آن است که رفتارهای حاکم بر جامعه ما که همان تربیت اسلامی است با عناصر فرهنگی ذاتی انسانی ایرانی در تضاد است یعنی در سرشت انسان ایرانی این نهفته است که رفتارهای اسلامی با فطرت او سازگار نیست و باید آنها را سرکوب کند.

ایشان با انتقاد از عباراتی نظیر «عرف سرکوبگر» نوشته‌اند: آیا قوانین حاکم بر کشور ما که نشریات باید بر آن اساس حرکت کنند، اجازه نشر این افکار را می‌دهد؟ و رسماً بگوید رفتارهای حاکم بر جامعه با فرهنگ انسانی در تضاد است؟

در این نامه از روزنامه خواسته شده از انتشار این مطالب جلوگیری شود.

یادآور می‌شویم آقای حسن محدثی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی است که سخنان و دیدگاه‌های ایشان توسط خبرگزاری‌های مختلف از جمله خبرگزاری مهر متعلق به سازمان تبلیغات اسلامی و خبرگزاری فارس، خبرگزاری جمهوری اسلامی و ... منتشر می‌شود و همچنین ایشان در برنامه و میزگردهای سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز حضور می‌یابد و دیدگاه‌هایش از تلویزیون پخش می‌شود. بدیهی است، منظور نامبرده از عبارت «عرف سرکوبگر» در نشست مربوطه، مطلقاً معنای «دین» ندارد بلکه منظور از عُرف، «فضا و فشار اجتماعی» است که منجر به تغییر رفتار می‌شود.

این عبارات در ادبیات علوم اجتماعی کاملاً مصطلح است که البته گاهی ممکن است منشاء سوءبرداشت شود. گفتنی است آقای حسن محدثی خود نیز پاسخ مشروحی به نامه حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی ارسال کرده که در رسانه‌های اجتماعی بازتاب یافته است و از آنجا که ما تذکر حضرت آیت‌الله را خیرخواهانه و بر اساس اصول اعتقادی می‌دانیم از انتشار سایر پاسخ‌های برخی متفکران دیگر نیز صرف‌نظر می‌کنیم.

روزنامه اطلاعات ضمن تشکر فراوان از تذکر خیرخواهانه حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی، نامه ایشان را عیناً برای مدیر محترم «خبرگزاری کتاب ایران» نیز ارسال می‌کند.

معاون وزیر علوم: باید نگاه عالمانه و واقع گرایانه به مسایل اجتماعی ایران داشت

نشست آینده اجتماعی ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی با حضور تنی چند از اساتید دانشگاه و علاقه‌مندان در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد .

دکتر مهدی اعتمادی فرد، رئیس دانشکده علوم اجتماعی با بیان اینکه اگر ما نتوانیم مسائل اجتماعی را به دقت مورد رصد قرار دهیم، امکان دست‌یابی به اهداف تمدن ساز را نخواهیم داشت، گفت: امیدواریم چنین نشست‌هایی فقط به منظور مرور آنچه در چهار دهه گذشته در انقلاب اسلامی گذشته است، نباشد و در خلال این نشست‌ها، برای حل مشکلات دوم قدم‌های جدی برداشته شود.

در ادامه حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی کرمی، مسئول نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران گفت: سال گذشته در چنین نشستی سوال اصلی این بود که رمز ماندگاری انقلاب اسلامی چیست؟ خوشبختانه در کنار پاسخ‌های خوبی که از اساتید دریافت کردیم، پاسخ مبسوط را از بیانیه گام دوم انقلاب دریافت کردیم.

وی افزود: انقلاب اسلامی ایران در سایه حفظ اصول خود پایدار است. انقلاب باید بماند و رسالت‌های خود را به پایان برساند. در بیانیه گام دوم آمده که رسالت اصلی انقلاب ما، دوگانه اسلام و استکبار است .

کرمی اظهارداشت: الآن باید بیشتر متمرکز شویم که پس از جا انداختن اصل حاکمیت دینی باید مرحله شفاف‌سازی و تثبیت را تبیین کنیم تا آماده گام‌های بعدی باشیم.وی ادامه داد: ما از مرحله حاکمیت اسلام گذشتیم هرچند متأسفانه در داخل گفتگوها زیاد است. یک بخشی فضای علمی کشور است که باید آسیب‌های آن شناسایی شود اما جایی که این مباحث در فضای سیاسی و احساسی و خارجی مطرح شود، باید تأمل کرد. انقلاب‌های فرهنگی مرگ ندارد و زمان نمی‌شناسد.بیانیه گام دوم یک بیانیه اثرگذار و ایده پرداز است که ما را به سوی مطالعه موضوعات جدید هدایت می‌کند.وی تأکید کرد: حوزه و دانشگاه باید موضوع اخلاق و معنویت را تبیین کنند. در اصل ماندگاری انقلاب اسلامی و اتصال آن به انقلاب جهانی حضرت مهدی هیچ جای تردیدی نیست. موضوع مهم همراهی نسل‌های آینده است که حتماً مورد پذیرش نسل‌های بعدی هم خواهد بود کما اینکه این انقلاب از ابتدا تحویل نسل‌های بعدی شده است.

دکتر مجید سرسنگی، معاون فرهنگی دانشگاه تهران هم در سخنانی گفت: متأسفانه مسائل و زمانه به‌گونه‌ای است که همچنان حرف‌ها در چنین نشست‌هایی یک شکل است و چندان اراده‌ای برای حل آنها نیست. وی تأکید کرد: یکی از مشکلات بحث جابه‌جایی خواص و عوام است یعنی انتظاراتی که از روشنفکران در این برهه می‌رود، شاید کمتر پاسخ گرفته می‌شود و بعضی از داده‌های ما واقعی نیستند و همه ما بیش از اندازه درگیر فضای مجازی شده‌ایم و همه دارای یک گفتمان واحد شده‌ایم.

وی افزود: متأسفانه بسیاری از تحلیل‌ها و آینده پژوهی‌ها در مورد جامعه ایران با تردید مواجه است. من به عنوان یک مدیر دانشگاهی چند مسأله مهم را در چهاردهه قبل می‌بینم که اگر به آنها توجه نکنیم، مشکلات تشدید می‌شود. یکی از آنها شکاف بین نظام و بخشی از مردم است که اگر ترمیم نشود آثار سود بسیاری خواهد داشت که در همین حوادث آبان ماه و قبل‌تر از آن، این نکته بارز بود.

سرسنگی گفت : نکته بعدی شکاف بین نهادهای وابسته به نظام و مردم است. الآن در دانشگاه، فضای گفتمان با دانشجو بسیار کم شده است، چون فرض دانشجو بر این است که مدیریت علیه ماست. این همان موردی است که قبل از انقلاب باعث اقدامات دانشجویان علیه رژیم سابق شد.

سرسنگی ادامه داد: نکته بعدی مخدوش شدن الگوها در نظام است. هر نظامی نیازمند قهرمانان ملی است متأسفانه در این زمینه خیلی آسیب دیده ایم. متأسفانه افرادی که در این جایگاه معرفی شدند بنا به دلایلی رفتاری معارض ارزش‌های جامعه نشان می‌دهند که باعث فروپاشی بحث الگوسازی می‌شود. در مورد شهید سلیمانی واقعا این بحث قهرمان ملی اتفاق افتاد که آیتی از سوی خداوند بود که سبب شد مردم این شهید را به عنوان یک الگو و قهرمان ملی پذیرفتند اما ما چند نفر مثل شهید سلیمانی می‌توانستیم تربیت کنیم که هم در نظام و هم بین مردم باشند؟

معاون فرهنگی دانشگاه تهران گفت: نکته بعدی ایجاد فضایی برای اظهار حرف مردم است. ما از اینکه نگذاشتیم مردم از کانال های صحیح اظهار عقیده کنند، ضربه دیدیم.

وی افزود: مسأله بعدی، تفاوت بین نظر و عمل در ساختار حکومت است. حرف‌های خیلی خوب زده می‌شود ولی در عمل هیچ نشانه‌ای از این حرف‌ها نیست. الآن آیا واقعاً آنچه در جامعه می‌گذرد، همان منویات مقام معظم رهبری است؟ رهبری یک محور و استوانه است که همه مردم ایران زیر خیمه ایشان جای می‌گیرند. ایشان رهبر همه سلیقه‌ها است.

دکتر غلامرضا غفاری، معاون فرهنگی وزیر علوم هم در ادامه گفت: باید با نگاهی واقع‌گرایانه و عالمانه، آنچه در حوزه مسائل اجتماعی پیش رو داریم در دهۀ پنجم انقلاب اسلامی، تبیین کنیم. بیانیه گام دوم دارای وجوه‌های چندگانه و بحث‌های گفتمانی و سیاستی است. وی افزود: مناسبات حاکم بر جامعه امروز ما حتی با یک دهه گذشته، متفاوت است. به طور مثال اگر فقط یک بحث جمعیتی را در نظر بگیریم، این موضوع توأمان برای جامعه ایران فرصت و تهدید هست، اگر برای آن نظام تدبیری نداشته باشد. معاون وزیر علوم ادامه داد: ما با تغییرات گسترده‌ای مواجه‌ایم. در جامعه با یک جمعیت معلقی مواجه‌ایم که حالت واحد را ندارند در همین موضوع انتخابات، در پرشورترین انتخابات هم باز یک جمعیت ۱۴ و ۱۵ میلیونی را داشته‌ایم که مشارکتی نداشته‌اند. در تعیین مسائل اجتماعی باید این مسائل را دید.

برگزاری نشست‌های پژوهشی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر

نشست‌های پژوهشی از برنامه‌های سی و پنجمین جشنواره فجر، از ۲۶ تا ۳۰ بهمن‌ماه در سالن باربد فرهنگستان هنر، برگزار می‌شود.

نخستین نشست، با موضوع "بررسی مرز حرمت در موسیقی از نگاه اسلام" با سخنرانی محمدحسین نواب و مهدی همازاده ابیانه روز شنبه ۲۶ بهمن‌ماه، دومین نشست با عنوان "بررسی بداهه‌نوازی در موسیقی ایران" با سخنرانی هوشنگ فرهانی و محمود بالنده روز یکشنبه ۲۷ بهمن، "روند ترانه‌سرایی در تاریخ موسیقی ایران" با سخنرانی عبدالجبار کاکایی و محمد مفتاحی روز دوشنبه ۲۸ بهمن، "تأثیر فضای مجازی بر هنر موسیقی و رسانه‌ها" با سخنرانی حامد عنقا و امیر ناظمی روز سه‌شنبه ۲۹ بهمن و نشست "بررسی سیر تغییرات موسیقی پاپ در سه دهه اخیر" با سخنرانی بهروز صفاریان و محسن رجب پور روز چهارشنبه ۳۰ بهمن‌ماه برگزار می‌شود.

نشست‌های پژوهشی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر ۲۶ تا ۳۰ بهمن‌ماه ساعت ۱۵ تا ۱۷ در سالن باربد فرهنگستان هنر واقع در تقاطع خیابان ولیعصر و خیابان طالقانی برگزار می‌شود و "علی جعفری" کارشناس مجری برنامه است.

«انگل» برنده چهار جایزه اسکار شد



فیلم بونگ جون هو اولین فیلم خارجی‌زبان است که در تاریخ جوایز آکادمی علوم و هنرهای سینمایی جایزه اسکار بهترین فیلم را دریافت می‌کند.

به گزارش هنرآنلاین، مراسم اعطای نود و دومین دوره جوایز اسکار دوشنبه به‌وقت ایران در دالبی تیه‌تر در هالیوود، لس آنجلس و کالیفرنیا برگزار شد و برنده‌های ۲۴ بخش معرفی شدند.

فیلم کره‌ای "انگل" به کارگردانی بونگ جون هو که شش نامزدی به دست آورده بود، با دریافت چهار جایزه اسکار شامل بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلم بلند بین‌المللی و بهترین فیلمنامه غیراقتباسی، فاتح این دوره جوایز سالانه آکادمی علوم و هنرهای سینمایی شد.

"انگل" برای دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم رقبایی شامل "۱۹۱۷"، "روزی روزگاری در هالیوود"، "ایرلندی"، "جوکر"، "داستان ازدواج"، "فورد در برابر فراری"، "جوجو خرگوش" و "زنان کوچک" را پیش روی خود داشت.

فیلم جنگی "۱۹۱۷" که با ۱۰ نامزدی مدعی اصلی جوایز اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی بود در سه بخش بهترین فیلمبرداری برای راجر دیکنز، بهترین جلوه‌های تصویری و بهترین صداگذاری اسکار گرفت. "۱۹۱۷" پیش از مراسم اسکار جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم درام، جایزه انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا و جایزه بفتا بهترین فیلم را دریافت کرده بود.

به‌جز "انگل" و "۱۹۱۷" سه فیلم بیش از یک جایزه دریافت کردند. "جوکر" به کارگردانی تاد فیلیپس که با ۱۱ نامزدی ازجمله در بخش بهترین فیلم پیشتاز نامزدهای نود و دومین دوره جوایز اسکار بود در دو بخش بازیگر مرد برای واکین فینیکس و بهترین موسیقی برای هیلدور گودنادوتیر آهنگساز ایسلندی برنده شد. گودنادوتیر هفتمین زنی است که در تاریخ اسکار در بخش موسیقی نامزد شده و اولین آهنگساز خانم است که در بیش از ۲۰ سال گذشته این جایزه را گرفته است.

"روزی روزگاری در هالیوود" به کارگردانی کوئنتین تارانتینو که با ۱۰ نامزدی در کنار فیلم‌های "۱۹۱۷" و "ایرلندی" مارتین اسکورسیزی بعد از "جوکر" بیشترین نامزدی را کسب کرده بود، جوایز بهترین بازیگر مرد مکمل برای برد پیت و بهترین طراحی صحنه را به خانه برد.

"فورد در برابر فراری" به کارگردانی جیمز منگولد با بازی مت دیمن و کریستین بیل نیز جوایز بهترین تدوین و بهترین تدوین صدا را دریافت کرد.

جایزه بهترین بازیگر زن به رنی زلوگر برای بازی در نقش جودی گارلند در "جودی" رسید و لورا درن برای بازی در نقش یک وکیل طلاق در "داستان ازدواج" جایزه بهترین بازیگر زن مکمل را برد.

جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی به تایکا وایتیتی برای "جوجو خرگوش" اعطا شد. "کارخانه آمریکایی" اسکار بهترین مستند بلند را گرفت و جایزه اسکار بهترین فیلم بلند انیمیشن به "داستان اسباب‌بازی ۴" از پیکسار رسید.

"ایرلندی" اسکورسیزی با وجود ۱۰ نامزدی جوایز اسکار را دست خالی ترک کرد.

نوید محمدزاده جایزه ویژه تئاتر فجر را گرفت

مراسم اختتامیه سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر با میزبانی تالار وحدت برگزار شد.

به گزارش مهر، سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر با دبیری نادر برهانی مرند به ایستگاه پایانی رسید و با برگزاری مراسم اختتامیه در تالار وحدت، آخرین بخش را که اختصاص به معرفی برگزیدگان بخش رقابتی جشنواره سی و هشتم دارد، تجربه کرد.

در این مراسم که با اجرای محمد سلوکی همراه بود، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون هنری وزیر ارشاد، مدیرکل هنرهای نمایشی، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، مدیرعامل بنیاد رودکی، مدیران و هنرمندان تئاتر و همچنین گروه‌های شرکت کننده در جشنواره سی و هشتم تئاتر فجر حضور داشتند .

نادر برهانی مرند دبیر سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روی صحنه حضور پیدا کرد و گفت: به همه هنرمندان عزیز تئاتر چه آنها که در جشنواره حضور داشتند و چه عزیزانی که به جشنواره نیامدند، سلام می‌کنم. امسال با یاری اصحاب رسانه ما در جشنواره‌ای که همپوشان با جشنواره فیلم فجر بود، تنها نبودیم.

بعد از سخنان دبیر جشنواره، کلیپ سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در تالار وحدت پخش شد.

در ابتدا جوایز بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به نمایش‌های «برگشتن» حسین مسافرآستانه، «دست‌هایت کو مم حسن» رضا کرمی زاده از یاسوج و «کوچه مختار بود، ساسان بود و سیمین» از بوشهر اهدا شد.

سپس برگزیدگان بخش پوستر و اقلام تبلیغاتی و عکس جشنواره سی و هشتم معرفی شدند. در بخش عکس، ضمن تقدیر از مرجانه حسین پور و مهدی مصباحی، رتبه سوم به علی اصغر خوشکار، رتبه دوم به مریم قهرمانی زاده و رتبه اول به کیارش مسیبی رسید.

در بخش پوستر رتبه سوم به مهدی دوایی، رتبه دوم به مهدی رایگانی و رتبه اول به مریم برادران رسید.

در بخش اقلام تبلیغاتی هم سهیل دانش اشراقی و پیام قربانی برای تیزر نمایش «قحطی زدگان»، ایمان عرضی برای پک کامل تبلیغاتی نمایش «شاه کشی» و محمدباقر کشاورز کرمانی برای تیزر نمایش «برف» به ترتیب رتبه‌های سوم تا اول را از آن خود کردند.

سپس برگزیدگان بخش رادیوتئاتر جشنواره سی و هشتم معرفی شدند. در بخش افکت زنده نرگس موسی پور، در بخش تهیه کنندگی امیرهوشنگ کریم نیا، در بخش بازیگری زن ام البنین کوهستانی از بیرجند، در بخش بازیگری مرد بهرام سروری نژاد، در بخش نمایشنامه نویسی سمیه محسنی‌نیک از بیرجند برگزیده شدند و در بخش کارگردانی با اهدای لوح تقدیر به حمیدرضا سلحشور از بیرجند، داریوش شهبازی برگزیده شد. نمایش رادیویی «آهسته با گل سرخ» به عنوان اثر برگزیده این بخش از جشنواره معرفی شد.

در ادامه مراسم کلیپ آیین نکوداشت آندرانیک خچومیان، حسین عاطفی، کریم اکبری مبارکه و مهدی لزیری از هنرمندان تئاتر پخش شد و با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیرکل هنرهای نمایشی، مشاور معاون هنری وزیر ارشاد و دبیر جشنواره سی و هشتم از این هنرمندان تجلیل شد.

در این بخش حسین عاطفی گفت: از جهان هستی سپاسگزارم که اندک استعدادی در من گذاشت تا بتوانم در تئاتری کار کنم که از تبعیض و حسادت و ... خالی است. با «محاکمه ژاندارک» رکن الدین خسروی و «گالیله» حمید سمندریان کار تئاتر را شروع کردم که هیچگاه مجوز نگرفتند. امیدوارم زنده بمانم و ببینم به نام عصمت صفوی، لورتا و جمیله شیخی سالن‌های تئاتری تأسیس شوند. جای تمام پیشکسوتان تئاتر ایران در سالن خالی است. کریم اکبری مبارکه هم در شرایطی که بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بود، با بغضی که در گلو داشت گفت: اگر اینجا هستم به خاطر اساتیدی نظیر سمندریان است که اینجا ایستاده ام.

لزیری نیز در سخنانی کوتاه از همه هنرمندان خواست که همه با هم باشند .

خچومیان نیز در ادامه گفت: در سال‌های اخیر جوانان زیادی جذب تئاتر شده اند که عاشق تئاتر هستند و این عاشقی به دیوانگی شان ختم شده است. از مسئولان می‌خواهم که از این جوانان حمایت کنند زیرا آینده تئاتر ایران را این جوانان عاشق می‌سازند.

سپس برگزیدگان بخش نمایشنامه نویسی جشنواره سی و هشتم تئاتر فجر معرفی شدند.

در این بخش، رتبه سوم به مهدی افشار قهرمانی برای نمایشنامه «راهبان مجسمه گچی»، رتبه دوم به مرضیه شاهدادی برای نمایشنامه «ابراهیم» و رتبه اول به محمدصادق گلچین عارفی برای نمایشنامه «سیزیف» اهدا شد.

سپس برگزیدگان بخش به علاوه فجر این دوره از جشنواره معرفی شدند. مهدی کیهان نژاد و فردین افشارفر برای نمایش «منداب»، فرانک فروتن برای نمایش «مثل خاراندن زخم بعد از خوب شدن» و متین اوجانی برای نمایش «رهایی از شائولین» لوح تقدیر و جایزه نقدی این بخش را دریافت کردند.

ادامه مراسم اختصاص به معرفی برگزیدگان بخش رقابتی تئاتر خیابانی جشنواره تئاتر فجر داشت.

در بخش موسیقی احمد صمیمی و امیرمحمد انصافی برای نمایش «دستکاری»، در بخش طراحی فضا سمیه مهری برای نمایش «سیرک»، در بخش بازیگری مرد سامان شکیبا برای نمایش‌های «سیرک» و «میمون کشی»، در بخش بازیگری زن مرجان آقانوری برای نمایش «میمون کشی»، در بخش طرح و ایده پردازی مارال ایزدبخش و رضا بهرامی برای نمایش «قهرمان کیست» و در بخش کارگردانی سمیه مهری برای نمایش «سیرک» برگزیده شدند.

جایزه ویژه هیأت داوران بخش خیابانی جشنواره سی و هشتم تئاتر فجر به گروه نمایش خیابانی «قهرمان کیست» و جایزه بزرگ هیأت داوران این بخش به سمیه مهری برای کارگردانی نمایش خیابانی «سیرک» اهدا شد. همچنین ستاد برگزاری جشنواره از حمیدرضا اردلان سرپرست گروه نمایش خیابانی «تنها یک زمین داریم» قدردانی ویژه انجام داد.

در بخش مسابقه صحنه‌ای سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر کاندیداها و برگزیدگان به شرح ذیل معرفی شدند :

طراحی حرکت:مجتبی رستمی فر برای طراحی حرکت نمایش «همه فرزندان مکبث» از اهواز (برگزیده)، سعید اسد سنگابی برای «ننه مده آ» از فسا و محمدرضا فرجی برای «در دهانم حرف بزن» از بندر دیر.



طراحی نور: رضا خضرایی برای طراحی نور نمایش‌های «بیگانه درخانه» و «کریم لوژی» از تهران (لوح تقدیر)، احسان طاهری برای «چند روایت نامعتبر از آنچه نمی دیدیم» از ارومیه، علیرضا میرانجم برای «است» از تهران ، ایمان نخلستانی برای «همه فرزندان مکبث» از اهواز (برگزیده) و فرشاد نصیری برای «شازده احتجاب» از تهران.

طراحی صدا و آرایه های صوتی: علیرضا اکبریان برای طراحی صدای نمایش «بیگانه در خانه» از تهران (برگزیده)، بهرام بهاری برای «رسن های گور» از بیجار، مهرداد حبیبیان برای «باق وحش» از شهرکرد و آرمین خیر دان برای «شاه ماهی» از تهران (لوح تقدیر).

طراحی گریم: ماریا حاجیها برای طراحی گریم نمایش «کریم لوژی» از تهران (لوح تقدیر)،فاطیما حزباوی برای «همه فرزندان مکبث» از اهواز (برگزیده)،مریم رخام برای «چند روایت نا معتبر از آنچه نمی دیدیم» از ارومیه و عباس قنبری برای طراحی گریم نمایش «در دهانم حرف بزن» از بندر دیر.

موسیقی: حسین اصیلی برای موسیقی نمایش «دست‌هایت کو مم حسن» از یاسوج، امیرحسین الله دادی برای «بیگانه در خانه» از تهران،بهزاد بختیاری برای «شازده احتجاب» از تهران،فرشاد دهنوی برای «مارلون براندو» از تهران (لوح تقدیر)، بهرنگ عباس پور برای «تنها خرچنگ خانگی لای ملافه‌ها لانه می‌کند اتللو» از تهران،مهرداد علی پور برای «صدمین سالگرد فتح گریه» از گچساران و بهفر کایدی برای «همه فرزندان مکبث» از اهواز.

طراحی لباس:پگاه ترکی برای طراحی لباس نمایش «کریم لوژی» از تهران،سارا حسین پور برای «همه فرزندان مکبث» از اهواز (لوح تقدیر)، عمادالدین رجبلو برای «متساوی الساقین» از گرگان،افشین زمانی برای «شازده احتجاب» از تهران، مقدی شامیریان برای نمایش‌های «تنها خرچنگ خانگی لای ملافه‌ها لانه می‌کند اتللو» و «مارلون براندو» از تهران (برگزیده) وشیما میرحمیدی برای «شاه ماهی» از تهران.

طراحی صحنه:پوریا اخوان برای طراحی صحنه نمایش «است» از تهران، روحان امامی برای «شاه ماهی» از تهران (لوح تقدیر)، ابراهیم پشت کوهی برای «تنها خرچنگ خانگی لای ملافه‌ها خانه می‌کند اتللو» از تهران، عمادالدین رجبلو برای «متساوی الساقین» از گرگان، مجتبی رستمی فر برای «همه فرزندان مکبث» از اهواز (برگزیده)،مهرداد علی پور برای «صدمین سالگرد فتح گریه» از گچساران و مریم کلانتری برای «چند روایت نامعتبر ازآنچه نمی دیدیم» از ارومیه

بازیگری زن:الناز حبیبی برای بازی در نمایش «شاه ماهی» از تهران،شیرین دژاگاه برای «همه فرزندان مکبث» از اهواز،الهام شعبانی برای «کمیته نان» از تهران، یلدا عباسی برای نمایش‌های «کمیته نان» و «مارلون براندو» از تهران (لوح تقدیر)،آرزو عبدالهی برای «باق وحش» از شهرکرد (لوح تقدیر) و رومینا مومنی برای «بیگانه در خانه» از تهران (برگزیده).

بازیگری مرد: امین ابراهیمی برای بازی در نمایش «قزل حصار» از کوهدشت، امیر جدیدی برای «شاه ماهی» از تهران (برگزیده)، مجید رحمتی برای «کریم لوژی» از تهران (لوح تقدیر)، علی شادمان برای «شاه ماهی» از تهران (لوح تقدیر)، مهرداد فلاحی برای «ژنتیک ...» از مشهد، علی پویا قاسمی برای «شازده احتجاب» و «مارلون براندو» از تهران و نوید محمدزاده برای بازی در نمایش «بیگانه در خانه» از تهران (جایزه ویژه).

محمدزاده در این بخش از مراسم و در حالی که تحت تأثیر قرار گرفته بود، تأکید کرد: من بیش از ۳۰جایزه سینمایی گرفته ام و همیشه گفته ام که من بچه تئاتر هستم و خیلی خوشحالم که تئاتری بودن من را تأیید کردید و این جایزه خیلی برای من ارزشمند است.

وی رو به محمد مساوات گفت: من این جایزه را نه به خاطر نوید محمدزاده بودن بلکه به خاطر نقشی که تو خلق کردی گرفتم. تو برای تئاتر یک نعمت بزرگ هستی.

نمایشنامه نویسی: عماد الدین رجبلو برای نگارش نمایشنامه «متساوی الساقین» از گرگان (لوح تقدیر)، مهران رنجبر برای «کریم لوژی» از تهران، احمد سلگی و رضا بهاروند برای «شاه ماهی» از تهران (لوح تقدیر)، مهسا غفوریان برای «ژنتیک ...» از مشهد و سیدمحمد مساوات «بیگانه در خانه» از تهران (برگزیده).

کارگردانی: رضا بهاروند برای کارگردانی نمایش «شاه ماهی» از تهران (لوح تقدیر)،رضا بهرامی برای«کریم لوژی» از تهران، عماد الدین رجبلو برای«متساوی الساقین» از گرگان، مجتبی رستمی فر برای «همه فرزندان مکبث» از اهواز (لوح تقدیر)، افشین زمانی برای «شازده احتجاب» از تهران، مهسا غفوریان برای «ژنتیک ...» از مشهد (جایزه ویژه)، سیدمحمد مساوات برای «بیگانه در خانه» از تهران (برگزیده) و نمایش «بیگانه در خانه» به کارگردانی سیدمحمد مساوات جایزه بزرگ سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر را از آن خود کرد.

دستورالعمل اجرای صحیح شیوه‌نامه انضباطی به دانشگاه‌ها ابلاغ شد

رئیس سازمان امور دانشجویان اعلام کرد: برای جلوگیری از تضییع حقوق دانشجویان، دستورالعملی برای وحدت رویه و اجرای صحیح آیین نامه و شیوه نامه انضباطی به دانشگاه ها ابلاغ شد.

مجتبی صدیقی در گفتگو با مهر درباره ابلاغ دستورالعمل برای شورای‌های انضباطی دانشگاه‌ها برای وحدت رویه و اجرای صحیح آیین نامه و شیوه نامه گفت: چون تفسیرهای متفاوتی ممکن است از ماده و بند های شیوه نامه انضباطی صورت گیرد، فرم های وحدت رویه ای تنظیم شده است که در آن توضیح داده است که برای هر بند و ماده باید از چه فرمی استفاده شود. وی ادامه داد: به عنوان مثال اگر دانشجویی به شورای انضباطی احضار می شود مشخص شده که چه بند و چه فرمی را باید تکمیل کند . رئیس سازمان امور دانشجویان افزود: دراین فرم حقوق دانشجویان پیش‌بینی و اعلام شده است به عنوان مثال اعلام شده دانشجویی که احضار شده از چه امکانی می تواند استفاده کند یا اگر به عنوان مثال قرار است مدارکی جمع شود، حراست چگونه فرم ها را تکمیل کند در مجموع می توان گفت این بندها به صورت یکسان در دانشگاه ها اعلام شده تا استفاده و اجرا شود و از تضییع حقوق دانشجو جلوگیری شود.

فراخوان پذیرش بدون آزمون برگزیدگان علمی

دانشگاه تربیت مدرس در دوره‌های دکتری تخصصی سال ۱۳۹۹از طریق آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان، دانشجو می‌پذیرد.

به گزارش ایسنا، دانشگاه تربیت مدرس به منظور فراهم کردن زمینه جذب برگزیدگان علمی و مستعد از بین دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی کشور، به استناد آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های "پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی دکتری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری" و "شیوه‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان (برگزیدگان علمی) مصوب شورای دانشگاه"، برگزیدگان علمی واجد شرایط عمومی و اختصاصی را در دوره‌های دکتری تخصصی سال ۱۳۹۹پذیرش می‌کند.

داوطلبان واجد شرایط حداکثر تا پایان روز جمعه ۱۶اسفند ۹۸مهلت دارند تا نسبت به ثبت نام الکترونیکی از طریق سامانه گلستان دانشگاه اقدام کنند. نتیجه بررسی اولیه درخواست متقاضیان و راه یافتگان به جلسه آزمون شفاهی در اردیبهشت‌ماه ۹۹ از طریق سامانه مذکور اعلام می شود.

آمریکا معافیت تحریمی عراق برای ایران را تمدید می کند

یک خبرگزاری آمریکایی به نقل از مقامات عراقی نوشت: واشنگتن در نظر دارد معافیت تحریمی این کشور بـــرای واردات گاز و برق از ایران را تمدید کند.

به گزارش فارس، منابع عراقی می گویند دولت ایالات متحده از تمایل خود برای تمدید معافیت‌های تحریمی بغداد در تعاملات تجاری با ایران خبر داده است.خبرگزاری « آسوشیتدپرس» به نقل از ســـه مقام عراقی نوشت: واشنگتن مایل است معافیت‌های عراق بـــرای تداوم واردات «حیاتی» گاز و بـــرق از ایران را تمدید کند. معافیت تحریمـــی قبلی که در ماه اکتبر داده شـــده بود، در تاریخ سیزدهم فوریه (بیست‌وچهارم‌بهمن)منقضی می‌شود. به‌نوشته آسوشیتدپرس،سه مقام عراقی می‌گویند وزارت خارجه آمریکا که مســـئول صدور چنین معافیت‌های تحریمی در دولت واشنگتن است، آمادگی خود را برای تمدید معافیت عراق (بـــرای واردات گاز و برق از ایران) به مدت سه ماه دیگر به بغداد اعلام کرده است.

بر این اساس، یکی از این مقامات عراقی، که نامش فاش نشد، توضیح داد: طرف آمریکایی آمادگی خود را به ما اعلام کرد.

آسوشیتدپرس مدعی است این ســـه مقامی که با آنها مصاحبه کرده، همگی از مسئولان ارشد دولت عراق هستند که یکی از آنها به تیم مذاکره‌کننده با آمریکا هم نزدیک است.

بر این اســـاس، مقامات عراقی مذکور تمدید معافیت‌های تحریمی این کشـــور را آزمونی برای روابط واشنگتن- بغداد می‌دانند.

پیشتر نشـــریه «وال‌استریت ژورنال» با اعلام چنین خبری نوشته بود، آمریکا از عراق خواســـته برای «اســـتقلال» از ایران به سمت انعقاد قرارداد با شـــرکت‌های آمریکایی حرکـــت کند. یکی از این قراردادها، توافق ۵۰میلیارد دلاری با شـــرکت «اکسون موبیل» آمریکاست.

رشد ۷/۵ درصدی ورود کشتی‌های اقیانوس‌پیما به بنادر ایران

۱۳۰ میلیون تن انواع کالا در بنادر تجاری کشور از ابتدای امسال تا نیمه بهمن تخلیه و بارگیری شـــد که نســـبت به مدت مشابه سال قبل ۷/۵ درصد رشد داشته است.

محمد راستاد معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل سازمان بنادر و دریانوردی با اعلام این مطلب از رشد ۲/۵ درصدی صادرات و واردات غیر نفتی طی ۱۰ ماه گذشته در بنادر بازرگانی ایران و افزایش ۷/۵ درصدی ورود کشتی‌های اقیانوس‌پیما به بنادر تجاری خبر داد و گفت: پهلوگیری و ترافیک ۸ هزار فروند انواع کشتی‌های اقیانوس پیما به بنادر ایران طی ۱۰ ماهه گذشته نشان می‌دهد که هیچ یک از اهداف و اغراض دشمنان در تحریم‌های ایران موثر نبوده است. به گزارش روابط عمومی سازمان بنادر و دریانوردی، وی با اشاره به اینکه تردد کشتی‌های تجاری در آب‌های ایران در شرایط کاملا ایمن انجام شده است، اظهار داشت: سازمان بنادر و دریانوردی برای رفع وابستگی و تامین تجهیزات مورد نیاز این سازمان از توان داخلی گام بزرگی برداشته، از این رو در سال رونق تولید داخلی و حمایت از شرکت های سازنده ایرانی، ۷۶۷ قطعه مورد نیاز بندری و دریایی با استفاده از توان داخلی تولید شده است.

مدیرعامل ســـازمان بنادر و دریانوردی گفت: در سال جاری ۱۸ دستگاه آرتی جی به عنوان تجهیزات استراتژیک بندری با ۲۱ میلیون یورو سرمایه گذاری در داخل کشور ساخته و در بنادر کشور به کارگرفته شد.

وی همچنین گفت: در اجلاس ســـالانه آیمو با حضور ۱۸۴ عضو این سازمان جهانی، اقدامات غیر قانونی آمریکا در اعمال فشار و تهدید به حمل و نقل دریایی ایران را گوشزد کردیم.

تسویه ۵ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به تامین اجتماعی

رئیس ســـازمان برنامه و بودجه کشـــور پرداخت ۵ هزار میلیارد تومان از بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت به دانشگاه‌های علوم پزشکی را ابلاغ کرد.

به گزارش فارس، به نقل از روابط عمومی و امور بین الملل سازمان برنامه و بودجه کشور، محمدباقر نوبخت معاون رئیس‌جمهوری در اجرای مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی، پرداخت ۵ هزار میلیارد تومان از بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی را برای پرداخت به دانشگاه‌های علوم پزشکی ابلاغ کرد.به موجب این ابلاغ، مبلغ مذکور به منظور تسویه بدهی به شرکت‌های دارویی و تجهیزات پزشکی و بیمه‌ها هزینه خواهد شد.

زنگنه: خرید تضمینی کالاهای مورد نیاز صنعت نفت در دستور کار است

_خرید تضمینی محصولات صنعتی مورد نیاز صنعت نفت در دستور کار است و امیدواریم تا پایان امسال وارد فاز اجرایی شویم

_در چارچوب توســـعه و تعمیق ســـاخت داخل به عنوان یکی از محورهای برنامه امسال وزارت صنعت،میزان داخلی سازی کالاهای وارداتی از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار عبور کرد.

این مطالب از سوی وزرای نفت و صنعت، معدن و تجارت در مراسم امضاء تفاهمنامه تولید کک اسفنجی و سوزنی که برای نخستین بار با همکاری پژوهشگاه صنعت نفت، مجموعه صنعتی ایمیدرو و واحد صنعتی تولید کک در پالایشـــگاه های بندرعباس و امام خمینی شازند انجام می‌شـــود، اعلام شد.کک اسفنجی و سوزنی یکی از مواد اولیه لازم برای فعالیت واحدهای صنعتی و معدنی در کشور است که از این پس با همکاری مشترک میان دو پالایشگاه داخلی، عرضه آن در کشور بیشتر خواهد شد.

تفاهمنامه تولید این محصول صنعتی در پالایشگاه‌های بندرعباس و امام خمینی شازند میان شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و مجموعه صنعتی ایمیدرو به امضا رسید. با امضای این تفاهمنامه ،کک سوزنی و اسفنجی موردنیاز صنایع فولادسازی و آلومینیوم کشور از نفت کوره کم‌گوگرد تولیدی در این دو پالایشگاه تولید خواهد شد.

همچنین با امضای این تفاهمنامه، زمینه ساخت این واحدها در دو پالایشگاه کشور فراهم می‌شود و کک موردنیاز صنایع فولاد در مقیاس صنعتی تولید خواهد شد که با توجه به شـــرایط تحریم‌ها، نقش مهمی در خودکفایی ایران در صنایع فولاد، داخلی‌سازی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی دارد.مهندس بیژن زنگنه وزیر نفت در مراسم امضای این تفاهمنامه گفت: یکی از برنامه‌ها در نفت این است که کیفیت فرآورده‌های خروجی پالایشگاه‌ها را بالا ببریم.

وی افزود: اجرای این تفاهمنامه یکی از روش‌ها برای کاهش تولید نفت کوره در پالایشگاه‌ها است؛ البته تمام نفت کوره به کک تبدیل نمی‌شود و بخشی هم به فرآورده‌های میان تقطیر اختصاص پیدا می‌کند.

زنگنه با اشاره به اینکه مهم این است که این راه طی شود و مسیر را باز کنیم، تاکید کرد: این در حالی است که قیمت نفت کوره با سولفور بالا به دلیل استانداردهای IMO کاهش پیدا کرده است.

وی سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای اجرای این طرح را یک میلیارد دلار دانست و گفت: بخشی از این تامین مالی به عنوان پیش خرید از سوی شرکت‌های فولادی تامین و کار تسریع می‌شود.

وزیر نفت به لزوم توسعه صنایع میان‌دستی و پایین‌دستی صنعت پتروشـــیمی اشاره کرد و افزود: از ۱۷ میلیارد دلار محصولی که در صنعت پتروشـــیمی تولید می‌شود، سهم خوراک صنایع پایین دســـتی ۵/۵ میلیارد دلار است؛ این در حالی است که تا دو سال آینده تولید پتروشیمی به ۲۵ میلیارد دلار و تا سال ۱۴۰۴ به ۳۷ میلیارد دلار بالغ خواهد شد. از همین رو باید به تکمیل زنجیره ارزش و هم‌افزایی بیشـــتر کمک کنیم. وی با بیان اینکه تولید کالاهای ویژه پیچیدگی بیشتری هم دارد، گفت: فرایند ارزیابی و صدور مجوز برای پتروپالایشـــگاه‌ها شروع شده و سرمایه‌گذاران تا پایان اردیبهشـــت ماه برای ثبت نهایی درخواست خود فرصت دارند.

زنگنـــه یکی دیگر از اقدامات وزارت نفت را تعیین ســـازوکاری برای خرید تضمینی تجهیزات مورد نیاز این صنعت عنوان کرد و گفت: خرید تضمینی محصولات صنعتی مورد نیاز صنعت نفت در دستور کار است و امیدواریم تا پایان امسال وارد فاز اجرایی شویم که طی آن خرید این کالاها در اســـناد مناقصه درج می‌شود و پیمانکاران اجازه واردات نخواهند داشت.

وی همچنین در حاشـــیه این مراسم به خبرنگاران با اظهار اینکه با تولید کک سوزنی و اسفنجی، نفت کوره به یک محصول چند هزار دلاری تبدیل می‌شود، تاکید کرد: بر اساس این قرارداد، سالانه حدود ۶۰۰ هزار تن کک اسفنجی و ۷۰ هزار تن کک سوزنی تولید خواهد شد.

این عضو کابینه دولت نحوه تامین مالی برای اجرای این طرح را شرکت‌های فولادی و آلومینیومی و همچنین منابع داخلی پالایشگاه‌ها و بانک‌ها عنوان کرد و گفت: سود این طرح‌ها نباید کمتر از ۲۰ درصد باشد.

وی در مورد خرید تضمینی از سازندگان داخلی هم ادامه داد: بر این اســـاس به هر تولیدکننده‌ای که بخواهد کالایی تولید کند، سندی ارایه می‌شود که در صورت ساخت در زمان مشـــخص، آن کالا از ســـوی وزارت نفت خرید تضمینی خواهد شد که می‌تواند ده ها هزار میلیارد دلار کار در کشور تولید کند.

وزیر نفت با تاکید بر اینکه قصدی برای افزایش قیمت



سی ان جی نداریم، گفت: با دوگانه سوزشدن خودروها، می‌توان به جای بنزین ۳ هزار تومانی از سی ان جی ۵۰۰ تومانی با همان ارزش حرارتی استفاده کرد.

وی به تحویل اولین گروه از خودروهای عمومی دوگانه ســـوز شده با وام بلاعوض اشاره کرد و گفت: ظرف این هفته بخشی از این خودروها تحویل صاحبان آنها شد و به تدریج یک میلیون و ۴۶۰ هزار خودرو عمومی گازسوز خواهد شد.

زنگنه با اشاره به امضای قرارداد ساخت ۷۰۰ هزار مخزن سی ان جی و قرارداد با خودروسازان و کارگاه‌های تبدیل، ضمن رد مشکل تولید کود اوره در پتروشیمی‌ها، از تلاش این وزارتخانه برای برگزاری جلسه‌ای با مسئولان وزارت کشاورزی و تولیدکنندگان کود اوره و برخورد با متخلفان در ایـــن حوزه خبر داد و در ادامه بدهی این وزارتخانه به سازندگان داخلی را تکذیب کرد و گفت: بدهی به پیمانکاران هم عدد قابل توجهی نیست.

رضـــا رحمانی وزیر صنعت،معدن و تجارت هم در این مراسم همکاری دو وزارتخانه نفت و صنعت، معدن و تجارت را در ساخت داخل مثبت ارزیابی کرد و گفت: در ساخت داخل از رقم داخلی سازی یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار عبور کردیم.

وی ادامه داد: در گلوگاه‌هایی که وابســـتگی داریم، خودکفایی و قطع وابستگی را در دستور کار قرار دادیم؛ به همین سبب داخلی‌سازی ۱۰ میلیارد دلار کالا که هم اکنون وارد کشور می‌شود، هدفی است که آن را دنبال می‌کنیم.

وزیر صنعت،معدن و تجارت با اشاره به اینکه تثبیت تولید یکی از اهداف ما در سال رونق تولید است، اما بررسی آمار در ۱۰ ماهه گذشته نشان‌دهنده افزایش تولید در بیشتر بخش‌هاست، تصریح کرد: توسعه و تعمیق ساخت داخل یکی از محورهای برنامه امسال وزارت صنعت بود که از آن به‌عنوان نهضت ساخت داخل یاد می‌کنیم.

وی با اشاره به اینکه در بعضی از حوزه‌ها، وابستگی به واردات داشتیم که این وابستگی خطرناک بود، اظهار داشت: این حجم از مواد اولیه خدادادی در کشـــور فرصتی برای توسعه صنایع معدنی است و باید از این ظرفیت استفاده شـــود. در کنار نهضت ساخت داخل، بر قطع وابستگی و خودکفایی در واردات هم تاکید داریم و این تفاهمنامه در این راستاست.

رحمانی همچنین در حاشـــیه این مراسم با اشاره به اینکه ظرفیت صنایع معدنی ایران ۲۲ میلیارد دلار است، به خبرنگاران گفت: در بخش‌های مختلف مانند فولاد، مس و آلومینیوم ظرفیت‌های زیاد در کشور وجود دارد.

وی با بیان اینکه کشور سالانه ۵۰۰ میلیون دلار کک اسفنجی و الکترود وارد می‌کند، افزود: اجرای این تفاهمنامه موجب می شود که در تولید کک به خودکفایی دست یابیم و در این زمینه پژوهشگاه صنعت نفت توانسته فناوری تولید کک اسفنجی و سوزنی را بومی سازی کند.

وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه اجرای این تفاهمنامه موجب می شود تا تولید داخل رونق گیرد، گفت: ساخت کک اسفنجی و سوزنی، واحدهای پایین‌دستی را فعال می‌کند و تاثیر خوبی در اقتصاد ملی خواهد داشت.

در همین حال، علی آقا محمدی رئیس گروه اقتصادی دفتر مقام معظم رهبری هم در این مراسم گفت: با امضای تفاهمنامه تولید کک اســـفنجی و ســـوزنی در پالایشگاه بندرعباس و امام خمینی (ره)، شـــعار سال گرامی داشته شـــد.وی ادامه داد: پس از اقدام آمریکا و تحریم الکترود گرافیتی با هدف زمین زدن صنعت فولاد (در اواخر دی) بلافاصله نشستی با این محور در دفتر (مقام معظم رهبری) تشکیل شد.

رئیس گروه اقتصادی دفتر مقام معظم رهبری با بیان اینکه شـــرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و ایمیدرو در نشستی که دو هفته پیش برگزار شد، برنامه نهایی خود را برای تولید کک ســـوزنی و اسفنجی اعلام کردند، تصریح کرد: این طرح‌ها ظرف دو ســـال آینده به صورت کامل اجرا می‌شود.

از سوی دیگر خداداد غریب پور معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس هیات عامل ســـازمان توسعه و نوسازی معادن وصنایع معدنی ایران (ایمیدرو) گفت: امسال تاکنون ۳/۵ میلیارد دلار از طرح های این سازمان تکمیل و وارد مدار شده است و پیش بینی می شود این رقم به ۴/۲ میلیارد دلار برسد.

وی افـــزود: دولت هـــای یازدهم و دوازدهم برنامه اکتشاف ذخایر معدنی در گستره ای به وسعت ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع را در دستور کار قرار داد که از این رقم ۲۷۰ هزار کیلومتر مربع مربوط به دولت یازدهم است.

رئیس هیات عامل ایمیدرو اضافه کرد: ســـند بخش معدن توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده و این سند، بخش معدن را فراتر از کانی های فلزی می داند و در یک سال گذشته اتفاق های مهمی از جمله اکتشاف را رقم زده است.

وی بابیان اینکه توســـعه فعالیت اکتشافی به منظور شـــناخت بیشتر نسبت به ذخایر معدنی و رونق بخشیدن به تولید صنایع مرتبط است، افزود: اکنون بیش از ۵۰ هزار کیلومتر از پهنه های معدنی در اختیار ۱۳ شرکت معدنی قرار گرفته است. همچنین ایجاد پایلوت عناصر نادر خاکی در دستور کار ایمیدرو قراردارد و آمار گمرک نشان می دهد، سالانه ۸۰ تن عناصر نادر خاکی وارد کشور می شود.

غریب پور افزود: تلاش می شـــود تا توسعه بخش معدن با فعالیت بخش خصوصی محقق شود و شرکت های صنایع معدنی امسال به جای توزیع سود بین سهامداران، منابع را صرف توسعه فعالیت های خود ساخته اند و از همین رو فولاد مبارکه ۸ هزار میلیارد تومان و مس ۳ هزار میلیاردتومان پروژه تعریف کرده اند.

شایان ذکر است: طرح تولید کک اسفنجی در پالایشگاه بندرعباس با هزینه سرمایه‌گذاری ۷۰۰ میلیون یورو (۳۰۰ میلیون یورو از طریق پیش پرداخت خرید کک توسط گروه صنایع معدنی ایمیدرو و بقیه از طریق منابع داخلی پالایشگاه بندرعباس) اجرایی می‌شود؛ لیسانس این فناوری متعلق به پژوهشـــگاه صنعت نفت است و از طریق آن سالانه ۶۲۰ هزار تن کک اسفنجی، ۷۳۶ هزار تن نفت‌گاز سبک، ۱۷۳ هزار تن نفت‌گاز سنگین، ۳۲۷ هزار تن نفتا و ۱۱۰ هزار تن گاز مایع تولید می‌شود.

همچنین پروژه تولید کک سوزنی در پالایشگاه امام خمینی (ره) شازند با هزینه سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیون یورو (۷۵ میلیون یورو از طریق پیش پرداخت خرید کک توسط گروه صنایع معدنی، ایمیدرو و بقیه از طریق منابع داخلی پالایشگاه شازند) اجرایی می‌شود، لیسانس این طرح متعلق به پژوهشـــگاه صنعت نفت است و برای نخستین بار در کشور سالانه ۷۰ هزار تن کک سوزنی، ۸۲ هزار تن نفت گاز سبک در سال، ۸۳ هزار تن در سال نفت‌گاز سنگین، ۲۸ هزار تن در ســـال نفتا و ۲۳ هزار تن گاز مایع تولید خواهد شد.

بـــا اجرای این طرح در مجموع نزدیک به ۷۰۰ هزار تن کک در کشور تولید خواهد شد که با تکمیل آن، افزون بر تامین نیاز داخلی، امکان صادرات این محصول در کشور فراهم می‌شود و از این طریق، ارزآوری قابل‌توجهی برای صنعت پالایش کشور حاصل می‌شود.

در صورت اجرایی شـــدن این تفاهمنامه، بخشی از کیفیت خروجی پالایشـــگاه‌ها در تولید نفت کوره افزایش می‌یابد، خوراک هر دو واحد در پالایشـــگاه بندرعباس و امام خمینی (ره) شازند نفت‌کوره است که به محصولات بسیار با ارزش‌تر تبدیل می‌شود، برای نمونه نفت کوره ۳۰۰ یا ۴۰۰ دلاری در کک سوزنی به یک محصول چند هزار دلاری بدل می‌شود.

بـــرای اجرای این طرح حدود یـــک میلیارد دلار ســـرمایه‌گذاری خواهد شد که حدود ۷۰۰ میلیون یورو آن در طرح پالایشـــگاه بندرعباس و ۳۰۰ میلیون یورو در طرح پالایشگاه امام خمینی (ره) شازند اراک سرمایه‌گذاری خواهد شد.

اعلام نرخ رشد اقتصادی در فصل پائیز

نرخ رشد اقتصادی بدون نفت در فصل پاییز ۱۳۹۸ به عدد ۰/۹ درصد و نرخ رشد اقتصادی با نفت در این دوره زمانی به منفی ۱/۷ درصد رسید.

جواد حسین زاده رئیس مرکز آمار ضمن اعلام این مطلب با اشاره به اینکه نرخ رشد اقتصادی بدون نفت در پائیز عمدتاً ناشی از تشکیل ســـرمایه در بخش ســـاختمان بوده است،گفت: میزان محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت ســـال ۱۳۹۰ در ۹ ماهه اول ســـال ۱۳۹۸ به حدود ۵۰۰ هـــزار میلیارد تومـــان (با نفت) و ۴۳۰ هزار میلیارد تومان (بدون نفت) رسیده است.

بـــه گـــزارش فارس به نقل از مرکز آمار، وی با بیان اینکه رشـــد اقتصادی ۹ ماهه امسال (بدون نفت) نسبت به دو فصل قبل بهبود یافته و به عدد صفر درصد و در فصل پاییز سال ۱۳۹۸ به عدد مثبت ۰/۹ درصد رســـیده اســـت، گفت: همچنین رشد اقتصادی در ۹ ماهه سال۱۳۹۸ در گروه کشـــاورزی مثبت ۳/۲درصد، در گروه صنایع و معادن(بدون نفت) مثبت ۲ درصد، خدمات منفی ۰/۲ درصد و در بخش ســـاختمان مثبت ۹/۶درصد بوده است.

حسین زاده در پاسخ به اینکه در محاسبه رشد اقتصادی با نفت در مقایســـه با رشـــد اقتصادی بدون نفت چه عواملی مدنظر قرار می گیرد، پاســـخ داد: در محاســـبات رشد اقتصادی با نفت، استخراج نفت خام و گاز طبیعی به عنوان یکی از زیر بخش های اقتصادی منظور می شود و باید به این نکته هم اشاره شود که در فصل پائیز ۱۳۹۸ رشد اقتصادی با نفت با بهبود قابل توجهی نسبت به فصول قبل از خود، به عدد منفی ۱/۷ درصد رسیده است.

وی در ادامه با اشـــاره به نرخ رشـــد بخش کشاورزی در فصل پاییز گفت: در فصل پائیز سال جاری به دلیل خسارت های حاصل از سیل و تاثیر آن بر بخش کشـــاورزی، این بخش با رشـــد منفی مواجه بوده است اما در مجموع در ۹ ماهه ســـال ۱۳۹۸ نرخ رشـــد گروه کشاورزی رشد مثبت ۳/۲ درصدی داشته است.

رئیس مرکز آمار ایران در تشـــریح روند رشـــد بخش صنایع و معادن(بدون نفت) افزود: در تمام فصل های سال ۱۳۹۷ و دو فصل اول سال ۱۳۹۸ رشد این بخش بی سابقه بوده و در نهایت رشد اقتصادی بخش صنایع و معادن (بدون نفت) پس از گذشت بیش از ۶ فصل به عدد مثبت ۷/۵ درصد رسیده است که این رشد عمدتا از زیر بخش ساختمان و بخش تامین آب، برق و گاز طبیعی حاصل شده است. همچنین رشد اقتصادی گروه خدمات با ثبت رشـــد اقتصادی منفی ۰/۱، ۰/۱ و منفی ۰/۷ درصد در فصل های بهار، تابستان و پاییز، در ۹ ماهه امسال به رشد اقتصادی منفی ۰/۲ درصد رسیده است.

وی ضمن اشاره به اینکه رشد اقتصادی با نفت هم به عدد منفی ۱/۷ رسیده است که نسبت به چهار فصل اخیر از وضع بهتری برخوردار بوده است، گفت: گروه صنایع و معادن (بدون نفت)، ساختمان، مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار و بخش کشاورزی بیشترین سهم را در ایجاد رشد اقتصادی کشور داشته اند.

حسین زاده در ادامه مهمترین عامل کاهنده رشد اقتصادی کشور را در ۹ماهه امسال بخش نفت ذکر کرد و در رابطه با وضعیت سرمایه گذاری در سال جاری افزود: سرمایه گذاری، متشکل از تشکیل سرمایه در ماشین آلات و تشکیل سرمایه در ساختمان است و در فصل پاییز سال جاری پس از گذشت بیش از ۶ فصل به رشد مثبت ۰/۹درصد رسیده است که عمدتاً ناشی از تشکیل سرمایه در بخش ساختمان بوده است.

در همیـــن زمینـــه مرکز پژوهش های مجلس هم اعلام کرد: هرچند به دلیل نرخ رشد منفی قابل توجه بخش نفت، رشد اقتصادی کشور در ســـال ۹۸منفی خواهد بود، اما رشد اقتصادی بدون نفت در امسال حدود ۱/۸ درصد برآورد می‌شود.

به گزارش تســـنیم، این مرکز در گزارشـــی با عنوان «تحلیل بخش حقیقی اقتصاد ایران، عملکرد ۶ ماهه اول و برآورد رشد اقتصادی غیرنفتی سال ۱۳۹۸» اعلام کرد: با بازگشت بخش مهمی از تحریم های اقتصادی، اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷ عملکرد ضعیفی داشت. ازجمله میزان کاهش تولید صنعت به‌خصوص صنایع بزرگ نظیر خودروسازی و صادرات نفت و میعانات گازی قابل توجه بود. از طرف دیگر، افزایش ســـطح قیمت‌ها (مصرف‌کننده و تولیدکننده) درحالی که سطح اسمی برخی مخارج نظیر مخارج جاری و عمرانی دولت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، افزایش چشمگیری نداشت، رشد حقیقی برخی بخش ها نظیر ساختمان و خدمات عمومی را با کاهش قابل ملاحظه مواجه کرد. با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۸ هم بسیاری از عوامل مذکور ازجمله کاهش صادرات نفت، محدودیت های واردات و صادرات، کسری بودجه و ... پابرجاست، انتظار اولیه بر آن بود که رشد اقتصاد غیرنفتی در سال ۱۳۹۸ هم منفی باشد.

با این حال، برخی تحولات مثبت، شرایط را در بعضی بخش‌ها بهبود بخشیده است. توضیح آنکه اولا بارندگی‌های بیش از انتظار در سال آبی قبل موجب شد که برآوردهای مثبت قبلی از رشد بخش کشاورزی بهبود یابد. ثانیاً تحولات بازار مسکن، حجم سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان را در نیمه اول ســـال ۱۳۹۸ افزایش داده اســـت. به‌نظر می‌رسد عمده این تحول ناشی از افزایش نسبی قیمت مسکن در مقایسه با تورم کلی اقتصاد بوده است.

در این گزارش آمده است: رشد تولید ساختمان‌های مسکونی در نیمه اول سال ۱۳۹۸ به اندازهای بوده است که رشد منفی تولید ساختمان های دولتی (ناشی از کاهش حقیقی طرح‌های عمرانی) را هم پوشش داده و رشد کل بخش ساختمان را به‌طور نسبتاً قابل توجهی افزایش داده است. به‌نظر می‌رسد رشد بخش ساختمان هم تأثیر مثبتی بر برخی بخش‌های صنعتی نظیر «لاستیک و پلاستیک»، «کاشی و سرامیک»، «سیمان» و «سایر کانی‌های غیرفلزی» داشته و رشد مثبت این بخش‌ها را هم به دنبال داشته است.

مرکز پژوهش ها افزوده اســـت: با در نظر گرفتن ملاحظات فوق، هرچند به‌دلیل نرخ رشد منفی قابل توجه بخش نفت، رشد اقتصادی کشور در ســـال ۱۳۹۸ همچنان منفی خواهد بود، اما رشـــد اقتصادی بدون نفت در سال ۱۳۹۸ حدود ۱/۸درصد برآورد می‌شود. توضیح آنکه رشد بخش کشـــاورزی ۵/۵ درصد، رشد بخش صنعت ۱/۵درصد، رشد آب، برق و گاز ۱۰ درصد، رشد بخش ساختمان ۱۴/۵درصد و رشد بخش خدمات منفی ۱/۵ درصد برآورد می‌شود.

رشد منفی بخش خدمات عمدتاً به‌دلیل رشد منفی بخش امور عمومی درنتیجـــه کاهش حقیقی مخارج جاری دولت و افت ارزش‌افزوده بخش واسطه‌گری‌های مالی و به‌خصوص بخش بانکی به قیمتهای ثابت در این سال است.

دژپسند: نهادهای بین المللی اقتصاد ایران را در سال آینده مثبت ارزیابی می کنند

نهادهای تخصصی بین المللی چشم انداز مثبتی را برای اقتصاد ایران در سال آینده پیش بینی می‌کننـــد و حتی برخی از نهادهای داخلی هم برآورد می کنند تورم سال آینده به زیر ۲۰درصد می‌رسد و رشد اقتصادی مثبت خواهد بود.

به گزارش فـــارس به نقل از خبرگزاری صداوسیما، فرهاد دژپسند وزیر امور اقتصادی و دارایی با حضور در برنامه گفتگوی ویژه خبری اظهارداشت: زمانی که دولت یازدهم کار خود را آغاز کرد به واسطه تحریم‌های تحمیلی سال ۱۳۹۱ رشد اقتصادی کشور حدود منفی ۷درصد بود در نیمه دوم سال ۱۳۹۲با آغاز به کار دولت یازدهم، روند رشد منفی اقتصاد کند شد و به منفی ۳/۲ درصد کاهش یافت و در سال ۱۳۹۳مثبت شد و این روند به صورت سینوسی تا سال ۱۳۹۵ادامه یافت و به مثبت ۱۲/۵ درصد رسید که یکی از علل آن این بود که پس از توافق برجام، امکان صدور نفت فراهم شد.

وی با اشاره به اینکه پارسال رشد اقتصادی منفی را تجربه کردیم، افزود: البته برآورد می‌شد رشد اقتصادی منفی ۸ تا منفی ۱۵درصد باشد، اما با اقدامات و سیاست‌هایی که اتخاذ شد، رشد اقتصادی نفتی منفی ۴/۲ درصد و رشد اقتصادی غیر نفتی هم منفی ۲/۲ درصد بود.

وزیـــر امور اقتصـــادی و دارایی گفت: بر اســـاس آمار بانک مرکزی، سه ماهه اول امسال خوشـــبختانه رشد اقتصادی غیرنفتی کشورمان مثبت ۰/۴ و در نیمه اول سال مثبت نیم درصد و در ۹ماهه امسال، مثبت ۰/۹ درصد بود.وی با اشاره به اینکه این نشان می‌دهد که بخش غیرنفتی اقتصاد توانســـته است رونق داشته باشد، افزود: بخش کشاورزی در اوج رشد اقتصادی است و بخش صنعت هم در ۹ماهه امســـال حدود ۷/۵ درصد رشـــد نشان می‌دهد و علائم دیگر هم نشان از رشد اقتصادی مثبت در بخش غیرنفتی دارد.دژپسند با اشاره به اینکه مقدار بدهی به نظام بانکی افزایش یافته اســـت، اما این بدهی برای تامین بودجه نیست بلکه برای تهاتر است، ادامه داد: خوشـــبختانه رشد نقدینگی تا پایان ۱۰ماه امسال ۲۸درصد بود.

وی در ادامه با بیان اینکه در ۹ ماه نخست امسال ۵۴ درصد تسهیلات پرداختی نظام بانکی برای تامین ســـرمایه در گردش بوده است،در خصوص پیش بینی مبلغ ۵۰هزار میلیارد تومان برای مولدســـازی دارایی‌های دولت در لایحه بودجه ســـال اینده گفت: این مبلغ فقط برای مولدسازی نیست بلکه برای واگذاری‌ها و فروش هم است.

در شرایطی که با بستن راه‌های تامین مالی مواجهیم حتماً باید از دارایی‌های راکد دولت به عنوان اهرم رشد استفاده کنیم.

دژپسند گفت: فرایند مالیات بر نقل و انتقال املاک را تسریع کردیم و همه پروانه‌های کسب و کار موضوع قانون نظام صنفی از طریق دفتر پیشخوان دولت انجام می‌شود و واگذاری زمین برای شروع کسب و کار تسهیل شده است. این اقدامات اثر خوبی در بهبود رتبه فضای کسب و کار کشورمان خواهد داشت. همچنین پنجره واحد را برای صدور کسب و کار پیگیری می‌کنیم.

وی با اشاره به اینکه اقتصاد کشورمان، بانک پایه است، افزود: در اقتصاد باید راه‌های جدید تامین مالی ایجاد و تقویت شود به همین علت تلاش کردیم سیاست های مان را بر روی تقویت بازار ســـرمایه در تامین مالی اقتصاد کشورمان متمرکز کنیم که ثبـــات مدیریت در بورس از جمله آن است.

این عضو کابینه دولت با اظهار اینکه بورس در یک ســـال گذشته حدود ۱۴۰تا ۱۴۸درصد رشـــد داشـــت در حالی که نرخ ارز نسبت به پارسال تقریباً ثابت بوده است، گفت: بر اساس مطالعات انجام شـــده، وجود حباب در بورس مورد تایید نیست.

وی با اشـــاره به اینکه اصلاح نظام بانکی جزو اولویت هاســـت و برنامه عملیاتی در این زمینه طراحی و برای رئیس جمهوری ارسال شده است، افزود: بخش قابل توجهی از اموال مازاد بانک‌ها یعنی حدود ۱۷هزار میلیارد تومان ناشی از ضبط وثیقه‌های بانکی بوده است البته در این خصوص حدود ۲ هزار میلیارد تومان تقاضا برای خرید این اموال وجود دارد که از این رقم هزار میلیارد تومان در حال نهایی شدن است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی در ادامه طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران را نیازمند کار جدی‌تر دانســـت که باید در فرآیند کارشناسی انجام شود، گفت: در زمینه مالیات موفق شدیم لایحه اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم را در وزارت امـــور اقتصادی و دارایی نهایی و برای دولت ارسال کنیم.

مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر مجموع درآمد و ساماندهی معافیت‌های مالیاتی از جمله مواردی است که در این لایحه دیده شد و نقشه راه مالیاتی هوشمند هم تهیه شده است.

وی با اشـــاره به اینکه سقف مالیاتی برای هنرمندان در نظر گرفته ایم و درآمد ۱۰۰میلیون تومان در ســـال برای هنرمندان معاف از مالیات است و مازاد بر آن مشمول مالیات می‌شود،گفت: مالیات بر عایدی مســـکن هم شامل دو بخش مالیات بر مسکن و مالیات بر استفاده از مسکن در جدول طبقاتی است و در این خصوص واحدهای مســـکونی با ارزش کمتر از ۵ میلیارد تومان در تور این نوع مالیات قرار نمی‌گیرد.

دژپسند همچنین از تجدیدنظر در روش های واگـــذاری و قیمت گذاری در بحث خصوصی سازی خبر داد .خبر دیگری حاکیست: همچنین سه دستاورد فناورانه در بازار سرمایه شامل درگاه دارا، میز خدمت و درگاه الکترونیک ناشـــران همزمـــان با دهه فجر امســـال با حضور وزیر اقتصادی و دارایی رونمایی شد. این دستاوردهای فناورانه سامانه‌هایی هستند که به منظور تسهیل در معاملات و کسب اطلاعات به صورت برخط راه اندازی شده‌اند.

دژپسند در این مراسم گفت: بازار سرمایه بـــه عنوان کریدور اصلی تامین مالی بنگاه‌های تولیدی کشـــور نقش اساسی را بر عهده دارد و این بازار باید نقش ویژه‌ای را در تحقق اهداف اقتصاد ایفا کند.

به گفته وی، ایجاد هر گونه خللی در رای مردم در آن دنیا قابل عبور نیست و باید تلاش لازم برای رضایت افراد انجام شود.

این مقام مسئول با بیان این‌که اقتصاد باید مردم‌بنیان باشـــد، گفت: بازار سرمایه به عنوان کریدور اصلی تامیـــن مالی بنگاه‌های تولیدی کشور نقش اساسی را بر عهده دارد و این بازار باید نقش ویژه‌ای را در تحقق اهداف اقتصاد ایفا کند. اکنون بازار سرمایه از ظرفیت خوبی برای جذب سپرده‌های خرد و قوام بخشیدن به اقتصاد مردم بنیان برخوردار است که همه باید برای دستیابی به این هدف بسیج شوند.

وی با تاکید بر اینکه شـــرایط امن و پایدار بازار ســـرمایه زمینه حفظ ارزش پول را فراهم می‌کند، افزود: در وضعیت کنونی اهمیت بازار ســـرمایه روز به روز در حال افزایش اســـت و حفاظت از حقوق سهامداران در این بازار به عنوان اصلی ترین ویژگی این بازار محسوب می شود.

وزیر اقتصاد و دارایی خاطرنشـــان کرد: در چند ســـال گذشته به دنبال گسترش مقیاس‌ها، عینیت بخشی به اقتصاد مردم بنیان و تمرکز بر گسترش صندوق‌های قابل معامله بوده‌ایم.

وی با تاکید بر اینکه مردم بنیان کردن اقتصاد فراتر از خصوصی سازی است، خاطرنشان کرد، در صورت اجرای این اقدام، تصمیم‌گیری اصلی در زمینـــه مدیریت منابـــع و دارایی‌ها به خود افراد واگذار خواهد شد و تا زمانی که ضرر به غیـــر صورت نگیرد، مردم نقش محوری را ایفا خواهند کرد و بازار ســـرمایه به عنوان یکی از اصلی‌تریـــن مکان ها برای تحقق حداکثری این هدف تلقی می‌شود.

دژپســـند تصریح کرد: در شرایطی که از اقتصاد مبتنی بر بودجه نفتی فاصله می‌گیریم، بازار سرمایه می‌تواند با سرعت بالا میدان گشایی کند و از راه‌های مختلف فضایی امن را برای حضور همه افراد در اقتصاد و تولید ملی فراهم کند.

وی گفت: اگـــر فردی پس‌اندازی دارد و قصد دارد آن را از مجرای راکد به مجرای فعال تبدیل کند، مجرای آن بازار سرمایه است.، بازار سرمایه به دلیل وجود پایداری نه فقط در حفظ ارزش پول، بلکه در صیانت از حقوق سهامداران توانا است.

وزیـــر امور اقتصادی و دارایی افزود: اوایل دهه ۸۰ که در حال بازنگری قانون تجارت بودیم، این دغدغه به وجود آمد که صاحبان سهام با هر میزان سهم قادر به مشارکت در مدیریت دارایی خود باشند که در نهایت به این نتیجه رسیدیم فقط با تشـــکیل مجامع الکترونیک می‌توان این اقدام را در دستور کار قرار داد.به گفته وی، در صورتی که افراد قصد دارند مجرای راکد خود را تبدیل به مجرای فعال کنند بهتر اســـت این اقدام را از طریق بازار سرمایه انجام دهند.دژپسند با بیان اینکه اکنون بودجه در حال فاصله گرفتن از نفت اســـت و بانک‌ها در حال نزدیک شدن به سمت هدف خود یعنی هدایت مالی در بازار پول هســـتند، اظهار داشت: پایداری بازار زمینه حفظ ارزش پول و صیانت از حقوق سهامداران را فراهم کرده است.

ماهواره ظفر به مدار زمین نرسید

ماهواره مخابراتی ظفر که چهارشنبه شب از پایگاه فضایی امام خمینی به فضا پرتاب شد، در مدار زمین قرار نگرفت و سقوط کرد.

به گزارش خبرنگارما، این ماهواره مخابراتی توسط موشک پرتابگر سیمرغ از پایگاه فضایی امام خمینی (ره) در استان سمنان با هدف استقرار در مدار ۵۴۷ کیلومتری زمین به فضا ارسال شد ولی به دلیل آنکه سرعت لازم برای استقرار در مدار لازم را نیافت، در جنوب شرقی ایران سقوط کرد.

سرعت لازم برای استقرار ماهواره در این مدار ۷۴۰۰ کیلومتر بر ساعت است ولی سرعت ماهواره ظفر در این پرتاب از ۶۵۳۳ کیلومتر برساعت فراتر نرفت.مهندس محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات و فن آوری اطلاعات در همین زمینه بلافاصله پس از سقوط ماهواره ظفر اعلام کرد: ما ناامید نمی‌شویم و در خرداد ۹۹ ماهواره ظفر۲ را با ماهواره‌بر سیمرغ به فضا ارسال می‌کنیم.

تعیین حداکثر مدت موقت برای کارهایی که جنبه غیر مستمر دارد

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درتوئیتی نوشـــت: حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد، از زمان این تصویب نامه به مدت چهار سال تعیین شدبه گزارش فارس به نقل از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمد شریعتمداری در توئیتی از تعیین حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد به عنوان آرزوی ۲۸ساله جامعه کارگری ایران نام برد و نوشت: در اجرای تکلیف تبصره یک ماده هفت قانون کار در جلســـه دولت به ریاست دکتر روحانی در آستانه دهه مبارکه فجر، به پیشنهاد وزارت کار آرزوی ۲۸ساله جامعه کارگری ایران که همانا تعیین حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت انها جنبه غیر مستمر دارد، است، از زمان این تصویب نامه به مدت چهار سال تعیین شد.

فروش ۲۰هزار میلیارد تومان اموال دولت به مردم

فروش سهام ۲۰هزار میلیارد تومان از اموال دولت در قالب صندوق های قابل معامله در بورس نوعی مردمی‌سازی اموال دولتی است.

شاپور محمدی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در گفتگو با باشگاه خبرنگاران پویا در خصوص نظر برخی کارشناســـان در مورد آنکه فروش اموال دولتی در قالب صندوق های قابل معامله در بورس، خصوصی‌سازی محسوب نمی‌شود، گفت، این مسئله شاید بیشتر مردمی سازی باشد چرا که این نوع از سهام به بخش یا شخص خاصی فروخته نمی‌شود وعموم مردم و هرفرد با کد ملی خود می‌تواند سهام مشخصی را با تخفیف خریداری کند.

وی گفـــت: این کار دو مزیت دارد، اول همه مردم می‌توانند در این روند شرکت کنند و در نتیجه یک نوع مردمی سازی صورت می‌گیرد و دوم فروش ســـهام ها با تخفیف است که باعث می شود اگر بازار دچار نوســـان شود، مردم ضرر نکنند. این دو مســـئله باعث می‌شود فروش سهام اموال دولت در قالب صندوق های قابل معامله در بورس (ETF) سیاست بهتری باشد.

معـــاون وزیر اقتصاد تاکید کرد: البته این بدین معنا نیست که دولت نمی‌تواند این اموال را به شیوه قبلی به فروش برساند اما این یک سیاست مکملی است در کنار دیگر سیاست های دولت که می تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

خبر دیگری حاکیست: معاملات اوراق «گواهی ظرفیت» با هدف تامین مالی ساخت نیروگاه با شروع هفته جدید در بورس انرژی ایران آغاز خواهد شد.

سید علی حسینی مدیر عامل بورس انرژی ایران با اعلام این مطلب و با اشـــاره به اقدامات بورس انرژی در سال ۹۸ به ایرنا گفت: عرضه فرآورده‌های اصلی نفت از جمله اقدامات مهمی بود که ســـال گذشـــته وعده آن را داده بودیم و اکنون آن را به انجام رساندیم.

وی با بیان اینکه حجم زیادی از فرآورده‌های اصلی نفت از قابلیت صادرات برخوردارند، گفت: با توجه به راه‌اندازی فاز ۴ ستاره خلیج فارس در سال جاری و همچنین ســـهمیه‌بندی بنزین به مازاد قابل صادرات بنزین دست پیدا کردیم که عرضه آنها از طریق بورس انرژی در سطح بین الملل آغاز شد.

مدیر عامل بـــورس انرژی با بیان اینکه بازار فرآورده‌های اصلی نفتـــی به عنوان بازار خوب و پررونقی در بورس انرژی محسوب می‌شود، گفت: با توجه به اقدامات صورت گرفته از سوی بورس انرژی در سال جاری علاوه بر رفع انتظارات وزارت نفت، زمینه استقبال تجار و خریداران بزرگ از میزان و نحوه عرضه در بورس انرژی فراهم شد که امیدواریم این سیاست به صورت مستمر و منظم ادامه یابد.

وی افزود: اقدام دیگر انجام شده از سوی بورس انرژی در حوزه انتشار اوراق بهادار بود که به تامین مالی شرکت‌های فعال در صنعت انرژی مانند نیروگاه‌ها و شرکت‌هایی که در تولید نفت و فرآورده‌های نفتی فعالیت دارند، کمک می‌کند.

حسینی اظهار داشت: امسال نزدیک به ۷ هزار میلیارد تومان عرضه اولیه اوراق داشتیم که پیش‌بینی می‌شود با توجه به اینکه این اوراق جای خود را در بین بازیگران بزرگ تامین مالی پیدا کرده است، در سال آینده توسعه پیدا کند.

وی با بیان اینکه بخش دیگر اقدام انجام شده در بورس انرژی در خصوص معاملات برق و راه اندازی بازارهای جدید است، افزود: یکی از این بازارها، بازار اوراق ظرفیت برق است، مصرف‌کننده برق باید در زمان اتصال به شبکه برق و همچنین بعد از اتصال به تناسب انرژی الکتریسیته‌ای که مصرف می‌کند، هزینه برق یا انرژی را پرداخت کند.

مدیـــر عامل بورس انـــرژی ایران با تاکید بر اینکه برای اتصال به شبکه برق، اوراقی تحت عنوان اوراق ظرفیت تعریف شـــد، گفت: این اوراق تمام فرآیندهای مســـتلزم برای اخذ مجوز را طی کرد و مصوبه آن از ســـوی کمیته فقهی سازمان بورس و شورای عالی بورس که مقررات اجرایی آن در هیات مدیره سازمان بورس و وزارت نیرو انجام می‌شود، اخذ شده است؛ بنابراین فعالیت این اوراق تا پایان بهمن آغاز خواهد شد.

وی خاطرنشان کرد: مصرف‌کنندگان خصوصی و دولتی که می‌خواهند به شبکه برق سراسری بپیوندند باید در ابتدا گواهی ظرفیت را در بورس خریداری و بعد فرآیند اتصال را طی کنند.

این ملک سلیمانی...

بقیه از صفحه ۲

یعنی این دولت در این شـــش سال به اندازه تمام دوران رژیم گذشته کار کرده اســـت. آنهایی که در رسانه‌ها ســـئوال می کنند این دولت چه کار کرده است بگویند درکدام زمینه صنعتی ، کشاورزی و نظامی و سایر امور بوده که مردم نتوانستند مشکلات را پشت سربگذارند؟

وی تاکید کرد: آنهایی که می گویند ما در برابر آمریکا نمی توانیم بایستیم و پیشرفت کنیم در خطا و اشتباهند. آنها به دست کشاورزان ، صنعتگران، کارگران و مهندسین نفت ما نگاه کنند.

تولید روزانه یک‌هزار میلیون متر مکعب گاز

رئیس جمهوری در ادامه به بیان خبر افتخار آمیز دیگری پرداخت و گفت: من یک خبر افتخارآمیزی که البته به صورت رسمی در پایان امسال اعلام می شود را همین جا به ملت ایران اعلام می کنم. در زمان پیـــروزی انقلاب، مقدار تولید گاز کشور ۱۱۰میلیون متر مکعب در روز و در روز شروع به کار دولت یازدهم، تولید گاز ۶۲۵میلیون متر مکعب در روز بوده است.

اماپایان امسال ،تولید گاز کشور به هزار میلیون متر مکعب در روز خواهد رسید و این بزرگترین افتخار برای مهندسین و کارگران نفت و گاز کشور است. آمریکا خطا و اشتباه کرده و فکر می کند اگر ما را در تحریم قرار بدهد، ما عقب نشینی خواهیم کرد. وی با اشاره به پیشرفت های کشور در حوزه بهداشت و درمان افزود: امروز ۹۷درصد از دارو کشور را ، کارخانه ها ، مهندسین ، پزشکان و متخصصین دارویی تولید می کنند . تمام تخت های بیمارستانی تا ابتدای دولت یازدهم، حدود ۸۰هزار تخت بوده اســـت و در طول این شش سال ۲۶هزار تخت جدید اضافه کرده ایم و ۴۵هزار تخت را به طور کامل بازسازی کرده ایم. یعنی به اندازه کل تخت های بیمارستانی تاریخ ایران، تخت جدید اضافه یا بازسازی کرده ایم.

رئیس قوه مجریه به دستاوردهای اقتصادی کشور در سال اخیر پرداخت و گفت: علی رغم همه فشـــارهای آمریکا و تهدیدها روی پای خودمان ایســـتاده‌ایم و در ۱۰ ماه امسال بانک مرکزی ۱۴میلیارد دلار برای کالاهای اساسی و ۲۰میلیارد دلار برای کالاهای دیگر پرداخت کرده اســـت. در طول این ۱۰ماه ۳۶میلیارد دلار کالا وارد و ۳۵.۵میلیارد صادر کرده ایم؛ بنابراین مردم ما روی پای خود ایســـتاده اند و بازوهایشـــان را قویتر و افکارشان را مجهز کـــرده اند.روحانی افزود: ۵۵هزار و ۷۰۰شرکت دانش بنیان در کشور کار می‌کنند و ۳۰۰هزار نفر طی سه چهار ســـال اخیر در شرکت‌های دانش بنیان، مشـــغول به کار شده اند. در آغاز دولـــت یازدهم ۲۰میلیون و ۶۰۰هزار نفر شاغل در کشور داشتیم، اما امروز ۲۴میلیون و ۴۰۰هزار شاغل داریم، یعنی سه میلیون و۶۰۰هزار نفربر شاغلان خالص ما اضافه شده است. اول انقـــلاب ، ۴۵۰۰کیلومتر راه آهن در کل کشور داشتیم، اما فقط در این دولت ، ۱۲۰۰کیلومتر راه آهن اضافه شده است و حدود ۱۰۰کیلومتر دیگر تا پایان دولت اضافه خواهد شد.

روحانی اظهارداشت: همینجا به وزارت راه دستور می دهم جاده عظیم تهران- شمال که تکمیل شده است، از فردا(امروز) برای رفت و آمد آزمایشی باز شود تا اوایل اسفند به بهره برداری برسد. رئیس جمهوری افزود: ممکن اســـت در یک انتخاب گلایه و انتقاد داشته باشیم، اشکالی ندارد .انتقاد آزاد است، اما مردم عزیز ایران! انتقاد باشد، منتقد باشیم،اما خواهش می‌کنم انفعال نباشد و منفعل نشویم.به خاطر این اقدام یا آن اقدام با صندوق رای قهر نکنیم. انتخابات و صندوق رای منجی ما ست. ما در دهه پنجم انقلاب که یکســـال آن گذشت و وارد سال دوم می‌شویم اصلاحات بسیاری در این کشور باید انجام شود. نظام باید نو شود، نوسازی شود و با حضور شما و در سایه رای، سالمتر و شکوفاتر شود .

قطعنامه راهپیمایان ۱۳۹۸

در قطعنامه پایانی مراسم سالگرد پیروزی انقلاب ، بر اهمیت جلوگیری از نفوذ ناآهلان در ارکان تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور تاکید شد.

در ادامـــه با حمد و ســـپاس خداونـــد و درود بر روح پرفتوح رهبر کبیر انقلاب و شهدای انقلاب، به ویژه شهید حاج قاسم سلیمانی مفاد قطعنامه در شـــش بند قرائت شد. در بند اول این قطعنامه تاکید شد: ضمن تجدید میثاق با آرمان‌های مَنیع نهضت الهی امام راحل عظیم‌الشأن و تجدید عهد و بیعت با مقتدای عظیم‌الشـــأن امت اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای ، ایمان و غیرت دینی، انقلابیگری، ولایتمداری، مقاومت، حفظ وحدت و انسجام ملی و تبعیت محض از منویات مقام معظم رهبری و تحقق عملی مفاد بیانیه گرانسنگ گام دوم انقلاب اسلامی را موجب تکامل مسیر پرفروغ انقلاب اسلامی و عزّت و کرامت روزافزون ایران اسلامی می دانیم.در این قطعنامه همچنین بر ضرورت انتقام سخت از دشمنان نظام اسلامی تاکیدشده و آمده اســـت:عزم جدّی برای انتقام سخت شهادت سردار دل‌ها، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، مجاهد بزرگ اسلام ابومهدی المهندس و یاران همرزمشان از شیطان بزرگ آمریکای تروریست را مطالبه همگان دانسته و با آمادگی کامل برای هر نوع مقاومت و جانفشانی در این طریق الهی و هشدار قاطع به جنایت پیشگان آمریکایی ـ صهیونیستی، اعلام می کنیم تا اخراج کامل اشـــغالگران مفسده برانگیز آمریکایی از منطقه غرب آسیا و محو رژیم جعلی کودک کش از پای نخواهیم نشست.

در بند دیگری از این قطعنامه آمده است: نقض عهد پی در پی و خروج یکجانبه و مســـتکبرانه از معاهدات بین‌المللی از جمله برجام، گواه مستدل و منطقی بر چرایی بی‌اعتمادی مطلق به آمریکای جهانخوار و همپیمانان اروپایی آن بوده و اقدام ننگین رئیس جمهوری پست و حقیر ایالات متحده در ترور ناجوانمردانه ســـرداران بزرگ جبهه مقاومت را اثبات‌کننده تروریست دولتی بودن هیأت حاکمه ام‌الفساد قرن، آمریکا دانسته و هر نوع زمزمه شوم و ذلت‌بار مذاکره با استکبار، قاتل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و دشمن شماره یک بشریت و دلبستن به بیگانگان را شدیداً محکوم می‌کنیم.

معامله قرن مساله دیگری بود که در این قطعنامه مورد اشاره قرار گرفت و اعلام شد: توطئه احمقانه و خبیثانه آمریکایی ـ صهیونیســـتی موسوم به «معامله ننگین قرن» که به توفیق الهی و مقاومت مسلمانان و آزادیخواهان جهان از هم اکنون به زباله دان تاریخ سپرده خواهد شد و به تعبیر زیبای مقام معظم رهبری،قبل از مرگ ترامپ خواهد مُرد را محکوم و تداوم حمایت همه‌جانبه از جبهه با صلابت مقاومت اسلامی، خاصه مردم ستمدیده و شجاع فلسطین و آرمان قدس شـــریف تا محو کامل رژیم جعلی و کودک‌کش صهیونیستی را خواهانیم.حضـــور حداکثری در انتخابات پیش روی مجلس خواسته دیگری بود که در این قطعنامه مورد تاکید قرار گرفت.

در بند پایانی قطعنامه آمده است: هوشیاری همگان در برابر نفوذ ناآهلان در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، همت جهادی و اهتمام جدی مسئولان برای پاسخگویی صادقانه و عملی به مطالبات بحق مردم به ویژه در زمینه اشتغال، ازدواج جوانان، معیشت، مبارزه با تورم و گرانی افسارگریخته، تحقق عینی اقتصاد مقاومتی با رونق تولید، ایستادگی و مقاومت شجاعانه در برابر نظام ســـلطه و پرهیز مطلق مقامات کشوری به ویژه دولتمردان از هر نوع حاشیه‌سازی را مصرانه خواهانیم.

لاریجانی: حضور ملت باعث قدرت انقلاب شد

رئیس مجلس بـــا بیان این که مشکل آمریکا با حرف و منطق حل نمی شود و باید به آنها قدرت نشان داد، گفت: حضور مردم در راهپیمایی ۲۲بهمن بهترین قدرتـــی بود که به آمریکا نشان داده شد و آنها باید بدانند که می‌بایســـت از خواسته های ملت ایران تمکیـــن کنند.علی لاریجانی با حضور در راهپیمایی یوم الله ۲۲ بهمن تهران در جمع خبرنگاران افزود: حضور مردم در راهپیمایی بسیار با شکوه بود و این حضور باعث قدرت بیشتر برای حرکت انقلاب می شود، مخصوصاً به آمریکا می فهماند که مردم به دنبال حفظ خود هستند.

وی افزود: باید دست همه ملت ایران را بوســـید، چرا که با غیرت در راهپیمایی حضور یافتند و ســـرمایه بزرگی برای کشور ایجاد شد.

رئیس مجلس خاطرنشان کرد: حضور مردم در انتخابات تکرار خواهد شـــد و امیدواریم انتخابات پرشوری برگزار شود. دبیر شورای نگهبان هم در حاشیه راهپیمایی یوم‌الله ۲۲بهمن گفت: کسانی را انتخاب کنید که طعم گرسنگی را چشیده باشند، درد مردم را بدانند، به داد فقرا برســـند، به فکر جیبشان نباشند،به‌فکر مردمشان باشندو اگر دیدید راست می گویند به آنها رأی بدهید و اگر دروغ می گویند به آنها رأی ندهید.وی در باره ردصلاحیت‌ها هم گفت: در ردصلاحیت ها هر کســـی که شکایتی کرد به شکایتش رسیدگی کردیم. آنهایی که شکایت کردند، حرف هایشان را شنیدیم.

وی اظهار داشت: من باید دست و پای این مردم را ببوسم. این مردمی که ۴۱ســـال در میدان حضور دارند و عقب‌نشینی نمی کنند،مقاومت می کنند، با قدرت‌ها می جنگند و آنها را ذلیل و سرکوب می کنند.

حجت‌الاســـلام والمسلمین ســـیدهادی خامنه‌ای ،حجت‌الاسلام والمسلمین سید مصطفی خامنه‌ای، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمجتبی خامنه‌ای، حجت‌الاسلام والمسلمین ســـیدمیثم خامنه‌ای، حجت‌الاسلام والمسلمین ســـید محسن خامنه‌ای، حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری، دریابان شـــمخانی دبیر شورای عالی امنیـــت ملی، محســـن رضائی دبیر مجمع تشـــخیص مصلحت نظام، حجت‌الاسلام والمسلمین ری شهری تولیت آستان عبدالعظیم حسنی، علی ربیعی ســـخنگوی دولت، عباسعلی کدخدائی سخنگوی شورای نگهبان، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود علوی وزیر اطلاعات، آیت‌الله امامی کاشـــانی، حجت‌الاسلام والمسلمین صدیقی، حجت‌الاسلام والمسلمین مجیدانصاری،محمودواعظی‌رئیس‌دفتر رئیس جمهوری، سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، سردار رمضان شریف سخنگوی سپاه پاسداران، امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده فرمانده نیروی هوایی ارتش، امیر صباحی فرد فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش، ســـردار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، سیدعبدالواحد موسوی لاری رئیس شورای سیاستگذاری اصلاح طلبان، محمدرضا عارف و بسیاری از شخصیت‌های کشوری و لشکری هم به صف مردم در راهپیمایی عظیم و با شکوه ۲۲ بهمن پیوستند.

نگاهی به وضعیت ادبیات خبر(بخش اول)

قبح اشتباه در رسانه‌ها ریخته شده است



مسأله ادبیات در رسانه، مسأله تازه‌ای نیست و همواره سال‌ها بر روی آن بحث بوده است. از زمانی که اولین رسانه‌های چاپی در ایران شروع به کار کردند، مثل عصر قاجار و بعد رادیو و تلویزیون، همیشه این بحث بوده که ادبیاتی که در رسانه‌ها به کار می‌رود، چگونه باید باشد.

شیوه صحیح نگارش این روزها گمگشته ادبیات رسانه‌هاست؛ بر این اساس چه رسانه‌های مکتوب و چه شبکه‌های رادیو و تلویزیونی اغلب راهبردهایی مشخص برای نگارش زبان فارسی نداشته و به ضرورت تدوین معیارهای شاخص برای درست‌نویسی و بیان کلمات و واژگان نرسیده‌اند.

این روزها وضعیت نظم و نثر زبان فارسی در رسانه‌ها نابهنجار است و هشدارهای استادان ارتباطات درباره ادبیات خبر هم چندان جدی گرفته نمی‌شود.

آنچه در ادامه می‌خوانید تعدادی از گفت‌وگوهای استادهای ارتباطات با گزارشگر بخش رسانه ایسنا است که درباره وضعیت ادبیات خبر در رسانه‌های کشورمان عنوان شده است:

علی‌اکبر قاضی‌زاده ـ مدرس روزنامه‌نگاری ـ با اعتقاد بر اینکه یکی از سختگیری‌هایش در عرصه کار، همیشه احترام به زبان مرجع در جامعه است، می‌گوید: با بی‌بند و بار نوشتن در رسانه اصلاً موافق نیستم. از آن گذشته به نظر من فضای مجازی و این گروه‌های اجتماعی، ادبیات، نگارش و رسم‌الخطی را به کار می‌برند که کاملاً مخرب و بسیار خطرناک است.

این مدرس روزنامه‌نگاری درباره ادبیات امروز رسانه‌ها، همچنین صداوسیما، با اعتقاد بر اینکه زبان صداوسیما در مقایسه با خیلی از رسانه‌های دیگر (غیر از رسانه‌های اینترنتی) زبان سلامتی است، در عین حال مطرح می‌کند: عیب کار در صداوسیما آنجاست که هر اشتباهی در آن مرجع می‌شود، به ویژه اینکه اگر دو یا سه بار تکرار شود و خطر این است.

وی ادامه می‌دهد: از خیلی سال قبل ـ از اوایل دهه ۶۰ ـ شاهد بودیم که بر سر درست‌نویسی و درست‌گویی در رادیو و تلویزیون تأکید می‌شد. اما اشتباهی بزرگ هم می‌شود؛ برای مثال فردی در یکی از شبکه‌ها کلمه «صبغه» را به جای «سابقه» به کار می‌برد! این به سرعت در رسانه جا افتاد. علت آن هم این بود که آن گوینده محترم یک صبغه‌ای در جایی شنیده بود. در حالی که صبغه با صاد و غین نوشته می‌شود و به معنی منش و طرز تفکر است و هیچ ربطی به سابقه ندارد.

قاضی‌زاده درباره ادبیات فعلی مطبوعات می‌گوید: در ارتباط با ادبیات روزنامه‌ها باید دید چه کسانی بالای سر آنها هستند، اسم نمی‌برم. یادم است زمانی سنت خوبی به راه افتاده بود، زمانی که مطبوعات و خبرگزاری‌ها به این میزان پرتعداد نبود. هم در ایرنا و هم در روزنامه‌ها هر رسانه‌ای برای خودش یک واژه‌نامه داشت. انتشاراتی‌های معتبر هنوز هم دارند که بر اساس آن کتاب‌هایشان را ویرایش می‌کنند. دفترچه‌های فشرده کوچکی هستند که من هنوز دو ـ سه نمونه از آن را دارم که بر نگارش درست تأکید داشت. این راهنما را دست هر خبرنگار دبیر و سردبیری که می‌آمد، می‌دادند و از او می‌خواستند که همین را رعایت کند. اینها کار آدم‌های فهمیده‌ای مثل ابوالحسن نجفی و برخی دیگر بود که فارسی را می‌فهمیدند و درخواست می‌کردند یک واژه‌نامه به هر رسانه‌ای داده شود تا به عنوان اصل باشد. ولی مشکل ما امروزه صدا و سیما و روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها نیست. مشکل ما این است که جامعه ما جامعه بی‌سواد و بی‌سوادپسندی شده است. هیچ دانشجو و روزنامه‌نگاری احساس کوچکی نمی‌کند که سقط را با غین بنویسد و خیلی نگران هم نمی‌شود؛ در حالی که اگر ما در خبر و گزارشی کلمه‌ای را اشتباه می‌نوشتیم کل تحریریه را صدا می‌کردند که به ما بخندند اما حالا قبح این اشتباهات ریخته شده است. مشکل این است که ما و نسل ما بچه‌هایی در مدارس و خانه‌هایمان تربیت نکردیم که مبنای زبان ملی خودشان را بشناسند. واژه‌ای به نام «دوستت دارم» داریم که خیلی پیش‌پا افتاده است. اکثر بچه‌های الان «دوست دارم» می‌نویسند و به جای دو تا «ت» یک «ت» می‌گذارند؛ یعنی فارسی ما در حال آسیب دیدن است آن هم به دلیل نسل ما. ما نباید بچه‌ها را از خواندن و یاد گرفتن دور می‌کردیم.

این چه خبری است؟!

گیتا علی‌آبادی ـ استاد دانشگاه و رئیس دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها ـ هم می‌گوید: خیلی اوقات در روزنامه‌ها می‌بینیم که تیتر و لید در خبرها ناهماهنگ هستند و معلوم نیست مطلبی که ارائه شده در قالب چه سبکی است؛ در حالی که اگر این چارچوب‌ها رعایت شود تا حد زیادی مشکلات نگارشی هم حل می‌شود.

وی درباره وضعیت این روزهای ادبیات فارسی (زبان مرجع) در رسانه‌ها، معتقد است: از آنجا که در نگارش خبر کمی سلیقه دخالت می‌کند و سلیقه کسانی که ویراستاری می‌کنند، متفاوت است، برخی از این موارد به سلیقه کسی برمی‌گردد که ویراستاری یک نشریه را انجام می‌دهد.

وی با بیان اینکه در مطبوعات بیش از فضای مجازی اصول نگارش رعایت می‌شود، توضیح می‌دهد: در فضای مجازی به دلیل اینکه خبر ماندگار نیست، زود از بین می‌رود و ممکن است که خیلی کمتر دیده شود و کسانی هم که می‌بینند، شاید خیلی پایبند به رعایت اصول نباشند، ممکن است که هر واژه و کلامی را ـ چه غلط و چه درست ـ استفاده کنند که سریع‌تر متن تمام و منتشر شود. شاید به دلیل این سرعت عمل است که سعی می‌کنند از واژه‌های دم‌دستی استفاده کنند و دنبال واژه مناسب نیستند که چه چیزی را می‌توانند جایگزین کنند. اما از نظر ادبیات باید بسیار رعایت صورت بگیرد؛ چرا که به هر حال جزو مسئولیت‌های اخلاقی است که یک روزنامه‌نگار باید ادبیات را به درستی رعایت کند. در اینکه چه می‌نویسد، در مورد چه کسی می‌نویسد، آیا کلامش می‌تواند بعدها مسئله حقوقی در پی داشته باشد، واژه‌هایی که واقعاً استفاده می‌کند، آن معنایی که می‌تواند در ذهن مخاطب داشته باشد را، رعایت کرده یا نه. همه اینها تا حد زیادی به نحوه نگارش، دیدگاه نویسنده و اینکه واقعاً تا چه حد این نگارش را رعایت می‌کند، برمی‌گردد.

علی‌آبادی با اشاره به وضعیت درست‌نویسی و رعایت شیوه نگارش صحیح ادبیات فارسی در رسانه‌ها با اعتقاد بر اینکه از سال‌های دور این بخش با مشکل مواجه بوده است، توضیح می‌دهد: در تاریخ ایران از این دست مسائل بوده است. در سال‌های اواخر دهه ۳۰ که نشریاتی چاپ می‌شدند و رسانه‌ها به این شکل نبودند، ما شنیدیم و دیدیم که مطرح می‌شد، چرا نگارش ادبیات رعایت نمی‌شود و هر کسی روزنامه‌ای دارد و هر چه دلش می‌خواهد، می‌نویسد. حتی می‌تواند توهین‌آمیز باشد. می‌تواند از واژه‌های سخیفی استفاده کرده باشد. این است که گاهی دوره‌هایی می‌گذرد و موقعیت‌هایی پیش می‌آید که شاید مشابه هم باشند. البته این مسأله تا حد زیادی به کسانی برمی‌گردد که مسئولیت نشریه و نگاهی به وضعیت جامعه دارند.

وی با تأیید اینکه قبح اشتباهات در رسانه‌ها ریخته شده است، معتقد است: ویراستاری اصولاً سلیقه‌ای است. در حوزه دستور زبان هم تا حدی سلیقه‌ای است و این سلیقه‌ای بودن باعث شده که این تنوع نگارش در نشریات و رسانه‌ها تا حدی پیش بیاید و نمی‌شود جلوی آن را هم گرفت؛ چرا که گاهی نگاه ادبی نسبت به موضوع از جنبه یک ادیب است که نگاهش به ویراستاری با یک روزنامه‌نگار فرق کند. به همین دلیل است که درسی با عنوان شیوه نگارش فارسی در دانشگاه‌ها برای روزنامه‌نگاران در مطبوعات وجود دارد. برای اینکه خواننده‌ای که مطلب را می‌خواند برایش قابل هضم باشد و راحت آن را درک کند و یا مثلاً نوشتن اعداد در رسانه‌ها که عنوان می‌شود به گونه‌ای بنویسید که خرد باشد و در خواندن راحت باشد. اینها شیوه‌هایی است که برای رسانه‌ها وضع شده است و به کار برده می‌شود. پیش از این هر رسانه‌ای سعی می‌کرد شیوه‌نامه و رسم‌الخطی داشته باشد چه برای نگارش چه برای رعایت اخلاق رسانه‌ای؛ اینکه چه مطالبی مناسب است مطرح شود و چه مطالبی مناسب نیست و به جامعه و ذهن و افکار عمومی آسیب می‌زند. این شیوه‌نامه‌ها را خود نشریات و رسانه‌ها دارند.

علی‌آبادی در پاسخ به اینکه آیا بهتر نیست شیوه‌نامه و رسم‌الخط کلی برای همه رسانه‌ها وضع شود؟ اظهار می‌کند: فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه‌هایی در زبان جایگزین می‌کند که تا جا بیفتد و قابل استفاده شود، خیلی زمان‌بر است. ممکن است که یک دهه طول بکشد که واژه‌ای جا بیفتد، اگر این اتفاق بیفتد خیلی خوب است اما چون بحث ویراستاری سلیقه‌ای است، همین سلیقه‌ای نگاه کردن به واژگان و کلمات فارسی باعث می‌شود این کار به تاخیر بیفتد، بنابراین هر رسانه‌ای خودش شیوه‌نامه می‌دهد.

این استاد دانشگاه در ادامه درباره وضعیت تنظیم خبر در رسانه‌ها نیز اظهار می‌کند: وقتی خبر تهیه می‌شود باید دقت زیادی روی آن صورت بگیرد. به نظر می‌آید در حوزه نگارش یک سری چارچوب‌هایی وجود دارد و یک مقداری به این شکل متداول شده که دوستان معتقدند شیوه‌های قدیمی و کهنه وجود دارد و باید به شیوه‌های جدید روی آورد، در حالی که باید چارچوب‌ها را رعایت کرد. خیلی اوقات در روزنامه‌ها می‌بینیم که تیتر و لید در خبرها ناهماهنگ هستند و معلوم نیست مطلبی که ارائه شده در قالب چه سبکی ارائه شده است؛ در حالیکه اگر این چارچوب‌ها رعایت شود تا حد زیادی بعضی مشکلات نگارشی هم حل می‌شود. اینکه در تیتر تکرار نداشته باشیم، در لید از مواردی استفاده کنیم که خیلی خلاصه و چکیده باشد و مهم‌ترین بخش مطلب. ولی باز هم می‌بینیم که مشکل وجود دارد و برخی دوستان درک نکردند که این چه خبری است!؟ ما نمی‌دانیم آن خبر را مقدمه، لید یا چه چیزی حساب کنیم.

رسانه‌ها به سمت ادبیات کوچه بازاری رفته‌اند

بیژن نفیسی ـ روزنامه‌نگار باسابقه ـ نیز درباره ادبیات رایج در رسانه‌های کشور هشدار می‌دهد: با وجود شبکه‌های اجتماعی، کار رسانه‌ها خیلی سخت‌تر شده است. رسانه‌ها در حال رفتن به سمت عامیانه حرف زدن و فرهنگ کوچه هستند و بازگرداندن آنها به زبان مرجع کار دشواری است.

او درباره وضعیت این روزهای ادبیات فارسی (زبان مرجع) در رسانه‌ها، معتقد است: مسأله ادبیات در رسانه مساله تازه‌ای نیست و همواره سال‌ها بر روی آن بحث بوده است. از زمانی که اولین رسانه‌های چاپی در ایران شروع به کار کردند، مثل عصر قاجار و بعد رادیو و تلویزیون، همیشه این بحث بوده که ادبیاتی که در رسانه‌ها به کار می‌رود، چگونه باید باشد.

این روزنامه‌نگار پیشکسوت و مدرس دانشگاه ادامه می‌دهد: پیش از این رسانه‌ها از اساتیدی دعوت می‌کردند که بیایند و خط مشی این گفتارها و نوشتارها را مشخص کنند. سال‌ها پیش گروه‌های ویراستاری تشکیل می‌شد که اخبار همه یک‌دست باشد. حتی ایسنا جزوه‌ای را آماده کرد که رسم‌الخط چگونه باشد و چگونه رعایت شود. اینها تلاش‌هایی بود که سال‌های سال در این زمینه انجام می‌شد. منتهی ما دو مقوله در بحث رسانه داریم؛ در خبرنویسی و گزارش‌نویسی سبک خاصی داریم مثل هرم وارونه و امثال آن که رسانه‌ها روی آن عمل می‌کنند و در واقع همان شیوه‌های سبک نگارشی است. اما بحثی که ما مد نظر داریم، استفاده از واژه‌هاست؛ اینکه برای مثال جمله‌ها باید فعل و فاعل داشته باشند؛ در این مباحث معتقدیم تیتر باید فعل و فاعل داشته باشد اما خیلی از تیترهایی که می‌بینیم فعل ندارد، در حالی که اگر فعل نداشته باشد، تیتر حالت شعاری پیدا می‌کند و آن قاطعیت را نشان نمی‌دهد؛ البته مقداری روی این قضیه سلیقه‌ها و نظرهای مختلفی وجود دارد. ضمن اینکه رسانه به طرز عجیبی تحت تأثیر فضای مجازی قرار گرفته است و فضای مجازی هم هیچ‌کدام از این قید و بندها را رعایت نمی‌کند. در حقیقت عیناً زبان محاوره و آن چیزی که در سطح جامعه می‌بینیم، مکتوب و یا به صورت ضبطی از طریق رسانه‌ها در اختیار مردم قرار داده می‌شود؛ در حالی که کار رسانه به این سادگی نیست.

این مدرس دانشگاه در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: به هر حال در رسانه‌های رسمی ما، جایی که می‌خواهیم از آن طریق شرایط را به گونه‌ای منطبق کنیم که اثر خودش را در کل جامعه بگذارد، مثل رادیو، تلویزیون، مطبوعات و خبرگزاری‌های رسمی کشور، حدالامکان باید از ضوابط و واژه‌هایی استفاده کنیم که در سطح جامعه قابل درک و فهم است. لغت‌نامه و مترادفی که برای برخی واژه‌های دشوار معرفی شده است به این دلیل است که متن برای خواننده و شنونده و در مجموع مخاطب، قابل درک و فهم باشد. این یکی از مشکلاتی است که در کار رسانه داریم و بعضا از اصطلاحات غیرمعمولی استفاده می‌کنند که برای مخاطب قابل فهم نیست.

این روزنامه‌نگار پیشکسوت در ادامه اظهار می‌کند: اگر هر رسانه‌ای برای خود خط و ربطی تعیین کند باز هم تفاوتی ایجاد می‌شود. شاید از طریق یک فرهنگستان و متولی که بتواند رسم‌الخط مشخصی را تعیین کند، می‌توانیم استفاده درست‌تری از این قضایا داشته باشیم. پیشرفت دنیای امروز بقدری سریع است که شما نمی‌توانید برای اصطلاحات آن معادل‌سازی کنید. این هم یکی از مشکلات است که ما با آن مواجه هستیم. اینکه دستور زبان را چگونه رعایت کنیم. همه اینها مسأله است و ما باید دستورالعمل یکدستی داشته باشیم که الان در رسانه‌ها وجود ندارد و هر کدام از رسانه‌ها تشخیص خودشان را دارند. برای نمونه در خبری که آقای رئیس جمهور و یا یکی از وزرا صحبتی کرده‌اند، هر کدام از رسانه‌ها با شیوه متفاوت آنرا تنظیم کرده‌اند؛ به عنوان مثال نقطه ویرگول‌ها مشخص نیستند و هر رسانه‌ای به شیوه خودش خبر نقل قول را نگارش کرده است و دستورالعمل مشخص مدونی در این زمینه وجود ندارد.

بیژن نفیسی سپس یادآور می‌شود: شیوه‌های نگارش که این روزها گمگشته ادبیات رسانه‌هاست، پیش از این در دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه خوانده شده است، اما بعد در عمل می‌بینیم که سیستم‌های دانشگاهی‌مان زیاد به این قضیه توجهی نمی‌کنند. شما حتی می‌بینید غیر از دانشکده ادبیات فارسی که تخصصی است، حتی در رشته رسانه که بسیار مرتبط با ادبیات فارسی است، هیچ واحدی در دانشگاه در زمینه درست‌نویسی عملاً نمی‌بینیم. حتی در دوره‌های کارشناسی و یا پایین‌تر دستورالعمل مشخص و کتابی در زمینه درست‌نویسی در دانشگاه‌ها نمی‌بینیم.

وی با تأیید اینکه قبح اشتباهات در رسانه‌ها ریخته شده است، می‌گوید: جدیداً کتابی از نویسنده فارسی‌زبان ما چاپ شده که مشخصه آن این است که تعمداً اقدام به غلط‌نویسی کرده است و این کتاب در جامعه پرفروش شده است. اکثر واژه‌های کلیدی در این کتاب عمداً غلط نوشته شده است. این کتاب اجازه چاپ داشته و از آن استقبال هم شده است. وقتی ما چنین بدعت‌هایی می‌گذاریم قبح این اشتباهات هم ریخته می‌شود. البته در کشور فرانسه هم کتابی بدون مبنی و نتیجه و بی‌سرو ته نوشته شده بود. یک سری لغات غیر متداول و سخت را به کار برده بود که به عنوان یک کتاب روشنفکرانه طرفداران زیادی هم پیدا کرده بود. بعد نقدی روی آن نوشته بود مبنی بر اینکه جامعه درکش به این صورت پایین آمده و فکر می‌کند اگر چیزی را نمی‌فهمد، خیلی روشنفکرانه است. یک‌سری باورها به این صورت در حال شکل گیری است که اگر جایی یکسری لغات سخت به کار ببریم نشان‌دهنده سواد ماست؛ در حالی که هنر این است که ما بتوانیم این ادبیات را به لغات ساده و قابل فهم تبدیل کنیم تا همه بفهمند. راز ماندگاری حافظ و سعدی هم در همین است. در عین حال کتاب‌های همزمان با دوره‌های سعدی و حافظ را هم داریم که پیچیده و سخت است و شما متوجه آن نمی‌شوید.

نفیسی در پایان می‌گوید: نیاز هست با کمک خود رسانه‌ها، متولی برای این کار شکل بگیرد که بنیاد یک دستورالعمل و رسم‌الخط کلی به ترویج گذاشته شود آن هم توسط کسانی که صلاحیت آنرا دارند. بر این اساس دستورالعملی تدوین شود و در اختیار رسانه‌ها گذاشته شود که ما به تدریج پایه منظمی را بگذاریم که در چند سال بعد نتیجه مطلوبی از آن بگیریم. کما اینکه با وجود شبکه‌های اجتماعی کار ما خیلی سخت‌تر شده است و رسانه‌ها به سمت عامیانه حرف زدن و فرهنگ کوچه رفته‌اند..

گروه گزارش

یک روزنامه‌نگار باید ادبیات را به درستی رعایت کند. در اینکه چه می‌نویسد، در مورد چه کسی می‌نویسد، آیا کلامش می‌تواند بعدها مسئله حقوقی در پی داشته باشد، واژه‌هایی که واقعاً استفاده می‌کند، آن معنایی که می‌تواند در ذهن مخاطب داشته باشد را، رعایت کرده یا نه. همه اینها تا حد زیادی به نحوه نگارش، دیدگاه نویسنده و اینکه واقعاً تا چه حد این نگارش را رعایت می‌کند، برمی‌گردد

حدالامکان باید از ضوابط و واژه‌هایی استفاده کنیم که در سطح جامعه قابل درک و فهم است. لغت‌نامه و مترادفی که برای برخی واژه‌های دشوار معرفی شده است به این دلیل است که متن برای خواننده و شنونده و در مجموع مخاطب، قابل درک و فهم باشد. این یکی از مشکلاتی است که در کار رسانه داریم و بعضا از اصطلاحات غیرمعمولی استفاده می‌کنند که برای مخاطب قابل فهم نیست

جدول ۲۳۸۹۰

طراح: غلامحسین باغبان

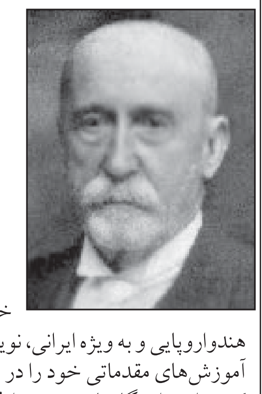
افقی:
۱ - سریالی از فرج‌الله سلحشور - ثابت شدن امری به حجت
۲ - فیلسوف یونانی شاگرد سقراط - از حالات ماده
۳ - خداوند - بیماری پوستی - مخفف هوش - بازرسی
۴ - مخزن بنزین خودرو - باج - چالک وسط شکم - اهلی
۵ - پساوند مکان - بانک خانگی - از حواس پنجگانه
۶ - ماه ها، جمع قمر - پسوند آغشتگی - مردن از غصه - زمان استراحت
۷ - مدرن - دولت سرا
۸ - تیزهوشی - مقابل زوج - از مناطق انگلستان - آلوی کوهی
۹ - در بیان علت چیزی به کار می رود - خواربار فروش
۱۰ - سرما - پیشرو اعداد - سرمایه زندگی - دادگستری سابق
۱۱ - جایگاهی برای لامپ روشنایی - از بخش های اوستا - بخشی از پا
۱۲ - حیله - نهنگ دریایی - کویر مرکزی ایران - شهری در یزد
۱۳ - سخت - کلمه شگفتی - قله زاگرس - آب شرعی
۱۴ - بنیانگذار - سریالی از مهدی فخیم زاده
۱۵ - پسر گودرز در شاهنامه - کشف کریستف کلمب

عمودی:
۱ - خدای من - پند - با تدبیر
۲ - می تواند یا ممکن است به وجود آید - نام دو تن از شاهان سلسله سلجوقیان
۳ - از ادات تشبیه - پیروز و بهره مند - شهر و تیمی در ایتالیا
۴ - پسوند فرامین نظامی - رئیس ایل - نخ تابیده - زن شوهر مرده
۵ - جوهر قلیا - کاغذ خرید
۶ - مقابل قشلاق - محرمانه - علامت مفعولی - نیم صدای سگ
۷ - سنگ آسیا - از آثار ماکسیم گورکی - برچار چوب در می کوبند
۸ - درل - بزرگ و سرور - الفبای خوراکی - سگ بیمار
۹ - دانه هایی مانند عدس - تیم فوتبال انگلیسی - یک عامیانه
۱۰ - خاک کوزه گری - حرف هشتم لاتین - سورچران - براندازی حکومت بااستفاده از قوای نظامی کشور
۱۱ - کفاش و کفشگر - زندگانی آسان
۱۲ - بها - کمتر - غزوه پیروز - بدکارتر
۱۳ - پیل الکتریکی - انواع خوراکی هایی از قبیل آجیل و شیرینی - نصف قیام
۱۴ - ادیت، تصحیح ادبی - جدایی ناپذیر
۱۵ - آموختن، یاد گرفتن - بی عقل و سبک مغز - کافه

حل جدول ۲۳۸۸۹

آشنایی با ایران‌شناسان

بارتولومه



دکتر محمدتقی راشد محصّل

کریستیان بارتولومه (Bartholomae)، خاورشناس آلمانی، دانشمند بزرگ زبان‌های هندواروپایی و به ویژه ایرانی، نویسنده کاملترین واژه‌نامه اوستایی بود. وی آموزش‌های مقدماتی خود را در بایروت آلمان به پایان رسانید و زبان‌های کهن را در دانشگاه‌های مونیخ و ارلانگن و به‌ویژه نزد فریدریش فون اشپیگل ـ ایران‌شناس مشهور آلمانی ـ فراگرفت؛ سپس به دانشگاه لایپزیگ رفت و سنسکریت و زبان‌شناسی تطبیقی را در آن دانشگاه آموخت. استادی که تأثیری ژرف در او گذاشت، به طوری که بعدها در مقدمه کتاب «فعل در ایرانی باستان» تنها از او به عنوان استاد خود نام برد، هاینریش هوبشمان بود.

بارتولومه در دوران تحصیل پیشرفت فوق‌العاده‌ای نداشت و پس از دریافت درجه دکتری، چند سال طول کشید تا به مقام استادی رسید. نخست در دانشگاه هاله به عنوان استاد موقت به کار پرداخت؛ یک سال بعد به دانشگاه مونستر رفت و در ۱۸۹۸ استاد تمام‌وقت دانشگاه گیسن شد و سپس در ۱۹۰۹ به جانشینی استادش ـ هوبشمان ـ در دانشگاه استراسبورگ انتخاب شد؛ اما دوران استادی‌اش در این دانشگاه یک سال بیشتر نپایید و سرانجام در همان سال از او برای استادی دانشگاه هایدلبرگ دعوت شد و به عنوان استاد زبان‌شناسی تطبیقی و سنسکریت تا هنگام بازنشستگی (۱۹۲۴) در همین دانشگاه خدمت کرد. بارتولومه عضو فرهنگستان علوم هایدلبرگ و نیز عضو پیوسته فرهنگستان علوم روسیه بیش از جنگ بود. او که در ۲۱ ژانویه ۱۸۵۵ متولد شده بود، در نهم اوت ۱۹۲۵ درگذشت.

زندگی علمی

بیشتر زندگی علمی بارتولومه به معرفی، بازسازی و تحلیل زبان‌های ایرانی باستان اختصاص داشت و اگرچه بیشتر به عنوان اوستاشناس شهرت دارد، اما تسلط او در فارسی باستان و زبان‌های ایرانی میانه و زبان‌های اصلی خانواده هندواروپایی، به‌ویژه سنسکریت، لاتینی و یونانی انکارناپذیر است. بخش عمده‌ای از فعالیت‌های علمی بارتولومه به تحقیق در متون اوستایی سپری شد و او با کوشش توانست تحولات آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی آنها را قانونمند کند و بسی از مشکلات آنها را بگشاید؛ و هرچند در زمان او متنها شکل مطلوبی برای بررسی علمی نداشت، اما او از میان انبوه مواد زبانی آمیخته، زبانی پیراسته در پیش رو گسترد که دامنه پژوهش‌های بعدی را وسعت بخشید و راه را برای تحلیل‌های ژرف‌تر هموار کرد.

درست است که گلدنر (۱۸۵۲ـ ۱۹۲۹)، خاورشناس آلمانی، متنی پیراسته از اوستا فراهم کرده بود و بارتولومه از این متن برای کارهای علمی خود بهره گرفت، اما حقیقت آن است که او خود را در چهارچوب برداشت‌های گلدنر محدود نساخت، بلکه در برخی از موارد قرائت‌های جدیدی از واژه‌ها و تحلیل‌هایی متفاوت با تحلیل‌های او به دست داد که بیشتر آنها هنوز ارزش خود را حفظ کرده است. «واژه‌نامه ایرانی باستان» او (۱۹۰۴)، پس از صد سال، هنوز همتا ندارد و مرجعی مطمئن و برای بخشهایی از اوستا منحصر به فرد است.

بارتولومه در زمینه زبان‌های دیگر خانواده هندواروپایی نیز استادی توانا است. از او نظریه شناخته‌ای درباره همگونی‌های آوایی می‌شناسیم که به عنوان «قانون بارتولومه» شهرت یافته است. کارهای بارتولومه در زمینه اوستا و زبان‌های ایرانی باستان به واژه‌نامه او محدود نمی‌شود. مقاله‌های مشروح او درباره پیشینه تاریخی زبان‌های ایرانی در کتاب بنیاد زبان‌شناسی ایرانی (۱۸۹۵ـ ۱۹۰۴) و ترجمه و گزارش او از گاهان (۱۹۰۵) نخستین کارهای ارزنده‌ای است که درباره زبان‌شناسی ایرانی صورت گرفته و حاکی از نبوغ و توانایی او در توصیف جنبه‌های مختلف زبانی است. کارهای او درباره اوستا به اهتمام رایشلت به ویژه در زمینه نحو و به کوشش شلرات و هوفمان در زمینه‌های صرفی واژگانی و تنظیم فرهنگ مقایسه‌ای پیگیری شد و درباره فارسی باستان نیز و ایسباخ و خاصّه کنت کار او را ادامه دادند. اما پژوهش‌های این چند تن و همه دانشمندانی که پس از بارتولومه آمده‌اند ادامه کارهای او و در جهت تکمیل یا توضیح آنهاست.

بارتولومه در کارهای پژوهشی خود، به خصوص پس از تنظیم واژه‌نامه ایرانی باستان، به متنهای ایرانی میانه نیز توجه خاص دارد. او پژوهش در متنهای حقوقی پهلوی، به‌ویژه «مادیگان هزاردادستان» را از سال ۱۹۰۷ آغاز کرد. حاصل کار او درباره حقوق دوره ساسانی در شش مقاله تنظیم شد که در فاصله سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۳ انتشار یافت. عنوان نخستین مقاله «درباره یک کتاب حقوقی ساسانی» (۱۹۱۰) است؛ پنج مقاله دیگر نیز در همین موضوع، با عنوان «درباره حقوق ساسانی» (۱۹۱۸ـ ۱۹۲۳) در مجموعه گزارش‌های نشست‌های علمی فرهنگستان علوم هایدلبرگ انتشار یافت.

بارتولومه در بررسی متنهای پهلوی درباره ویژگی‌های لفظی و مسائل دستوری آن، آن‌گونه که به محتوا و مطالب آن توجه دارد، دقت و موشکافی نمی‌کند؛ اما به هر روی برداشت او از متنهای دشوار فارسی میانه چشمگیر و جالب توجه است. عبارت‌ها و بندهای دشوار متن را با دیدی عالمانه و دقتی درخور تحسین تجزیه و تحلیل می‌کند و از خلال آنها احکام و قانون‌های دینی را بیرون می‌کشد. او در پژوهش‌های خود به دستنویس‌ها و نسخه‌های کهن نیز توجه می‌کند و نوشته‌های مستقلی در این زمینه دارد که «گزارش‌هایی درباره رونوشت یک دستنوشته زند در کتابخانه انجمن خاورشناسان آلمان» از آن جمله است. مهمترین کارهای علمی او عبارت است:

۱ـ فعل در ایرانی باستان از نظر ساخت و نحو (مونیخ، ۱۸۷۸)؛

۲ـ گاهان و نمازهای مقدس مردم ایران باستان (هاله، ۱۸۷۹)، بارتولومه در این اثر درباره وزن، ویژگی‌های متن و دستور زبان آن بحث کرده و نمایه‌ای از واژه‌های آن نیز داده است.

۳ـ پژوهش‌های آریایی، در سه جلد (هاله، ۱۸۸۷ ـ ۱۸۸۲)؛

٤ـ دستنامه گویش‌های ایرانی باستان (لایزیگ، ۱۸۸۳). این کتاب راهنمایی است برای معرفی گویش‌های کهن ایرانی و مجموعه‌ای است مرکب از دستور زبان، قطعات انتخابی و واژه‌نامه؛

۵ـ گفتارهایی درباره دانش صرف در زبان‌های هند و ژرمنی به‌ویژه گویش‌های آریایی (گوترسلوه، ۱۸۸۸)؛

٦ـ بررسی‌هایی درباره تاریخ زبان هند و ژرمنی، دو جلد (هاله، ۱۸۹۰ـ ۱۸۹۱)؛

۷ـ زبان و زبان‌شناسی آریایی (گوتینگن، ۱۸۹۱)؛

۸ـ پیشینه تاریخی زبان‌های ایرانی (در بنیاد زبان‌شناسی ایرانی)؛

۹ـ «زبان اوستایی و فارسی باستان» این دو بخش از نوشته‌های مهم بارتولومه است که او در آنها زبان‌های ایرانی باستان، یعنی اوستایی و فارسی باستان، را از هنگام جدایی از زبان‌های هندی از نظر واج‌شناسی و صرف تجزیه و تحلیل می‌کند و پیشینه آنها را تا هنگام رسیدن به هندواروپایی مادر، با استفاده از اصول علمی زبان‌شناسی، مدون می‌کند. این دو مقاله یک دهه پس از نخستین کتاب او، یعنی «فعل در ایرانی باستان از نظر ساخت و نحو» انتشار یافت و نیز در تکمیل مطالب کتاب «دستنامه گویش‌های ایران باستان» اوست و پژوهشی است بنیادی و علمی که حاصل ژرف‌نگری او در زبان‌شناسی ایران است؛

۱۰ـ واژه‌نامه ایرانی باستان (استراسبورگ، ۱۹۰٤)؛

۱۱ـ گاهان اوستا (استراسبورگ، ۱۹۰۵)؛

۱۲ـ درباره واژه‌نامه ایرانی باستان (استراسبورگ، ۱۹۰٦). این کتاب در حقیقت مکمل واژه‌نامه ایرانی باستان است و بارتولومه در آن برخی از آگاهی‌هایی را که درباره واژه‌های ایرانی باستان در واژه‌نامه خود داده است، تکمیل و پاره‌ای را تصحیح کرده است؛

۱۳ـ «درباره یک کتاب حقوقی ساسانی» (هایدلبرگ، ۱۹۱۰). در این مقاله، مراد از عبارت کتاب حقوقی ساسانی کتاب «مادیگان هزاردادستان» است که در حقیقت اساسی‌ترین نوشته درباره مسائل و احکام حقوقی دین زردشتی است؛

۱٤ـ درباره شناخت گویش‌های ایرانی میانه (هایدلبرگ، ۱۹۱٦ـ۱۹۲۵). بررسی انتقادی این نوشته از شدرْ در مجله ادبی خاورشناسان به چاپ رسیده است. این آگاهی‌ها در شش جَلَد در فاصله نه سال منتشر شده است؛

۱۵ـ درباره حقوق ساسانیان (هایدلبرگ، ۱۹۱۸ـ۱۹۲۳). این مجموعه در حقیقت پنج مقاله است که در اصل از انتشارات فرهنگستان علوم هایدلبرگ، به عنوان گزارش نشست‌های آن است. کتاب درباره یک کتاب حقوقی ساسانی مقدمه این مجموعه به شمار می‌رود. این شش مقاله را بوگدانف با عنوان «یادداشت‌هایی درباره حقوق ساسانی» به انگلیسی ترجمه و منتشر کرده است و شرح زندگی کوتاهی نیز از بارتولومه در آغاز آن آورده است؛

۱٦ـ درباره مسئله کتاب (هایدلبرگ، ۱۹۱۸)؛

۱۷ـ درباره ریشه‌شناسی و ساخت واژه در زبان‌های هند و ژرمنی (هایدلبرگ، ۱۹۱۹)؛

۱۸ـ زندگی و آموزش‌های زردشت (هایدلبرگ ۱۹۰۹)؛

۱۹ـ زن در حقوق ساسانی (هایدلبرگ، ۱۹۲٤). این کتاب را ناصرالدین صاحب الزمانی با همین عنوان به فارسی ترجمه و منتشر کرده است.

بارتولومه جز این نوشته‌های مهم، مقاله‌ها و رساله‌های دیگری نیز دارد که از آن جمله است: «پژوهش‌هایی درباره گاهان»، «درباره آوانویسی صفیری‌ها در هند و ایرانی»، «فارسی باستان»، «گفتارهایی درباره دستور زبان ایرانی باستان»، «پژوهش‌های ایرانی میانه»، درباره آگاهی خطی آثار ادبی مزدیسنی (مونیخ، ۱۹۱۵).

* دانشنامه زبان و ادب فارسی
(با حذف منابع و اندک تلخیص)

ایرانیان و پایه‌گذاری و گسترش علوم اسلامی

دکتر مهدی محقق ـ عضو پیوسته فرهنگستان

نهج‌البلاغه کتابی بی‌نظیر و فاخر است و همان‌طور که از نامش پیداست، از نهایت بلاغت و زیبایی برخوردار است. جاحظ که خود از علمای بزرگ است، با اینکه چندین جلد کتاب نوشته است، آرزو می‌کرده که: «ای کاش همه کتاب‌هایم بدون نام من منتشر می‌شد، ولی یک خطبه از علی(ع) به نام من در تاریخ باقی می‌ماند!» سخنان علی(ع) که در نهج‌البلاغه آمده، در ادبیات ما تأثیر فراوانی داشته و شعرای ما از سخنان ایشان الهام گرفته و اشعار زیبایی سروده‌اند؛ مثلا علی(ع) در نهج‌البلاغه خطاب به دنیا می‌فرماید: «**یا دنیا یا دنیا، الیک عنّی... غُرّی غیری**: ای دنیا، ای دنیا! از من دور شو و غیر مرا بفریب» (حکمت شماره ۷۷). ناصرخسرو هم این را گرفته و سروده است:

از من چو شناختم تو را، بگذر
آنگه بفریب هر که را خواهی

یا مثلا در تشبیه دنیا به زنی که می‌خواهد با زیبایی خود عوام را بفریبد، باز ناصرخسرو گوید:

ای پسر، گیتی زنی رعناست بس غرچه‌فریب
فتنه سازد خویشتن را چون به دست آرد عزب

یعنی دنیا عاقل را نمی‌تواند بفریبد، بلکه ابله را می‌فریبد. در جای دیگر حضرت(ع) درباره دنیا می‌فرماید: «**قد طلقتک ثلاثا لا رجعه فیها**: تو را سه‌طلاقه کرده‌ام تا بازگشتی نباشد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۷) و ناصرخسرو نیز در همین معنی سروده است:

این جهان پیرزنی سخت فریبنده‌ست
نشود مرد خردمند خریدارش
پیـــش از آن کز تو ببرّد، تو طلاقش ده
مگر آزاد شود گردنت از عارش

و عطار با استفاده از همین کلام علی(ع) می‌گوید:

از آن جستی به دنیا فقر و فاقه
که دنیا بود پیشـــش سه‌طلاقه

یا مثلاً شاعر دیگر می‌گوید: «دنیا سرای رهگذر است ای پسر...» همچنان که حضرت(ع) می‌فرماید: «**ایها الناس انّما الدنیا دار مجاز و الآخره دار قرار. فخذوا من ممرّکم لمقرکم**: ای مردم! دنیا سرای گذر و آخرت خانه جاویدان است. پس از گذرگاه خویش برای سرمنزل جاودانه توشه برگیرید.» (خطبه ۲۰۳) و در جای دیگر می‌فرماید: «**انّ المرء اذا هلک قال الناس ما ترک؟ و قالت الملائکه ما قدم**: کسی که بمیرد، مردم می‌گویند چه باقی گذاشت؟ اما فرشتگان می‌گویند چه پیش فرستاد؟» (همان). سعدی با استفاده از همین دو کلام علی(ع) می‌گوید:

برگ عیشی به گور خویش فرست
کس نیارد ز پس، تو پیش فرست

علی(ع) در جای دیگر می‌فرماید: «**لُبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا**: اسلام را چون پوستینی واژگونه می‌پوشند» (خطبه ۱۰۸) و ناصرخسرو با استفاده از این سخن می‌گوید:

جهل و بی‌باکی شده فاش و حلال
دانـــش و آزادگی گشـــته حرام
باشـــگونه کـــرده عالم پوســـتین
زادمردان بندگان را گشـــته رام

و همچنین صدها کلامی که از علی(ع) نقل شده است و در ادبیات فارسی به کار رفته است و مورد استفاده قرار گرفته است. نهج‌البلاغه دریایی است و وجه تسمیه‌اش هم درست است: «روش و نهایت آموختن بلاغت» و بلاغت و فصاحت یکی از علوم اسلامی است. «فصاحت» بیشتر راجع به لفظ است و «بلاغت» راجع به معناست و علما می‌گویند: سخن باید مطابق با قواعد لغوی و صرفی و نحوی باشد تا سنگین بر زبان و گوش نباشد و این علامت فصاحت است. بلاغت یعنی سخن باید مقتضای حال باشد؛ مثلا شما سخنی که با پدرتان می‌گوئید، فرق می‌کند با سخنی که با بقال سرکوچه می‌گوئید. این انسان داناست که باید بداند سخن باید مقتضای حال باشد. شاعری در این مورد چنین سروده است:

تا سخن زیبا شود یا شعر شیواتر کلام
نکته‌ها باید رعایت کرد از حال و مقام
لا تَقُل بُشری سرود آنگه ولکن بُشرَیان
زافتتاح زشت فاسد گشت حُسن اختتام

شاعر دیگری گفته بود: «لا تَقُل بُشری ولکن بُشرَیان». می‌خواسته تبریک بگوید، ولی با فعل نفی شروع کرده گفته: «تبریک مگو، ولی دو تبریک بگو.» اختتام کلام را خوب گفته، یعنی باید دو تبریک گفت؛ ولی چون با نفی شروع کرده، زیبایی اختتام نیز از دست رفته است و آن اولی او را جواب گفته است. بعد برای اثبات زیبایی شروع کلام به آیه‌ای از سوره مبارکه یوسف اشاره کرده و می گوید:

آن‌که «ادلی دَلوَهُ» چون دید یوسف را به چاه
ابتدا فرمود: «یا بُشری»، سپس «هَذا غُلام»

پس سخن باید مقتضای حال باشد تا بلیغ و زیبا باشد و از این جهت است که هر بلیغی فصیح است، ولی هر فصیحی بلیغ نیست؛ یعنی ممکن است سخنی مطابق قواعد صرفی و نحوی و لغوی باشد، ولی بر حساب مقتضای حال و مقام گفته نشده باشد. نهج‌البلاغه این گونه نیست، هم فصیح است و هم بلیغ؛ یعنی برنامهٔ بلاغت است و بلاغت هم از علوم اسلامی است که بنیانگذارش ایرانی‌ها بودند. مهمترین کتاب در بلاغت، «مَطوّل» سعدالدّین تفتازانی است و تفتازانی در مشرق ایران بوده و خود این کتاب هم شرحی است بر کتاب «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی که او هم ایرانی است. تمام بنیانگذاران علوم اسلامی ایرانی بوده‌اند؛ مثلا در تفسیر قرآن در مکتب اشعری، «تفسیر کبیر» فخر رازی است. اگر بر اساس مکتب معتزلی خواسته باشید، «تفسیر کشّاف» زمخشری است. اگر بر اساس مکتب شیعه خواسته باشید، «تفسیر مجمع البیان» طبرسی یا «تبیان» شیخ طوسی است. پس بنیانگذاران علوم قرآنی هم ایرانی بوده‌اند.

صرف و نحو عربی هم به دست ایرانی‌ها نوشته شده است. سیبویه که قواعد این علم را نوشته، اهل استان فارس است. فیروزآبادی که مهمترین کتاب لغت عربی به عربی را نوشته، به نام «قاموس»، اهل فیروزآباد فارس است. وقتی او این کتاب را نوشت، رفت پیش عربها و گفت: «خُذوا لسانکم من یَد رجُل اَعجَمی». چون عربها به ما می گفتند عجم (یعنی گنگ و لال)، او خواست با این حرف بر سر آنها بکوبد، گفت: «زبان خودتان را از دست کسی بگیرید که شما به او می گویید بی‌سواد و گنگ و لال و کُندزبان!» افتخار برای کدام یک از کشورهای اسلامی به جز ایران است که صرف و نحو عربی و لغت عربی به دست آنها تدوین شده باشد؟

ابن خلدون تونسی می گوید: «پایه‌گذاران علم اصول و فقه، ایرانی‌ها بوده‌اند.» چون اصول فقه را شیخ طوسی با نوشتن کتاب «العُدّه فی اصول الفقه» پایه گذاشت تا برسد به زمان شیخ انصاری و آخوند خراسانی. شیخ انصاری صاحب کتاب «رسائل» و «مکاسب» است و آخوند خراسانی صاحب کتاب «کفایه الاصول»؛ همه ایرانی بوده‌اند. این افتخار برای هیچ‌یک از کشورهای اسلامی نیست، به جز ایران و نسل جوان باید این سنت را در اینجا نگه دارد و به گذشته اکتفا نکنند که ابن‌سینا داشتیم، فارابی داشتیم؛ سهروردی داشتیم، ملاصدرا داشتیم و در نتیجه در زمینه علم و دانش ایران بشود بیابان بی‌آب و علف! ایران همان‌طور که همیشه مرکز علوم اسلامی بوده و سرچشمهٔ علوم اسلامی، ایرانی‌ها بوده‌اند، باید به همین صورت باقی بماند نه اینکه مثل سودان و نیجریه بشویم که بهره‌ای از علوم اسلامی ندارند یا حتی خود مصر که

> ***ابن‌خلـدون می‌گوید: «پایه‌گذاران علم اصول و فقه، ایرانی‌ها بوده‌اند». این افتخار برای هیچ‌یک از کشورهای اسلامی نیست، به جز ایران و نسل جـوان بایـد این سـنت را نگه دارد و به گذشـته اکتفـا نکنـد. ایران همیشـه مرکز علوم اسـلامی بوده و باید به همین صورت باقی بماند**

حتی یک فیلسوف مثل ابن‌سینا، فارابی، سهروردی و حاج ملا هادی سبزواری ندارند که آخرین اینها بوده است که فلسفه را به شعر درآورده است و شهید مطهری شرح مبسوطی بر «منظومهٔ» او نوشته است و من افتخار داشتم زمانی که در خارج از ایران بودم، با یک استاد ژاپنی (پروفسور ایزوتسو) شرح منظومه را به زبان انگلیسی ترجمه کردم و در نیویورک چاپ شد و در مجلات خارجی نوشتند: «بعد از اینکه «اغراض مابعدالطبیعه» ابن‌رشد به زبان لاتین ترجمه شد، این اولین بار است که یک نظام منسجم فلسفی از عالم اسلام به غرب می‌رود» و بدین‌وسیله نام حاج ملا هادی سبزواری برای اولین‌بار در کتاب‌های غربی وارد شد.

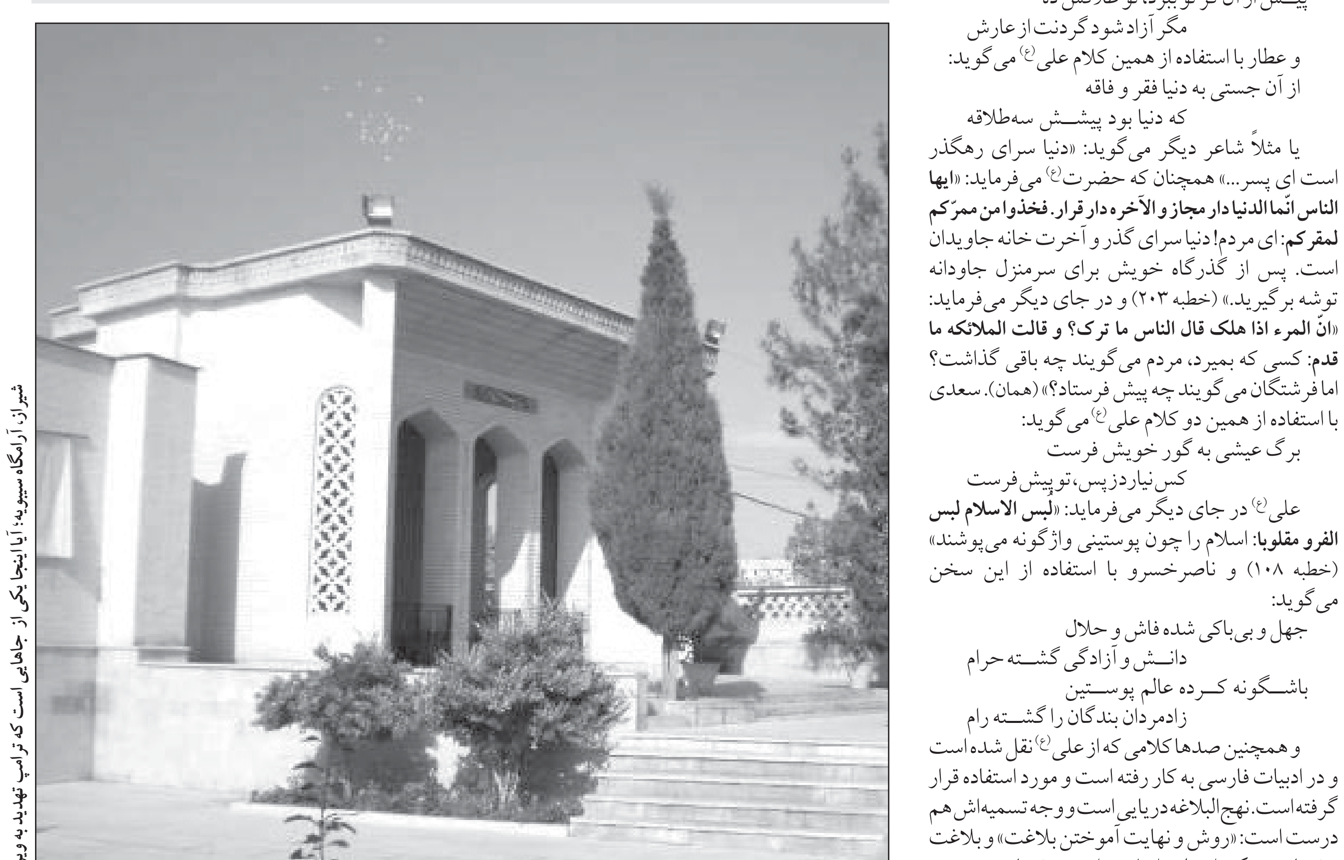


بعد از او هم ما کتاب «قبسات» میرداماد را چاپ کردیم که اصلش به عربی است و سه تا مقدمه دارد: یکی مال هانری کربن است دانشمند فرانسوی، یک مقدمه هم به انگلیسی است دربارهٔ حدوث دهری میرداماد که او مبتکر این موضوع بوده که عالم حادث است نه به حدوث زمانی، چون زمان خودش جزء عالم است، و سومین مقدمه را هم فضل‌الرحمن پاکستانی نوشته که استاد فلسفهٔ دانشگاه آکسفورد بود و تحصیلات طلبگی هم داشت. این علوم باید در این مملکت زنده بمانند. نباید از بین بروند و ایران بشود بیابان خشک که هیچ چیز نداشته باشد، مثل سودان و نیجریه!

غربی‌ها می گویند آن روزی که جنازهٔ ابن‌رشد در قُرطبهٔ اسپانیا تشییع شد و رفت زیر خاک، تفکر علمی و فلسفی و عقلی هم در جهان اسلام از بین رفت! من برای اینکه خلاف این را ثابت کنم، همایشی سال ۱۳۸۱ در اصفهان با عنوان «قُرطبه و اصفهان» برگزار کردم که اگر در قرطبه چراغ علم خاموش شد، ولی در اصفهان روشن شد. همین مکتب «حکمت متعالیه» ادامهٔ فلسفه‌ای است که تا حال حاضر در ایران بوده و به وسیله امثال علامه طباطبایی تدریس می‌شده است و یک تفکر زنده بوده که در ایران است. بنابراین در حوزه فلسفه هم بوده است اگرچه در حوزه بیشتر تکیه بر فقه و اصول است، ولی فلسفه هم بوده است.

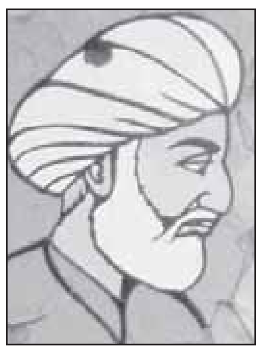
در مشهد شاگردان میرزامهدی اصفهانی با فلسفه مخالف بودند. من در مشهد که بودم، پیش یک نفر شرح منظومه و منطق سبزواری را می‌خواندم. یک روز آمدم مدرسه، برخی طلبه‌ها گفتند: «شنیده‌ایم فلسفه می‌خوانی! مگر نمی‌دانی فلسفه کفر است؟» گفتم: «من منطق می‌خوانم.» گفتند: «منطق هم مقدمه فلسفه است و مقدمه کفر، کفر است. برو پیش کسی که ردّ آن را تدریس کند.» گفتم: «فعلا در منظومه رسیده‌ام به تقسیم علم به تصوّر و تصدیق»، یعنی اگر ما یک چیزی را به چیز دیگر نسبت دادیم، می‌شود تصدیق و اما اگر چیزی را فکر کردیم، می‌شود تصوّر و می گویند این حصر عقلی است. گفتند: «برو پیش کسی که ردّ آن را بگوید!» گفتم: «چیزی که حصر عقلی دارد، ردّی ندارد»؛ مثل عدد که یا زوج است و یا فرد و بعد تو بگویی برو پیش کسی که آن را رد کند و بگوید ما عددی داریم که نه زوج است و نه فرد!

به هر حال ایران از دیرباز مهد علوم اسلامی بوده و ایرانی‌ها پایه‌گذار علوم اسلامی بوده‌اند و امروز نیز باید همچون گذشته این مسیر ادامه یابد و ایران در عرصه علوم اسلامی حرف اول را بزنند.



شیراز، آرامگاه سیبویه؛ آیا اینجا یکی از جاهایی است که ترامپ تهدید به ویرانی‌اش کرده است؟

صفت ممالک بهشت‌نشان ایران عَمّره الله



محمدعلی حزین لاهیجی

محمدعلی حزین لاهیجی (۱۱۰۳ـ ۱۱۸۰) سالها در اصفهان زیست و پس از فتنه محمود و اشرف افغان و ویرانی‌های ایران و سپس روی کار آمدن نادر، در ٤۳ سالگی رهسپار هند می‌شود و تا آخر عمر آنجا می‌ماند و با آنکه قدر می‌بیند و بر صدر می‌نشیند، غم غربت آرامش نمی‌گذارد و خاطرات وطنی بر دل و جانش هجوم می‌آورند و ایران برایش بهشتی ترسیم می‌شود که او اینک دور از آن گویی در دوزخ به سر می‌برد!

بهشـت بریـن اسـت ایران‌زمیـن
بسـیطش سلیمان‌وشـان را نگیـن
بهشـت بریـن بـاد جـان را وطـن
مبـادا نگیـن در کـف اهرمـن
بـوَد تـا بـر افـلاک، تابنـده هـور
ز بـوم و بـرش چشـم بـد بـاد دور
کسـی کـو بـه بینش بـوَد دیـده‌ور
جهـان را صـدف دانـد، ایـران گهر
زمین، سـرخوش از ابر نیسان اوست
گهـر، خـاک ریـگ بیابان اوسـت
دمـاغ خـرد از هوایـش تـر اسـت
نـم چشمه‌سـارانِ او کوثـر اسـت
مسـیحای خاکـش به تن جـان دهد
ز هـر خشـت او نـور ایمـان دمـد
نظـر در تماشـای آن بـوم و بـر
بـوَد چشـم یعقـوب و روی پسـر
هوایـش مـی نـاب هشـیاردل
کبابـش غـزالان چیـن و چِـگل
خراشـد دلـی گـر بـه ویرانـه‌اش
کنـد دلدهـی خـاک مردانـه‌اش
کهـن قلعه‌هایـش چـو حصن فلک
کبوترمشـالان برجـش، ملـک
سـوادش بـوَد دیـدهٔ روزگار
یـک از خانـه‌زادانِ او نوبهـار
گـر از فخر بالد به کیهان، کم اسـت
کـه اسـتخر او تختـگاه جم اسـت
فریدون، یک از خوشـه‌چینان اوسـت
سـلیمان هم از خوش‌نشـینان اوسـت
بـوَد لـرزه در کشـور روم و روس
ز روزی که می‌کوفت کاووس، کوس
کهین کاخش، ایوان کیخسروی است
کمین طاق او، غرفهٔ کسـروی اسـت



هند، آرامگاه حزین

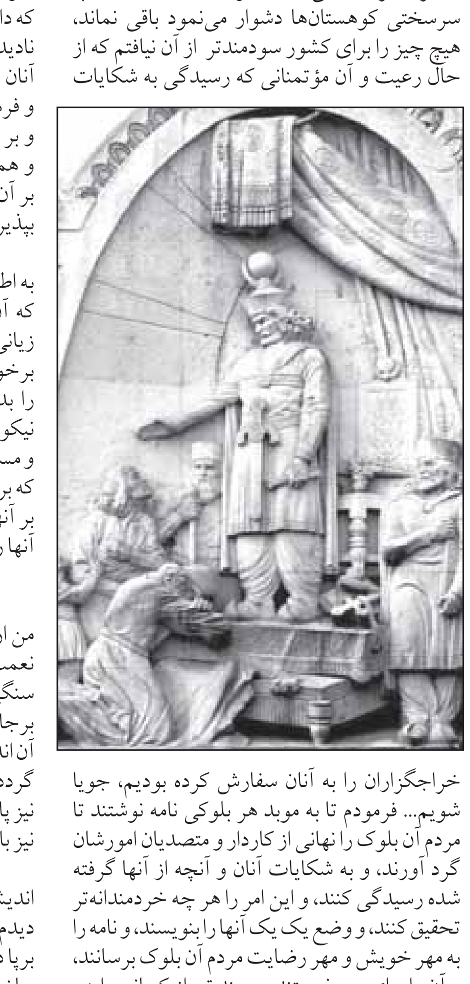
دهـد بیسـتونش ز فرهـاد یـاد
همـان کارپـرداز عشق‌اوسـتاد
بـود غنچـهٔ لالـه‌ای در حسـاب
بـه دامـان الونـد او آفتـاب
دهد جوی شـیرین ز شـیرین نشـان
شـکرخیز خاکـش بـود اصفهـان
گرامی‌ترین عضو انسـان، دل اسـت
سـواد جهـان را سـپاهان دل اسـت
مُعَنبـر زمینـش بـه مینـو زنـد
اساسـش بـه افـلاک، پهلـو زنـد
مشـام از شَـمیمش مروّح‌نشـان
نسـیمش بـه فـردوس، دامن‌فشـان
یکـی از دل افتادگانـش، حـرم
ز گلخن‌نشـینان کویـش، ارَم
ز خاکـش نخیـزد غبـار خطـی
کـه از سـبزه دارد بهـار خطـی
گذشته‌سـت هـر بـرج او ز آسـمان
چـو مسـتان میخانه‌کش، سـرگران
در آن بـاره، نظّـاره مانـد ز تـک
فرازش سـماک و نشـیبش سـمک
حصـاری بـود در حصارش سـپهر
یکـی ذره، در عرصـه‌اش مـاه و مهر
بدیـدی اگـر سـدّ زاینـده‌رود
سـکندر خجل از سـد خویـش بود
اگـر تـر کنـد خضـر از آن آب، لب
سـکندر کنـد در دل خـاک، تـب
پُلـش، لجّه‌پیمـای پایندگی‌سـت
که هر چشمه‌اش، چشمه زندگی‌ست
طرب‌خیـز خاکـش، روان پـرورد
هوایـش مسـیحادمان پـرورد
به هر کوچهٔ او دوصد کشـور اسـت
که شـهری بـه هر خانه او، در اسـت
ز خـاک رهـش، سـرمهٔ مردمـک
بـر او دیـدهٔ روشـنان فلـک
تماشـای هـر قصـر عالی‌جنـاب
فکنـده کلاه از سـر آفتـاب
بـه هر کلبه، هـر حجره و هـر رواق
بـه موزونـی و دلپذیری‌سـت طاق
به چشمی که سَـروَش شود جلوه‌گر
ز بالابلنـدان بپوشـد نظـر
گلـش چـون بهـار تماشـا شـود
تماشـا بـه صد شـیوه شـیدا شـود
ز ترمیوه‌هـای لطافـت سرشـت
به باغش توان یافت کام از بهشـت
جهانجوسـت آن خـاک فیروزمنـد
بـوَد مصـر در هـر دهش، شـهربند
شـکوهش شگرف اسـت سنجیده را
کنـد خیـره چشـم جهان‌دیـده را
چـه گویـم ز دانـش پژوهـان او؟
بـوَد گوهـر دانـش از کان او
حقیقت‌شناسـان هر خوب و زشـت
ملک‌کیش، مـردان قدسی‌سرشـت
نکـو محضـران پسـندیده کیـش
مراقب‌حضـوران غایـب ز خویـش
جهـان سـروران‌اند روشـن روان
کـه خالـی مبـادا از ایشـان، جهان

کتاب گمشدهٔ نوشروان

دکتر محمد محمدی ملایری بخش سوم

اشاره: در شماره گذشته قطعه‌ای از کتاب «التاج فی سیره انوشروان» که ابن مسکویه از انوشروان نقل کرده است، خواندیم. اینک بخشی دیگر:

و [انوشیروان] گفت: «چون خداوند تمام مردم کشور را از دشمنان ایمن ساخت، و از دشمنان جز دوهزار مرد دیلمی که گشودن دژ آنان به سبب سرسختی کوهستان‌ها دشوار می‌نمود باقی نماند، هیچ چیز را برای کشور سودمندتر از آن نیافتم که از حال رعیت و آن مؤتمنانی که رسیدگی به شکایات



خراجگزاران را به آنان سفارش کرده بودیم، جویا شویم... فرمودم تا به موبد هر بلوکی نامه نوشتند تا مردم آن بلوک را نهانی از کاردار و متصدیان امورشان گرد آورند، و به شکایات آنان و آنچه از آنها گرفته شده رسیدگی کنند، و این امر را هر چه خردمندانه‌تر تحقیق کنند، و وضع یک یک آنها را بنویسند، و نامه را به مهر خویش و مهر رضایت مردم آن بلوک برسانند، و آن را برای من بفرستند، و چند تن از کسانی را هم که مردم آن بلوک به اجماع و رضایت به نمایندگی خود برگزیده‌اند گسیل دارند. و چون همه حاضر شدند، برای پذیره مردم نشستم، و به آنها در حضور بزرگان و موبدان و آزادگان کشور بار دادم، و سپس به رسیدگی آن نامه‌ها و دادخواهی‌ها پرداختم. هر دادخواهی که از دست کارداران یا نمایندگان خود ما یا یکی از افراد خاندان ما بود، داد آنها بدادیم و ستم از آنها برداشتیم و هیچ گواهی بر آن نخواستیم؛ زیرا می‌دانستیم که خراجگزاران در برابر اینان زبون و ناتوانند، و زورمندان و فرمانروایان بر آنها ستم روا می‌دارند. و هر دادخواهی که مردمان یکی از دیگری داشت و حقیقت آن بر ما روشن گردید، فرمان دادیم که در همان مجلس آن کار را فیصله دهند، و هر آنچه کشف حقیقت آن دشوار بود و ضرورت داشت که به گواهان و قاضی همان شهر مراجعه شود، همراه آن مرد دادخواه شخصی امین از دبیران، و دومی از فقیهان، و سومی از خاصان مورد اعتماد خویش برای رسیدگی به کار او فرستادیم و این کار را هر چه نیکوتر و استوارتر ساختیم.

«خداوند منزلت خویشان و اطرافیان را در نزد ما بالاتر از حق و عدالت قرار نداده است. این خوی خویشان و خاصان شاه است که با شوکت و نیرویی که دارند، دست به ستم گشایند. اگر پادشاه کار آنان را نادیده بگیرد، کسانی که در جوار آنان هستند، از ستم آنان از پای درآیند؛ مگر کسانی از خاصان که در ادب و فرهنگ به او تأسی جسته و دین خود را نگه داشته و بر رعیت مهربان باشند، و چنین کسان کم هستند، و همین آگاهی که ما از ستم این گروه داشتیم، ما را بر آن داشت تا هر دعوی که بر آنها می‌رفت، بی گواه بپذیریم...

می‌دانستیم که مردم ناتوان قدرت آن را ندارند که به اطرافیان ما ستم کنند؛ و همچنین این را می‌دانستیم که آن عده از نزدیکان ما که در این داوری بر آنها زیانی رسیده باشد، آن را از نعمت و کرم ما که از آن برخوردارند، جبران خواهند کرد؛ ولی آن مردم ناتوان را بدین دسترس نیست و محبوب‌ترین خاصان و نیکوترین خدمتگزاران کسانی هستند که بر تهیدستان و مسکینان رحمت آورند، و داد آنها بدهند؛ زیرا کسی که بر آنها ستم روا دارند، بر ما ستم کرده است و آن که بر آنها زور گوید، بر ما زور گفته و خواسته است که آنها را از پیمان ما محروم سازد...»

شکر نعمت

و گفت: « و پیوسته خدا را برای نعمتی که به من ارزانی داشته است، سپاس می گزارم؛ زیرا شکر و نعمت همچون دو کفه از یک ترازویند که هر کدام به سنگینی گراید، باید بر کفه دیگر افزود تا تعادل همچنان برجای ماند. پس هرگاه نعمت خداوند افزون و شکر آن اندک باشد، آن بار بریده شود و پشت باربر از آن تباه گردد، ولی هرگاه هر دو جانب همسنگ باشند، باربر نیز پایدار ماند. کسی را که نعمت بسیار است، شکر او نیز باید بسیار باشد که شکر بسیار، نعمت بسیار آرد.

چون دریافتم که شکر گاهی به کردار است، اندیشیدم تا ستوده‌ترین کارها نزد خداوند چیست؟ دیدم همان چیزی است که با آن آسمان‌ها و زمین را برپا داشته و کوهها را استوار کرده و چشمه‌ها را روان ساخته و آفریدگان را آفریده، و آن حق و عدالت است. من نیز آن را شیوه خود ساختم. و دیدم که میوه حق و عدالت، آبادی شهرهاست که در آن روزی مردمان و چهارپایان و پرندگان و همه باشندگان روی زمین است و چون در این کار نیک نظر کردم، دیدم که سپاهیان، مزدور آبادگران و آبادگران، مزدور سپاهیانند. سپاهیان از آن روی مزدور آبادگرانند که ایشان مزد خود را از خراجگزاران و شهرنشینان می‌گیرند تا از آنان دفاع کنند، و با تلاش خود پشت آنها را قوی می‌دارند. پس بر آبادگران فرض است تا مزد آنها را به ایشان برسانند، زیرا آبادانی مرز و بوم آنان با اینان کامل گردد و اگر در این کار کندی روا دارند، موجب ناتوانی اینان و توانایی دشمنانشان گشته‌اند بدین سبب دیدم حق خراجگزاران نیست که از ثمره کار و آبادی خود بیش از آنچه کفاف زندگی و آبادی مرز و بومشان را دهد، بهره یابند...»

ادامه دارد

ایران‌گردی

چینی‌خانهٔ اردبیل

آرامگاه عارف نامور سده هفتم هجری، شیخ صفی‌الدین اردبیلی یکی از مکان‌های تاریخی و باستانی شهر مذهبی اردبیل در شمال غربی ایران و از آثار ثبت شده در فهرست «میراث جهانی» یونسکو است. در این مکان علاوه بر آرامگاه شیخ صفی، مقبره‌های شاه اسماعیل اول و مادرش، برخی از مشایخ و صاحب‌منصبان دوران صفوی و نیز شهیدان جنگ چالدران در جنگ با دولت عثمانی قرار دارد.

منزل و خانقاه شیخ صفی در همین مکان بوده است و بر طبق وصیت او، پیکرش را در اتاقی جنب خلوتخانه و باغچه و حوضخانه دفن کردند. بعدها بر تربت او بنایی ساختند تا علاوه بر مقبره شیخ صفی و شاه اسماعیل، مزار شاهزادگان صفوی را در این بقعه و محل شهیدگاه قرار دهند. بنای این مجموعه نفیس در سال ۷۳۵ق به دست صدرالدین موسی (پسر شیخ صفی) بنا شد و پس از شروع حکومت صفویه، واحدهای مختلفی (همچون مسجد، جنت سرا، خانقاه، چله‌خانه، شهیدگاه و چراغ‌خانه) به این مجموعه اضافه شد. در دوره شاه عباس برای تکمیل و تزیین این اثر، کارهای فراوانی صورت گرفت.

این بقعه حاوی دهها اثر بدیع در رشته‌های مختلف هنری است که از آن جمله می‌توان به عالی‌ترین نوع کاشیکاری معرق و مقرنس و گچبری کتیبه‌های زیبا و خط خوشنویسان بزرگ دوره صفوی، منبت‌های ارزنده، نقره کاری، تذهیب و طلاکاری، نقاشی و تنگ‌بری و هنرهای دیگر اشاره کرد. سردر اصلی و کاشیکاری بقعه در زمان شاه عباس دوم ساخته شد و زیر نظر اسماعیل نقاش اردبیلی در سال ۱۰۵۷ به اتمام رسید.

از جمله اشیای نفیس بقعه، «فرش اردبیل» است که بعدها به انگلستان منتقل شد. پناهگاه (بست)، کتابخانه، حرم و دارالحفاظ، چله‌خانه، مقصوره (در برابر ایوان دارالحدیث)، محوطه شهیدگاه، چهل حجره، نانواخانه، دیگخانه، شربت‌خانه، خونچه‌خانه، دفترخانه، نقاره‌خانه، هیمه‌خانه، قندیل‌خانه و چینی‌خانه از دیگر بخشهای این مجموعه است.

چینی‌خانه

چینی‌خانه در قسمت شرقی قندیل‌خانه یا رواق اصلی قرار گرفته که با دو ورودی باریک با دارالحفاظ ارتباط می‌یابد. ساختمان چینی‌خانه دارای چهار شاه‌نشین با طاق‌نماهای بسیار زیبا و نفیس از نوع مقرنس گچی است که رویش نقاشی و طلاکاری شده است. هماهنگی و توازن رنگها با سطوح مقرنس از اسلیم‌ها و گلهای مختلف، منظره‌ای شگفت‌انگیز ایجاد کرده است. این مکان در دوره صفویه محل نگهداری ظروف زرین و سیمین و ظرفهای سفارشی شاه عباس اول به کشور چین بوده است.



این بخش یکی از زیباترین تالارهای دوران شاه‌عباس در اردبیل است که شیخ‌بهایی آن را طراحی کرده است. تالار در قسمت شرقی قندیل‌خانه یا رواق اصلی مجموعه شیخ‌صفی‌الدین قرار دارد و راستی که هر بیننده‌ای را به شگفتی و حیرت وامی‌دارد.

خوشبختانه بنای این تالار از چنان استحکامی برخوردار بوده است که در برابر زلزله‌ای به قدرت ۷/۲ ریشتر پایداری کرده. چینی‌خانه ۱۲۵٦ محفظه دارد که در همه آنها چینی‌های اهدایی امپراتور چین به شاه‌عباس به مناسبت احیای «جاده ابریشم» و چینی‌هایی که از طرف دولت ایران به کشور چین سفارش شده بود، قرار داشته است. هنرمندان حکاک در اصفهان پس از رسیدن این ظروف به ایران، آنها را به مُهر «بندهٔ شاه ولایت عباس» ممهور می‌کردند و آنگاه به اردبیل فرستاده می‌شد و در محفظه‌های مخصوص تالار قرار می‌گرفت.



شاه عباس زمانی که برای گردش یا چله‌نشینی به اردبیل سفر می‌کرد، در همین تالار اقامت می‌کرد. گفته می‌شود پس از امضای عهدنامه ننگین ترکمن‌چای، ژنرال باسکویچ فرمانده پیروز روس، بیش از ۸۰۰ عدد از ظروف چینی و حدود چهارهزار کتاب خطی نفیس با بسیاری از عتیقه‌جات مجموعه شیخ‌صفی را غارت کرد که هم اکنون برخی از آنها در موزه آرمیتاژ و موزه دیگری در روسیه به نمایش گذاشته شده است.

تعدادی از چینی‌های این تالار نیز در سالیان بعد به موزه های مختلف کشور منتقل شده است. تالار چینی‌خانه علاوه بر ظروف چینی زیبا و گلدان‌های پرنقش و نگار، با اشیای دیگری مانند یک جلد قرآن نفیس به خط کوفی روی پوست آهو مربوط به بیش از ۱۱۰۰ سال پیش که از لحاظ قدمت تاریخی سومین قرآن نفیس در ایران است و مهر سنگی سلاطین صفوی با شش اسم از اسمای خداوند و گلهای هشت‌پر به نشانه عرفان صفویه و دوازده‌پر به عنوان شیعه بودن آنان و فرامین و سکه‌های نقره‌ای دوره صفوی آراسته شده است. جا دارد که ظروف ارزشمندی که هنرمندان معاصر می‌سازند یا تزیین می‌کنند، به این موزه مذهبی افزوده شود.

جایگاه سد و آبخیز در مهار سیلاب‌ها

سدسازی یکی از مهمترین عرصه‌های صنعت آب جهان بوده که کاربرد آن، سابقه‌ای بسیار طولانی در مدیریت آب از گذشته تا امروز داشته و علمی است که مجموعه‌ای از دانش، فناوری و تکنولوژی را در جهت مدیریت بهینه‌تر منابع آبی در برمی گیرد.همچنین آبخیزداری مجموعه‌ای از دانش و تجربه در یافتن و اجرایی کردن راهکارهای پیشگیری از فرسایش خاک و کاهش سیلاب‌های مخرب است.

در ماه‌های اخیر، به‌خصوص در جریان پرداختن به چرایی وقوع سیلاب‌های مخرب سال ۹۸و راهکارهای مهار و مدیریت بهینه‌تر سیلاب‌ها، گاها برخی افراد در سطح کشور سدسازی و آبخیزداری را مقابل هم قرار داده و مقایسه‌هایی بعضا نادرست از کاربردها و آثار هر کدام داشته‌اند.این در حالی است متأسفانه ۱۲۶میلیون هکتار از مراتع کشور تحت فرسایش خاکی هستند و این مسئله آسیب‌پذیری آنها را در برابر سیل به شدت کاهش داده و با کوچک‌ترین روان آبی سیل جاری می‌شود.همچنین ۵۵میلیون نفر در کشور در معرض سیل قرار دارند که در سال‌های گذشته با تغییر اقلیم خطرات سیل افزایش یافته و زنگ هشدار به صدا درآمده است.

در این میان باید اشاره داشت: عملکرد سدها به عنوان سازه هایی برای کنترل و مهار سیل تنها نقش مسکن را دارند که در «پیک» سیل آن را کنترل کرده و پس از سر ریز شدن، دوباره آب را به پایین دست رها می‌کنند و در حقیقت سدها تنها وقوع فاجعه را به تاخیر می اندازند.

از این رو باید در سدسازی‌های خود دقت کنیم که آن را چگونه، در چه مکانی و برای چه مصارفی می‌سازیم.

سدها محلی برای ذخیره آب و تامین آب شرب است. همچنین از دیگر کارکردهای سد می‌توان به استحصال انرژی، پرورش آبزیان و کنترل سیلاب اشاره کرد. در این زمینه هر چند ساخت سد در کشورهایی مانند کشور ما که در شرایط اقلیمی خشک و نیمه خشک قرار دارد، ضروری است، اما سدسازی اصولی دارد که اگر هنگام ساخت رعایت نشود،سدها کارکردهای خود را از دست می‌دهند.

گفتنی است کشور ما هم در ساخت سد رده بالایی در سطح جهانی دارد و به طوری که در این خصوص ۱۷۲سد ملی در کشور ساخته شده که برخی از آن‌ها عملکرد خوبی دارند و در مکان درستی ساخته شده‌اند اما ساخت برخی دیگر از آن‌ها مبتنی بر آمایش سرزمینی نبوده و به عنوان یک راهکار اساسی در مدیریت جامع حوضه آبخیز محسوب نمی‌شوند.

از سوی دیگر، طرح های آبخوانداری و آبخیزداری هم در سال‌های گذشته مورد بی توجهی دولت‌ها قرار گرفته است؛چنانکه به گفته دست اندرکاران، طرح آبخیزداری در برنامه پنجم توسعه که قرار بود در سطح ۸میلیون هکتار انجام شود تنها یک سوم آن اجرایی شد و حتی به نظر می رسد در برنامه ششم هم که قرار است ۱۰میلیون هکتار طرح آبخیزداری انجام شود، اعتبار کافی در اختیار نیست.

هرچند باید اشاره داشت سال گذشته به دستور مقام معظم رهبری ۲۰۰میلیون دلار معادل ۷۰۰میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی به اجرای عملیات آبخیزداری تخصیص یافت که از محل این اعتبار در سطح ۸۵۰هزار هکتار عملیات آبخیزداری انجام شود.

باید خاطرنشان کرد: متأسفانه در سال‌های گذشته نگاه سطحی به مقوله آبخیزداری باعث شد اهمیت آن در سال‌های گذشته سال به سال کمرنگ شود چنانکه گفته می شود نقطه عطف آن سال ۸۱بود که با ادغام جهاد با وزارت کشاورزی، آبخیزداری که آن زمان به عنوان معاونت بود به سازمان جنگل‌ها منتقل شد و زیر نظر این سازمان فعالیت کرد که به تناسب آن سال به سال اعتبارات آبخیزداری کاهش یافت و به حدی رسید که حتی اعتبار کافی برای مطالعات طرح‌ها هم نبود.

به همین منظور در میزگردی با حضور مجتبی پورمقدم مدیر دفتر مطالعات طرح‌های برق‌آبی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران و محمد فاطمی معاون مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ظرفیت‌های سدسازی و آبخیزداری و همچنین پاسخ به این سوال که آیا سدسازی و آبخیزداری با یکدیگر در تقابل هستند،مورد بحث و بررسی قرار گرفت که ماحصل آن را در ذیل می خوانید:

در ابتدای این نشست، محمد فاطمی معاون مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور اظهار داشت: شرایط کلی کشور ما به‌گونه‌ای است که برای ادامه بقا و زندگی، مردم به اطراف رودخانه‌ها مهاجرت کرده‌اند و در اطراف رودخانه‌ها مناطق مسکونی و ابنیه ساخته شده و تمدن ما شکل گرفته و در طول زمان هم به طور طبیعی طبیعت کار خودش را می‌کرده و مردم هم به زندگی خود مشغول بودند.

وی افزود: این رویه ادامه پیدا کرد تا اینکه تراکم جمعیت به میزان چشمگیری افزایش پیدا کرد و علاوه بر افزایش چشمگیر تراکم جمعیت، با تغییر جهانی اقلیم و تغییرات آب و هوایی مواجه شدیم.

فاطمی با بیان اینکه تغییرات آب و هوایی و تغییر اقلیم موجب شده تا شدت بارش‌ها و نوع بارش‌ها تغییر کند، گفت: افزایش شدت بارش‌ها و تغییر نوع آن از مهمترین عواملی است که موجب شده شدت سیلاب ها و تعداد آن در سطح کشور ما افزایش یابد.

وی ادامه داد: مهمترین مشکلی که در ارتباط با مدیریت منابع آب و خاک و جوامع انسانی که می‌خواهند از این منابع استفاده کنند، وجود دارد، این است که قاعدتا باید در سطح کلان یک برنامه‌ریزی و آمایش سرزمینی صورت گرفته باشد که بر مبنای آن، مکان‌هایی که برای زندگی مناسب است و همینطور نوع و شیوه بهره‌برداری از اراضی تعریف شده باشد؛ که اینطور نیست.

معاون مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تصریح کرد: اگر این مفاهیم تعریف شود می‌توانیم با طبیعت به شکل مسالمت آمیز و به گونه‌ای که کمترین خسارت را هم بشر داشته باشد و هم کمترین خسارت را به طبیعت وارد کنیم، به تعامل برسیم؛ که متأسفانه چنین سیستمی در سطح کلان کشور ما وجود ندارد.

وی افزود: تمامی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها که مشغول انجام کارهای بخشی خودشان هستند یک مجموعه‌ای را طلب می‌کنند که برنامه‌ریزی فرابخشی را برای آنها تعریف کنند و قطعات این پازل‌ها بتوانند شرایطی که زندگی مسالمت آمیز در کنار منابع طبیعی هست را برای ما فراهم کنند که نبود این برنامه ریزی کلان موجب می‌شود که با این معضلات روز به روز به شکل شدیدتری مواجه باشیم.

در ادامه، مجتبی پورمقدم مدیر دفتر مطالعات طرح‌های برق‌آبی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران با بیان اینکه افزایش شدت و تعدد سیلاب‌ها از دو جنبه قابل بررسی است، گفت: ابتدا باید با یکسری اسناد تاریخی تطابق داده شود و ببینیم که آیا در دهه گذشته شدت سیلاب‌های مان نسبت به حافظه تاریخی و مکتوب گذشته به صورت علمی تطابق دارد یا خیر.

وی افزود: یعنی هیدرولوژیست‌های ما باید بنشینند و مطالعات هیدرولوژی و هواشناسی خوب و کاملی انجام دهند و ما ببینیم که سیلاب‌های مان چه تغییراتی داشتند.

پورمقدم با بیان اینکه شاید از بُعد علمی خیلی نتوان به این موضوع اتکا کرد که شدت سیلاب‌ها تغییر کرده‌اند، گفت: درصدی از تغییرات در شدت سیلاب‌ها می‌تواند مربوط به تغییر اقلیم باشد، آن‌هم تغییر اقلیمی که در واقع روی عرض‌های جغرافیایی که ما در آن قرار داریم و عرض‌های جغرافیایی بوده که به تغییرات آب و هوا حساس هستند؛ قطعا تغییر اقلیم بی‌تأثیر نیست؛ اما اینکه چقدر تأثیر داشته باشد باید خروجی یک مطالعات جامعی باشد که هنوز در ایران و خاص کشور ما انجام نشده است.

وی ادامه داد: از بُعد اینکه تعداد سیلاب‌های ما در یک دهه اخیر زیاد شده، بر کسی پوشیده نیست که در کشور ما متأسفانه مدیریت خوبی از نظر حفظ پوشش گیاهی‌مان نتوانسته‌ایم انجام دهیم و بارگذاری‌هایی بعضا بیشتر از توان حوضه‌های آبریز، مراتع و پهنه‌ها اعمال کرده‌ایم، نه خواسته و عامدانه، شاید ناخواسته و غیرعامدانه، اما در دنیای واقعی انجام شده که این امر باعث شده از نظر پوشش گیاهی چه به صورت جنگل و چه به صورت غیرجنگلی ضعیف شویم.

مدیر دفتر مطالعات طرح‌های برق‌آبی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران تصریح کرد: این ضعیف شدن از نظر پوشش گیاهی باعث شده که بارش‌هایی که ممکن است حتی الگوی مشابهی با سالهای قبل هم داشته باشند، منجر به ایجاد سیلاب‌هایی با شدت و بزرگای بیشتر شود.

وی با بیان اینکه قبول دارم بزرگای سیلاب‌های ایران تغییر کرده و افزایش داشته است، گفت: این افزایش بزرگای سیلاب‌ها ناشی از عملکرد سوء خودمان در دهه‌های گذشته بوده است.

پورمقدم در پاسخ به اینکه چرا در کنترل سیلاب‌ها موفق نبودیم؟، گفت: اساسا کنترل سیلاب‌ها واژه درستی نیست، چرا که در کشورهایی چون امریکا و استرالیا که بسیار در زمینه آبخیزداری پیشرو هستند، آنجا هم سیل می‌بینید؛ اساسا سیل ناشی از بارش سیل‌آسا است و تا این لحظه الگوی بارش و وقوع پدیده بارش دست بشر نیست.

وی خاطرنشان کرد: زمانی که این اتفاق بارشی رخ می‌دهد، سیلی اتفاق می‌افتد و در کشورهایی مثل امریکا، استرالیا و نیوزلند هم با آن سطح آبخیزداری و در کشور ما هم با این سطح آبخیزداری، سیل رخ می‌دهد.

این کارشناس مدیریت منابع آب ادامه داد: اینکه عنوان شود در مهار سیلاب‌ها موفق نبودیم، شخصا اعتقاد دارم که اینطور نیست؛ به جز سیلی که امسال رخ داد و در یک سطح گسترده‌ای سه استان گلستان، خوزستان و لرستان را درگیر کرد، ما در یک دهه گذشته فقط چند سیلاب را در استان گلستان شاهد بودیم که علل وقوع آنها هم به تضعیف پوشش گیاهی در بالادست و تولید روان‌آب به تبع آن برمی‌گشت.

مدیر دفتر مطالعات طرح‌های برق‌آبی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران با بیان اینکه سیلابی که امسال رخ داد، سیلاب بسیار بزرگی بود، اذعان داشت: دوره بازگشت سیلاب امسال از نظر وزارت نیرو بیش از ۵۰۰سال بود و این سیلابی نبود که ما تجربه آن را در یکی دو دهه گذشته داشته باشیم و این باعث شد در حافظه کوتاه‌مدت این‌گونه تداعی کند که ما سیلابی داشتیم که در گذشته نبوده و به سمت روندی افزایشی رفته‌ایم؛ اما من معتقدم که در مهار سیلاب آنقدری که گفته می‌شود، ناتوان نبودیم و اتفاقا بسیار توانمند عمل کرده‌ایم.

محمد فاطمی معاون مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور هم اظهار داشت: آبخیزداری در مفهوم کلی خودش، مدیریت منابع آب و خاک در یک عرصه طبیعی است که حدود آن را خط الرأس‌ها و خط القعرهای یک منطقه مشخص می‌کند.

وی افزود: این نوع مدیریت منابع آب و خاک و پوشش گیاهی از دو جنبه قابل نگرش است، یکی وجه کلی نگری و مدیریت کلان است که یک بخش یا سازمانی که فرابخشی باشد می‌تواند روی این مسئله، تأثیرگذار باشد؛ جنبه دیگر هم وظایف اجرایی بخشی است که ما در سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری تحت پوشش وزارت جهاد کشاورزی این وظیفه‌مندی را داریم اجرا می کنیم.

فاطمی با بیان اینکه آبخوان‌داری همین مدیریت منابع آب را در بخش زیرزمینی دنبال می کند، گفت: یکی از معضلاتی که الان کشور ما با آن مواجه است، کاهش سطح تراز آب‌های زیرزمینی است که به علت مصارف بی‌رویه‌ای بوده که در طی دهه‌های گذشته صورت گرفته است.

ادامه دارد





نگاهی به عوامل گرانی خودرو

به اعتقاد یک کارشناس صنعت خودرو علاوه بر اینکه برخی اظهارنظرهای غیرکارشناسی سبب التهاب بازار می‌شود، عدم تناسب عرضه و تقاضا، تعهدات معوق سال گذشته، نوسان قیمت ارز، تورم، فاصله زیاد قیمت کارخانه و بازار و همچنین افزایش تقاضای شب عید همگی از جمله مواردی است که سبب افزایش قیمت این کالا شده و باعث می‌شود که روند ثبات و نزول برای این بازار دور از انتظار شود. این درحالی است که از افزایش هزینه‌های خودروسازان هم به دلیل هزینه تحریم‌های خارجی در کنار تحریم‌های داخلی، تامین قطعات، ارز و... هم که تاثیرگذار بر قیمت خودرو هستند، نباید غافل شد.

این کارشناس صنعت خودرو افزود: در حال حاضر بالغ بر ۳۵درصد مازاد تقاضای خودرو نسبت به عرضه در ایران وجود دارد. در واقع برای هر سه متقاضی خودرو صفرکیلومتر در کشور تنها دو خودرو وجود دارد؛ این در حالی است که تقاضاهای پاسخ داده نشده سال گذشته هم به سال جاری اضافه شده و بر التهاب بازار افزوده است. ممنوعیت واردات خودرو در کنار رونق بازار شب عید خودرو هم مزیدبر علت بر دیگر مواردی است که زمینه‌ساز افزایش قیمت‌ها می‌شود.

وی افزود: تورم عمومی هم طبیعتا بر قیمت خودرو تاثیرگذار خواهد بود. ضمن اینکه نرخ ارز همچنان بر مدار صعودی است. همه این‌ها باعث می‌شود هزینه تمام شده خودرو افزایشی باشد. به عبارتی دیگر منطق می گوید در چنین بازاری، قیمت خودرو نمی‌تواند یک روند با ثبات و کاهشی داشته باشد.سنجری کریمی با بیان اینکه از سوی دیگر تحریم صنعت خودرو سبب بسته شدن مرزهای متعارف تعامل با دنیا به ویژه در حوزه تامین قطعات شده است، تاکید کرد: دور زدن این مرزها و عبور از مسیرهای غیر متعارف، هزینه تولید را افزایش می‌دهد. علاوه براین باید به همه این مشکلات فشار تحریم‌های داخلی را هم اضافه کرد. از قوانین مدام در حال تغییر و متعارض گمرکی گرفته تا تصمیمات خلق‌الساعه دستگاه‌های دولتی در حوزه واردات و تجارت بین‌المللی که شرکت‌های خودروساز را با مکررا با چالش‌های جدید قانونی مواجه می‌کنند.

این کارشناس صنعت خودرو افزود: برخی نهادهای قانونی بدون آنکه خود متوجه باشند و به دلیل اینکه هر کدام به نهادی دیگر باید پاسخگو باشند که از قضا شاید منافع آن نهاد لزوما با منافع صنعت وتولید در کشور یکی نباشد، در مسیر تولید کشور سنگ‌اندازی می‌کنند؛ در حالی که باتوجه به اینکه سال رونق تولید را پشت سر می‌گذاریم و به ماه‌های پایانی آن رسیده‌ایم، بایستی همه دستگاه‌های قانونگذار در حوزه تولید یک سو و یک‌جهت موانع پیش پای تولید کننده را برمی‌داشتند اما اتفاقات از ابتدای سال چنین روندی را نشان نمی‌دهد.

وی ادامه داد: از سوی دیگر درآمدهای ارزی دولت هم کاهش یافته است؛ بنابراین امکان تخصیص ارز به اندازه کافی به صنعت خودرو وجود ندارد. این موضوع باعث می‌شود که شرکت‌های خودروساز برای دریافت ارز نیمایی که البته اندکی از ارز بازار آزاد ارزان‌تر است، زمان زیادی را معطل شوند و این معطلی افزایش هزینه تولید را به دنبال دارد؛ به‌طوری که گاهی خودروسازان ترجیح می‌دهند برای تسریع در فرآیند تامین ارز از بازار آزاد استفاده کنند که این هم افزایش هزینه دیگری را به این شرکت‌ها تحمیل می‌کند.سنجری کرمی تاکید کرد: با وجود همه این افزایش هزینه‌های پیدا و پنهان در تولید خودرو اما فراموش نکنیم که از اسفند سال گذشته،به شرکت‌های خودروساز اجازه ندادند که قیمت خودرو به نرخ کارخانه را افزایش دهند. مفهوم این دستور آن است که تمامی هزینه‌های یاد شده که منجر به افزایش بهای تمام شده خودرو می‌شود، به صورت زیان انباشته در تراز نامه شرکت‌های خودروساز خود را نشان دهند. زیان انباشته شرکت‌های خودروساز در سال جاری احتمالاً به ۲۰هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

وی تصریح کرد: ابتدا قیمت‌گذاری دستوری بایستی برداشته شده و اجازه دهند خودروسازها قیمت فروش خود را به قیمت بازار نزدیک کنند که این موضوع حداقل باعث می‌شود شرکت‌ها بیش از این زیان‌ده نباشند. به علاوه برای سهولت و رونق تولید خودرو در کشور و متعادل‌سازی بازار تنها یک نهاد بالادستی باید تصمیم گیر باشد و قوانین به نحوی تنظیم شوند که موجب تسهیل شرایط کسب و کار شرکت‌های خودروساز در شرایط بحرانی تحریم شود. این موضوع بایستی همه قوانین از الزامات زیست محیطی تا قوانین واردات و ترخیص کالا از گمرک و همچنین تخصیص ارز قانونی به واردات قطعاتی که امکان ساخت داخل ندارد را شامل شود. البته اقدامات موثری هم در شرکت‌های خودروساز در مواجه با اوضاع فعلی بایستی پیگیری و عملیاتی شود. در یک کلام تنها راه نجات، تقویت طرف عرضه خودرو و در واقع یاری رساندن به تولید و عرضه خورو در کشور است.

توسعه ابزارهای مالی متنوع در بورس کالا

معاون نظارت بر بورس ها و ناشران سازمان بورس گفت: توسعه ابزارهای مالی متنوع در دستور کار بورس کالا قرار دارد تا با ارایه خدمات بهتر و برآورده شدن نیاز فعالان صنعت در حوزه پوشش ریسک های قیمتی در آینده و امکان برنامه ریزی برای تولید به شیوه ای مطلوب از تولید و کالای ایرانی حمایت شود.

حسن امیری در گفتگو با کالا خبر اضافه کرد: همواره یکی از مشکلات فعالان بازار سنتی کالاهای مختلف، بحث قیمت گذاری های دستوری و تضمین کیفیت و حقوق خریدار و فروشنده در یک معامله است.

بازار سنتی در حالی با این مشکلات درگیر بوده که در بورس کالا قیمت ها به صورت رقابتی و در فضایی شفاف تعیین می شود و بورس به عنوان بستر معامله و بی طرف، تضامین لازم را از عرضه‌کنندگان کالا دریافت می‌کند تا در صورت بروز اختلاف کمی و کیفی محصول با نمونه اعلام شده، حقوق خریداران استیفا شود.

حسن امیری در باره تضمین در معاملات بورس کالا اظهار داشت: تضامین ریالی، بانکی و دامنه گسترده‌ای از انواع تضامین وجود دارد که به کمک آن و در صورت طرح شکایت و بررسی در کمیته‌های موردنظر در بورس، حقوق خریدار به‌طور کامل استیفا می‌شود.

امیری در مورد فرآیند کشف قیمت ها در بورس اظهار کرد: به طور کلی بورس وظیفه تعیین قیمت ندارد و در عمل وظیفه ایجاد زیرساخت‌های لازم برای کشف قیمت بر عهده بورس است و خود بورس هیچوقت برای محصولات قیمت‌گذاری نمی‌کند و قیمت های پایه بورس با ساز و کارهای مختلفی تعیین می شود البته اگر ستاد تنظیم بازار روی یک کالا حساسیت داشته باشد، قیمت پایه را تعیین می‌کند و براساس آن مبنای تعیین شده کالای موردنظر در بورس عرضه می‌شود.

وی در بیان مثالی اظهار کرد: همانند آنچه در زمینه برخی محصولات فلزی و پتروشیمی انجام می شود و قیمت های پایه براساس فرمول های مشخص و یا با اعلام نظر انجمن های مربوط به همان صنعت تعیین می شود که خریداران براساس همان مبنای قیمتی پایه با یکدیگر به رقابت می پردازند تا درنهایت قیمت‌ها در بورس براساس عرضه و تقاضا تعیین شود.

به بیان بهتر، می توان گفت بورس کالا هیچگاه قیمت گذاری نمی‌کند و فقط بسترهای لازم برای کشف قیمت واقعی کالاها را فراهم می‌کند.

امیری در باره مزایای عرضه کالاهای مختلف در بورس گفت: مهمترین مزیت بورس کالا در کشف قیمت کالاهای مختلف این است که تعداد زیادی عرضه کننده و متقاضی خرید کالا در مقابل هم قرار می‌گیرند که هرچه این تعداد بیشتر باشد کشف نرخ بهتری صورت می‌گیرد؛ اصلاً کارکرد اصلی بورس هم کشف نرخ واقعی است.

وی در بیان مزیت دوم این بازار اظهار کرد: دومین مزیت مهم بورس کالا هم شفافیت و استانداردسازی است کالا هایی که پذیرش می‌شوند؛ لازم است از استانداردهای تعیین‌شده برخوردار باشد چون کالاهایی می‌توانند در تابلوی بورس نمایش داده شده و قابل معامله هستند که از قبل در بورس پذیرش‌شده باشند.

برای دریافت پذیرش هم فرآیندی باید طی شود که مهم‌ترین نکته آن داشتن استانداردهای لازم و رعایت شرایط و ویژگی‌های تعیین‌شده از سوی بورس است بنابراین کسی که از بورس خریداری می‌کند این اطمینان را دارد که کالایی نمایش داده‌شده در تابلو تأییدیه های مربوط به استاندارد و کیفیت را دارد.

امیری افزود: درعین‌حال بحث شفافیت هم در معاملات این بازار وجود دارد به این مفهوم که هم خریدار و هم فروشنده و اطلاعات آنها مشخص هستند و تاریخچه این معاملات همواره در دسترس است یعنی همین الان اگر بخواهید اطلاعاتی را به دست بیاورید که در دو سال گذشته یک محصول خاص توسط چه کسانی عرضه‌شده و چه کسانی متقاضی خرید آن بوده و رقابت در چه محدوده‌ای انجام‌شده و نهایتاً چه کسی آن کالا را خریداری کرده، بخش اعظم آن برای عموم در سامانه های اطلاعاتی بورس قابل رویت بوده و در دسترس است.

امیری در باره امکان یا عدم امکان مرجوع کردن محصولات با درجه کیفیت نامناسب نسبت به استانداردهای تعیین شده در بورس گفت: اتفاقاً یکی از ویژگی‌های مهم بورس این است که اگر خطایی از طرف عرضه‌کننده در کیفیت محصول عرضه شده روی تابلو با استانداردهای مورد تایید بورس وجود داشته باشد، خریدار می‌تواند از طریق تضامینی که در بورس از فروشنده دریافت شده، ادعای خسارت کند.

وی افزود: بورس در زمینه نظارت بر استاندارد کالاهای عرضه شده بسیار قوی عمل کرده است و اگر کالایی که تحویل می‌شود با موارد مندرج در اطلاعیه عرضه مغایرت داشته و تطابق نداشته باشد، خریدار می‌تواند طرح شکایت کند.

پتانسیل های پیاده سازی بلاکچین در بازار سرمایه



نشست رویکردهای نوین شرکت سپرده گذاری مرکزی در به کارگیری فناوری های مالی (فین تک)، با حضور مشاور فناوری و نوآوری و مدیران پروژه های شرکت سپرده‌گذاری مرکزی در محل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برگزار شد.

به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، در این نشست ضمن معرفی سامانه های سجام و توزیع سود، پلتفرم تسویه کالایی و اوراق بهادار، درگاه یکپارچه ذینفعان بازار سرمایه، ثبت مکانیزه صندوقهای سرمایه گذاری، مجمع الکترونیک، فناوری بلاک‌چین و دفترکل توزیع شده در بازار سرمایه، چالش‌ها و زمینه‌های همکاری فین تک‌ها با سندباکس سمات مورد بررسی قرار گرفت.

علیرضا ماهیار مشاور فناوری اطلاعات سمات، با بیان اینکه فین تک ها دوره بازگشت سرمایه و درآمدزایی برای شرکت ها را کوتاه کرده اند، به تبیین دقیق تر فین تک ها پرداخت و گفت: عبارت تکنولوژی های مالی یا فین تک به مجموعه مدل های کسب و کاری نوین و فناوری های نوظهوری اطلاق می شود که پتانسیل تحول در صنعت خدمات مالی را دارند.

وی افزود: این مدل ها عموما محصولات یا خدمات مالی اتوماتیک شده با استفاده از اینترنت و اپلیکیشن ها را ارائه می دهند که متفاوت از روش های مرسوم ارائه خدمات بانک ها، کارگزاران و نهادهای سرمایه گذاری عمل می کنند.

به عنوان مثال پلتفرم های تامین مالی جمعی سهام، واسط تخصیص سهام می شوند؛ پلتفرم های وام دهی همتا به همتا واسط یا فروشنده وام شده اند و «روبو ادویزرها» مشاوره سرمایه گذاری خودکار را فراهم کرده اند.

ماهیار با تقسیم بندی پلتفرم های سرمایه گذاری و معاملات خرد به سه دسته مختلف توضیح داد: پلتفرم های آنلاین کارگزاری، به مشتریان کارگزاران امکان دسترسی و مدیریت اطلاعات حساب کاربری و ثبت سفارش را به منظور سرمایه گذاری در انواع اوراق بهادار ارائه می دهند.

وی توضیح داد: در پلتفرم های آنلاین مدیریت دارایی ،شرکت های مدیریت دارایی برای مشتریان خود صندوق‌های سرمایه گذاری پیشنهاد می دهند و همانند نمونه کارگزاران امکانات دسترسی و مدیریت حساب شخصی و همچنین به کارگیری ابزارهای تحلیلی و مشاوره از خبرگان را فراهم می کنند.

مشاور فناوری اطلاعات سمات، سپس با اشاره به پلتفرم های توزیع شده بورس محور اظهار داشت: صندوق‌های سرمایه گذاری نیازمند پلتفرم های متنوعی در این حوزه هستند برخی از این پلتفرم ها، خرید یا بازخرید یونیت صندوق ها را تسهیل می کنند؛ در حالی که برخی دیگر نقش بازارهای ثانویه را ایفا می کنند.

وی در ادامه با اشاره به فناوری DLT گفت: یک دفترکل توزیع شده پایگاه داده ای است که دسترسی به آن و اعمال تغییر در آن توسط چندین کاربر کنترل می شود این کاربرها به عنوان گره های شبکه شناخته می شوند که در شبکه ای غیرمتمرکز گسترده شده اند.

ماهیار توضیح داد: هر تغییری در داده ها توسط تمامی گره های شبکه مورد توافق قرار گرفته می شود که وضع پایگاه داده را توسط مکانیسم مشخصی از اجماع کنترل می‌کند همچنین انواع متعددی از فناوری دفتر کل توزیع شده موجود است که یکی از فناوری های موجود در حوزه این فناوری بلاکچین است

ماهیار همچنین با برشمردن پتانسیل های پیاده سازی بلاکچین در بازار سرمایه گفت: ارزش تجاری توسعه بر مبنای بلاکچین ۳/۱ هزار میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۰ است.

وی افزود: شفافیت بیشتر و اعتبارسنجی دارایی ها، کاهش سطح ریسک اعتباری، انجام امن و آنی تراکنش‌ها و فراهم کردن قابلیت تسویه آنی و غیر قابل فسخ، ارتقای سطح استانداردهای مبارزه با پولشویی، گزارش دهی خودکار به مقامات مسوول بازار، خودکارسازی و حذف رکوردهای تکراری در فرآیند سرویس دهی از جمله این پتانسیل‌هاست.

مشاور فناوری و نوآوری سمات در ادامه اظهار داشت: شرکت سپرده گذاری مرکزی ایران با توجه به بررسی های اولیه نیازمندی های بازار و نمونه های مشابه خارجی، فهرستی از فعالیت های مورد نیاز را شناسایی کرده است .

ماهیار افزود: شناخت این نیازمندی ها می تواند راهگشای پیاده سازی فناوری بلاکچین در صنعت مالی و به ویژه بازار سرمایه باشد.

وی احراز هویت مشتریان، ثبت مالکیت اوراق بهادار، اقدام شرکتی، تسویه پایاپای، مدیریت تضامین و برگزاری مجامع الکترونیک را از کاربردهای اصلی این فناوری در فرایندهای هسته ای سپرده گذاری های مرکزی دانست.

ماهیار در ادامه، با اشاره به اقتصاد توکنی گفت: اقتصاد توکنی می تواند دنیای مالی کاراتر و عادلانه تری را پیش روی ما قرار دهد؛ چرا که اختلافات و هزینه هاب ناشی از انتشار، خرید و فروش اوراق بهادار در آن به شدت کاهش می یابد.

وی همچنین امکان نقدشوندگی، شفافیت و دسترسی بیشتر و تراکنش های سریع تر و ارزان تر را از مهمترین مزیت های اقتصاد توکنی برشمرد.

در ادامه این نشست، نازنین خوشنویسان مدیر پروژه مجامع الکترونیک، شرکت در مجامع را از مهم ترین دغدغه‌ها و اتفاقاتی دانست که در یک سال، برای سرمایه‌گذاران رخ می دهد.

وی اضافه کرد: ناشرانی که سهام شرکت‌های خود را در بازار سرمایه منتشر کرده‌اند، موظف به برگزاری سالانه مجمع عمومی هستند تا عملکرد یکساله شرکت تشریح و برنامه ها و چشم اندازهای آتی اعلام شود.

خوشنویسان افزود: با پیشرفت تکنولوژی و همزمان با نقل مکان معاملات بورس از حالت سنتی و دستی به الگوریتمی، سمات تصمیم گرفت مطابق قوانین با دستی کشور مجامع شرکت های بورسی را به صورت الکترونیک برگزار کند تا علاوه بر کاهش هزینه ها، امکان پاسخگویی مدیران هم افزایش یابد.

وی ادامه داد: نکته مهم تر این است که امکانی برای سهامداران فراهم شده است تا سوالات و ابهامات را با مدیران شرکت مطرح کنند و این ویژگی، به طور حتم میزان پاسخگویی به سهامداران را افزایش می دهد.

به گفته خوشنویسان، مشاهده فهرست مجامع هر سهامدار، حضور در رای گیری ها، شمارش مکانیزه آراء، مشاهده صورت جلسه مجامع، دریافت مستندات و فیلم مجمع از دیگر مزایای این پروژه بزرگ بوده که قطعا منجر به افزایش شفافیت و گامی در جهت رسیدن به اقتصاد هوشمند است. وی اطمینان داد: این پلت فرم می تواند یکی از زیرساخت های چرخه اقتصاد هوشمند باشد؛ چرا که هم اکنون مشارکت سهامداران حقیقی در مجامع شرکت‌ها بسیار اندک است و دسترسی آنلاین به مجامع، می تواند مشارکت آنها و استفاده از نظرات و ایده ها را عملیاتی و باعث رسیدن به نتایج مطلوب شود.

همچنین مژگان صفری مقدم مدیر پروژه سجام ضمن اعلام آخرین فهرست از دفاتر پیشخوان دولت و شعب شرکت های کارگزاری گفت: در حال حاضر ۱۵۶۰ دفتر پیشخوان دولت و ۸۱۰ شعب شرکت های کارگزاری در سراسر کشور مسوولیت ثبت نام و احراز هویت سجام را به عهده دارند و شعب دو بانک پارسیان و شهر هم به این فهرست اضافه شده اند.

مدیر پروژه مجامع الکترونیک، توضیح داد: در همین رابطه، سمات پلتفرمی با توان نیروهای داخلی و مجموعه‌های دانش بنیان طراحی و عملیاتی کرده تا شرایط برای برگزاری مجامع الکترونیک در بازار سرمایه مهیا شود.

وی اظهار داشت: بر اساس این طرح، افرادی که در سامانه جامع اطلاعات مشتریان بازار سرمایه (سجام) ثبت نام و احراز هوایت شده اند، می توانند از پلت فرم مجامع الکترونیک استفاده کنند.

خوشنویسان، یکی از مهمترین ویژگی های این طرح را که همگام با استانداردهای بین المللی طراحی شده، ایجاد فرصت کافی برای مطالعه و تحلیل داده ها دانست و گفت: با این طرح، اطلاعات مجامع چند روز قبل از برگزاری در اختیار سهامداران قرار می گیرد.

متوسط ثبت نام روزانه ۲۰ هزار نفر در سجام و ۱۵ هزار نفر در احراز هویت آخرین وضع عملیاتی سجام است که می تواند آمار باشگاه سجام را در آخر این ماه به ۳ میلیون سهامدار بازار سرمایه برساند.

به گفته وی ثبت اطلاعات دارندگان واحدهای سرمایه گذاری در سمات، تسهیل اعمال اقدامات قانونی،کاهش ریسک های عملیاتی، امکان توثیق واحدهای سرمایه گذاری و نظارت بیشتر بر صندوق های سرمایه گذاری مبتنی بر صدور و ابطال، از مهمترین ویژگی های سامانه جامع ثبت، صدور و ابطال صندوق های سرمایه گذاری است.

در ادامه هم امید ارباب زاده مدیر امنیت اطلاعات سمات و مدیر سامانه جامع ثبت، صدور و ابطال صندوق‌های سرمایه گذاری گفت: ریسک های عملیاتی، احتمال از دست رفتن داده ها، دشواری اعمال اقدامات قانونی و پایین بودن سطح اعتماد از اصلی ترین چالش ها تا قبل از راه اندازی این سامانه بود.

به گفته ارباب زاده، هم اکنون از ۱۲ میلیون سرمایه گذار بورسی ۲/۵ میلیون صاحب واحدهای سرمایه گذاری در صندوق های مشترکند که حدود ۱۹۰ هزار میلیارد تومان سرمایه آنها در این صندوق ها است .

بابک باقری مدیر پروژه زیرساخت کلان داده و تبادل اطلاعات سمات هم ضمن تشریح اقدامات انجام شده در این پروژه به بررسی مشکلات و منابه اطلاعاتی متعدد موجود در بازار سرمایه پرداخت و اشاره کرد: در حال حاضر بیش از ۳۰ پایگاه داده به عنوان منبع اطلاعاتی کلان داده سمات می باشد.

همچنین تنوع داده ها، حجم بسیار بالای رکوردها، تفاوت ساختاری و حتی کدینگ های داده ای مشکلات اصلی در این بخش می باشد.

باقری اظهار کرد: علاوه بر سامانه های اطلاعاتی بازار سرمایه مانند توزیع شود و درگاه های ذینفعان، ارائه اطلاعات به فینتک ها و شرکت های دانش بنیان میسر بوده و برخی از این موارد از سریق سندباکس سمات با مشارکت بوم ها در حال سرویس می باشد.

همچنین سپیده فرجی مسول این پروژه بیان کرد: توسعه کسب و کار بورس های کالایی ایران و نقش قانونی شرکت سپرده گذاری مرکزی به عنوان یگانه نهاد ارائه کننده خدمات پیش و پس از معاملات، الکترونیک کردن کامل فرایند تسویه و پایاپای معاملات بورس های کالایی را ضروری می کند.

وی افزود: به همین منظور پروژه سامانه جامع تسویه بازار فیزیکی بورس های کالایی ایران، با هدف یکپارچه سازی فرآیندهای پیش و پس از معاملات بازار فیزیکی بورس های کالایی و انجام تمام مراحل به صورت الکترونیک، توسط شرکت سمات سامانه بازار سرمایه با همکاری شرکت‌های دانش بنیان و با بهره گیری از دانش بومی و نیروهای متخصص و جوان طراحی و توسعه داده شده است.

فرجی در ادامه ، ضمن ارائه گزارشی شش ماهه از تسویه معاملات بازار فیزیکی بورس انرژی ایران گفت: از اول فروردین تا ۳۱ شهریور ۹۸ ارزش کل معاملات ۹۹۰۸۳۰۶۲ میلیون ریال بوده است؛ در این مدت ۴۴۰۹ قرارداد ثبت شده که تعداد قراردادهای تسویه شده ۴۲۳۳ بوده است. وی با بیان اینکه در مدت گزارش شده، روزانه ۱۵۰۰ تراکنش بانکی داشته ایم ، اظهار داشت: در این مدت همچنین ۴۱۹ قلم کالا معامله شده است.

فرجی، امکان توسعه بازار استفاده از حساب های وکالتی، توانایی انجام عملیات تسویه حجم بالای معاملات، کنترل عملیات، یکپارچه سازی فرآیندهای پیش و پس از معاملات، کاهش ریسک عملیاتی، کاهش زمان انجام عملیات و افزایش دقت، مدیریت پرداخت وجوه و عملیات بانکی ارتباط الکترونیک با ارکان بازار سرمایه و نهادهای نظارتی را از مزیت های سامانه جامع تسویه معاملات کالایی ذکر کرد.

در این نشست، همچنین حسین قشمی مدیر پروژه توزیع سود سمات، اطلاعات این پروژه را کاملا اعتبارسنجی شده دانست و گفت: از جمله ویژگی های این پلتفرم این است که به سامانه سجام متصل است.

پربازده ترین بازار مالی در سال ۹۸

شاید بتوان گفت پربازده ترین بازار مالی در سال ۹۸، بازار سرمایه بوده است؛ آن هم با رشد حدود ۲۶۷ هزار واحدی که از ابتدای امسال رقم خورده است.

گزارش‌ها از وضع بازار سرمایه حاکی از آن است که از ابتدای امسال تاکنون شاخص کل بورس با جهشی خیره‌کننده، از ارتفاع ۱۷۸ هزار و ۶۵۹ واحد به ارتفاع ۴۲۷ هزار و ۱۳۹ واحد رسیده ؛ یعنی رشدی در حدود ۱۴۹/۵ درصدی داشته است.

شاخص بازار اول هم در این بازه زمانی از رشد ۱۸۸ هزار و ۱۸۱ واحدی برخوردار بوده و شاخص بازار دوم رشد ۵۷۰ هزار و ۷۸۹ واحدی را ثبت کرده است؛ به عبارتی، بازار اول ۱۴۰/۵ درصد و بازار دوم ۱۶۵/۳ درصد رشد داشته است.

در این میان، گزارش‌ها حاکی از آن است که در مدت ۲۱۰ روز معاملاتی امسال، تعداد ۹۳۲ میلیارد و ۱۹۰ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش ۳۷۸ هزار و ۹۶۳ میلیارد تومان در ۸۷ میلیون و ۹ هزار و ۸۶۷ دفعه مورد در بورس اوراق بهادار معامله قرار گرفته است.

با توجه به این اعداد و ارقام و بازدهی که تا کنون بازار سرمایه داشته است، تحلیلگران اقتصادی معتقدند در صورتی که بورس تهران بتواند سطوح فعلی نماگرها را حفظ کند، سال ۹۸ به عنوان بهترین سال در تاریخ این بازار ثبت خواهد شد این در شرایطی است که جهش بورس در فضایی رقم خورده که رشد اقتصادی منفی بوده و تورم هم در حدود ۳۸/۶ درصد گزارش شده است.

واقعیت حال حاضر بورس تهران، جهت‌گیری قیمت‌ها با اهرمی تحت عنوان پول است، پول‌هایی که در عدم جذابیت بازارهای موازی و به انگیزه کسب سودهای چند صد درصدی در کوتاه ترین زمان ممکن، سرمایه‌گذاری در بازار سهام را برگزیده و روانه گردونه معاملات این بازار شده‌اند.

شرایطی که سبب شده تا ارزش معاملات یکهزار میلیارد تومانی که در دو سال اخیر رویایی برای فعالان بازار سهام بود، این روزها درحال نزدیک شدن به پنج هزار میلیارد تومان باشد و دیگر رکوردزنی‌های متوالی در این بازار به امری طبیعی تبدیل شود.

در این رابطه، رییس سازمان بورس و اوراق بهادار اعتقاد دارد که سودآوری بازار سرمایه از بازارهای دیگر بهتر است.

به گفته شاپور محمدی، افراد وقتی وارد بازار می‌شوند، نباید کوتاه‌مدت انتظار داشته باشند که از سود سرشاری بهره‌مند شوند، بلکه باید افق خود را سه تا پنج سال انتخاب کنند.

وی درباره سرمایه گذاری در بورس می‌گوید: به‌طور کلی با میزان سرمایه کم یا زیاد می‌توان در این بازار فعالیت کرد، بازار سرمایه یک بازار تخصصی است، از این رو ضرورت دارد مردم برای ورود به این بازار آموزش‌های لازم را فراگیرند.

وی متذکر می‌شود: اگر برخی افراد وقت کافی حتی فرصت برای آموزش و تحلیل روزمره بازار را ندارند، می‌توانند از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری وارد بازار سرمایه شوند، چون ریسک صندوق‌ها کنترل شده است.

رییس سازمان بورس در عین حال تاکید می‌کند: نباید به شایعات توجه کرد و توصیه می‌شود شرکت‌ها به اخبار رسمی که در سامانه کدال انتشار می‌یابد، به این آمار و اطلاعات توجه کنند.

دبیرکل کانون نهادهای سرمایه‌گذاری هم معتقد است؛ روزانه نزدیک به یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان نقدینگی جدید وارد بورس می‌شود.

به گفته سعید اسلامی، اکنون باید بازار را از نظر ارزش معاملات مورد بررسی جدی قرار داد اما تا زمانی که بازارهای جایگزین در رکود به سر می‌برند و فقط یک بازار در مسیر افزایش ارزش قرار می‌گیرد، می‌تواند باعث ایجاد یک حباب جدی در بازار شود.

کارشناس بازار سرمایه اضافه می‌کند: ورود حجم گسترده‌ای از نقدینگی به بازار سرمایه ضمن افزایش ارزش پایه، زمینه ورود چند شرکت جدید به بورس، افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها را فراهم می‌کند، بنابراین با این شرایط است که ارزش بازار به صورت نگران کننده افزایش نمی‌یابد.

به اعتقاد وی، براساس شرایط اقتصاد کنونی در کشور، هر گونه پیش‌بینی برای ادامه روند بازار با چالش روبرو می‌شود و ممکن است با هر تغییر نرخی، مسیر کل بازار تغییر کند اما چنانچه هیچیک از بازارهای دیگر با تغییر معاملاتی روبرو نشوند و دولت هم عملیات بازار باز را اجرایی کند، روند صعودی بازار ادامه دار و شاخص بورس رشد خواهد کرد.

جواد جمالی نوبندگانی نماینده مجلس هم با اشاره به حضور و ورود گسترده سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه، می‌گوید: به طور قطع توجه سرمایه‌گذاران به بازار بورس نتایج مثبتی را برای اقتصاد کشور به دنبال دارد، زیرا جمع‌آوری نقدینگی در بازارهای اقتصادی و انتقال آن به بازار سرمایه موجب کاهش تلاطمات اقتصادی می‌شود.

ادامه در صفحه ۹

مشخصات و شماره تلفن‌های نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات در خوزستان

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	کد	شماره تلفن نمایندگی	شماره تلفن همراه	شهرستان
۱	حسن فارسی‌زاده	۰۶۱	۳۳۳۸۶۱۵۲ – ۳۳۳۸۸۰۴۷	۰۹۳۹۹۲۹۶۱۸۰	اهواز
۲	سیدغدیر رمضانی	۰۶۱	۵۳۳۳۵۰۵۳ – ۵۳۳۳۲۱۱۰	۰۹۱۲۱۹۷۳۶۵۱	آبادان
۳	اکبر اوسانی کرد	۰۶۱	۴۲۶۲۶۷۷۶	۰۹۱۶۶۴۳۶۴۸۶	اندیمشک
۴	حجت‌اله محبتیان	۰۶۱	۵۲۶۲۴۷۴۷	۰۹۱۶۳۵۳۹۱۰۵	امیدیه
۵	سیدایوب رمضانی	۰۶۱	۴۳۶۳۵۰۵۳	۰۹۱۶۶۹۱۵۱۲۷	ایذه
۶	محمدعلی احمدی	۰۶۱	۴۳۷۳۲۹۵۲	۰۹۱۶۷۲۷۸۴۵۳	باغملک
۷	مهدی درویشی	۰۶۱	۵۲۲۲۸۵۹۸ – ۵۲۲۲۴۱۴۴	ــــــ	بندر امام خمینی(ره)
۸	عباس عیوضی سرحانی	۰۶۱	ــــــ	۰۹۳۰۳۲۶۵۱۵۴	بندر ماهشهر
۹	شهرام دائی‌زاده	۰۶۱	۵۲۷۲۷۶۸۷	۰۹۱۶۶۷۱۴۲۲۸	بهبهان
۱۰	معصومه عباسی	۰۶۱	۵۳۵۱۰۱۰۰	۰۹۱۶۶۳۱۳۰۶۷	خرمشهر
۱۱	محمد ناصحی	۰۶۱	۴۲۲۲۲۵۵۵	۰۹۱۶۹۴۴۹۰۸۹	دزفول
۱۲	محمدعلی بهوند یوسفی	۰۶۱	۴۳۵۲۷۰۰۰	۰۹۱۶۱۹۱۱۴۳۷	رامهرمز
۱۳	حمید نعیمی	۰۶۱	۵۳۷۲۵۷۶۰	۰۹۳۷۵۴۲۹۵۹۶	شادگان
۱۴	عبدالکریم راشدی	۰۶۱	ــــــ	۰۹۱۶۳۴۱۲۴۸۱	شوش
۱۵	جهانگیر ترکستانی	۰۶۱	۳۶۲۲۴۳۲۳	۰۹۱۶۱۱۲۷۳۱۷	شوشتر
۱۶	داریوش باقرفر	۰۶۱	۴۳۲۲۲۲۴۵ – ۴۳۲۲۲۲۴۴	۰۹۱۶۱۸۱۱۵۲۹	مسجدسلیمان
۱۷	سیدمحمود موسوی‌نژاد	۰۶۱	۴۲۸۶۵۲۶۵	۰۹۱۶۳۴۷۸۲۶۴	هفت‌تپه
۱۸	بهزاد قاسمی موسوی	۰۶۱	۴۳۵۸۳۹۶۶	۰۹۱۶۶۹۲۰۳۱۲	هفتگل
۱۹	عبدالحمید پوررکنی	۰۶۱	۳۶۷۸۴۲۰۱	۰۹۱۶۸۱۱۴۱۵۹	هویزه

افتتاح پروژه‌های ورزشی با حضور وزیر ورزش و جوانان در همدان



همدان– خبرنگار اطلاعات: وزیر ورزش و جوانان برای افتتاح چند طرح ورزشی در نقاط مختلف استان همدان به این دیار سفر کرد.

برنامه سفر یک روزه مسعود سلطانی‌فر در سفر به همدان، دیدار از سالن ۶ هزار نفری شهید سلیمانی و بهره برداری از استخر سرپوشیده «مریانج»، زمین چمن مصنوعی اسدآباد و سالن ورزشی چندمنظوره «سیمین بهار» بود

همچنین افتتاح استخر سرپوشیده اسدآباد، بهره‌برداری از سالن ورزشی «ینگی کند» در ملایر و بهره برداری از مرحله نخست ورزشگاه ۵ هزار نفری این شهر از دیگر برنامه‌های وزیر ورزش و جوانان در استان همدان بود.

همچنین استخر سرپوشیده «کوثر» شهر مریانج از توابع استان همدان با حضور مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش و جوانان بهره‌برداری شد. این استخر در فضایی به وسعت یک هزار و ۴۳۸مترمربع و ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان اعتبار احداث شده است.

استخر کوثر مریانج شامل امکاناتی نظیر رختکن، دوش سونای خشک و بخار و جکوزی است و عملیات ساخت آن از سال ۸۶ آغاز شده بود. در حاشیه این آیین از مادر شهیدان فرهادی نیزتجلیل شد.

علاوه بر پروژه‌های یادشده، استخر سرپوشیده اسدآباد هم پس از ۲۶ سال با حضور وزیر ورزش و جوانان افتتاح شد این استخر که کلنگ اجرای آن سال ۷۲ به زمین زده شد، با حضور وزیر ورزش و جوانان افتتاح شد. استخر یادشده که به نام شهید حاج قاسم سلیمانی مزین شده، به امکاناتی نظیر رختکن، سرویس بهداشتی، دوش، سونای خشک و جکوزی و اتاق مدیریت مجهز است.

استاندار: قزوین را به قطب تولید لوازم خانگی بدل می کنیم

قزوین– خبرنگاراطلاعات: یکی از برنامه‌های مهم استان قزوین در سال۹۹ رویکرد توسعه صنعتی جدید در حوزه‌های لوازم خانگی و صنایع‌هایتک و پوشاک است.

استاندار قزوین در جریان دیدار از شرکت لوازم خانگی پارس گفت: این شرکت تولیدی به دلیل سوء مدیریت در گذشته با چالش‌های جدی مواجه بود که با توجه به سیاست حمایت از تولید و تغییر مدیریتی، احیا و پویا شده و زمینه اشتغال ۵۵۰ نفر را فراهم کرده است.

هدایت الله جمالی پور یکی از مهمترین وظایف مسئولان استان قزوین را استفاده درست از ظرفیت‌های موجود و حمایت از بخش خصوصی اعلام کرد و افزود: تا زمانی که دولت و بخش‌های خصولتی متولی تولید باشند به دلیل تغییرات متعدد مدیریتی، به حوزه تولید آسیب وارد می‌شود.

وی تاکید کرد: با واگذاری امور به بخش خصوصی و به کاربردن سیاست حمایت از این بخش می‌توان به رونق تولید کمک کرد.

یکی از راهکارهای برندسازی تولیدات داخلی،اعتماد به بخش خصوصی است و سیاست برند سازی تولیدات در واحدهای صنعتی راکه با چالش‌های مواجه هستند، پیگیری می‌کنیم.

جمالی پور ادامه داد: توجه به مشکلات بخش خصوصی و نیز تسهیل امور برای فعالیت بهتر آنها، زمینه برند سازی محصولات تولیدی در کشور و منطقه را فراهم می‌سازد.

استاندار قزوین یکی از مسائل مهم استان در حوزه توسعه را توجه به زیرساخت‌های حوزه آب در بخش صنعت دانست و گفت: در استان قزوین سعی کرده‌ایم از طریق ویژگی‌های منطقه‌ای در مورد صنعت تصمیم بگیریم.

جمالی پور اضافه کرد: سیاست‌ها و برنامه‌های استان در حوزه صنعت حمایت از صنایع کم آب بر است.

وی در مورد زمان تعیین شده برای انتقال دفاتر مالی واحدهای تولیدی از پایتخت به استان تاکید کرد: به واحدهای تولیدی توصیه می‌شود به منظور تسهیل در امور و رفع چالش‌ها در حوزه امور مالیاتی، دفاتر مرکزی خود را ظرف مدت ۶ ماه آینده به استان قزوین منتقل کنند.

وی یادآور شد: دفاتر مالی شرکت‌ها باید در استان مستقر باشند تا بتوانند از مزیت‌های آن بهره‌مند شوند.

برگزاری نمایشگاه کتاب در خرم دره

خرم دره– خبرنگار اطلاعات: نمایشگاه کتاب با ۱۰۰۰ عنوان به مناسبت گرامیداشت ایام مبارک دهه فجر در فرهنگسرای امام خمینی خرم دره زنجان افتتاح و کتاب‌ها در موضوعات مذهبی، تاریخی، داستان، اجتماعی و کودک، با ۳۰ درصد تخفیف به علاقه مندان عرضه شد.

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خرم دره هدف از برگزاری این نمایشگاه را ترویج فرهنگ کتابخوانی و تقویت جایگاه کتاب در زندگی مردم دانست و گفت: این نمایشگاه در دهه فجر پذیرای علاقه مندان بوده است.

نوبخت: درآمدهای عمومی کشور ۱۷درصد افزایش یافت

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: درآمدهای منابع نفتی کشور به دلیل محدودیت در صادرات به شدت کاهش پیدا کرده اما با وجود آن در ۱۰ماهه نخست امسال درآمدهای عمومی کشور ۱۷درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است.

محمد باقر نوبخت معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه در جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه استان گلستان با بیان این مطلب افزود: در تحریم‌های گذشته همواره نفت در برابر غذا بود و به قول خودشان که بیان کردند آنقدر جوانمردی داریم که کشورها به ازای نفت بتوانند دارو و غذا خریداری کنند، ولی امروز این اقدام نیز متوقف شده است.

وی گفت: سردار شهید سلیمانی در دوران حیات پر برکت نه فقط به پاسداری از مرزهای کشور اقدام می‌کرد، بلکه در زمینه دور زدن تحریم‌ها نیز موثر بود.

نوبخت یادآور شد: منابع ما در ۲ محل به عنوان منابع جاری و منابع عمرانی هزینه می‌شود و هزینه‌های جاری در به ۲بخش نیروی انسانی یعنی حقوق و دستمزد و یک بخش دیگر سایر هزینه‌ها است که باید اتفاق بیفتد و در سال جاری پرداخت حقوق به کارکنان دولت ۳۴درصد افزایش یافت و در زمینه صندوق بازنشستگی نیز۳۲ درصد بیشتر هزینه شده است.

وی با بیان اینکه نوع نگاه دولت با توجه به پول کمی که دارد، این است که بتواند صرفه جویی را در دستور کار قرار دهد، افزود: همه پاداش‌های بازنشستگی را قبل از نیمه دوم امسال پرداخت کرده‌ایم و در ۲هفته گذشته نیز مبالغی برای پاداش بازنشستگی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی پرداخت شده است.

رئیس سازمان برنامه و بودجه یادآور شد: بسته‌های حمایتی معیشتی، یارانه‌ها و حقوق در هر ماه پرداخت می‌شود و در این ماه علاوه بر حقوق کارمندان دولت، عیدی و پاداش نیز با حقوق بهمن ماه پرداخت خواهد شد.

وی یادآور شد: ۱۷۰۰میلیارد تومان در رابطه با سفرهای استانی پرداخت شد و در این سفر نیز بخشی از تعهدات خود به استان گلستان را پرداخت خواهیم کرد.

وی افزود: با هماهنگی‌های انجام شده امروز ۳۰۰۰ واحد مسکونی به افراد کم درآمد استان گلستان هدیه می‌شود.نوبخت گفت: اجازه نمی‌دهیم تحریم‌ها مانع پیشرفت کشور شود و تلاش می‌کنیم با منابع و اعتباراتی که در اختیار داریم، پروژه‌های مختلف را در کشور اجرا کنیم.

وی با اشاره به آنهایی که می‌گویند با مذاکره با آمریکا مشکلات حل می‌شود، گفت: ما یک بار با آمریکا مذاکره انجام و از این جهت به افکار عمومی پاسخ دادیم، اما امروز روز ایستادگی است و وقت مذاکره با آمریکا نیست.

وی گفت: تا پایان امسال که کمتر از۴۰ روز باقی مانده ۲طرح بزرگ عمرانی، اولی بزرگراه تهران ـ شمال انجام خواهد شد که یک ساعت و نیم راه را نزدیکتر می‌کند و همچنین بزرگراه همت ـ کرج در چند هفته آینده به بهره برداری خواهد رسید.

رئیس سازمان برنامه و بودجه افزود: راه آهن اینچه برون ـ گرمسار جزو طرح‌های مصوب کشور است و ۵ میلیارد تومان تأمین مالی شده و ۱۵درصدی که مربوط به پیش پرداخت بود تأمین شده و اگر اجرای راه آهن اینچه برون ـ شاهرود نیز برای کشور حایز اهمیت است که آن را هم اجرا می‌کنیم.





آغاز ساخت ۳۰۰۰ واحد مسکن محرومین در استان گلستان

با حضور معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه و استاندار گلستان، عملیات اجرایی ساخت۳۰۰۰ واحد مسکن محرومین استان گلستان در روستای سیل‌زده «سقریلقی» شهرستان آق‌قلا با همکاری بنیاد مسکن و کمیته امداد امام‌خمینی(ره) آغاز شد.

دکتر محمدباقر نوبخت در مراسم افتتاح متمرکز ۱۰۷۹ واحد مسکونی مددجویان آسیب‌دیده از سیل گلستان و آیین افتتاح متمرکز ۶۰ هزار واحد مسکونی مقاوم‌سازی شده مسکن روستایی استان گلستان گفت: به منظور جبران خسارت‌های مالی سیل در گلستان، تاکنون از ۷هزار و ۷۰۰ واحد خسارت دیده و نیازمند به نوسازی این استان، ساخت ۳۰۰۰ واحد پایان یافته است و ساخت ۳۰۰۰ واحد دیگر نیز تا یکسال آینده تمام خواهد شد.

وی افزود: تاکنون ۱۸۰ هزار میلیارد ریال بابت جبران خسارت‌های مالی سیل از سوی دولت به استان‌های سیل‌زده کشور پرداخت شده و بر اساس برآوردهای انجام شده، این حادثه موجب واردشدن خسارت ۲۱۰ هزار میلیارد ریالی در کشور شده است. همچنین به تازگی برای آبگیری سد نرماب مینودشت ۳۰۰میلیارد ریال اعتبار برای جابجایی حداکثر ۲روستای واقع در مسیر ساخت مخزن اختصاص داده شده است.

رییس سازمان برنامه و بودجه از پرداخت اعتبار اجرای زهکشی ۵۰هزار هکتار از اراضی شمال گلستان خبرداد و گفت: برای این طرح ۱۰ هزار میلیارد ریال اعتبار در نظر گرفته شده‌است.نوبخت همچنین قول ساخت یک‌مدرسه در روستای «سقریلقی» آق‌قلا را داد. در این مراسم به صورت متمرکز، پروژه‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گلستان با اعتبار ۲ هزار و ۵۲۷ میلیارد ریال و بهره‌مندی بیش از ۱۱۴ خانوار، افتتاح و یا عملیات ساخت آنها آغاز شد. همچنین ۳ هزارمین واحد مسکونی بازسازی شده از سیل در گلستان و ۶۰ هزارمین واحد مقاوم‌سازی شده از محل طرح ویژه بهسازی و نوسازی به بهره‌برداری رسید.

راه اندازی مرکز مهارت و اشتغال زایی با برگزاری دوره‌های تخصصی

فولادشهر– خبرنگار اطلاعات : سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنجان در نشستی با فرمانده ناحیه مقاومت بسیج این شهر اظهار کرد: این دانشگاه با راه اندازی مرکز مهارت و اشتغالزایی با محوریت کارآفرینی به عنوان حلقه‌ای برای مهارت آموزی نسل جوان انقلابی است و می‌تواند نوید بخش آینده روشن برای جوانان دانشجو و دانش‌آموختگان باشد.

سید مسعود داودی افزود: در همین خصوص می‌توانیم با برگزاری دوره‌های تخصصی کوتاه مدت و آموزش‌های تئوری و عملی مهارت‌ها، کسب و کارهای نوآورانه و جدید را به رده‌های مختلف سنی اعم از خواهران و برادران علاقه‌مند آموزش دهم و با هدایت تسهیلاتی که ناحیه مقاومت بسیج در اختیار متقاضیان قرار خواهد داد در زمینه‌های کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی و مهارت‌های قطعه‌سازی در ایجاد اشتغال‌های پایدار موثر باشیم.

فرمانده ناحیه مقاومت بسیج لنجان نیز گفت: بسیج سازندگی یکی از برکات انقلاب اسلامی است که به فرمان مقام معظم رهبری در سال ۷۹ تشکیل شد و امروز با گذشت ۱۸سال اقدامات چشمگیری در ایران اسلامی انجام داده است.

سرهنگ حمیدرضا محمدی فشارکی با اشاره به گروه جهادی بسیج سازندگی شهرستان لنجان افزود: گروه‌های جهادی تاکنون اقدامات شاخص و اثرگذاری را در شهرها و روستاهای کم برخوردار شهرستان لنجان انجام داده‌اند که می‌توان به ساخت و تعمیر منازل مسکونی، پروژه‌های کشاورزی، بهداشتی و عمرانی اشاره کرد.

وی با اشاره به کارگروه تشکیل شده در شهرستان اظهار کرد: کارگروه بسیج لنجان متشکل از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها به ویژه توان علمی اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی لنجان با انسجام و هم افزایی برای حل مشکلات شهرستان فعالیت دارد و امید است با تدبیر رئیس جدید دانشگاه آزاد اسلامی لنجان بتواند اثربخش‌تر ظاهر شود.

امضای تفاهمنامه دانشگاه آزاد لنجان با شرکت نرم‌افزاری

همزمان با برگزاری نمایشگاه و همایش شتاب دهنده های آزاد در محل نمایشگاه دائمی اقتصاد دانش بنیان واقع در سازمان مرکزی ۲تفاهمنامه به نمایندگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنجان با شتاب دهنده های لاکتو ویژن و شرکت راهکار سرزمین هوشمند منعقد شد.

سرپرست دانشگاه آزاد واحد لنجان با اشاره به عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان گفت: شرکت‌های دانش‌بنیان، موسسات خصوصی یا تعاونی هستند که با هدف تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه در حوزه فناوری‌های برتر و هم‌افزایی علم و ثروت با تحقق اهداف علمی و اقتصادی و توسعه اقتصاد دانش‌محور تشکیل شده‌اند.

سیدمسعود داودی با تاکید بر مأموریت اصلی مراکز رشد اظهار کرد: مرکز رشد دانشگاه آزاد لنجان با حمایت از متخصصان، نوآوران، مخترعان، اعضای هیات علمی دانشگاه و واحدهای پژوهشی ایجاد فضای مناسب برای تجاری‌سازی دستاوردهای تحقیقاتی از توسعه کسب و کارهای جدید توسط کارآفرینان در قالب واحدهای نوپای فعال در حوزه فناوری‌های پیشرفته و اهداف اقتصادی مبتنی بر دانش و فناوری پشتیبانی می کند.

مدیر مرکز رشد واحدهای فناور واحد لنجان افزود: تفاهمنامه با شتاب دهنده لاکتوویژن در راستای فعال سازی شتاب دهنده در حوزه زیست فناوری غذایی، دارویی آبزیان و پروبیوتیک و زیست فناوری میکروبی در مرکز رشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنجان منعقد شد.

مجید اصلانی افزود: شتاب دهنده «لاکتو ویژن» به عنوان اولین شتاب دهنده حوزه زیست فناوری میکروبی، غذایی و پروبیوتیک‌ها است و حوزه فعالیت‌های آن پروبیوتیک‌ها، زیست فناوری میکروبی و زیست فناوری غذایی است.

وی با تشریح تفاهم نامه شرکت راهکار سرزمین هوشمند تصریح کرد: این تفاهم‌نامه با هدف راه‌اندازی شتاب دهنده در خصوص خدمات پاسخگویی با زمینه گردشگری، IT و خدمات مشاوره در محل مرکز رشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنجان منعقد شده است.

تنها مجموعه‌ای در کشور است که شاخه مهم این صنعت یعنی ارائه نرم افزار هوشمند مدیریت تماس و نیز خدمات میزبانی و پاسخگویی را به صورت تخصصی در دستور کار خود قرار داده است.

حضور ۵۰۰ ناشر در هفدهمین نمایشگاه بزرگ کتاب هرمزگان

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان گفت: بیش از ۵۰۰ ناشر در هفدهمین نمایشگاه بزرگ کتاب هرمزگان حضور یافتند.

رضا کمالی زرکانی در جمع خبرنگاران گفت: نمایشگاه کتاب هرمزگان یکی از معتبرترین نمایشگاه‌های کتاب کشور است که هرسال با حضور ناشران معتبر از سراسر ایران اسلامی برگزار می‌شود.وی افزود: اکثر ناشران به صورت مستقیم در نمایشگاه هرمزگان شرکت کردند و بخش دیگری نیز به صورت نمایندگی حضور داشتند.مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان ادامه داد: آن بخش از ناشران که موفق به شرکت در نمایشگاه هرمزگان نشده‌اند، با هماهنگی موسسه نمایشگاه آثار آن‌ها در قالب فروشگاه متمرکز برای عامه مردم عرضه می‌شود.

کمالی زرکانی اعلام کرد: انتخاب ناشران به گونه‌ای صورت گرفت که پاسخگوی تمامی سلایق و دیدگاه‌ها باشد و معتبرترین ناشران حوزه کودک و نوجوان، دانشگاهی، علمی، سرگرمی، تاریخ و ادیان، ادبیات، جغرافیا، دینی و قرآنی و روان‌شناسی در هفدهمین نمایشگاه کتاب هرمزگان حضور داشتند.

هفدهمین نمایشگاه بزرگ کتاب هرمزگان و ششمین نمایشگاه منطقه‌ای مطبوعات خلیج فارس و ششمین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال ۱۲ الی ۱۸ بهمن ماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بندرعباس برگزار شد.

ساخت کارخانه استخراج مس در دامغان

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار دامغان گفت: فاز اول کارخانه استخراج مس برای تولید پودر ۸۵ درصدی مس با اعتبار اولیه ۶۰ میلیارد تومان در جنوب دامغان در حال ساخت است.

علی‌اصغر مجد افزود: این کارخانه تاکنون ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی عمرانی دارد و ۸۰ درصد تجهیزات کارخانه نصب شده است که با نصب ۲۰درصدی دیگر تجهیزات این کارخانه در خردادماه سال آینده به بهره برداری خواهد رسید.

وی اضافه کرد: در حال حاضر در این کارخانه ۴۰ نفر از افراد بومی منطقه مشغول بکارند و با بهره برداری از این پروژه ۲۰۰ نفر مشغول به کار خواهند شد. او یادآورشد: این کارخانه ظرفیت استخراج پودر مس تا ۳ هزار تن در سال را دارد.

فعالیت صندوق‌های اشتغالزایی خُرد زنان روستایی در دامغان

مدیرجهادکشاورزی دامغان گفت: ۸ صندوق خُرد اشتغالزایی زنان روستایی در روستاهای دامغان فعالیت می‌کنند.

مهندس محسن طباطباییان افزود: هر صندوق دارای ۲۵ عضو است که بیشتر در زمینه تولید محصولات خانگی فعالیت می‌کنند.وی اضافه کرد: صندوق‌های خُرد اشتغالزایی هر کدام با۴۰۰ میلیون ریال تسهیلات راه اندازی شده است و ایجاد اشتغال بانوان و حمایت از روستاییان مهمترین اهداف تشکیل این صندوق‌ها است.

۲ اثر فرهنگی تاریخی بافق در فهرست آثار ملی ثبت شد



بافق ـ خبرنگار اطلاعات: ۲ اثر فرهنگی ـ تاریخی شهرستان بافق به اسامی خانه دها و برج جوزی در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.

محمدزاده رحمانی، فرماندار بافق در این باره گفت: ثبت ملی آثار تاریخی زمینه‌های حفاظت بیشتر، جذب اعتبار و مرمت آنها را فراهم می‌کند.

به گفته وی، «خانه دها» در بلوار امام علی(ع) روبروی شهرداری بافق و «برج جوزی» در روستای جوزی از توابع دهستان کوشک واقع شده است. اردیبهشت ۹۸ نیز ۲ اثر فرهنگی ـ تاریخی حمام روستای صادق‌آباد و قلعه روستای شریف‌آباد بافق در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.

۲۰۰ اثر تاریخی، فرهنگی و طبیعی در بافق شناسایی شده که ۶۳ مورد آن‌ها به ثبت ملی رسیده است.

بقیه از صفحه ۸

نمایش قدرت ایران اسلامی در راهپیمایی سراسری سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی



سرویس شهرستان‌ها: راهپیمایی‌های باشکوه ۲۲ بهمن‌ماه امسال با حضور خیل عظیم مردم به نیابت از سردار شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و برای تجدیدپیمان با آرمان‌های انقلاب اسلامی در بیش از ۵هزار نقطه ازکشور برگزار شد.

شرکت‌کنندگان‌دراین‌راهپیمایی‌ها از هر قوم و زبان و درهر سن وسال بازهم تاکیدکردند که با وجودمشکلات اقتصادی کشور و تحریم‌های استکبار جهانی همچنان تمام قد در برای حفاظت ازدستاوردهای انقلاب و ایران اسلامی ایستاده‌اند و مقاومت خواهند کرد.

*** پیام راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه قوی شدن است**

رئیس قوه قضاییه در پایان راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه مردم مشهد در رواق امام خمینی(ره) حرم مطهر امام رضا (ع) گفت: راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه امسال امروز سخن و پیام نویی دارد و آن قوی شدن است و این قوی شدن با ایمان و باور قوی و اعتقاد به آثار شکوهمند انقلاب اسلامی و با مقاوم ظاهر شدن در برابر دشمنان در همه حوزه‌ها شکل می‌گیرد. به گزارش خبرنگار اطلاعات در مشهد، آیت الله سید ابراهیم رئیسی افزود: دشمن اگر بداند ایران قوی نیست، به کشور ما هجوم می‌آورد که به طور قطع دشمن می‌خواهد چنین کاری کند، اما نمی‌تواند حمله کند، اما ما نشان داده‌ایم که می‌خواهیم و توانسته‌ایم به دشمن در منطقه حمله کنیم.

وی ادامه داد: قدرت کشور و قوی شدن، یک منظومه به هم پیوسته است و اگر پیام انقلاب بهمن ۵۷ بیرون راندن آمریکا از کشور و آغاز حاکمیت مردم بر سرنوشت خود و پایان استبداد و استعمار بیگانگان بود پیام راهپیمایی امروز، حرکت در گام دوم انقلاب و بیرون راندن آمریکا از منطقه است که با اراده ملت‌ها و دولت‌های مستقل منطقه همراه شده است.

رئیس قوه قضاییه با بیان این که یوم الله ۲۲ بهمن روز جلوه قدرت خداست که در بستر آن روزهای خدایی زیادی شکل گرفته است و می‌گیرد، افزود: تشییع جنازه سپهبد شهید سلیمانی یوم اللهی مبتنی بر ۲۲ بهمن ۵۷ بود و همچنین در هم کوبیدن پایگاه آمریکا و شکستن ابهت آنها در هدف قرار گرفتن پایگاهشان نیز از جلوه‌ها و آثار و برکات ۲۲ بهمن ۵۷ است.

رئیسی گفت: شکل گرفتن نظامی برپایه عقلانیت، عدالت، اخلاق، کرامت انسان و عبادت الهی و نیز مقتضیات زندگی انسان معاصر، همه از اهداف انقلاب اسلامی ایران است و خواست مردم انقلابی، شکل گرفتن ادارات و دستگاه‌های منسوب به انقلاب با ساز و کارهایی در تراز انقلاب اسلامی است، لذا پیش از هر چیز، خواست جدی مردم در گام دوم انقلاب، انقلابی در ایجاد ساختارهای مبتنی بر انقلاب اسلامی است.

وی ادامه داد: آنچه مردم ما در بهمن ۵۷ فریاد زدند، استقلال بود، انقلاب اسلامی مستقل‌ترین کشور بدون وابستگی به شرق و غرب است که بر اساس رای مردم و احکام نورانی اسلام شکل گرفته است، اما هرآنچه که در دنیا به عنوان انقلاب از آنها نام برده می‌شود بعد از گذشت مدتی از اهداف و آرمان‌هایشان فاصله می‌گیرند، ولی در ایران، مردم امروز همان چیزی را فریاد می‌زنند که در ۲۲ بهمن فریاد می‌زدند، یعنی همان مردم بر همان آرمان‌های الهی و اصول و مبانی انقلابی اصرار دارند.

رئیس قوه قضاییه با بیان این که پیشرفت کشور با مصرف محصولات کشورهای پیشرفته انجام نمی‌شود افزود: کشور پیشرفته با دوستی و ارتباط با کشورهای توسعه یافته و پیشرفته هم محقق نمی‌شود، چون نفس توسعه یافتگی در مکانیک و فناوری نیست و ما توسعه و پیشرفت را فقط در حوزه صنعت‌الکترونیک‌وچنین‌شاخص‌هایی نمی‌دانیم، بلکه اگر خواستیم بگوییم کشوری پیشرفته است باید بگوییم کشوری توسعه یافته است، که به تمامی نیازهای بشری توجه داشته باشد، مثلا در همان کشورهای صنعتی از عدالت و معنویت خبری نیست، در حالی که توسعه‌یافتگی باید در تمامی ابعاد و در پرتو عدالت محقق شود.

رئیسی افزود: امام خمینی(ره) پرچم پیوند سیاست و معنویت را برافراشت و امروز نیز آنچه از مقام معظم رهبری می‌شنوید بر همین اساس است، یعنی ما می‌خواهیم نظامی بسازیم که در آن انسان معاصر دارای کرامت باشد و در این چارچوب آنچه می‌تواند کشور را پیشرفته کند، توانمند شدن در تولیدات است.

وی تاکید کرد: سخن اجرای عدالت، شنیدنی نیست، بلکه چشیدنی است. قانون، اجرای آن و قضاوت‌های عادلانه و تقسیم همه ظرفیتها در کشور مبتنی بر عدالت است.

رئیس قوه قضاییه گفت: تاکید ما بر اصلی مهم و اساسی به نام عدالت است، هرچند آفاتی در این حوزه وجود دارد و آن نگاه غیر انقلابی است که البته تکلیف ضد انقلاب و دشمنان با وجود نگاه دشمن شناسانه و دشمن ستیز مردم روشن است، چنانکه طی چند ماه قبل حوادثی به وجود آمد که مردم با اقدامات خود از سوء استفاده دشمنان جلوگیری کردند.

رئیسی افزود: نگاه غیر انقلابی، پیام انقلابی ندارد، بلکه این نگاه توجهش به مذاکره است اما سخن مردم در تشییع پیکر حاج قاسم سلیمانی، رای به مقابله با دشمن بود و نه به مذاکره.

وی ادامه داد: نگاه غیر انقلابی به فرهنگ، اباحیگری و دوری از ارزش‌های ایرانی ـ اسلامی را توصیه می‌کند و اگر کسی به فرهنگ غنی مجاهد پرور و حماسه ساز ایرانی ـ اسلامی نگاهی نداشته باشد و نگاهش به دستان و دهان بقیه باشد، غیر انقلابی است، در حالی که امروز مردم برای هر حرکت انقلابی ماندگار و مبارزه با فساد آمادگی دارند.

راهپیمایی ۲۲ بهمن در مشهد با حضور گسترده اقشار مختلف مردم و به ویژه نسل چهارم انقلاب از میدان ۱۵ خرداد به سمت حرم مطهر امام رضا (ع) برگزار شد.

*** وفاداری مردم به انقلاب و نظام**

استاندار خراسان رضوی در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه مشهد گفت: حضور پرشور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن نشان دهنده وفاداری‌شان به انقلاب و نظام است.

علیرضا رزم حسینی افزود: باید به این مردمی که همیشه پای کار نظام هستند بی‌منت و شبانه روزی خدمت کنیم.وی با بیان اینکه در گام دوم انقلاب باید کشور را با مکتب سلیمانی اداره کنیم، افزود: یکی از پیام‌های مکتب شهید سلیمانی تلاش بی‌منت و شبانه‌روزی است.

*** انقلاب اسلامی با پشتوانه مردم به پیروزی رسید**

معاون اول رئیس‌جمهوری در جمع راهپیمایان زاهدان با گرامیداشت چهل و یکمین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی گفت: انقلاب اسلامی با نیروی نظامی پیروز نشد بلکه با پشتوانه و اتکا به مردم به پیروزی رسید و ماندگار شد. به گزارش خبرنگار اطلاعات در زاهدان، اسحاق جهانگیری اظهار داشت: راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه پیام مهمی به دشمنان اسلام صادر کرد و نشان داد که ملت پشتوانه محکمی برای نظام است.

وی ادامه داد: انقلاب اسلامی حادثه‌ای نیست که در تاریخ بماند، بلکه حرکت اجتماعی و جدیدی از تاریخ اجتماعی ملت ایران است.

معاون اول رئیس‌جمهوری گفت: انقلاب اسلامی با خشونت مقابله کرد؛ انقلاب ما انقلابی مردمی بود.

وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی برآمده از نظام مردمی و آیینه تمام نمای ملت ایران است افزود: انقلاب اسلامی به یک گروه، مذهب و یک طبقه خاص وابسته نیست، بلکه این انقلاب همه جانبه است و مردم در آن دیده می‌شوند.جهانگیری افزود: بسیار خوشحال هستم که در جمع مردمی حضور دارم که در تمامی صحنه‌های انقلاب خوش درخشیده‌اند و حضوری حماسی داشته‌اند.

*** قانون‌مداری، مهمترین شعار انقلاب اسلامی**

معاون اول رئیس‌جمهوری با بیان اینکه قانون‌مداری مهمترین شعار انقلاب اسلامی بود، گفت: افراد انقلابی به نظم و قانون تمکین می‌کنند، انقلاب ما توسعه را درون زا می‌دانست و مهمترین آرمان امام راحل تحقق عدالت بود.

وی افزود: وحدت و تقریب از مهمترین نیازهای ضروری انقلاب بود و جمهوری اسلامی بر وحدت مبتنی بر ارزش‌های دینی و اسلامی استوار است.

جهانگیری اضافه کرد: رهبر معظم انقلاب و امام ما همواره به تقریب به عنوان اصل اساسی پافشاری می‌کردند و باید به روش و منش رهبر انقلاب برگردیم رهبر ما در دوران سخت مبارزه در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودند و مردم این استان اعم از شیعه و سنی را به خوبی می‌شناسند.

معاون اول رئیس‌جمهوری گفت: وحدت و تقریب امروز داروی دردهای مزمن تاریخی است، داروی پیشگیری از خشونت و افراطی گری و محرومیت زدایی است، منطقه ما در شرایط بسیار ویژه قرار دارد و دشمنان بعد از ۴۰ سال با تحریم‌ها سعی می‌کنند جمهوری اسلامی را از پیشرفت باز دارند، از جنگ اقتصادی استفاده کردند نتیجه نگرفتند، سردار حاج قاسم سلیمانی را شهید کردند و با شهادت سردار حرکت جدیدی در منطقه آغاز شد که باید هوشیار باشیم و انتقام خون سردار سلیمانی را بگیریم.

وی تاکید کرد: باید با ادامه راه و رسم سردار شهید، اسمش را جاودانه کنیم، آمریکایی‌ها دارو و لوازم ضروری ایران را تحریم کردند، اگر دشمنی امریکا نبود و توسعه کشور بدون امریکا پیش می‌رفت، ایران کشوری توسعه یافته بود، اما باز هم با وجود دشمنی‌ها و برخلاف خواست آمریکا در تمامی زمینه‌ها و از جمله توسعه زیرساخت‌ها و طرح بزرگ سلامت توفیقات فراوانی به دست آورده‌ایم.

*** حضور مردم و وجود رهبری، رمز ماندگاری انقلاب اسلامی**

وزیر اطلاعات در جمع راهپیمایان یوم الله ۲۲ بهمن شهرستان خرم آباد گفت: حضور مردم در صحنه و وجود رهبری حکیم و اندیشمند، رمز ماندگاری انقلاب اسلامی است.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود علوی اظهار داشت: امسال ملت ایران در شرایطی جشن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را برگزار می‌کنند که در گلزار شهدای ما لاله‌ای برافراشته به نام شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی قهرمان خود نمایی می‌کند.

وی افزود: چهل و یک سال از انقلاب اسلامی ما گذشت و در این مدت دشمنان هر سال به خود وعده می‌دادند که انقلاب اسلامی جشن‌های پیروزی سالگرد خود را نخواهد دید، حال آن که ما هر سال این جشن‌ها را با شکوه‌تر برگزار می‌کنیم.

وی اظهار داشت: امام راحل۲ بار دست به قیام و حرکت زد و هر مرتبه کسی امید نداشت مبارزه فراگیر شود، در سال ۴۲ که امام پرچم مبارزه را بلند کرد، شرایط داخلی و خارجی برای مبارزه فراهم نبود، چون مبارزه نیازمند رهبری واحد و مقبول است مرحوم آیت الله بروجردی در سال ۴۱ از دنیا رفت و جای یک رهبر واحد در ایران خالی شد، امام راحل در این شرایط پرچم مبارزه را بلند کرد.

وزیر اطلاعات ادامه داد: امام حوزه‌های علمیه را نیز به مبارزه دعوت کرد و علما هم وارد صحنه مبارزه شدند و این چنین امام راحل صحنه مبارزه را آماده کردند.

وی با بیان اینکه مبارزه، مقابله با خود را نیز به همراه دارد اضافه کرد: امام راحل قبل از همه خودش برای شهادت اعلام آمادگی کرد، امام فرمود من سینه خود را برای سر نیزه‌های شما آماده کرده‌ام، اما برای قبول زورگویی‌های شما هرگز.

وزیر اطلاعات با بیان اینکه مردم با شهادت خود حماسه ۱۵ خرداد را رقم زدند،افزود: امام راحل ابتدا هیمنه دشمن خارجی و پشتوانه‌های خارجی پهلوی را شکستند.

علوی با بیان اینکه با کشتار ۱۵ خرداد و زندانی کردن امام راحل و تبعید به ترکیه، رژیم شاه خیال کرد مبارزه تمام شده است گفت: در سال‌های ۵۴ تا ۵۷ شاه هر گروهی را که اعلام مبارزه کرده بود، قلع و قمع کرد و کسی نتوانست قد علم کند، در این شرایط دیگر کسی امید به مبارزه نداشت اما امام پرچم را بلند کرد و این بار پرچم با خون شهید مصطفی خمینی بلند و نام امام بار دیگر بر زبان‌ها جاری شد.

وزیر اطلاعات افزود: امسال در حالی انقلاب را جشن می‌گیریم که با هدایت‌های رهبری انقلاب اسلامی در هر زمانی در موضع اقتدار بیشتری قرار گرفته است و محور مقاومت حماسه‌ها می‌آفریند.

وی اظهار داشت:تیر و کمان فرزندان فلسطینی به موشک بدل شده و معامله قرن را قبل از تولد دچار سقط جنین کرده است.

وزیر اطلاعات با تاکید بر اینکه ترامپ بداند هیچ نتیجه‌ای از معامله قرن و ترفندهای دیگرش و تحریم حداکثری به دست نمی‌آورد، اظهار داشت: اکنون دشمنان داخلی و خارجی سوریه ناکام شده‌اند، دشمن توان تجاوز به لبنان را از دست داده است و مسلمانان در جای جای دنیا با اراده پوشیده از انقلاب با مشت‌های گره کرده حماسه می‌آفرینند.
علوی با بیان اینکه امروز با هدایت‌های رهبر معظم انقلاب در اوج عزت و اقتدار هستیم عنوان کرد: هدف قرار دادن پایگاه آمریکایی‌ها جنبه خسارات مادی‌اش مهم است اما نفس اراده ایران بر زدن پایگاه آمریکا مهم‌تر است.

وی تاکید کرد: ایران پایگاه آمریکا را هدف قرار داد و در طول زمان آمریکایی‌ها همیشه در تعرض ضربه آخر را می‌زدند و طرف مقابل را مجبور به خویشتنداری می‌کردند و از جنگ جهانی دوم به بعد سابقه نداشته است کشوری به پایگاه‌های نظامی آمریکا حمله کند.

وزیر اطلاعات گفت:این نخستین بار است که طرف دیگر ضربه آخر را می‌زند و آمریکا جرأت نکرد پاسخ بدهد، ایران هیمنه آمریکا را در هم شکسته است.وی افزود:امروز ملت‌های دنیا به ایران با احترام نگاه می‌کنند، چراکه ایران در برابر دشمن زانو نزد و تسلیم نشدو ملت ایران همچنان شعار می‌جنگیم می‌میریم ذلت نمی‌پذیریم را سرمی دهند.

*** توجه به سلامت مردم از افتخارات انقلاب اسلامی**

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در آئین راهپیمایی ۲۲ بهمن در شهرستان لامرد استان فارس گفت: توسعه زیر ساخت‌های سلامت و خدمت رسانی به مردم مناطق محروم از افتخارات انقلاب اسلامی است.

دکتر سعید نمکی با گرامیداشت چهل و یکمین بهار انقلاب و نکوداشت یاد و خاطره سردار دل‌ها شهید قاسم سلیمانی گفت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحولات شگرفی به ویژه در حوزه سلامت کشور ایجاد شد که از آن جمله می‌توان به توسعه قابل توجه حضور پزشکان و متخصصان ایرانی در تمامی مناطق کشور و به ویژه مناطق محروم اشاره کرد.

وی با بیان اینکه در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، فقط ۶ دانشکده علوم پزشکی در کشور فعالیت داشت، از افزایش این تعداد به ۶۶ دانشگاه و دانشکده در کشور و تربیت متخصصان برجسته، به عنوان یکی از دستاوردهای مهم حوزه سلامت اشاره کرد.

وزیر بهداشت و درمان تعداد تخت‌های بیمارستانی در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی را نیز ۵۶ هزار تخت اعلام کرد که در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ۱۲۰ هزار تخت افزایش یافته است.

به گفته وی، خانه‌های بهداشت کشور نیز از هزار و ۸۰ واحد، اکنون به ۱۸ هزار واحد افزایش یافته و تا دورترین مناطق کشور نیز توسعه یافته است.نمکی آمار واکسیناسیون جمعیت بیش از ۸۰ میلیونی کشور را نیز ۱۰۰ درصد عنوان کرد و ادامه داد: امسال به عنوان پیشتاز در کشورهای منطقه، موفق به دریافت گواهی حذف سرخک از سازمان جهانی بهداشت شدیم و امیدواریم ریشه کنی مالاریا را نیز به زودی جشن بگیریم.

وی به موفقیت‌های نظام سلامت کشور در عرصه خدمات دارویی اشاره کرد و افزود: در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، فقط ۲۵ درصد داروهای موردنیاز کشور در داخل تولید می‌شد و اکنون علاوه بر افزایش این آمار به ۹۷ درصد، موفق به صادرات دارو به دیگر کشورها نیز شده‌ایم و کمبودهای دارویی، نسبت به سال گذشته، به یک سوم کاهش یافته است.

*** نظام و انقلاب، نیازمند مجلس بصیر و کارآمد**

حجت‌الاسلام سیدعلیرضا ادیانی رئیس عقیدتی، سیاسی ناجا در جمع راهپیمایان ۲۲ بهمن مرکز استان خراسان شمالی در محل مصلای حضرت امام خمینی (ره) بجنورد گفت: در آستانه چهل و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی کشور نیازمند مجلسی انقلابی، بابصیرت و کارآمد برای شکوفایی ایران اسلامی است.

*** سردار شهید سلیمانی برای همیشه تاریخ زنده است**

سوز سرما و لغزندگی دیروز خیابان‌های استان البرز مانع حضور عاشقان انقلاب درراهپیمایی ۲۲بهمن نشد و مردمان این دیار آنچنان پای ارزش‌ها و نظام خود ایستادند که با یک اشاره رهبری، جان را فدای ارزشهای والای آن خواهند کرد.

*** سرما و حضور گرم مردم اهواز در راهپیمایی**

مردم اهواز با وجود سرمای سوزناک، فریاد گرم و بلند استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را با حضور پرشور در راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه سر دادند و زمستان را شرمنده خود کردند.

مردم متدین و انقلابی اهواز علیرغم سرمای صفر درجه، حضوری پرشور در راهپیمایی داشتند و بار دیگر با بنیانگذار انقلاب اسلامی و آرمان‌های نظام، تجدید بیعت کردند.

*** مردم به اصل انقلاب وفادار هستند**

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه شهر بیرجند گفت: دو مولفه حضور مردم هرگز تغییر نکرده که یکی وفاداری به اصل انقلاب و آرمان‌های آن و دومی اطاعت مردم از رهبری چه دوران اوایل انقلاب و چه زمان کنونی است.

سردار رمضان شریف افزود: این واقعیت وجود دارد که مردم صرفنظر از میزان رضایتشان از عملکرد مدیران در دوران‌های مختلف، همواره به آرمان‌های امام و انقلاب پایبند هستند که این همیشه ماندگار و ثابت است.

امام جمعه اهل سنت بیرجند هم گفت: حضور مردم بزرگترین دلیل برای این است که تبلیغات و سم‌پاشی‌های دشمنان اسلام در اراده و محبت ملت نسبت به رهبری، نظام و مسؤولان، اثر نداشته است.

مولوی غلام حیدر فاروقی در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه بیرجند افزود: این تبلیغات اثری نداشته است و نخواهد داشت، لذا ملت ایران همانگونه که در همه مناسبت‌ها کنار هم هستند برای شرکت در راهپیمایی نیز حضور پرشور دارند.

*** تجدید میثاق مازندرانی‌ها در هوای سرد و بارانی**

مردم مازندران در چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب در زیر بارش باران و برودت دما با آرمان‌های امام راحل و شعارهای انقلاب اسلامی تجدید میثاق کردند.

امسال‌شرکت‌کنندگان‌درراهپیمایی سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه پلاکاردهایی با شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، ۲۲ بهمن سند بی ابرویی آمریکاست،ای رهبر آزاده آماده‌ایم آماده در دست داشتند، با دست نوشته‌های «تا آخر ایستاده‌ایم» و «مرگ بر فتنه گر»، «در بهار آزادی جای سلیمانی خالی» خشم و غضب خود از شهادت سردار دل‌ها به رخ دشمنان کشیدند.

*** انقلاب در دل مردم جا دارد**

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه مردم تبریز با اشاره به حضور پرشور مردم آذربایجان در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن با وجود برف و سردی هوا، گفت: این حضور نشان می‌دهد که دشمنان ایران اسلامی بیشتر فکر کنند و بدانند که انقلاب و نظام در قلب ملت ایران جا دارد.

نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز نیز در حاشیه مراسم ۲۲ بهمن اظهار کرد: با وحدت کامل و صمیمت و با اطاعت از فرامین مقام معظم رهبری این راه را ادامه خواهیم داد.

حجت الاسلام آل‌هاشم گفت: امیدواریم خداوند توفیق دهد تا در این راه ثابت قدم باشیم.

*** آمریکا پیام اقتدار و ایستادگی ملت ایران را دریافت کرد**

امام جمعه موقت تهران در جریان راهپیمایی ۲۲ بهمن اراک گفت: آمریکا پیام اقتدار، ایستادگی و استقامت ملت ایران را در حماسه ۲۲ بهمن امسال دریافت کرد.

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد حسن ابوترابی فرد افزود: اصول و مبانی راستین انقلاب اسلامی و اندیشه‌های ناب امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در حماسه حضور ۲۲ بهمن متجلی شد.

وی ادامه داد: سردمداران غرب و آمریکا با مشاهده حضور میلیونی مردم در جای جای ایران اسلامی و خلق یک حماسه بزرگ، آرمان شهید سلیمانی و پیروی مردم از انقلاب و نظام را به وضوح درک کردند.

*** پاسخ قاطع به تهدیدات دشمنان**

دادستان کل کشور در راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن‌ماه درقم گفت: حضور مردم درسراسر کشور و از جمله قم که خاستگاه انقلاب است،دشمن‌شکن و پاسخ قاطع به تهدیدات دشمن است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری، افزود: این حضور هماهنگ همواره موجب اتحاد مردم و ناامیدی دشمنان بوده‌است.

وی اضافه کرد: دشمنان بدانند که با چنین مردمی در ایران اسلامی هیچگاه به خواست‌های خود علیه نظام اسلامی نخواهند رسید.

راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن‌ماه در سراسر کشور با امنیت کامل برگزار شد

فرمانده نیروی انتظامی گفت: ناجا بر تحرکات دشمن در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن اشراف کامل داشت و راهپیمایی در امنیت کامل برگزار شد.

سردار حسین اشتری در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن‌ماه افزود: همه مردم اعم از پیر و جوان در سرمای هوا به راهپیمایی می‌آمدند و این پیام را به آمریکا دادند. که بیعتی مجدد با امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری دارند.وی اضافه کرد: مردم با همین شور و حرارت در انتخابات شرکت خواهند کرد و انتخابات بسیار خوبی خواهیم داشت.

سردار رحیمی رئیس پلیس تهران هم با اشاره به اینکه ملت بزرگ ایران یک بار دیگر با حضور پر شور و شعور خود حمایت‌های خود را از آرمان‌های بلند امام راحل نشان دادند، اظهار داشت: راهپیمایی در کمال امنیت و آرامش و با حضور پر شور و شعور مردم همیشه در صحنه پایتخت ایران اسلامی برگزار شد.

وی افزود: یک بار دیگر مردم ایران اسلامی ثابت کردند که در خط امام و رهبری هستند و آمریکا را دشمن حقیقی خود می‌دانند.

عدم امکان اجرای قانون کار در قبال کولبران

محمد سمیعی / پژوهشگر و مدرس حقوق کار و تامین اجتماعی

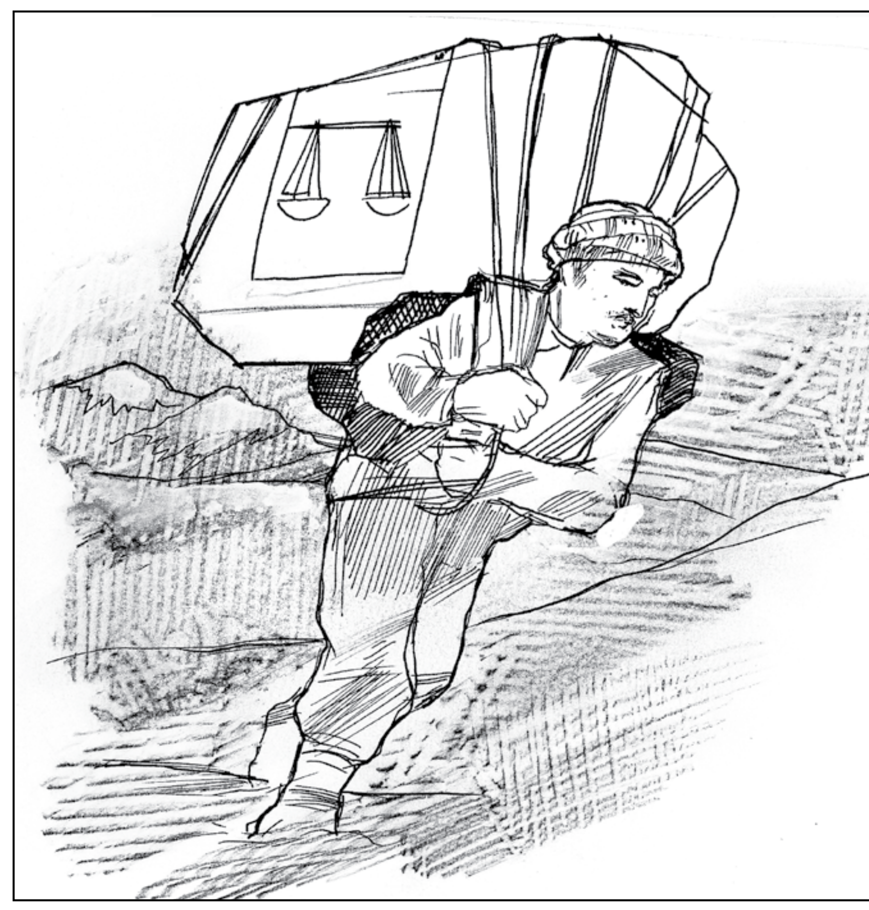
خبر درگذشت دردناک و تأثربرانگیز دو برادر کولبر در ایّام اخیر تبدیل شد به داغ‌ترین سوژه رسانه‌ها و به گونه‌ای علی حده فضای مجازی را به خود درگیر کرد. باید بپذیریم که کولبری ماحصل توسعه نامتوازن بین استان‌های کشور است و عدم اجرای اصولی از قانون اساسی منجر به پدیدآمدن این پدیده شده است. بند ۹ اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف به رفع تبعیضات نارواء ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی کرده است. اصل بیست و هشتم نیز اشعار می‌دارد: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. اصل چهل و هشتم همین قانون نیز بیان می‌دارد: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور باید تبعیض در کار نباشد به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

پرواضح است که این اصول حداقل در مناطق مرزی اجرا نشده و یا حتی اگر اجرا هم شده باشد کارآمد نبوده است. چرا که مردمان این مناطق از غم نان روی به کولبری آورده‌اند که در ازای دریافت مبلغ ناچیزی حتی جان خویش را به خطر می‌اندازند. در میان این کولبران جوانان و نوجوانان زیادی وجود دارند که همگی تن به کاری داده‌اند که طاقت‌فرساست. سخت است که شاهد جان باختن نوجوانی ۱۴ ساله باشیم که بخاطر لقمه نانی ناچیز قربانی سوز و سرمای کوهستان شود. اما هنگامی که از بعد اجتماعی به قضیه نگاه کنیم، موضوع تراژدی می‌شود. از بعد حقوقی فضا تغییر می‌یابد. برخی از پژوهشگران سعی دارند تا با تطبیق شرایط کولبران با شرایط مصرح در قانون کار، آنها را کارگر بنامند و بالتبّع بهره‌مند از حقوق و مزایای این قانون. اما باید بگوییم که کولبران کارگر نیستند. ماده ۷ قانون کار تصریح می‌دارد که قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق‌السعی کاری را برای مدت موقت یا غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد. اگر با کمی مسامحه قائل به این موضوع باشیم که کولبران با کارفرمایان خویش قرارداد شفاهی منعقد کرده‌اند با چالش دیگری روبه‌رو می‌شویم. بند الف ماده ۹ همین قانون مشروعیت مورد قرارداد را برای صحت قرارداد کار در زمان بستن قرارداد شرطی الزامی می‌داند.

آیا فعالیت کولبران به عنوان مورد قرارداد، مشروع است؟ این افراد اقدام به حمل کالاهایی می‌کنند که به صورت قاچاق از مرز وارد کشور می‌شوند و دلیل اصلی حمل این کالاها از طریق راه‌های کوهستان غیرقانونی‌بودن آنهاست که آثار مخربی بر اقتصاد کشور دارد. علاوه بر این بند ج ماده ۹ یکی دیگر از شروط لازم برای صحت قرارداد کار را عدم ممنوعیت قانونی و شرعی طرفین در تصرف اموال یا انجام کار مورد نظر می‌داند. یک‌طرف قرارداد کار، کارگر است و طرف دیگر کارفرما. در این قرارداد کارفرما افرادی هستند که اقدام به قاچاق کالا می‌کنند. بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیان می‌دارد: قاچاق کالا و ارز، هر فعل و یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد و در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. بنابراین به موجب این قانون فعالیت این کارفرمایان ممنوعیت قانونی دارد که همین امر منجر به عدم صحت قرارداد کار فی‌مابین آنها می‌شود.

همه این مطالب، بحث راجع به شرایط کار اعم از مزد و ساعات کار و حتی بهره‌مندی آنها از حقوق تامین اجتماعی را زیر سوال می‌برد و حتی می‌توان گفت بحث در مورد آنها سالبه به انتفاع موضوع است؛ چرا که اصلا قرارداد کاری وجود ندارد که کولبران، کارگران آن قرارداد باشند و بتوان مزایا و آثار قانونی قانون کار را به آنها تعمیم داد. پژوهشگرانی که قائل به کارگر بودن کولبران هستند به مساله رعایت اصول ایمنی و استانداردهای موجود در قوانین در محل انجام کار اشاره کرده‌اند. فصل چهارم قانون کار تماما به بحث در مورد حفاظت فنی و بهداشتی کار پرداخته است. اما همه این مواد قانونی تاکید بر رعایت اصول ایمنی و استانداردها در محل کارگاه دارند. در موضوع مورد بحث ما کارگاهی که کولبران در آن مشغول به کار هستند، کجاست؟ و چگونه می‌توان آن را تعریف کرد که حال بخواهیم کارفرمایان را الزام به رعایت این اصول ایمنی و استانداردها نماییم؟ همانگونه که دیدیم که کارگر نامیدن کولبران و بهره‌مندی آنها از مزایا و آثار قانون کار غیرممکن است. چرا که هیچکدام از مواد قانون کار در قبال آنها قابل اجرا نیست و چه بسا تبعاتی را نیز در نظام حقوقی به جا خواهد گذاشت. این دولت و حاکمیت است که باید با اجرای اصول قانون اساسی در جهت رشد و توسعه اقتصادی مناطق مرزی همچون کردستان تلاش نماید که به تبع آن زمینه‌ای برای اشتغال بومیان این منطقه فراهم گردد و دیگر مجبور نگردند به دلیل بیکاری و فقر به کارهای پرخطری همچون کولبری روی آورند.

(آنچه گفته شد، از باب بی‌توجهی به کولبران و زحمتکشان نیست، آنها هم به عنوان شهروندان این کشور باید از امکان دسترسی به شغل و درآمد مناسب و تأمین معیشت برخورد باشند و حاکمیت بر اساس قانون اساسی موظف است در این جهت برای آنان تلاش و برنامه‌ریزی کند. اما همه تلاش‌ها باید چهارچوب قانونی خودش را داشته باشد).



شرایطی که در عقدنامه‌ها درج می‌شود از چه قراری است؟

قسمتی به عنوان «شروط ضمن عقد» در عقدنامه‌های رسمی وجود دارد که در آن مسائل متعددی به عنوان شرط ضمن عقد (یا شرط خارج لازم) ذکر شده است. زوجه می‌تواند همه یا برخی از آنها را به عنوان شرط ضمن عقد خود ذکر کند. در صورت پذیرش اجمالی آنها از طرف مرد، سردفتر موظف است قبل از تعهد و امضای این شروط توسط مرد، تک تک آنها را برای وی قرائت و تفهیم کند. آشنایی با این شروط و الزامات حقوقی آن به انتخاب آگاهانه طرفین کمک کرده و از ایجاد تعهد و انتظارات بیجا در زندگی زناشویی جلوگیری می‌کند.

*شروط ضمن تنظیم سند ازدواج در محضر اسناد رسمی در بند الف شرط انتقال تا نصف دارایی در نظر گرفته شده، که با هدف حمایت از زن مطلقه درج شده است. البته این بند یک نهاد قراردادی است که بر اساس توافق طرفین ایجاد می‌شود. چنانچه شوهر از قبول آن امتناع کند، حقی برای زن بوجود نمی‌آید. لیکن اگر مرد ذیل آنرا امضاء کند، می‌پذیرد که در صورتیکه زن خواهان طلاق نباشد و تقاضای طلاق نیز ناشی از تخلف زن از وظایف زناشویی نباشد، تا نصف دارایی موجود خود را که در دوره ازدواج بدست آورده، بلا عوض به زن انتقال دهد. اما در بند ب شرایط قانونی دوازده گانه ذیل گنجانده شده، که این امکان را به زن می‌دهد در مواردی بوکالت از جانب مرد خود را مطلقه کند.

شرایط دوازده‌گانه شامل چه مواردی می‌شود؟

بند ب- ضمن (عقد نکاح/ خارج لازم) زوج به زوجه وکالت بلا عزل با حق توکیل غیر داد که در موارد مشروحه زیر با رجوع به دادگاه و اخذ مجوز از دادگاه پس از انتخاب نوع طلاق خود را مطلقه کند و نیز به زوجه وکالت بلا عزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول کند. توضیح: این بند بیانگر این مطلب است که زن در صورت تحقق هر یک از شرایط زیر، از ناحیه مرد وکیل است خودش شخصا یا با انتخاب فرد دیگری به عنوان وکیل به دادگاه مراجعه کند و پس از اثبات ادعا درخواست طلاق نماید. این موارد شامل:

۱- استنکاف شوهر از دادن نفقه زن (عدم پرداخت هزینه زندگی و خرجی همسر) به مدت شش ماه به هر عنوان و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه و همچنین در موردی که اجبار شوهر هم ممکن نباشد. ۲- سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل نماید. توضیح: بد رفتاری غیر قابل تحمل مرد با زن و فرزندان. ۳- ابتلا زوج به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای زوجه مخاطره‌آمیز باشد. توضیح: بیماری خطرناک غیر قابل درمان مرد در حدی که سلامت زن را به خطر بیندازد. ۴- جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعا ممکن نباشد. توضیح: دیوانه بودن مرد در زمانی که امکان فسخ نباشد. ۵- عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال زوج به شغلی که طبق نظر دادگاه صالح منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد. توضیح: اشتغال مرد به کاری که به حیثیت و آبروی زن و مصالح خانوادگی او لطمه می‌زند. ۶- محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی در اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعا منتهی به پنج سال بازداشت یا بیشتر شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. توضیح: محکومیت به حبس از پنج سال به بالا (در زندان به‌سر بردن مرد به عنوان محکومیت در حال اجرا از پنج سال به بالا) ۷- ابتلا زوج به هر گونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خللی وارد آورد و ادامه زندگی برای زوجه دشوار باشد.

توضیح: اعتیادی که به اساس زندگی خانوادگی ضرر بزند مانند اعتیادی که منجر به بیکاری مرد، فروش اثاثیه منزل و وارد نمودن ضرر به سلامت جسمی و روحی زن و فرزند گردد. ۸- زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند. تشخیص ترک زندگی خانوادگی (تشخیص عذر موجه با دادگاه است) یا اینکه زوج شش ماه متوالی بدون عذر موجه از نظر دادگاه غیبت نماید. توضیح: ترک بدون علت خانواده یا غیبت یکسره ۶ ماهه بدون دلیل موجه. ۹- محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب به جرم و اجرای هر گونه مجازات اعم از حد و تعزیر بر اثر ارتکاب به جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زن باشد. تشخیص اینکه مجازات مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است با توجه به وضع و موقعیت زن و عرف و موازین دیگر با دادگاه است. توضیح: اجرای هر نوع مجازاتی که آبرو و موقعیت زن را به خطر اندازد. از جمله مواردی که زن می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند، محکومیت قطعی زوج بر اثر ارتکاب به جرم و اجرای هر گونه مجازات اعم از حد و تعزیر در اثر ارتکاب به جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زن باشد. ۱۰- در صورتیکه پس از گذشت پنج سال زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن(بچه‌دار نشدن مرد) و یا عوارض جسمی دیگر صاحب فرزند نشود. ۱۱- در صورتیکه زوج مفقود الاثر (غیبت طولانی شوهر) شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.

۱۲- زوج همسر دائمی دیگری بدون رضایت زوجه (ازدواج مجدد مرد بدون اجازه همسر) اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت نکند.

معاونت فرهنگی قوه قضائیه

رویکرد سیاست تقنینی ایران در جرایم دارویی

بخش دوم

سجاد شهسواری دکتر حقوق جزا و جرم‌شناسی / حمیدرضا مهربخش دکتر حقوق جزا و جرم‌شناسی

مصادیق تقصیر و تخلف داروساز

داروساز در کلیه مواردی که عدول از وظیفه قانونی و قراردادی موجب ورود خسارت به مصرف کننده می‌شود مسئول است. در خسارت ناشی از فرآورده‌های دارویی نیز وقتی تخلف داروساز موجب بروز عیب یا خسارت شود او مسئول است و چنان چه قراردادی در بین باشد می‌توان براساس آن یا براساس مسئولیت قهری، طرح دعوای مطالبه خسارت نمود. لذا عمده مصادیق مسئولیت فروشندگان دارو و متصدیان داروخانه‌ها مبتنی بر تقصیر و تخلف از مقررات و وظایف قانونی بوده که ذیل مواردی از آن احصاء شده است:

الف) تحویل دارو بدون نسخه یا دخل و تصرف در نسخه پزشک

اگر میان تحویل دارو بدون نسخه و یا دخل و تصرف در نسخه پزشک و بروز خسارت، رابطه سببیت برقرار شود داروفروش مسئول است. براساس ماده ۱۸ دارو بایستی در مقابل نسخه پزشک ارائه شود و ارائه آن بدون نسخه پزشک جرم محسوب شده و موجب مجازات است. تبصره این ماده می‌افزاید: «لیست اقلامی که ارائه آن بدون نسخه پزشک مجاز می‌باشد از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌گردد» مستفاد از ماده فوق اگر دارو فروش، دارویی خارج از نسخه پزشک بفروشد آن هم دارویی که جزء اقلام اعلامی فروش بدون نسخه نباشد و خساراتی از این بابت توجه بیمار یا مصرف کننده یا ثالث شود او براساس تخلف و ارتکاب تقصیر فاحش مسئول تلقی می‌شود؛ البته در صورت اثبات این امر که خسارت ایجاد شده ناشی از تخلف از این مقرره قانونی بوده است. مسئولیت نظارت بر فروش دارو و تطابق آن با نسخه پزشک نیز بر عهده مسئول فنی داروخانه گذارده شده و ماده ۱۵ قانون صدرالاشعار در این مقرر می‌دارد:

«عرضه و فروش دارو باید با حضور مسئول فنی انجام گیرد و تخلف از آن جرم محسوب و محل مذکور بلافاصله تعطیل می‌گردد.» هرگونه مسئولیت ناشی از قصور زیردستان غیرمتخصص داروخانه متوجه مسئول فنی می‌باشد و نیز مدیر داروخانه که با علم به فساد دارو به کارگران خود دستور فروش آن را می‌دهد و موجب صدمه بدنی به مریض می‌شود خود شخصاً مسئول است نه شاگرد او که دارو را فروخته است.

ب) دخل و تصرف در تاریخ مصرف فرآورده‌های دارویی

توزیع دارو پس از سپری شدن مهلت مصرف آن، تقصیر تلقی شده و در صورت بروز خسارت توزیع کننده مسئول است زیرا دارویی که تاریخ مصرف آن منقضی شده معیوب تلقی می‌گردد. همچنین براساس تبصره ۲ ماده ۵ قانون اصلاحی پاره‌ای قوانین دادگستری ۱۳۶۷، تبدیل تاریخ مصرف دارو از سوی متصدیان امور دارویی و یا داروخانه‌ها جرم تلقی شده و قابل مجازات می‌باشد. تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون فوق‌الذکر نیز در این رابطه چنین آمده است:

«چنانچه شرکت‌های توزیع کننده، داروهای فاسد یا داروهای با تاریخ مصرف کوتاه یا منقضی شده که مخالف آیین‌نامه مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد، توزیع نمایند یا دارویی را بیش از قیمت رسمی به فروش برسانند با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب شرکت علاوه بر جبران خسارت وارده به جزای نقدی و... محکوم می‌شود.» در تفسیر این ماده گفته شده که از نظر مبنا ممکن است چنین توجیه شود که قانون فرض کرده که توزیع کننده حرفه‌ای از تاریخ مصرف و بهای رسمی دارو اطلاع دارد و نیز محتمل است چنین تعبیر شود که مسئولیت توزیع کننده، محض است و ارتباطی با تقصیر او به مفهوم سنتی ندارد.

احتمال سوم این است که گفته شود فروش چنین دارویی، تقصیر اقتصادی است ولی در هر حال، اثبات جهل توزیع کننده به تاریخ مصرف و بهای رسمی دارو او را از مسئولیت نمی‌رهاند و همین نتیجه طبیعت محض مسئولیت را به ذهن می‌آورد. نکته دیگر قابل استنباط از مفاد حکم این است که توزیع کننده در این مورد همانند تولید کننده کالای معیوب، درباره زیان‌های ناشی از مصرف کالایش مسئول است. لازم به ذکر است که قید اصطلاح شرکت توزیع کننده در این ماده غیرضروری به نظر می‌رسد چرا که هر توزیع کننده‌ای حتی دارو فروش نیز در صورت ارتکاب جرم فوق، مسئول تلقی می‌شود و قید عبارت شرکت نیز شاید ناظر به حالت عمد و غالب این موارد باشد.

مجازات جرایم دارویی در قانون

مجازات حبس

در بعضی از جرایم دارویی در قانون مجازات حبس به صورت موقت پیش‌بینی شده است. علاوه بر جرایم مربوط به اشخاص حقیقی، مجازات حبس در برخی از موارد، برای جرایم انجام شده توسط اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های پخش و تعاونی‌ها نیز پیش‌بینی شده است که با توجه به مسئولیت مدیر عامل در این شرکت‌ها، به تصریح قانون، مجازات حبس در مورد وی اعمال می‌شود.

مجازات مالی

این نوع مجازات بخش عمده مجازات‌های جرایم بهداشتی و دارویی را در قانون به خود اختصاص می‌دهد. به طور کلی در غالب مواردی که مرتکب جرم با انگیزه سودجویانه و به هدف سوء استفاده از افراد اقدام به انجام بزه می‌نماید مجازات جزای نقدی پیش‌بینی شده است. و نیز در غالب مواردی که جرم مربوط به تهیه، تولید یا توزیع و نگهداری کالای فاسد، تاریخ مصرف گذشته، غیربهداشتی، تقلبی یا غیرمجاز است مجازات ضبط و مصادره مال مقرر شده است.

مجازات شرکت در جرایم دارویی

علاوه بر کسانی که به طور مستقیم مرتکب جرم می‌شوند افراد دیگری نیز در انجام عمل مجرمانه دخالت دارند که براساس قوانین جزایی مورد تعقیب و مجازات قرار می‌گیرند این افراد ممکن است در انجام عمل مجرمانه با مباشر، مشارکت داشته باشند و یا به نحوی از انحاء وی را در انجام جرم، معاونت و یاری بدهند. به موجب ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی «هرکس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. تبصره اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.»

نتیجه‌گیری

امروزه در همه کشورها اهمیت پرداختن به جرایم دارویی روشن شده و هر کشوری به تناسب توان، بودجه و پیشرفت علم و صنعت خود در صدد پیشرفت در امور بهداشت و درمان است. پیشرفت امور بهداشتی و درمانی تا حدود زیادی به حمایت حقوقی و قانونی نیز بستگی دارد زیرا هرچه امور بهداشتی و درمانی پیشرفت کند بازهم افرادی هستند که از مقررات بهداشتی، درمانی و دارویی تخلف نمایند. بنابراین پیشرفت قوانین و مقررات درمانی و دارویی همواره باید پا به پای پیشرفت این امور صورت گیرد و در هر زمان با توجه به پیشرفت‌های روز تدابیر مفید و کارساز اتخاذ شود. علاوه بر لزوم تصویب قانون واحد که مهم‌ترین جرایم درمانی و دارویی را دربرمی‌گیرد لازم است تجدیدنظری نیز در مورد مراجع صالح صورت گیرد. راه حل اساسی و منطقی آن است که در ضمن تصویب قانون یا قوانین جدید و کامل برای جرایم درمانی و دارویی با حذف صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب از این جرایم، رسیدگی به تمام این جرایم در صلاحیت شعبه ویژه دادگاه‌های عمومی قرارگیرد.

براساس اصول قانون اساسی رسیدگی به جرم و اجرای مجازات باید در دادگاه صالح صورت گیرد و اعمال قوه قضاییه از طریق دادگاه‌های دادگستری است جرایم دارویی که دارای ماهیت کاملاً جزایی و کیفری هستند نیز باید در دادگاه‌های کیفری عمومی مورد رسیدگی قرارگیرد. برطبق نتایج بدست آمده صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم در حوزه دارو، دادگاه انقلاب است و این دادگاه به موضوع رسیدگی و حکم صادر می‌کند. در صورتی که جرم واقع نشده باشد ولی مدیرعامل موسسه یا مسئول فنی داروخانه مرتکب تخلف شده باشد، باید به دادسرای نظام پزشکی که مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی است مراجعه کنند. رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران در مقابله با جرایم دارویی، یک رویکرد کیفرمحور، سزادهنده و فاقد نگرش اصلاحی و پیش‌گیرانه است. مبنای مسئولیت کیفری در قوانین ایران شفاف نبوده و ضمن تعارض بین مواد قانونی، نگرش قانون‌گذار کیفری قائل به توسعه دایره شمول مسئولیت کیفری داروساز می‌باشد. سیاست جنایی ایران نیز به جای این که با نظرات خود در صدد رفع معایب موجود در سیاست جنایی تقنینی گردد، بیشتر با تساهل، ملاطفت درصدد خنثی‌سازی اهداف مستتر در سیاست جنایی تقنینی می‌باشد.

شکست عربستان در سوریه و ضرورت تغییر رویکرد ریاض

شکست‌های عربستان در درگیری‌های منطقه‌ای به ویژه در سوریه و یمن سبب شده‌اند که ریاض جایگاه منطقه‌ای خود را از دست بدهد. این کشور اکنون با درک واقعیت‌هـــای موجود در صدد برقراری مجدد روابط با سوریه است تا شاید بتواند جایگاه خود را بازیابد و به انزوای خود ساخته سیاسی و دیپلماسی پایان دهد.به گزارش ایرنا،«بشـــار جعفری» نماینده ســـوریه در سازمان ملل متحد در نخستین روزهای بهمن ماه از سوی دفتر نمایندگی عربستان سعودی در این سازمان به مراسم رسمی دعوت شد و او در این مراسم شرکت کرد. در این مراسم مقامات سعودی به دیپلمات سوری گفته‌اند باید بر آنچه در روابط دمشق و ریاض وجود داشته، چشم پوشید و لازم است تا روابط برادرانه میان دو کشور برقرار شود.این موضوع گمانه‌زنی‌هایی را درباره عادی‌سازی روابط دو کشور و چرایی این موضوع شکل داده است.

موقعیت ژئوپلیتیک سوریه به گونه‌ای است که جایگاهی راهبردی به این کشور در منطقه خاورمیانه بخشیده است. عربســـتان با آغاز بحران در سوریه منافعـــی را برای خود دنبال می‌کرد که جلوگیری از گسترش قلمروی ژئوپلیتیکی محور مقاومت به رهبری ایران در منطقه را می‌توان در راستای اهداف و منافع حاکمان این کشـــور دانست. عربستان طی سال‌های گذشـــته در راستای حمایت از منافع خود و لطمه زدن به جایگاه نظام سوریه و همپیمانان آن حمایت از معارضان مسلح سوری را در دستور کار قرار داد و بـــرای بالا بردن توان بازیگری خود در معادلات منطقه از خط‌مشی کنار گذاشتن «بشار اسد» از قدرت حمایت کرد.سعودی‌ها برای دور کردن سوریه از محور مقاومت در همه زمینه‌ها علیه نظام سوریه فعال بودند. حمایت دیپلماتیک، تســـلیحاتی و مالی از گروه‌های مخالف دولت ســـوریه، سنگ‌اندازی در مسیر ابتکار عمل‌های سیاسی برای برقراری صلح و پافشاری بر راهکارهای نظامی از جمله اقدامات ریاض در سال‌های گذشته بوده است. اما با پیروزی‌های اخیر سوریه و همپیمانان آن در میدان‌های نبرد و چشم انداز پایدار بقای اسد در ساختار سیاسی سوریه در آینده، عربستان سیگنال‌های مثبتی را برای برقراری روابط با این کشور ارسال می‌کند. شکست سیاست‌های منطقه‌ای عربستان، ضرورت انجام تغییراتی برای بهبود رویه اشتباهات را پیش روی مقام‌های عربستان قرار داده است.

تارنمای «العهد» لبنان به نقل از «اســـامه دنوره» کارشناس مسائل راهبردی سوریه نوشت، دعوت از بشار الجعفری نماینده سوریه برای حضور در مراسم سعودی‌ها و اظهارات مقام‌های عربستان درباره روابط با ســـوریه و ابتکار عمل‌های دیپلماسی و اظهارات مقام‌های برخی کشورهای عربی نشانگر آن است که بســـیاری از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به این نتیجه رســـیده‌اند شکست دشمنان سوریه قطعی شـــده است و اکنون باید با توجه به این واقعیت با برخی از مســـائل منطقه و کشورهای عربی برخورد کنند. تلاش برای از سرگیری روابط سوریه و بازگشت تدریجی کشورهای عربی به سوریه نشان می‌دهد که دشمنان بشار اسد به این نتیجه رسیده‌اند که تلاش‌ها برای خارج کردن سوریه از نقش ژئوپلتیک خود با شکست روبرو شده است. در واقع، همگان باید بدانند که دمشق به گزینه‌های مقاومت و آزاد سازی نهایی فلسطین پایبند است و باید با توجه به این رویکرد با سوریه تعامل کنند.به نوشته روزنامه «عربی ۲۱» مصر، «کمال ذبیان» تحلیلگر مسائل سیاسی نیز درباره علت بازنگری عربســـتان در محاسبات خود درباره سوریه گفت: بخشـــی از اختلاف عربستان با نظام سوریه مربوط به روابط نظام سوریه و ایران و خط مقاومت است. عربستان تلاش می‌کند نقش چتری حمایتی از کشـــورهای عربی را بازی کند، اما این کشور هرگز نتوانسته است در روابط سیاسی و نظامی ایران و سوریه شـــکافی ایجاد کند. اکنون در شرایطی که گروه‌های مســـلح در سوریه شکست خورده‌اند و نظام سوریه توانسته است سرزمین‌های سوریه را به کنترل خود درآورد و برخی از کشـــورهای عربی سفارتخانه‌های خود را در این کشور باز کرده‌اند، عربستان در حال بازنگری در روابط خود با نظام سوریه است. «قاسم قیصر» نویسنده لبنانی به روزنامه عربی ۲۱مصر گفت، شرایط به علت تحولاتی که اخیرا در منطقه و داخل عربســـتان رقم خورده، تغییر کرده است. عربستان به دنبـــال راه‌حلی برای حل بحران‌های خود در یمن و روابط با ایران است. سیاست خارجی عربستان درباره قطر، یمن و ایران به بن بست رسیده است و اکنون ریاض به دنبال راهی برای رهایی از تنگنا اســـت. هنوز زود است که از بازگشت روابط میان سوریه و عربستان سخن به میان آورد، اما این تحولات نشان می‌دهد که عربستان به این موضوع پی‌برده است که سیاست‌های گذشته آن شکست خورده است و اکنون به دنبال پایه‌ریزی سیاســـت جدیدی است.در همین پیوند، تارنمای «کتابات» عراق در گزارشی آورده است: رهبران عربســـتان به این نتیجه رسیده‌اند با برقراری روابط عربستان با سوریه، دمشق می‌تواند برای پایان دادن به تنش میان ریاض و تهران وارد عمل شـــود و افق تازه‌ای برای پایان دادن به جنگ یمن گشوده شود. زیرا ادامه جنگ یمن مانع بزرگی در برابر طرح چشم انداز ۲۰۳۰محمد بن سلمان است.

اهداف عربســـتان برای ازســـرگیری روابط با سوریه

با آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، عربستان و ترکیه با هماهنگی در طیف‌های متنوعی از اقدامات ضدسوری به صف آرایی علیه نظام سوریه پرداختند. امـــا در ادامه اختلافات ایدئولوژیک و ژئوپلتیک دو کشور درباره بحران سوریه، نقش‌آفرینی عربستان و متحـــدان آن در کودتای نافرجام ترکیه، قتل «جمال خاشقچی» روزنامه نگار منتقد سعودی در کنسولگری عربستان در آنکارا به دست شماری از افراد وابسته به محمد بن سلمان ولیعهد آن کشور، قطع روابط عربستان و متحدانش با قطر و حمایت ترکیه از قطر بار دیگر آتش رقابت میان آنکارا و ریاض را شـــعله‌ور کرد. در لیبی هم این دو کشور سیاست متضادی را دنبال می‌کنند. ترکیه از حامیان اصلی سازوکارهای قانونی دولت وفاق ملی به رهبری «فائز الســـراج» است. اما عربستان و متحدان آن حمایت از ژنرال «خلیفه حفتر» را در دســـتور کار قرار داده‌اند. این حمایت در واقع ریشه در رویکرد ضد اخوانی سعودی‌ها دارد.

«کمال جفا» کارشناس مسائل راهبردی سوری درباره تلاش عربستان برای برقراری روابط با سوریه در اظهاراتی که در تارنمای «کتابات» عراق منتشـــر شد،گفت: این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که منطقه به مرحله حساســـی از تنش‌ها و درگیری‌ها رسیده است. پس از به هم خوردن اوضاع در لیبی و دخالت ترکیه در این کشور و همچنین تهدید جایگاه منطقه‌ای عربستان، ریاض بار دیگر برای فعال‌سازی نقش منطقه‌ای خود وارد عمل شـــده اســـت و این بار عربستان می‌خواهد از سوریه به عنوان پلی برای گســـترش نفوذ خود در منطقه استفاده کند.روزنامه «البناء» نیز نوشت: در هرگونه اظهارنظری درباره منافع مشترک سوریه و عربستان نخستین چیزی که به ذهن می‌رسد تحرک ترکیه از سوریه تا لیبی است. ورود نیروهای ترکیه به لیبی باعث شد که عربستان آن را تهدیدی برای همپیمان خود، «خلیفه حفتر» بداند. ترکیه اکنون نیروهایی را که پیش از این در جنگ علیه نظام سوریه از حمایت عربستان هم برخوردار بودند راهی لیبی کرده است و این موضوع سبب شده است که عربستان آن را تهدیدی برای جایگاه خود در رهبری جهان اسلام بداند. از این رو، عربستان احساس می‌کند که اگر در روابط خود با سوریه بازنگری کند، بهتر می‌تواند در برابر طرح ترکیه در منطقه ایستادگی کند. همچین عربســـتان از این طریق می‌خواهد در برابر ائتلاف ترکیه و قطر ایستادگی کند.به نوشته روزنامه «رای الیوم»، دور از ذهن نیســـت که نظام حاکم بر عربســـتان می‌خواهد با برقراری روابط با سوریه به انزوای دیپلماسی و سیاسی خود پایان دهد.

جنگ سوریه و چشم انداز نظام چند قطبی

بحران سوریه نشان داد که جهان تحت رهبری آمریکا در واقع ادعایی گزاف اســـت. با شکســـت تروریست‌ها در سوریه و رقم خوردن معادلات منطقه بر خلاف خواست واشنگتن پیش‌بینی می‌شود در آینده نظام بین‌الملل چندقطبی شکل گیرد.جنگ در سوریه با سرعت به نفع نظام این کشور و متحدان آن پیش می‌رود. روند آزادسازی سوریه از اشغال تروریست‌ها در مراحـــل پایانی قرار داد. تحولات میدان‌های نبرد سوریه نشان می‌دهد که گروه‌های تروریستی به ویژه گروه داعش روزهای پایانی خود را در این کشـــور ســـپری می‌کنند. بحران سوریه از آغاز تاکنون نشان داده که ادعای رهبری جهان از سوی آمریکا گزاف و بیهوده است و واشنگتن در قبال این بحران نتوانست دســـت به اقدامات موثر و مقبول بین‌المللی بزند .به نظر می‌رسد تعیین تکلیف آینده سوریه در واقع روند تحولات آتی خاورمیانه را مشخص خواهد کرد. شاید بتوان گفت همانطور که تعیین تکلیف شـــهر برلین آینده نظام دوقطبی را در دوران جنگ سرد مشخص کرد، اکنون تعیین تکلیف سوریه و قدرت در دمشق تکلیف نظام چند قطبی آینده را مشخص خواهد کرد. همه خود را برای نظام جهانی جدید آماده می‌کنند. نظام جهانی که بنا به گفته «سرگئی لاوروف» دیپلمات روسی چند قطبی خواهد بود و در نتیجه واقعیت‌های عرصه بین‌الملل و روابط میان کشورها شکل خواهد گرفت.این موضوع به طور گسترده‌تر در عقب نشینی نیروهای آمریکا از شـــمال سوریه دیده شد. آثار این عقب‌نشینی بر چهره همپیمانان آمریکا در منطقه به ویژه عربســـتان و رژیم صهیونیستی دیده شد و در نتیجه آنها دچار سردرگمی و ناامیدی شدند. آمریکا از این منطقه عقب نشـــینی نکرد بلکه در میدان‌های نبرد شکســـت خورد و قدرت هیچ گونه اقدامی را ندارد.به نوشته روزنامه «الشروق» مصر، نشانه‌های افول نفوذ کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا، انگلیس و فرانسه بسیار است. آنها از نقش‌آفرینی برای حل بحران‌هایی که در سوریه، یمن، لیبی و سرزمین‌های فلسطین در جریان است، ناتوان هستند. حتی هنگامی که این کشورها تلاش می‌کنند در یکی از بحران‌های منطقه خاورمیانه نقش آفرین باشند، نمی‌توانند دیدگاه آشکاری برای حل این بحران ارائه دهند. از بین رفتن نفوذ غربی‌ها در منطقه تصادفی نبوده بلکه شماری از تحولات در این زمینه نقش داشته است.اکنون تنش‌های منطقه و پیامدهای ناشی از آن کشورهای غربی را به طور مستقیم تهدید می‌کند و سبب نگرانی آنها شده است. شکست تروریست‌ها در منطقه سبب شده است که این تروریست‌ها با خروج از منطقه و بازگشت به کشـــورهای غربی به منشأ خطری برای این کشورها تبدیل شـــوند. در برابر افول نفوذ و نقش کشورهای غربی در منطقه اکنون نقش و نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی روســـیه در منطقه افزایش یافته است. این کشور در حل بسیاری از بحران‌های جاری در منطقه خاورمیانه به بازیگر اصلی تبدیل شـــده است و با بسیاری از کشورهای منطقه دارای روابط مستحکمی اســـت. روسیه در شکل دهی به آینده سوریه نقش اساســـی دارد. ناوگان این کشور در دریای مدیترانه حضور دارد. بازگشـــت روسیه به عنوان یک کنشگر فعال به منطقه خاورمیانه تنها به دلیل ائتلاف نظامی با کشورهای منطقه نیست. بلکه این کشور با کشورهای منطقه دارای روابطی متنوع و انعطاف پذیر است. این کشـــور با ایران و ترکیه درباره حل بحران سوریه و آینده این کشور رایزنی می‌کند. روسیه به عنوان یک صادر کننده ســـلاح به کشورهای خاورمیانه با ایران، مصر، ترکیه و دیگر کشـــورهای منطقه دارای روابط مستحکمی است. همکاری روسیه با ترکیه در منطقه ســـبب شده است که ترکیه به عنوان یک عضو ناتو دیگر زیر بار فشـــارهای آمریکا نرود. در واقع آغاز شکل‌گیری نظم جهانی جدید هنگامی بود که روسیه و چین در شورای امنیت با همکاری مانع از تصویب هرگونه قطعنامه برای حمله نظامی به سوریه شدند. این همکاری دوجانبه همه طرح‌های غربی‌ها در سوریه را با شکست روبرو کرد. جنگ تروریستی علیه سوریه و دخالت نظامی روسیه در این جنگ برای حمایت از نظام سوریه نقطه عطفی در روند شکل گیری نظام بین‌المللی چند قطبی بود. هدف آمریکا از سنگ اندازی در مسیر حل بحران سوریه و ادامه جنگ جلوگیری از شکل گیری نظام جهانی جدیدی است که روسیه و چین و همپیمانان آنها در آن نقش آفرین خواهند بود. می توان گفت شاخص‌های حل بحران سوریه و محتوای آن نه تنها برای آینده سوریه بلکه برای آینده منطقه و جهان مهم است.



ایران، روسیه و چین در برابر یکه تازی آمریکا

شکســـت آمریکا و همپیمانانش در سوریه در شـــرایطی رقم می‌خورد که در سوی دیگر دشمنان آمریکا دارای قدرت و اعتماد به نفس بالایی هستند. آنها پی‌برده‌اند که قدرت بازدارندگی آمریکا در منطقه از بین رفته است و عظمت و شکوه قدرت بازدارندگی آمریکا به ویژه پس از سرنگونی پهپاد این کشور در منطقه خلیج فارس و حمله ایران به پایگاه «عین‌الاسد» و حمله نیروهای یمن به تاسیســـات نفتی وابسته به شـــرکت آرامکو و شکســـت رادارها و سامانه‌های موشکی آمریکا برای مقابله با این حمله‌ها از بین رفته است. این تحولات در شرایطی رقم می‌خورد که ایران با اعتماد به نفس بالای خود مسیر و خطوط کلی آینده و چگونی رسیدن به آرمان‌های خود را ترسیم می‌کند. این کشور در شرایط تحریم‌ها هم در حال قدرت‌یابی است. چین و روسیه نیز در حال پیشرفت و نفوذ در اروپا، آفریقا، آسیا و خاورمیانه هستند.

تارنمای شبکه «المیادین» لبنان نوشت: همه اتفاق نظر دارند که جنگ علیه ســـوریه اوضاع منطقه‌ای و بین‌المللی را تغییر داده اســـت. در نتیجه این جنگ خط مقاومت که در مبارزه با تروریسم نقش اساسی را داشت وارد مرحله تازه‌ای شده است. ائتلاف میان کشـــورهای عضو سازمان‌های بریکس و شانگهای به رهبری کشـــورهای چین و روســـیه وارد مرحله سرنوشت سازی شـــد و گام‌های سرنوشت‌سازی در برابر یکه تازی‌های غرب برداشـــته است.اقدام تروریستی آمریکا در به شهادت رساندن سپهبد «قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «ابومهدی المهندس» نائب رئیس سازمان حشد الشعبی عراق به گونه‌ای دیگر جهانیان را متحد کرد. تردیدی نیست که عکس‌العمل انتقامی ایران در حمله موشـــکی به پایگاه «عین الاسد» در عراق هم موضوع بسیار مهمی است. زیرا این نخستین بار بود که یک کشـــور توانست پایگاه آمریکا را هدف قرار دهد و غرور این کشـــور را بشـــکند .در نتیجه این حمله، کشـــورهایی که معتقد بودند آمریکا می‌تواند در هرگونه خطر سرنوشـــت ســـاز از آنها دفاع کند بار دیگر در رویکردهای خود بازنگری و محاسبات منطقه‌ای و بین‌المللی خود را متناســـب با واقعیت‌ها پی‌ریزی خواهند کرد. عکس‌العمل کشورهای اروپایی، آفریقایی و آســـیایی درباره این رویداد تروریستی و برگزاری مراسم بزرگداشت سپهبد قاسم سلیمانی در این کشورها و موضع‌گیری این کشورها درباره این حادثه تروریستی نشان داد که این رویداد نقطه عطفی در پیدایش دوره تازه‌ای اســـت.تصمیم پارلمان عراق برای خروج نیروهای آمریکا از عراق و درخواســـت عـــراق از چین بـــرای کمک نظامی و تامین جنگ افزارهـــای برای حفظ امنیت عراق و همچنین مانور مشـــترک ایران، روسیه و چین در اقیانوس هند که چند روز پیش از ترور ســـپهبد سلیمانی برگزار شد نشـــان داد که این قدرت‌ها در برابر یکه‌تازی آمریکا با هم متحد شده‌اند.

در این حال،یک روزنامه سعودی در یادداشتی به نقل از منابع دیپلماتیک غربی به بررسی ۱۰ گام پیشـــنهادی واشنگتن برای مقابله با ایران در منطقه پس از ترور فرمانده نیروی قدس ســـپاه پرداخت. به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال تقویت حضور نظامی در دو طرف مرزهای سوریه – عراق است و تاکنون گزارش‌های متعددی درباره تحرکات واشنگتن در راستای این سیاست منتشر شده است. روزنامه سعودی «الشرق الاوسط» چاپ لندن نوشت: دولت ترامپ به منظور حفظ قدرت خود در امکان مقابله با ایران و بستن راه بر روسیه در شرق «فرات» بـــه دنبال تقویت حضـــور نظامی‌اش در دو طرف مرزهای مشترک سوریه – عراق است. این در حالی اســـت که از یک سو در داخل عراق، درخواست‌ها برای عقب‌نشینی آمریکا از خاک این کشور، افزایش یافته است و از سوی دیگر، روسیه به منظور تقویت حضور نظامی‌اش در شرق فرات، فشار می‌آورد.

بر اســـاس این گزارش، موضوع حضور نظامی آمریکا در عراق، بند اصلی گفتگوهای جداگانه ترامپ در داووس با «برهم صالح» رئیس‌جمهور و «نیچروان بارزانی» رئیس منطقه کردستان بود. همین امر نیز تباین میان تاکید کاخ سفید بر تداوم مشارکت اقتصادی و امنیتی با عراق و همکاری با کردستان عراق در جنگ با داعش و اظهارات صالح درباره حاکمیت عراق را روشن کرد.این روزنامه به نقل از مقامات مسئول غربی از ده پیشـــنهاد فرارو برای مقابله با مطالبات مقامات سیاسی عراق درباره حضور آمریکا و حفظ ابزارها برای مقابله با ایران، خبر داد که در ادامه ذکر می‌شود.

۱– تاکید بر اینکه، هرگونه گفتگو درباره حضور نظامی آمریکا در عراق باید موضوعات گسترده‌تری از بخش نظامی شامل شود. «جیمز جفری» فرستاده آمریکا در ائتلاف بین‌المللی ضد داعش نیز در همین راســـتا دو روز پیش، گفت: مسئولان عراقی باید به روابط دوجانبه‌ای که فراتر از مســـئله حضور آمریکا است، بیاندیشند.

۲– ترغیب ناتو برای ایفای نقش بیشتر در روند مبارزه با داعش در صورت توافق واشنگتن با بغداد درباره بازاستقرار نیروهایش در عراق و مشغول شدن نیروهای آمریکایی به ضرورت دفاع از خود پس از تشدید فشارها و تهدیدها به ویژه در ماه‌های اخیر و پس از ترور [سپهبد] «قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه. این مسئله قرار است در نشست چهارشنبه آتی مقامات ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در دانمارک بررسی شود.

۳– رایزنی با ریاســـت منطقه کردستان درباره تقویت حضور آمریکا چه از نظر شمار نیروها و چه از نظر شمار پایگاه‌های نظامی. منابع اطلاعاتی، دیروز اعلام کردند که پیشنهادهایی درباره ایجاد پایگاه‌های نظامـــی در نزدیکی «ســـلیمانیه»، جنوب «اربیل» و نزدیک «حلبچه» وجود دارد. این پیشنهادات همچنین شامل افزایش شمار نیروهای آمریکایی از ۵۰۰ نفر به ۲ هزار نفر در کنار ۵ هزار نیروی نظامی حاضر در عراق است.

۴– تکمیل حضور نظامی آمریکا در غرب عراق و شرق سوریه. اغلب نیروهای نظامی آمریکایی پس از عقب‌نشـــینی از شرق فرات در آغاز سال جاری، در کردســـتان عراق اقامت یافته‌اند و به طوری که شـــمار نیروهای آمریکایی از هزار نیرو به ۵۰۰ نیرو در نزدیکی میدان‌های نفتی در شـــرق فرات کاهش یافته است.

۵– حفظ پایگاه «التنف» در گوشـــه مرزی بین سوریه–عراق– اردن با حضور ۱۵۰ نظامی آمریکایی و اســـتقرار چندین موشـــک‌انداز در کنار پشتیبانی هوایی به منظور قطع کردن مســـیر تهران – بغداد – دمشق – بیروت.

۶– باقـــی ماندن در حضـــور هوایی ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در آسمان شمال شرق سوریه و باقی ماندن همپیمانان اصلی یعنی بریتانیا و فرانسه در عرصه جنـــگ با داعش و حمایت از نیروهای دموکرات سوریه .

۷– جلوگیری از پیشروی نیروهای سوریه و ایران به سوی پایگاه التنف و پایبندی به قواعد درگیری.

۸– دور کردن نیروهای روسیه از نوار ممتد از «فیش‌خابور» در گوشـــه سوریه – عراق و ترکیه تا شمال «البوکمال» در رود فرات. این امر طی روزهای اخیر بارها اتفاق افتاده و گشتی‌های آمریکایی، مانع حرکت نیروهای روسیه به سوی فیش‌خابور که دروازه شرقی فرات به سوی منطقه کردستان عراق به شمار می‌رود، شده‌اند.

۹– پایبندی به توافق «منع درگیری» میان روسیه و آمریکا در آسمان شمال شرق سوریه به ویژه پس از تقویت سامانه پدافند هوایی روسیه در «القامشلی» .

۱۰– تداوم حملات مشـــکوک به پایگاه‌های ایرانـــی در «البوکمال»؛ جایی کـــه تهران با ایجاد زیرساخت در آن، می‌خواست تا آن جایگزین مسیر تهران – بغداد – دمشق – بیرون شود.الشرق الاوسط در ادامه می‌نویسد: یک هیأت آمریکایی طی روزهای آتی، طی سفرهایی دوره‌ای به لندن و بروکسل سفر خواهـــد کرد تا با مقامات مســـئول اروپایی درباره تحمیـــل تحریم‌های اقتصادی و توافق و هماهنگی درباره گام‌های موجود در عراق و ســـوریه و اعمال فشار بر روسیه و مقابله با نفوذ تهران پس از ترور سپهبد سلیمانی رایزنی کند.

برگزاری مراسم تشیع و تدفین پیکر حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی در یزد



یـــزد – خبرنگار اطلاعات:پیکر حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد دعایی از علمای بنام یزد بر دوش مردم مومن و قدرشناس این شهر تشییع و در امامزاده جعفر(ع) به خاک سپرده شد.

مراسم تشییع پیکر این عالم ربانی پس از اقامه نماز توسط آیت الله محمد رضا ناصری نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد در مسجد حظیره، با حضور پرشور مردم انقلابی یزد به سمت امام زاده جعفر(ع) برگزار شد و در این مکان مقدس هم نماز توسط آیت سید جواد ایت اللهی امام جمعه موقت یزد بر پیکر آن مرحوم اقامه شد. پیکر این عالم ربانی پس از ذکر مصیبت اباعبد الله حسین(ع)، در جایگاه ابدیش در این امامزاده به خاک سپرده شد.

گفتنی است روز یکشنبه هم مراسم اقامه نماز بر پیکر حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد دعایی در شهرستان زارچ برگزار شد.

برگزاری مراسم بزرگداشت

همچنین مراسم بزرگداشت آن عالم با حضور دوستدارانش در مسجد اعظم امامزاده جعفر (ع) برگزار شد . در این مراسم باشکوه چهار نفر ازسخنرانان برجسته یزد در مورد خصوصیات و فضایل اخلاقی آن مرحوم سخنانی ایراد کردند.

آیت الله سید جواد آیت الهی امام جمعه موقت یزد در این مراسم در سخنانی از مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید احمد دعایی به عنوان دلسوز و غمخوار مردم یاد کرد و گفت: ایشان نزدیک به ۷۰سال از عمر شریف خود را به نوکری ابا عبدالله الحسین(ع) پرداخت و افتخار خادمی افتخاری حضرت علی بن موسی الرضا(ع) را در کارنامه خود داشت.

وی ادامه داد: آن مرحوم سفرهای زیادی به شهرهای مختلف ایران و حتی کشورهایی ازجمله کویت،امارات،عمان، هندوستان،عراق،سوریه و انگلستان داشت و امور شرعی و دینی را به مردم آموزش می داد.

آیت الهی از دلسوزی ، مردمداری و مشارکت در کار خیر به عنوان ویژگی های اخلاقی این روحانی جلیل القدر یاد و تاکید کرد: برنامه های عبادی ایشان واقعا کم نظیر و چشمگیر بود.

مراسم بزرگداشت دیگری ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه فردا از طرف آیت الله ناصری نماینده ولی فقیه، آیت الله وافی نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان و طالبی استاندار یزد در مسجد حظیره برگزار می‌شود.

پیام جهانگیری

معاون اول رئیس جمهوری هم ارتحال حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

در پیام تسلیت اسحاق جهانگیری خطاب به سید محمود دعایی آمده است: رحلت برادر ارجمندتان، عالم پارسا و متقی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد دعائی موجب تأسف و تأثر شد؛ ضایعه فقدان آن روحانی وارسته و مردمی که عمر با برکت خود را با حسن خلق و مردمداری در راه ترویج آموزه‌های دین مبین اسلام، مذهب تشیع و مکتب انسان ساز اهل بیت عصمت و طهارت(ع) صرف کرد را به مردم متدین و انقلابی یزد، علاقه‌مندان، فرزندان و خانواده محترم ایشان و به ویژه به جنابعالی صمیمانه تسلیت می گویم.

معاون اول رئیس جمهوری همچنین از خداوند متعال برای آن فقید سعید رحمت واسعه الهی و علو درجات و برای بازماندگان معزا صبر و اجر مسألت کرد.

پیام تسلیت یادگار گرامی امام

یادگار گرامی امام در پیامی، ارتحال حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

در پیام آیت الله سید حسن خمینی آمده است: مصیبت وارده درگذشت برادر گرامی تان جناب حجت الاسلام و المسلمین سید احمد دعایی طاب ثراه را خدمت جنابعالی و همه بازماندگان ایشان تسلیت عرض می کنم و از خدای متعال علو درجات آن مرحوم و طول عمر مقرون با صحت و عافیت حضرتعالی را مسألت دارم.

پیام تسلیت مدیر حوزه های علمیه

مدیر حوزه های علمیه هم در پیامی ارتحال حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

متن پیام آیت الله علی رضا اعرافی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

ارتحال روحانی خدوم و واعظ پارسا مرحوم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد دعائی طاب ثراه مایه تأثر و اندوه شد، فقدان این روحانی گرانمایه و رونق بخش منبر و محراب را به عموم مردم شریف و روحانیت معزز و حوزه علمیه یزد و به همه دوستان و علاقمندان و بازماندگان محترم و اخوان ارجمند و آقازادگان گرامی تسلیت عرض می کنم و علو درجات آن شادروان و صبر و شکیبایی و پاداش نیک الهی را برای بازماندگان محترم از خداوند منان خواهانم.

عاش سعیدا و مات سعیدا

علی رضا اعرافی – مدیر حوزه های علمیه

پیام آیت الله دکتر محقق داماد

همچنین آیت الله دکتر محقق داماد در پیامی، فقدان حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

متن پیام به این شرح است:

حضرت حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید محمود دعایی دام عزه العالی

رحلت برادربزرگوارتان روحانی متخلق ومربی اخلاق اسلامی مرحوم حجه الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی را به جنابعالی وسایر بستگان از آن بیت شریف تسلیت وتعزیت عرض می کنم. برای جنابعالی عزت مستدام وتوفیق مدام وبرای آن مرحوم رضوان واسعه حق متعال را از درگاه احدیت مسألت دارم.

سید مصطفی محقق داماد

پیام تسلیت نماینده حضرت آیت الله العظمی فیاض

محمدرضااشرفی نماینده حضرت آیت الله العظمی فیاض با صدور پیامی، ارتحال حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

متن پیام به این شرح است:

بسمه تعالی

جناب مستطاب حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمود دعائی دامت برکاته و بقائه

با احترام و تأثر فراوان

ارتحال اخوی گرامی عالم فرهیخته و مُتقّی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعائی رضوان‌الله علیه که عمر با برکت خویش را در خدمت به مؤمنین و ترویج معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت علیه‌السلام سپری نمود را به حضرتعالی و تمامی اعّزه آن بیت سیادت و تقوی خاصّه آقازادگان و سایر وابستگان محترم تسلیت عرض نموده از خداوند سبحان رحمت و مجالست با اجداد طاهرینش را برای آن فقید سعید و بقاء قرین سلامت و عزّت را برای تمامی صاحبان عزاء همراه اجر جزیل مسئلت دارم.

ولاحول ولا قوه الا بالله العّلی العظیم

الاحقر: محمدرضا اشرفی

تهران= ۱۶ ج الثانی ۱۴۴۱

پیام تسلیت رزم حسینی

استاندار خراسان رضوی هم در پیامی، درگذشت عالم بزرگوار حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

متن پیام مهندس علیرضا رزم حسینی به این شرح است:

برادرارجمندجناب حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی

با نهایت تأسف و تأثر ضایعه رحلت اخوی ارجمندتان، عالم بزرگوار و اهل فضل حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی که عمر شریف‌شان را صرف شریعت محمدی (ص) و ترویج اخلاق اسلامی کردند به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و مغفرت الهی و برای عموم بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

همچنین دکتر سیاوش صحت دبیر کل علمی جامعه جراحان ایران و دکتر ایرج فاضل رئیس جامعه جراحان ارتحال حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفتند.

متن پیام رئیس جامعه جراحان به این شرح است: با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.

جامعه جراحان ایران

دکتر کاظم موسوی بجنوردی رئیس مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی هم به همین مناسبت پیام تسلیتی صادر کرد.

در متن پیام آمده است: با عرض سلام،درگذشت شادروان برادر شما موجب تأثر و تألم اینجانب گردید.ضمن عرض تسلیت از خداوند متعال برای آن مرحوم جنت مکان علو درجات و برای همه بازماندگان اجر و شکیبایی مسألت دارم.

کاظم موسوی بجنوردی

بنا به این گزارش حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی تولیت آستان قدس رضوی هم در پیامی،ارتحال عالم جلیل القدرحجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

پیام تسلیت رئیس جمهوری

رئیس‌جمهوری در پیامی، با تسلیت درگذشت اخوی سیدمحمود دعایی، از درگاه احدیت برای آن فقید سعید رحمت واسعه و همجواری با صالحان و برای عموم بازماندگان صبر و اجر مسألت کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، متن پیام تسلیت حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی به این شرح است:

اناالله و انا الیه راجعون

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمود دعایی

ضایعه درگذشت اخوی بزرگوارتان زنده یاد حجت الاسلام و المسلمین سید احمد دعایی، موجب تأثر خاطر شد. اینجانب، مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم آن مرحوم تسلیت می گویم و از درگاه احدیت برای آن فقید سعید که عمری را در ارادت به خاندان عصمت و طهارت(ع) سپری کرد، رحمت واسعه و همجواری با صالحان، برای عموم بازماندگان صبر و اجر و برای جنابعالی سلامتی و مزید توفیق خدمت مسألت دارم.

حسن روحانی_ رئیس جمهوری اسلامی ایران.

از عمر، همان روز حساب است ...

سیّد احمد سام

«روزی که دلی را به نگاهی بنوازی
از عمر حساب است همان روز و دگر هیچ»

با آنکه مرحوم حجه الاسلام و المسلمین سیّد احمد دعایی را بیشتر از چند بار در عمرم ندیده بودم امّا با خواندن خبر درگذشت ایشان تازه احساس کردم گویی سال‌هاست که با ایشان مأنوس بوده‌ام. بعضی از انسان‌ها چنین تأثیری بر دیگران می‌گذارند. زنده‌یاد آقای سیّد احمد دعایی چنین بود. آن قامت بلند و اندام تنومند و چهرهٔ درشت، به محض آن‌که لب به سخن‌گفتن می‌گشود، یک جهان لطافت و محبّت و معنویّت از او می‌بارید. لبخندی پر از مهر بر لب و صدها بیت شعر و ده‌ها حدیث و روایت و لطیفه‌های شنیدنی در حافظه داشت که به مناسبت، برای مخاطبش می‌خواند و با این کارش، به طور غیرمستقیم به شنونده پندی شیرین می‌داد، او را از کسالت بیرون می‌آورد و جان مخاطب را تازه می‌کرد. شنیده بودم سال‌ها در شهرهای مختلف ایران و کشورهای متعدّد جهان به تبلیغ دین و اخلاق پرداخته است. به کویت و امارات و عمّان و پاکستان و هندوستان و عراق و سوریه و انگلستان سفر کرده و در این سفرهای دور و دراز مبلّغ فرهنگ اسلام و تشیّع بوده است. بخشی از دنیا و فرهنگ‌های متفاوت جهان را دیده بود. «دنیا دیدن» را بر «دنیاخوردن» ترجیح داده بود و همین امر بر دیدگاهش نسبت به انسان و جهان پیرامونش تأثیر گذاشته بود و بر سعهٔ صدرش در مواجههٔ با مخالفین، افزوده بود.

این سیّد روحانی خوش‌خوی بذله‌گو همیشه یک شیشهٔ عطر خوشبو در جیب قبایش داشت. داخل شیشهٔ عطر میله‌ای کوچک تعبیه شده بود و ایشان به هر دوستی که می‌رسید، شیشه را از جیب قبایش بیرون می‌آورد، میلهٔ کوچک معطر را به لباس او می‌کشید و قدری از آن عطر دل‌انگیز را تقدیم او می‌کرد و به دنبالش لطیفه‌ای هم می‌گفت. مشام جان مخاطب خود را با شعر و روایت و لطیفه، و شامّهٔ جسم او را با عطر خوشبوی خود معطّر می‌کرد و به این ترتیب خاطره‌ای خوش از خودش و در واقع از کسانی که در لباس روحانیّت بودند، بر جای می‌نهاد.

زندگی بی‌تکلّفی داشت و زیّ طلبگی را رها نکرده بود. رفتارش همواره نشانهٔ بارزی از شکرگزاری بود. در خوشی و ناخوشی شاکر بود و معتقد به پند مولانا که «شکر نعمت، نعمتت افزون کند/ کفر نعمت از کفت بیرون کند»

زنده‌یاد حجت الاسلام و المسلمین سیّد احمد دعایی پس از ۸۹ سال زندگی پربار اخلاقی و معنوی، دنیای بی‌اعتبار ما را ترک کرد و در حالی از این خاکدان به سوی معبود خود شتافت که صدها خاطرهٔ نیک از خود بر جای نهاده بود.

هر گاه ایشان را می‌دیدم یا تلفنی صحبت می‌کردیم این بیت از ملک‌الشعرا بهار را با لهجهٔ شیرین یزدی برایم می‌خواندند.

«روزی که دلی را به نگاهی بنوازی/ از عمر حساب است همان روز و دگر هیچ»

به راحتی می‌شد فهمید که ایشان شعار نمی‌دهد. واعظ غیرمتّعظ هم نبود که در محراب و منبر جلوه کند و در خلوت، آن کار دیگر. این بیت در واقع الگو و سرمشق زندگی و سلوک معنوی ایشان بود با خلق خدا. می‌گفت: «برای رضای خدا با خلق خدا مهربان باشید و به آنان کمک کنید.» و خودش همواره به این توصیهٔ اخلاقی عمل می‌کرد.

درگذشت این روحانی معنوی اخلاقی را به خاندان شریف و خداجو و مردم‌دار دعایی تسلیت می‌گویم و امیدوارم طلبه‌های جوان ما شیوهٔ مهرورزی او را در زندگی پیشه کنند.

خداوند تبارک و تعالی بر علّو درجات ایشان بیفزاید. بمنّه و کرمه

برف سنگین و سرمای شدید در مناطق وسیعی از کشور

سرویس حوادث: بارش کم سابقه برف و سرمای شدید هوا در روز های پایانی دومین ماه زمستان، مناطق وسیعی از کشورمان را دربرگرفت و در برخی مناطق به قطعی آب و برق و همچنین انسداد مسیر های برون شهری و حتی معابر شهری شد.

بارش سنگین برف در اردبیل و خلخال، معابر شهری را مسدود کرد و همچنین به قطعی آب و برق و انسداد معابر برون شهری برخی مناطق گیلان منجر شد. دمای هوا در آذربایجانی غربی هم به منفی ۲۰ درجه سانتیگراد رسید و ساکنان خوزستان هم با سرمای کم سابقه هوا ، غافلگیر شدند.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی گیلان گفت: براثر بارش سنگین برف، آب بیش از۵۰ روستای استان قطع شد.

محبعلی رنج ور افزود: با بارش سنگین برف و قطع شدن تعدادی از پست های برق، آب ۵۰ روستای گیلان قطع شد و بسته شدن راه های شریانی و فرعی استان هم موجب شد که نیروهای عملیاتی شرکت آب و فاضلاب روستایی نتوانند خود را به مکان های دارای مشکل برسانند و نسبت به رفع آن اقدام کنند.

وی تاکید کرد: قطع برق در برخی ایستگاه های پمپاژآب، موجب از مدار خارج شدن این ایستگاه ها و عدم امکان آبرسانی شد. که از قبل برای چنین شرایطی تمهیداتی با هدف آبرسانی سیار و توزیع آب بسته بندی پیش بینی شده بود اما به دلیل بسته بودن مسیرها، انجام این اقدام هم میسر نشد.

بسته شدن آزادراه قزوین – رشت

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای گیلان گفت: براثر کولاک شدید و برف سنگین آزادراه قزوین– رشت در محدوده امام زاده هاشم تا پلیس راه بسته شد.

محمد رضا نازک کار افزود:جاده قدیم رشت – قزوین محدوده شاه عباسی تا پلیس راه و محور فومن – شفت – سراوان و همچنین محور آستارا– اردبیل و خلخال– اسالم براثر بارش سنگین برف و کولاک مسدود شدند.

بر اساس اعلام مسئولان،ارتفاع برف در رشت مرکز استان گیلان تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح دیروز به نیم متر رسید.

همچنین مدیرکل بحران استانداری گیلان گفت: به علت بارش سنگین برف برق حدود ۹۰ هزار خانوار در استان قطع شد.

رضا اسلامی با اشاره به در راه ماندن شماری از مسافران در راه های استان و تلاش دستگاه های ذیربط برای رفع مشکلات مردم تاکید کرد:مقرر شده است علاوه بر استقرار مسافران به طور موقت در راهدارخانه ها؛ گرمخانه های شهری هم بدون محدودیت آماده باشند تا در راه ماندگان را در خود جای دهند.

بلبل آبادی مدیر عامل شرکت برق منطقه ای گیلان هم گفت: بارش برف و کولاک شدید منجر به قطع برخی از پست های برق و از مدار خارج شدن آن ها در شهرستان های لاهیجان، آستانه، لنگرود، رودسر و املش شد.

ارتفاع برف در نواحی جلگه ای گیلان بین ۲۰ تا ۸۰ سانتیمتر و در ارتفاعات استان را یک تا دو متر رسید.

بارش ۲۵ تا ۷۷ سانتیمتری برف در اردبیل

اداره کل هواشناسی اردبیل اعلام کرد که اغلب نقاط این استان شاهد بارش برف به میزان ۲۵ تا ۷۷ سانتیمتر بوده اند.

در شهرستان اردبیل هم بارش برف تا نزدیک ارتفاع دیوار خانه ها رسید به نحوی که در برخی منازل هم باز نمی شد!

همچنین بارش برف سنگین همراه با کولاک در خلخال سبب مسدود شدن راه ارتباطی ۱۴۲ روستا و همچنین بیش از ۱۵۰۰ خیابان و کوچه در سطح شهر خلخال شد.

فریدون بابایی فرماندار خلخال گفت: بارش برف سنگین که ارتفاع آن در برخی از مناطق کوهستانی این شهرستان بیش از چهار متر گزارش شده است، سبب قطع برق بخش شهر هشجین مرکز بخش خورش‌رستم و شش روستای واقع در بخش مرکزی خلخال شد.

وی با بیان این که تا زمان بازگشایی راه‌های مسدود شده روستایی خلخال امکان وصل مجدد برق در روستاهای دچار قطعی برق وجود ندارد، ادامه داد: با وجود تلاش ماموران شرکت توزیع نیروی برق، کولاک مانع از وصل مجدد جریان برق این شهر هشجین شده است.

معروف خسروی سرپرست اداره راهداری و حمل ونقل جاده ای خلخال هم گفت: تا زمان آرام شدن هوا و فروکش کولاک امکان بازگشایی راه مسدود شده خلخال – اسالم وجود ندارد.

وی با بیان این که بارش برف سنگین همراه با کولاک به جز تعداد انگشت شماری از روستاهای همجوار شهر خلخال همه راه‌های روستایی منطقه را مسدود کرده است، افزود: مسیرهای اصلی بین شهری این شهرستان از جمله راه‌های خلخال به فیروزآباد وسرچم، شاهرود، هشجین و گیوی باز و تردد خودروها با استفاده از زنجیر چرخ در آنها جریان دارد .

صباح‌الدین برزگر شهردار خلخال هم گفت: بارش برف سنگین در سطح شهر خلخال همراه با کولاک شدید که ارتفاع آن بیش از دو متر است موجب مسدود شدن بیش از ۱۵۰۰ کوچه و خیابان اصلی و فرعی این شهر شد و با توجه به تعداد محدود ماشین آلات شهرداری بازگشایی و برف‌روبی معابر چند روز زمان خواهد برد .

ثبت دمای ۲۰ درجه سانتی‌گراد زیر صفر در تکاب و چالدران

رئیس اداره هواشناسی تکاب گفت: دوشنبه شب دمای منفی ۲۰ درجه سانتی‌گراد در این شهرستان به همراه چالدران ثبت شد که کمترین دما از ابتدای امسال به شمار می‌رود.

رسول جبرئیلی افزود: پس از تکاب و چالدران، ماکو با منفی ۱۵ درجه و قره‌ضیاء الدین با منفی ۱۴ درجه سانتی‌گراد شب بسیار سردی را سپری کردند.

کولاک و برف ۶ جاده استان زنجان را بست

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان زنجان گفت: ۶ جاده در این استان به دلیل کولاک شدید و بارش برف سنگین تا اطلاع بعدی خواهند بود.

عبدالحسین علی اکبری با بیان این که جاده های زنجان– طارم، زنجان– دندی، نیک پی – ماهنشان، زنجان – تهم – چورزق، ابهر – خدابنده، دندی – تخت سلیمان مسدود شده اند،افزود: تعدادی از راه های روستایی در استان هم بر اثر بارش برف و کولاک شدید مسدود شده اند.

همچنین نادر شریفی رئیس اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای مراغه از مسدود شدن راه ارتباطی ۵۰ روستا بر اثر بارش برف و کولاک در این شهرستان خبر داد.

ارتفاع ۶ متری برف در جاده مهاباد – بوکان

رئیس اداره راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای مهاباد(آذربایجان غربی) گفت: ارتفاع برف در گردنه «قره‌بلاغ» محور مهاباد – بوکان که به بیش از ۶ متر رسید ، موجب بسته شدن این محور برای سومین روز متوالی شد. شدت کولاک در این محور به حدی بود که چند دستگاه خودرو و ماشین‌آلات سنگین راهداری این شهرستان از جمله دو دستگاه لودر و گریدر در زیر برف مدفون شدند.

قطع راه ارتباطی ۹۰ روستای کردستان

مدیر مرکز مدیریت راه‌های راهداری، حمل و نقل جاده‌ای کردستان گفت: با تلاش راهداران کردستان تعداد راه‌های روستایی مسدود این شهرستان از ۳۰۰ مورد به ۹۰ آبادی رسیده است.

دانش زندی با اشاره به این که راهداران هشت فقره بهمن ریزش کرده در راه‌های اصلی را پاکسازی کردند، افزود: ۶۸۸ خودرو گرفتار در برف رها سازی شدند و ۵۵ نفر هم در راهدارخانه‌ها اسکان یافتند.

امدادرسانی به مسافران گرفتار در آذربایجان شرقی

نجاتگران جمعیت هلال احمر آذربایجان‌شرقی به ۲۶۸۵ مسافر گرفتار در برف و کولاک و همچنین صدها خودرو مانده در محورهای مواصلاتی استان امدادرسانی کردند.

امدادرسانی به خودروهای گرفتار در برف وکولاک توسط نجاتگران پایگاه استاد شهریار بستان آباد، گردنه صائین، جاده اهر– هریس– تبریز، گردنه سامبران وجاده اهر – کلیبر ، کمک به وصل برق ۲۵ روستا در چاراویماق و نجات بیمار با علائم سکته قلبی از جمله اقدامات داوطلبان هلال احمر استان بود.

دهدز خوزستان به منفی ۵ درجه رسید

مدیرکل هواشناسی خوزستان با اشاره به کاهش چشمگیر دما در استان گفت: شهرستان دهدز درشرق خوزستان دمای پنج درجه سانتیگراد زیر صفر را تجربه کرد که کمترین دمای استان است.

محمد سبزه زاری افزود: حداقل دمای شهرستان های استان خوزستان به ترتیب دهدز پنج درجه سانتیگراد زیر صفر، ایذه سه درجه سانتیگراد زیر صفر ، دزفول، گتوند و گتوند ۲ درجه زیر صفر ، امیدیه، حسینیه، بستان، شوش، لالی یک درجه سانتیگراد زیر صفر ثبت شده است.

وی افزود:همچنین دمای رامهرمز، ماهشهر، مسجد سلیمان در همین مدت صفر درجه سانتیگراد بوده است.

سرمای کم سابقه در اهواز

دمای هوای اهواز بامداد دیروز به زیر صفر درجه رسید که تا کنون بی سابقه بوده است.

مدیر کل هواشناسی استان خوزستان گفت: دمای اهواز ساعت ۴ صبح دیروز به صفر درجه سانتیگراد رسید.

محمد سبزه زاری گفت: این دما برای اهواز تقریبا در ۳۰ سال گذشته بی سابقه بوده است.

کشف اجساد یخزده ۱۳ پناهجو در مرز ایران و ترکیه

خبرگزاری آلمان به نقل از یک گروه حقوق بشری در شهر وان ترکیه گزارش داد که ۱۳ پناهجو در استان مرزی وان ترکیه با ایران جان خود را بر اثر سرما از دست دادند.

این گروه حقوق بشری در توییتی که در ارتباط با مرگ این پناهجویان منتشر کرد، اعلام کرد پناهجویان پس از آن که از مرز ایران وارد ترکیه شدند در سرمای شدید کوهستان‌های چالداران در کولاک گرفتار شدند و جان خود را از دست دادند. این پناهجویان افغانی و سوری بودند .



خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- موضوع پیام‌ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکرـ سرویس ارتباطات مردمی

خط متروورامین کی افتتاح می‌شود؟

افزایش جمعیت شهرستان ورامین، پیشوا و قرچک که یکی از مهم‌ترین مناطق تأمین‌کننده نیروی کار در تهران و منطقه است، در کنار رفت و آمد مسافران بین راهی این شهرها و پایتخت، موجب شده است این منطقه به شدت نیازمند سیستم حمل و نقل عمومی مناسب، ایمن و ارزان‌قیمت باشد. با گذشت حدود ۱۵ سال از آغاز اجرای پروژه ساخت مترو ورامین و قول مساعد مسئولان محلی و کشوری، این طرح هنوز کاملاً راه‌اندازی نشده و این در حالی است که هزاران نفر از ساکنان ورامین همه روزه برای سفر به تهران، با مشکلات و سختی‌های گوناگونی روبرو هستند.

شهروندی از ورامین

قوه قضائیه به شکایتم رسیدگی کند

برای رسیدگی به پرونده شکایتم در مورد صدور سند مجعول و فروش غیرقانونی ملکم در سراب آذربایجان‌شرقی طی ۲ دهه گذشته بیش از ۶۰۰ نامه سفارشی به مسئولان قضایی در استان و تهران افزون بر ۱۰ نامه به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ۹ شکایت به سازمان بازرسی کل کشور نوشته‌ام، اما نتیجه‌ای نگرفته‌ام، از مسئولان محترم قوه‌قضائیه تقاضا دارم در رسیدگی به شکایت من تسریع کنند.

سیدطالب مستجابی ـ سراب (آذربایجان‌شرقی)

تدریس فلسفه کانت به شرط رد نظریه او!

با تشکر از چاپ یادداشت دکتر شفیعی کدکنی تحت‌عنوان «در علوم انسانی فقیر هستیم» چند وقتی در یکی از مراکز آموزش عالی طبق برنامه فلسفه غرب را درس می‌دادم، اما وقتی نوبت تدریس فلسفه «کانت» رسید، مسئول واحد آموزش مرکز یاد شده به من گفت که اگر می‌خواهی درباره فلسفه «کانت» حرف بزنی، باید نظرات او را رد کنی، و این در حالی بود که فلسفه کانت جزء برنامه‌های درسی دانشجویان آنجا بود.

مدرس دانشگاه از کرج

نیاز درمانگاه فردیس به پزشکان متخصص

با این که حدود ۶ سال از تأسیس درمانگاه فردیس کرج می‌گذرد، در آنجا از پزشکان متخصص داخلی، ارتوپدی، چشم‌پزشکی و دیگر رشته‌ها خبری نیست و صرفاً پزشک عمومی به بیماران ارائه خدمت می‌کند که با توجه به جمعیت فردیس و نیاز منطقه از اداره کل بهداشت و درمان استان البرز می‌خواهیم برای درمانگاه این شهرک پزشکان متخصص در نظر بگیرند.

میرزایی ـ شهرک فردیس کرج

۵ ماه انتظار برای ملاقات با معاون استانداری آذربایجان‌شرقی!

۵ ماه پیش برای دیدار حضوری با معاون عمرانی استانداری آذربایجان‌شرقی در خصوص ضرورت ساخت جاده ۱۵کیلومتری بخش «خواجه» هریس این استان، نام‌نویسی کرده‌ام، اما هر وقت با دفتر ایشان تماس می‌گیرم، یا می‌گویند جلسه دارند، یا فلان کمیسیون استانداری رفته‌اند و یا در مسافرت هستند. برای ما کافی است که معاون محترم استانداری فقط حرف ما را بشنود و برای انجام خواست ما دستور دهد، زیرا با توجه به این‌که ۵ ماه از سال جاده این روستا به دلیل سنگینی برف و سرما بسته و در دیگر ایام سال رفت و آمد در آن خیلی مشکل است، طبعاً از معاون استاندار نمی‌خواهیم که به محل سفر کند و اوضاع را از نزدیک ببیند!

خدادوست ـ هریس (آذربایجان‌شرقی)

شهرداری زمین‌های بدون استفاده را به فضای سبز بدل کند

زمین‌های بدون استفاده در محوطه برج‌های، «ارک» در منطقه کوهستان و خیابان‌های شهید لشکری و شهید حق‌شناس وجود دارد که از شهرداری منطقه ۲ تقاضا می‌شود آنجا را به فضای سبز بدل کند تا مورد استفاده اهالی قرار گیرد.

از ساکنان محل

پیشنهاد تخصیص محل مناسب برای ایجاد میدان تربار

با تشکر از پاسخگویی سازمان مدیریت میادین میوه و تربار شهرداری تهران و تقاضای روابط عمومی آن سازمان در مورد معرفی زمین‌های مناسب برای راه‌اندازی میدان‌های میوه‌وتربار، پیشنهاد می‌کنم از تعمیرگاه و پارکینگ موسوم به «حاج آقا یحیی» در خیابان ۱۷ شهریور، چهارراه صفا که در اختیار شهرداری است، برای ساخت میدان میوه و تربار استفاده شود تا در شرایط کیفیت نامرغوب و گرانی میوه و تربار، مورد استفاده ساکنان منطقه قرار گیرد.

محمدرضا تهرانی

همه با هم در انتخابات مجلس شرکت کنیم

از تمامی هموطنان گرامی انتظار می‌رود با حضور پُرشمار و پرشور در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مشت محکم دیگری بر دهان آمریکا و اسرائیل و انگلیس و عربستان بزنند و توطئه‌های آن‌ها را نقش بر آب کنند، زیرا عدم حضور در انتخابات مجلس موجب شادمانی دشمنان ایران می‌شود و دودش به چشم همه ما می‌رود.

هموطن

انحصار کارگزاران بورس در هم شکسته شود

همان‌طور که رسانه ملی مدتی است که به موضوع ایجاد انحصار در حوزه وکلای دادگستری و آسیب‌های آن می‌پردازد، بهتر است به انحصاری هم که در کارگزاری‌های بورس وجود دارد، توجه کند. زیرا از ۱۵ سال قبل مجوزی برای تأسیس کارگزاری‌های جدید بورس کالا و اوراق بهادار صادر نشده و بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های مدیریت مالی و بازرگانی را به همراه آورده است.

کارشناس بورس و اوراق بهادار

ضرورت تسریع در ساماندهی قبرستان ابن‌بابویه

از چاپ پیام در مورد ضرورت تسریع در ساماندهی قبرستان ابن‌بابویه سپاسگزارم و امیدوارم، که این طرح هر چه زودتر به سرانجام مطلوب برسد.

خانم شهروند از تهران

مسئولان نقاط ضعف عملکردشان را هم بیان کنند

اغلب مسئولان کشور در سفرها و مصاحبه هایشان فقط از موفقیت‌ها و عملکردهای خوب و اثرگذار خود صحبت می‌کنند که ایکاش در کنار آن، درباره اشتباه‌ها و خطاهایشان در دوران مسئولیت‌هایشان هم حرف بزنند تا بیان نقاط ضعفی که داشته‌اند، درس عبرتی برای دیگر مدیران جوان و کم‌تجربه‌ای باشد که در آینده مسئولیت‌های سنگین اداره کشور را بر عهده می‌گیرند.

هموطنی از کرمان

پاسخ مسؤولان

پاسخ شهرداری منطقه ۴ پیرامون مبارزه با جانوران موذی در جوی های تهران پارس

احتراماً، با عنایت به مطلب مندرج در ستون پیام‌های مردمی مورخ ۲۹ دی‌ماه سال جاری روزنامه اطلاعات مبنی بر «زاد و ولد موجودات موذی در جوی‌ها و باغچه‌های فلکه سوم تهران پارس» به اطلاع می‌رساند؛ به منظور اتلاف جانوران مضر شهری، عملیات شناسایی کلونی‌ها و طعمه‌گذاری منافذ مشکوک با اولویت محدوده انهار و سطل‌های زباله مکانیزه در دستور کار قرار دارد؛ علی ایحال با توجه به مشاهده این جانوران توسط شهروندان محترم در فلکه سوم تهران‌پارس، این طرح به صورت ویژه و مستمر در حال اجرا است.

سیدحسین میراسماعیلی ـ سرپرست روابط عمومی

پاسخ شرکت واحد اتوبوسرانی دربارهٔ سیستم اعلام اسامی ایستگاه‌ها

احتراماً با عنایت به مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات به‌تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۸ با موضوع «سیستم اعلام اسامی ایستگاه‌ها در خطوط اتوبوس‌های تندرو شرکت واحد» ضمن تشکر از شهروند گرامی اعلام می‌دارد: به‌منظور تکریم مسافران گرامی کلیه ناوگان خطوط تندرو به سیستم هوشمند اعلام اسامی ایستگاه‌ها مجهز شده است و این سیستم به صورت مستمر توسط عوامل مربوطه مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد و در صورت بروز هر گونه مشکل، در اسرع وقت نسبت به رفع عیب آن اقدام می‌شود.

از شهروند گرامی تقاضا می‌شود برای بررسی دقیق‌تر مراتب را با ذکر اطلاعات شامل زمان و شماره اتوبوس مورد نظر به سامانه ۱۸۸۸ اعلام کنند و پیگیری‌های لازم صورت پذیرد.

شهرزاد مردانپور ـ سرپرست روابط عمومی

پاسخ اداره کل انتقال خون استان کردستان در خصوص ارسال کارت اهدا کنندگان خون

احتراماً، در خصوص پیام مردمی مندرج در روزنامه اطلاعات مورخه ۱۳۹۸/۱۱/۶ مبنی بر درخواست جناب آقای فواد کاسب یکی از شهروندان سنندجی در خصوص صدور و ارسال کارت اهداکنندگان خون به اطلاع می‌رساند که حسب بخشنامه کشوری در راستای اجرای طرح دولت الکترونیک، تمامی فرایندهای اهدای خون اعضای محترم اهداکنندگان از طریق سامانه الکترونیکی و ارسال پیامک انجام می‌شود و در صورت نیاز به کارت اهدای خون، به دفتر برنامه‌ریزی و جذب اهداکنندگان محل سکونت مراجعه نمایند.

دکتر محمد سعید کریمیان ـ مدیرکل

اخبار کوتاه داخلی

آتش‌بازی سپاهان در امارات و شکست تلخ پرسپولیس در قطر



ایرنا- تیم فوتبال سپاهان در دیدار خارج از خانه مقابل العین امارات به برتری چهار بر صفر دست یافت تا شروعی رویایی در فصل جدید لیگ قهرمانان آسیا داشته باشد.

عصر دیروز در هفته نخست مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا و از گروه چهارم، سپاهان میهمان العین امارات بود و با ارائه نمایشی حساب شده به برتری درخشان چهار بر صفر رسید. این دیدار در ورزشگاه «هزاع بن زاید» برگزار شد.

در دقیقه ۳۹ ارسال «سعید آقایی» را «محمد محبی» با ضربه سر تماشایی درون دروازه میزبان جای داد.

در آغاز نیمه دوم، اشتباه مدافع العین سبب شد تا «کی‌روش استنلی» گل دوم نماینده ایران را ثبت کند.

در دقیقه ۵۱ حرکت «سعید آقایی» از جناح چپ و ارسال وی با همکاری بازیکنان سپاهان همراه شد تا «سروش رفیعی» به زیبایی گل سوم طلایی‌پوشان را درون دروازه میزبان جای دهد.

در دقیقه ۷۹ ارسال «امید نورافکن» با ضربه سر «محمد طیبی» همراه شد تا سپاهان به گل چهارم برسد.

سپاهان در هفته دوم مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا، سه‌شنبه هفته آینده در دوحه به میهمانی السد می‌رود.

شکست تلخ پرسپولیس در دوحه

تیم فوتبال پرسپولیس در نخستین دیدارش در فصل جدید لیگ قهرمانان آسیا برابر میزبانش الدحیل قطر با دو گل شکست خورد.

به گزارش ایسنا، در جریان هفته نخست مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا، از گروه سی، تیم فوتبال پرسپولیس دیروز در ورزشگاه خانگی الدحیل به مصاف این تیم رفت که در پایان با شکست دو بر صفر برابر تیم قطری به پایان رسید.

برای الدحیل مانژوکیچ در دقیقه ۵ و ادمیلسون در دقیقه ۱۴ گلزنی کردند. در دقیقه ۵ روی یک حرکت، المعز علی درون محوطه جریمه پرسپولیس توپ را در اختیار گرفت و با یک ارسال روی زمین به مانژوکیچ رساند و این بازیکن هم با ضربه‌ای دروازه پرسپولیس را باز کرد. در این صحنه اشتباه عجیب مدافعان پرسپولیس و رها کردن بازی به گمان اوت رفتن توپ باعث شد تا دروازه این تیم باز شود. این اتفاق مشابه اتفاقی بود که در بازی تیم ملی ایران برابر ژاپن در جام ملت‌های آسیا رخ داد.

تساوی الشرطه و استقلال

تیم‌های فوتبال استقلال و شهر خودرو در اولین دیدار خود در لیگ قهرمانان آسیا برابر حریفان عراقی و عربستانی خود متوقف شدند. به گزارش ایسنا دیدار دو تیم الشرطه عراق و استقلال از مرحله گروهی لیگ قهرمانان از ساعت ۱۸ روز دوشنبه در شهر اربیل برگزار شد. [illegible]

شکست شهرخودرو در برابر الهلال

تیم فوتبال الهلال هم در حالی توانست با ۲ گل شهر خودرو را شکست دهد که در آمار هم برتری نسبی نسبت به نماینده ایران داشت.

تیم فوتبال الهلال عربستان توانست در اولین دیدار خود در مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا با نتیجه ۲ بر صفر شهرخودرو را شکست دهد. الهلال در این دیدار ضمن پیروزی، آمار بهتری را نسبت به رقیب خود داشت.

اسکوچیچ: افتخار می کنم سرمربی تیم ملی ایران هستم



سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در پستی در اینستاگرام خود از حضور در تیم ملی ایران ابراز افتخار کرد.

به گزارش ایسنا، دراگان اسکوچیچ روز دوشنبه با حضور در فدراسیون فوتبال و پس از دیدار با حیدر بهاروند، سرپرست فدراسیون فوتبال قراردادش را با فدراسیون به صورت رسمی امضا کرد.

این مربی کروات در پستی در اینستاگرام خود نوشت: افتخار می‌کنم که هدایت تیم ملی فوتبال ایران را بر عهده دارم.

اسکوچیچ امیدوار است در چهار دیدار حساس تیم ملی فوتبال ایران در دور برگشت انتخابی جام جهانی قطر به مرحله نهایی انتخابی راه یابد. جایی که ۱۰ تیم برتر آسیا برای کسب ۴.۵ سهمیه این قاره برای حضور در جام جهانی رقابت می کنند.

لزوم حمایت مسئولانه‌تر متولیان ورزش از بسکتبال و والیبال برای المپیک

ابوالقاسم کیانی - بسکتبال و والیبال دو ورزش گروهی کشورمان هستند که از جمع ورزش‌های تیمی ایران، توانستند جواز صعود به المپیک را کسب کنند در حالی که این برای اولین‌بار است که در تاریخ المپیک ایران با دو ورزش گروهی در این رویداد شرکت می‌کند. موضوعی که نشان می‌دهد این دو ورزش کار ارزشمندی را انجام داده‌اند.

اما ارزش کار بسکتبال و والیبال زمانی بیشتر مشخص می‌شود که یک ارزیابی ساده نسبت به سایر ورزش‌های گروهی که شانس المپیکی شدن، داشتند اما المپیکی نشدند، داشته باشیم.

یک ارزیابی که به نوعی مقایسه هم به حساب می‌آید. فوتبال امید و هندبال ۲ ورزش دیگری بودند که توقع می‌رفت المپیکی شوند آن هم در حالی که از نظر مهره‌های کارآمد و سرشناس در مقایسه با حریفان، اگر شرایطشان را از بسکتبال و والیبال در شرایط موجودی که برای المپیکی شدن با آن روبرو بودند، بهتر ندانیم حداقل باید برابر با آنان، ارزیابی کنیم.

پس در همین قدم اول مشخص می‌شود که کار بسکتبال و والیبال به مراتب بهتر از فوتبال و هندبال بوده است. هندبالی که چندین و چند لژیونر با قابلیت را در اختیار دارد که عموماً در تیم‌های مطرح اروپایی، جزو بهترین‌های تیم‌هایشان هستند و فوتبال‌هایی که بازیکنان بسیار شاخص و کار آمدی نظیر امیدنورافکن، مهدی قائدی و... را در ترکیب دارد که در جمع بزرگسالان هم بهترین هستند و بازیکنی چون قائدی حتی در آسیا هم می‌تواند در جمع بهترین‌ها باشد تا جائی که AFC و بسیاری از رسانه‌های آسیایی از او به عنوان نیمار ایران نام می‌برند.

از این ماجرا که بگذریم باید به موقعیت‌هایی توجه کنیم که این ورزش‌ها برای المپیکی شدن با آن روبرو بودند و جایگاهی که در ورزش کشور داشتند.

بدون تردید در این زمینه اگر قرار باشد که فوتبال را همسنگ سه ورزش دیگر قرار دهیم قطعاً جفایی بزرگ به آنان شده است چون فوتبال، ورزشی فراگیر و پرطرفدار در سطح جامعه و صدالبته مورد توجه ویژه مسئولین است. آن هم نه فقط متولیان ورزش بلکه سایر مسئولین از جمله سیاسیون، از آنجا که به تأثیرگذاری فوتبال در جامعه آگاهی دارند، آنچنان این ورزش را زیر ذره‌بین می‌گیرند و بعضاً به خاطر آن موضع‌گیری‌های روشن و پاسخگویی از متولیان ورزشی می‌خواهند که ذره‌ای از این حساسیت نسبت به سایر ورزش‌های تیمی پای المپیک، وجود ندارد.

طبیعی است که چنین شرایطی، نگاه متولیان ورزش هم به فوتبال ویژه‌تر نسبت به سایر ورزش‌های تیمی باشد و اینجاست که عملکرد ضعیف فوتبال امید، در قیاس با سایر ورزش‌های تیمی به خوبی نمود پیدا می‌کند و در یک مقایسه ساده، نتیجه آن را باید حتی از هندبالی‌ها هم که به المپیک صعود کردند، ضعیف‌تر ارزیابی کرد.





فوتبالی که ۴۴ سال از المپیکی نشدنش می‌گذشت و با شرایطی که وجود داشت همه از مردم گرفته یا مسئولین و همچنین متولیان ورزش و به ویژه دست اندرکاران فدراسیون فوتبال، انتظار داشتند و صدالبته اعلام می‌کردند که داغ المپیکی شدن ۴۸ساله، نخواهد شد. قولی که عملی نشد چون بیشتر از آنکه عمل در میان باشد، شعار به میان آمد. شعارهایی که مخاطبان فکر می‌کردند با فعالیت‌های لازم برای آمادگی این تیم، همسانی دارد و در حالی که کاملاً با آن فاصله داشت و بزرگترین موردی که به این تیم لطمه زد، حواشی دور و اطراف آن بود، که نه تنها جمع نشد بلکه به نظر می‌رسد عزم جزمی هم برای جمع شدن آن، وجود نداشت تا جائی که این تیم مدت‌ها بلاتکلیف و بدون مربی بود و نهایتاً مدیر تیم سر از مربیگری این تیم در آورد با این توجیه که چون هیچکس مربیگری امیدها را برعهده نمی‌گرفته به ناچار مدیر فنی، سرمربی شده است. توجیهی که اصلاً نمی‌تواند مورد قبول باشد حتی اگر این پروسه طی شده باشد. چون طی این پروسه هم خود به خود می‌تواند به ناکارآمدی‌های مدیریتی فوتبال برای جلوگیری از به وجود آمدن شرایط نامطلوب حول و حوش این تیم باشد که هیچ مربی واجد شرایطی، جرأت حضور در آن را نداشته و همگی گزینه‌ها علی‌رغم این که مربیگری در تیم ملی، بخصوص تیمی که به المپیک می‌رود افتخاری بزرگ به حساب می‌آید، اما ترجیح داده‌اند عطای کار را به لقایش ببخشند. شاید به همین خاطر هم بود که بعد از ناکامی امید ماجرای راهیابی به المپیک تبعات این شکست بزرگ، خیلی زود فروکش کرد و به آن پرداخته نشد و فقط به چند مصاحبه کوتاه و عذرخواهی کم تأثیر خلاصه شد چون باز شدن ماجرا می‌توانست سهم ناکارآمدی مدیران فوتبال وحتی ورزش را در این شکست، بیشتر نمایان کند.

اما از فوتبال که بگذریم، انتظار از هندبال هم المپیکی شدن بود بخصوص که این ورزش از مهره‌های بسیار کارآمدی بهره می‌برد که به عنوان لژیونر در بهترین تیم‌های اروپایی، توپ می‌زنند.در این میان اما انتظار وقتی کم‌کم رنگ باخت که پرده از برخی اختلافات برداشته شد زمزمه عدم همراهی برخی از لژیونرها در مسابقات انتخابی المپیک، قوت بیشتری پیدا کرد. مشکلی که انتظار می‌رفت با رایزنی‌های تأثیرگذار، مرتفع شود اما در قبال برخی از بازیکنان محقق نشد تا نهایتاً هندبال هم دستش از المپیک کوتاه بماند هر چند که الحق و الانصاف عملکرد هندبال در مسابقات انتخابی المپیک، قانع کننده بود از نظر عملکرد و قابلیت همتراز همان‌هایی بودند که به المپیک راه یافتند اما از آنجا که نتایج پایان بازی‌ها تعیین کننده بود نه عملکردها، هندبال شایسته کشورمان هم در راهیابی به المپیک ناکام ماند.با این وجود همین هندبال در مسابقات قهرمانی آسیا و انتخابی جام جهانی، بسیار متفاوت و ضعیف‌تر از مسابقات انتخابی المپیک ظاهر شد که صددرصد قابل انتقاد است. مسابقاتی که باتوجه به این که تعداد بیشتری از تیم‌ها شانس حضور در مسابقات جام جهانی را داشتند تیم ملی کشورمان با عدم راهیابی به جمع چهار تیم برتر این مسابقات یکی از ضعیف‌ترین نتایج را به ثبت رساند چون پس از بازی‌های خوب در انتخابی المپیک و مسابقات انتخابی جام جهانی، نتایجی بهتر و نهایتاً راهیابی به جام جهانی، انتظاری غیر منطقی نبود که اما محقق نشد. ماجرایی که بعد از به میان آمدن اخباری مبنی بر انتقاد رئیس فدراسیون هندبال از عملکرد کادر فنی، ماجرای انجام وظیفه سرمربی از حوزه‌هایی که در حیطه وظایف او قرار نمی‌گرفت اما چون کسی نبود که آن کارها را انجام بدهد سرمربی مجبور بود که وظایف دیگران را هم انجام بدهد، مشخص شد که انتقاد به کیفیت کار سرمربی تیم ملی در چنین شرایطی، چندان منصفانه نیست چون باید در چند زمینه تمرکز می‌کرده نه فقط در مورد وظیفه اصلی، یعنی هدایت تیم ملی!

اما در همین جوی که فوتبال و هندبال با آن مواجه بودند، بسکتبال و والیبال، المپیکی شدند. بسکتبال ابتدا المپیکی شد و والیبال پس از آنکه فرصت خوب اولین مرحله مسابقات انتخابی المپیک را از دست داد در دومین مرحله به عنوان بهترین تیم آسیایی مثل بسکتبال، المپیکی شد تا جور ورزش‌های تیمی کشورمان را در بزرگترین رویداد ورزشی دنیا، این دو ورزش بکشند.

اما در مقایسه همین دو ورزش برای المپیکی شدن هم کفه ترازو به نفع بسکتبال، سنگینی می‌کند چرا که اولاً شرایط المپیکی و یا جهانی شدن باتوجه به تفاوت‌های ماهیتی این دو ورزش - برای بسکتبال به مراتب سخت‌تر است و ثانیاً بسکتبال برای این که المپیکی شود پروسه زمان بر و فرسایشی مسابقات انتخابی جام جهانی را پشت سر گذاشت. پروسه‌ای بسیار سخت که به دلیل طولانی بودن در هر پنجره مسابقات انتخابی جام جهانی - که پیش زمینه راهیابی به المپیک هم به حساب می‌آمد - بنا به دلایل مختلف می‌توانست برخی از بازیکنانش را به همراه نداشته باشد. از طرفی طولانی شدن هر پروسه‌ای می‌تواند باعث بوجود آمدن حاشیه‌هایی نیز بشود که هر دوی این اتفاقات برای بسکتبال افتاد و اما با مدیریتی که صورت گرفت اگر چه این ماجراها، تاثیرات منفی خود را می‌گذاشت اما نهایتاً مدیریت هر مقطع این موضوعات، باعث شد تا زحمات کادر فنی تیم ملی بی‌پاسخ نمانده و بسکتبال با طی کردن راهی سخت، المپیکی شود. در این میان اما آنچه که کار بسکتبال را نسبت به والیبال، خیلی برجسته‌تر می‌کند صعود به المپیک با یک مربی ایرانی است (در شرایطی که برخی کارشناسان معتقدند فوتبال و هندبال هم با مربی خارجی، المپیکی می‌شوند) در حالی که والیبالی‌ها از یک مربی خارجی بهره می‌برند و در اولین نگاه، بدون شک هزینه‌ای که برای این مربیان صرف می‌شود اصلا قابل قیاس نیست و غیرمنصفانه نیست اگر عنوان شود که حق‌الزحمه مربی ایرانی بسکتبال در مقابل مربی خارجی والیبال در حد هیچ است. این اتفاق در حالی رخ داد که مهران شاهین طبع سرمربی تیم ملی بسکتبال به خاطر اهمیت و حساسیت کادر تیم ملی، ترجیح داد یکسال مربیگری در باشگاه‌ها را که بدون شک حق‌الزحمه بسیار بالایی برای مربیانی در این سطح را دارد کنار بگذارد و در حرکتی مسئولانه تمام هم و غم خود را صرف تیم ملی کند.

اما هرچه که بوده، گذشته و حالا مهم این است که بسکتبال و والیبال، المپیکی شده‌اند و ازآنجا که فوتبال و هندبال به المپیک نرسیده‌اند، می‌طلبد که نگاه حمایتی متولیان ورزش نسبت به این دو رشته ویژه شود. نه تنها ویژه بلکه ویژه‌تر قطعاً اگر فوتبال به المپیک راه پیدا می‌کرد حمایت‌های ویژه‌ای را به خود می‌دید و هزینه زیادی را روی دست وزارت ورزش و همین طور کمیته ملی المپیک می‌گذاشت. هزینه‌ای که به هر شکل ممکن تأمین می‌شد و با فرض صعود فوتبال به المپیک، راهکارهای تأمین آن هم، پیش‌بینی شده بود. در کنار فوتبال، اگر هندبال هم المپیکی شده بود بودجه‌ای برای آمادگی این ورزش هم کنار گذاشته می‌شد پس چه اشکالی دارد حال که فوتبال و هندبال المپیکی نشده‌اند، قسمتی از بودجه‌ای که می‌توانست برای آمادگی آنان جهت المپیک، صرف شود، به بسکتبال و والیبال اختصاص پیدا کند بخصوص که با راهیابی به المپیک، آبروداری کرده و نام دو ورزش تیمی ایران هم در این رویداد در کنار برترین‌های دنیا قرار گرفته است. در مسابقاتی که بسیاری از بزرگترین و معتقدترین تیم‌های دنیا، نمی‌توانند به آن راه پیدا کنند. قابل کتمان نیست که بسکتبال و والیبال برای المپیکی شدن با شناخت راهی که پیش رو داشتند، با برنامه‌ریزی‌های دقیق و مدیریت خوب، به المپیک رسیدند در شرایطی که بدون شک یک جای فوتبال و هندبال در این زمینه می‌لنگید، ناکام ماندند، پس حال حق بسکتبال و والیبال است که متولیان ورزش پا را از حمایت‌هایی که پیش از این برای این دو رشته درنظر گرفته شد، فراتر گذاشته و پاسخ این حرکت مسئولانه دو ورزش تیمی راه یافته به المپیک را مسئولانه‌تر داده و حمایت ویژه‌تری برای آمادگی آنان در المپیک، درنظر بگیرند.

اخبار کوتاه خارجی

وضع سلامتی «پله» نگران کننده است



پسر برترین فوتبالیست قرن از آخرین وضعیت پدرش سخن گفت و اعلام کرد روز به روز شرایط برای پدر او سخت می شود.به گزارش ایسنا به نقل از گلوبو، پله ۱۸ سال در سانتوس بازی کرد و ۶۱۹ گل به ثمر رساند. او در طول دوران بازی خود بیش از هزار گل به ثمر رساند و عامل موفقیت برزیل در سه قهرمانی در جام‌های جهانی ۱۹۵۸، ۱۹۶۲ و ۱۹۷۰ بوده است.ادینیو پسر پله ۷۹ ساله فوتبالیست افسانه‌ای، در باره آخرین شرایط پدرش گفت: پدرم اصلا شرایط خوبی ندارد. بعد از عمل جراحی که او اخیرا پشت سر گذاشت هنوز به درمان قطعی نرسیده است و به همین خاطر از نظر حرکتی با مشکل روبرو است و به همین خاطر خیلی ناراحت است که نمی تواند حرکت کند.

او افزود:پدرم به خاطر وضعی که به آن دچار شده است خیلی خجالت زده و ناراحت است. خیلی از هواداران او دوست دارند تا پدرم را ببینند ولی پدرم قادر به رفتن به بیرون نیست و این مساله او را آزار می دهد. باید دید روند درمان به چه سمتی پیش می رود و ما به طور کامل مراحل درمان پدرم را دنبال می کنیم.

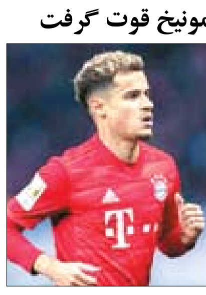
پوچتینو برای هدایت یونایتد آماده می‌شود



رسانه‌های انگلیسی عنوان کردند مائوریسیو پوچتینو خود را برای هدایت منچستریونایتد و جانشینی اوله گنار سولسشایر آماده می‌کند.

به گزارش ایسنا و به نقل از ساکرنت، هواداران یونایتد که از وضعیت تیمشان در این فصل ناراضی هستند، بارها اعتراض خود را به اد وودوارد مدیر اجرایی این تیم نشان داده اند تا شرایط برای او و سولسشایر سخت شود. منچستریونایتد در بازی بعدی خود باید در لیگ برتر در خانه چلسی به میدان برود و شکست در این دیدار شرایط را برای اوله گنار سولسشایر بسیار سخت و پیچیده خواهد کرد. گزارش‌ها از تماس سران منچستریونایتد به مائوریسیو پوچتینو خبر می‌دهد د و انتظار می‌رود در صورتی که تغییری در نتایج منچستریونایتد ایجاد نشود، مائوریسیو پوچتینو به عنوان سرمربی جدید این تیم انتخاب شود.

احتمال جدایی کوتینیو از بایرن مونیخ قوت گرفت



ستاره برزیلی تیم فوتبال بایرن مونیخ در آستانه جدایی از سرخپوشان آلمانی قرار گرفت. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، به نقل از سایت «اکسپرس»، شنیده‌ها حاکی از آن است که نزدیک به چند باشگاه از لیگ برتر فوتبال انگیس به دنبال آن هستند تا در نقل و انتقالات تابستان پیش رو، کوتینیو، ستاره برزیلی تیم فوتبال بایرن مونیخ را که با قرارداد قرضی از تیم فوتبال بارسلونا اسپانیا به آلمان آمده است ، به خدمت بگیرند.شنیده می‌شود باشگاه‌های منچستریونایتد، منچسترسیتی، چلسی و همچنین تاتنهام درخواست‌هایی را جداگانه برای به خدمت گرفتن این بازیکن به تیم فوتبال بارسلونا ارسال کرده اند.

تلگراف:رئال مادرید علاقه مند به رحیم استرلینگ است



فوروارد تیم ملی انگلیس که بازی در لیورپول و منچسترسیتی را تجربه کرده، احتمال دارد پیراهن رئال مادرید را به تن کند. به گزارش خبرگزاری فارس، رحیم استرلینگ ممکن است در آینده پیراهن رئالی‌ها را به تن کند.فوروارد ملی‌پوش و ۲۵ ساله سیتیزن‌ها طبق نوشته روزنامه دیلی‌تلگراف، گزینه خرید تابستانی تیم مادریدی است.تیم ثروتمند لالیگا از مدت‌ها قبل وضعیت این مهاجم را زیر نظر گرفته تا در زمانی مناسب برای جذب او وارد عمل شود.استرلینگ که در سال ۲۰۱۵ لیورپول را ترک کرد، به عضویت سیتیزن‌ها درآمد.

ترحیم

بزرگداشت

همچو حافظ همه شب ناله و زاری کردیم
کی دریغا به وداعش نرسیدیم و برفت

با نهایت تأسف و اندوه فراوان درگذشت پدر عزیزمان **زنده یاد جناب آقای دکتر اصغر ارجمندنیا** را که پس از طی یک دوران بیماری جانکاه جان به جان آفرین تسلیم کرد به استحضار خویشاوندان گرامی، دوستان، همکاران، همسایگان و همشهریان سیرجانی می‌رساند. مراسم بزرگداشت آن مهربان پدر در روز چهارشنبه ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ از ساعت ۱۴ لغایت ۱۵/۳۰ در مسجدالرضا(ع) ـ به نشانی: خیابان خرمشهر ـ خیابان عشقیار ـ میدان نیلوفر برگزار می‌گردد. حضور همه سروران محترم در این مراسم تسلی بخش دل داغدیدگان و شادی آن یار سفر کرده خواهد بود.

حدیث درد جدایی کجا توانیم گفت
که در نهاد ما این غصه قصه‌ای تلخ است

فرزندان: مهندس وینا ـ مهندس نیما

خانواده‌های سوگوار:

ارجمندنیا ـ فلاحی نژاد ـ نیرومند ـ نصیری ـ شاهرخی ـ برقی ـ عرفانیان ـ اکبری و سایر وابستگان عزادار

یادبود

ماه بهمن چه تلخ زمزمه می‌کند



۱۹ سال از خاموشی شمع وجودمان، پدر بزرگوارمان **شادروان عباسقلی اکبری** گذشت.

۲۶ بهمن یادآور تلخ‌ترین روز زندگیمان دوباره از راه رسید و ما ناباورانه گذر ایام را بی حضور پدر نظاره می‌کنیم.

او رفت و دیگر باز نمی‌گردد و ما سال‌هاست که صدای زیبا و نصیحت‌های پدرانه‌اش را نشنیده‌ایم و حسرت دیدارش زخمی بر دل نهاد که مرهمی التیام بخش آن نبود.

پدر، همیشه به یادت هستیم و یاد و خاطرات شیرینت مرهمی خواهد بود بر زخم دلمان.

روحت شاد و یادت گرامی

فرزندانت

روزها رفت و گذشت و در اندیشه باز آمدنت، لحظه‌ها طی شد و مرد!
و نگاهم هر روز، باز هم با همه شوق، کوچه‌ها را پایید.
مثل آن روز که می‌آمدی از دور... دریغ!
دل من در غم هجران تو ای خوبترین، چه بگویم، چه کشید...



آه پنج سال از درگذشت همسر و پدر عزیزمان **مرحوم میر حسنعلی مشعشع** می‌گذرد و یاد و خاطرش را گرامی می‌داریم.

از طرف همسر و فرزندان

با تو ام ای رفته از دست هر کجا باشم
غمت هست فربد جان



بیست سال است که

پر کشیدی ولی رفتنت را

باور نداریم.

توران و سعید لرستانی

تسلیت

خانواده محترم خانلری

فقدان اندوهبار همکار گرامی‌مان **شادروان کمال خانلری** موجب تأثر و تألم گردید. ضمن عرض تسلیت به شما و خانواده محترمتان، برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.

همکاران آن مرحوم
در مرکز تلفن روزنامه اطلاعات

آگهی تغییرات شرکت رنگ دوپلی پارس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۶۰۰۹۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۰۱۹۴۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی مطلب زاده و همکاران به شماره ثبت ۴۱۲۲۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۶۷۵۹۹۷ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی وانیانیک تدبیر به شماره ثبت ۲۸۶۵۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۲۱۸۶۲ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردند.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

آگهی تغییرات شرکت پلور دندان پارس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۰۲۳۲۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۰۹۵۳۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی اندیشمند تدبیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۰۸۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و حسابرسی و خدمات مالی حافظ گام به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۸۴۰۳۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت.

آگهی تغییرات شرکت پارس انرژی رایان سیستم سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۸۵۲۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۸۵۵۳۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمد بهزاد به شماره ملی ۱۸۶۰۹۳۸۴۱۸ به سمت رئیس هیات مدیره و آقای شهریار خلفی به شماره ملی ۲۶۴۹۱۳۷۳۲۰ به سمت نایب رئیس هیات مدیره و آقای عبدالرضا مولایی به شماره ملی ۰۰۶۱۳۲۲۶۶۰ به سمت عضو هیات مدیره و آقای مجید خسروی دهکردی به شماره ملی ۰۰۵۱۸۸۷۸۲۷ (خارج از اعضای هیات مدیره) به سمت مدیرعامل انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق [illegible]

آگهی تغییرات شرکت ارتباط الکترونیک شناسا سهامی خاص به شماره ثبت ۴۷۳۷۸۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۰۲۱۵۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موضوع شرکت به شرح ذیل تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: تحقیق، پژوهش، طراحی، ساخت، تولید، خرید، توزیع و فروش کلیه بردها و انواع سیستمهای الکترونیکی، سیستمهای مخابراتی، مایکروویوی، رادیو شناسه (آر اِف آی دی)، موقعیت یاب و مکان یاب (مانند جی پی اس)، بارکدخوان ها، اتوماسیون صنعتی و اداری و خانگی، هوشمند سازی، اینترنت اشیاء (آی اُتی) و ایجاد [illegible]

آگهی تغییرات شرکت ایران چاپ شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۱۱۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۱۴۱۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۰ و مجوز شماره ۹۸/۲۱۰۰۱۹ مورخ ۹۸/۷/۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سید محمود دعائی به شماره ملی ۴۴۵۹۸۶۴۷۵۴ به سمت رئیس هیات مدیره آقای ایرج جاوید به شماره ملی ۴۴۳۱۹۵۹۴۹۱ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره آقای سید علی محمد هاشمی به شماره ملی ۴۴۵۹۸۶۴۷۵۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای عباس عیسی تهرانی به شماره ملی ۰۰۳۰۰۹۷۲۰۷ به سمت [illegible]

[illegible]

اطلاعات

سال نود و چهارم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۸
۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ - ۱۲ فوریه ۲۰۲۰

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۹ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۴۲ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۰۱ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۳۰ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۵۴ دقیقه

«رویترز»: مذاکرات عربستان و قطر شکست خورد

سرویس خارجی: خبرگزاری «رویترز» به نقل از منابع مطلع از شکست مذاکرات و تلاش‌ها برای احیای روابط میان عربستان سعودی و قطر خبر داد.این خبرگزاری نوشت : مذاکراتی میان عربستان سعودی و قطر برای پایان دادن به اختلافات و احیای روابط دوجانبه برگزار شد که در همان ابتدا شکست خورد و تلاش برای ایجاد جبهه‌ای واحد در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران را با مانع مواجه کرد.بنا بر این گزارش، این گفت‌وگوها با هدف از سرگیری روابط میان قطر با بلوک متشکل از عربستان سعودی، امارات عربی متحده، بحرین و مصر برگزار شد.

بازتاب جهانی حضور پرشور و گسترده مردم ایران در راهپیمایی سالروز انقلاب

سرویس خارجی: حضور پرشور و گسترده مردم ایران در راهپیمایی سالروز انقلاب، بازتاب گسترده ای در میان مقامات و رسانه‌های جهان داشت.

*** سوریه**

معاون وزیر خارجه سوریه با اشاره با سالروز انقلاب اسلامی ایران، گفت: انقلاب اسلامی ایران موازنه را نه فقط در منطقه بلکه در همه جهان تغییر داد و مبانی واقعی را برای یاری رساندن به ملت‌های مبارز برای دستیابی به آزادی و حاکمیت و استقلال بنیان نهاد. فیصل مقداد که در مراسم گرامیداشت چهل و یکمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در دمشق سخنرانی می‌کرد از ایران برای ایستادن در کنار سوریه در نبرد علیه تروریسم ستایش کرد. وی با ستایش از انقلاب اسلامی ایران گفت: سوریه از اولین کشورهایی بود که پیروزی انقلاب اسلامی ایران را تبریک گفت.

*** عراق**

رهبر جریان حکمت ملی عراق نیز در پیامی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران تصریح کرد ایران همواره به ملت خود وابسته بوده و هیچگاه وابسته به نیروهای خارجی نبوده و انقلاب اسلامی نقطه عطف بزرگی در تاریخ معاصر بود. سید عمار حکیم در پیام خود آورده است: در چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تأکید می‌کنیم که این انقلاب نقطه عطف بزرگی در تاریخ معاصر بود و از مهمترین ویژگی‌های این انقلاب، این بود که اسلام را محور و روش خود قرار داد و مرجعیت دینی همواره رهبری آن را بر عهده داشته و دارد، همانطور که امام خمینی قدس سره، رهبر و بنیانگذار آن بود. وی در ادامه این پیام افزوده است: از دیگر ویژگی‌های این انقلاب محبوبیت فراوان، مسالمت‌آمیز بودن و ملی بودن آن است و در همه جزئیات خود به ملت ایران وابسته ماند و هیچ کمکی از نیروهای خارجی نگرفت و توانست میان همه طیف‌های ملت ایران اتحاد و انسجام برقرار کند. رهبر جریان حکمت ملی عراق با اشاره به نقش ایران در دفاع از مردم مظلوم فلسطین تأکید کرد: این انقلاب برنامه‌ای کامل برای اداره حکومت و رهبری امت داشته و متولی دفاع از مسائل بزرگ اسلامی و در راس آنها مسئله فلسطین شد. حکیم در پایان این پیام آورده است: سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را به ملت مسلمان ایران و رهبری داهیانه آن، امام خامنه‌ای دام‌ظله تبریک می گوییم و پیشرفت، ثبات و شکوفایی بیشتر جمهوری اسلامی و ملت مسلمان آن را آرزو می‌کنیم.

*** عمان**

«هیثم بن طارق» سلطان جدید عمان نیز با ارسال تلگرافی به حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، فرا رسیدن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و عید ملی را به وی تبریک گفت.

*** قطر**

«تمیم بن حمد آل ثانی» امیر قطر هم با ارسال پیام تبریک به حسن روحانی رییس جمهوری اسلامی ایران، چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت. علاوه بر امیر این کشور، «خالد بن خلیفه آل ثانی» نخست وزیر و «عبدالله بن حمد آل ثانی» معاون امیر قطر نیز با ارسال پیام‌های تبریک جداگانه، به دکتر روحانی، چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را به دولت و ملت ایران تبریک گفتند.

*** کویت**

امیر کویت نیز با ارسال پیامی به حسن روحانی رئیس جمهوری کشورمان، چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت. "شیخ صباح احمد الجابر الصباح" در پیام خود ضمن تبریک فرا رسیدن چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، برای دولت و مردم ایران آرزوی سلامتی، توسعه و پیشرفت کرد. همچنین "شیخ نواف احمد الجابر الصباح" ولیعهد" و "شیخ صباح خالد الحمد المبارک الصباح" نخست وزیر کویت هم با ارسال پیام‌های جداگانه برای رئیس جمهوری کشورمان، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفتند و برای دولت و ملت ایران آرزوی سلامتی و پیشرفت روز افزون کردند.

*** انصارالله یمن**

سخنگوی جنبش انصارالله یمن نیز ضمن تبریک سالروز پیروزی انقلاب اعلام کرد که این انقلاب، امت اسلام را برای مقابله با استکبار آمریکایی بیدار کرد. «محمد عبدالسلام» سخنگوی جنبش انصارالله یمن در پیامی چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران را تبریک گفت و افزود: به سران و مردم ایران سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک می‌گوییم، انقلابی که امت را برای مقابله با استکبار آمریکا بیدار کرد. وی ادامه داد: انقلاب ایران از فلسطین مسأله‌ای زنده ساخت تا مردم منطقه علیه رژیم اشغالگر که سرنوشت آن به خواست خدا نابودی است، همگرا شوند.

*** اردن**

از سویی مراسم چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به همت سفارت کشورمان در امان و با حضور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی از اردن و سفرا و دیپلمات‌های مقیم برگزار شد. در این مراسم سفرای کشورهای اسپانیا، روسیه، آفریقای جنوبی، لهستان، بوسنی و هرزگوین، ژاپن، جمهوری چک، فیلیپین، مالزی، اندونزی، برزیل، شیلی، مکزیک، قبرس، و بنگلادش نیز حضور داشتند. همچنین کارداران قزاقستان، جمهوری آذربایجان، فرانسه، ایتالیا، رومانی، سوریه و سه نفر از اعضای مجلس نمایندگان، مدیرکل تشریفات وزارت خارجه اردن و برخی از روزنامه نگاران اردنی نیز مهمانان این مراسم بودند.

*** فلسطین**

دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین نیز سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران را تبریک گفت. زیاد النخاله گفت ملت فلسطین به مواضع ملت و رهبری جمهوری اسلامی ایران و حمایت مستمر آنها از ملت فلسطین و حقوق آنها افتخار می‌کند.

*** جمهوری آذربایجان**

رئیس جمهوری آذربایجان هم در پیامی به رئیس‌جمهوری کشورمان، چهل‌ویکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران را تبریک گفت و برای مردم ایران صلح و شکوفایی همیشگی آرزو کرد. الهام علی‌اف، در پیامی چهل‌ویکمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران را به حسن روحانی تبریک گفت و افزود: صمیمانه، از طرف خودم و ملت آذربایجان، پیروزی انقلاب اسلامی و روز ملی کشورتان را به شما و ملت‌تان تبریک می گویم. وی در ادامه اظهار داشت: سطح فعلی روابط ایران و آذربایجان که بر ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و دینی استوار بوده و در فضای یک همسایگی خوب در حال توسعه است، رضایت‌بخش است و من اطمینان دارم که همکاری دوجانبه ما در سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه در جنبش عدم تعهد با تلاش‌های مشترک بیشتر ما به نفع ملت‌مان، تحکیم خواهد شد. رئیس جمهوری آذربایجان افزود: این فرصت را مغتنم شمرده و برایتان آرزوی سلامتی، موفقیت در اقداماتتان و برای مردم ایران، صلح و شکوفایی همیشگی آرزو می‌کنم.

*** بلاروس**

رئیس‌جمهوری بلاروس نیز در پیام تبریک به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ضمن تاکید بر دستاوردهای این انقلاب، شجاعت و یکپارچگی مردم ایران را تحسین کرد. «الکساندر لوکاشنکو» با ارسال نامه ای به همتای ایرانی خود، چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت و از عزم مینسک برای تقویت روابط با تهران خبر داد. «لوکاشنکو» در این پیام ضمن تبریک چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بر «دستاوردهای قابل توجه» ایران بعد از انقلاب تاکید کرد. لوکاشنکو در این پیام، به تحسین «شجاعت و یکپارچگی مردم ایران و آمادگی آنها برای دفاع از منافع ملی خودشان» پرداخت. رئیس‌جمهور بلاروس همچنین تاکید کرد که مینسک و تهران در موضوع اطمینان حاصل کردن از حق مشروعشان برای تصمیم‌گیری مستقل برای آینده‌شان، خواست مشترکی دارند.

*** ارمنستان**

رئیس‌جمهوری ارمنستان هم با ارسال نامه‌های جداگانه برای رهبر معظم انقلاب اسلامی و رئیس‌جمهور ایران، چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب را تبریک گفت. «آرمن سرکیسیان» رئیس‌جمهور ارمنستان اعلام کرد که خواستار تعمیق بیشتر روابط دو کشور است. سخنگوی دفتر سرکیسیان گفت: در نامه سرکیسیان برای روحانی آمده که همکاری نزدیک سیاسی و اقتصادی بین ارمنستان و ایران به لطف روابط سنتی دوستانه دو کشور ادامه دارد و من مطمئنم که روابط ارمنستان و ایران به طور پیوسته تقویت و توسعه خواهد یافت.

*** کره شمالی**

کیم جونگ اون رهبر کره شمالی با ارسال پیامی به حسن روحانی، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران را تبریک گفت. خبرگزاری رسمی کره شمالی از پیام تبریک کیم جونگ اون رهبر کره شمالی به حسن روحانی رئیس جمهوری ایران به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خبر داد. کیم جونگ اون رهبر کره شمالی از طریق ری سون گون وزیر خارجه جدید این کشور این پیام تبریک را به رئیس جمهور و محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران ارسال کرده است.

*** بوسنی و هرزگوین**

همچنین مراسم بزرگداشت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با حضور گسترده شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و سفرا و روسای نمایندگی‌های خارجی مقیم بوسنی و هرزگوین در سارایوو برگزار شد.در این مراسم، «شفیق جعفروویچ» عضو مسلمان شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزگوین، «حسین افندی کاوازوویچ» رئیس العلماء و رئیس جامعه اسلامی بوسنی، «باقر عزت بگوویچ» رهبر حزب اقدام دموکراتیک و نائب رئیس پارلمان اقوام، «صفت پوجیچ» وزیر دفاع، «والنتین اینسکو» نماینده عالی جامعه بین‌الملل، ژنرال «رینهاد تریشارد» فرمانده نیروهای نظامی اتحادیه اروپا در بوسنی، سه تن از معاونان وزیر خارجه بوسنی و هرزگوین، مدیرکل تشریفات و همچنین تعدادی دیگر از دیپلمات‌های ارشد این وزارتخانه و جمعی از اساتید دانشگاه سارایوو روز ملی ایران را به سفیر جمهوری اسلامی ایران تبریک گفتند.

*** کوبا**

سفارت کوبا در ایران نیز به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اطلاعیه ای مطبوعاتی تاکید کرد که پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت الله روح الله خمینی(ره) غرور و عزت این ملت بزرگ را تقویت کرد و به سالها سوءاستفاده قدرتهای خارجی پایان داد. در متن این اطلاعیه آمده است: بیش از چهار دهه، ایران به عنوان نمونه ای از مبارزات ضد امپریالیستی شکل گرفت و در دفاع از استقلال و آزادی خود، با تجاوزهای مداوم و فشارهای بیرونی روبرو شد و استحکام و موفقیت خود را در غلبه بر سناریوهای دشوار و پیچیده به نمایش گذاشت. ایران با دستاوردهای جدید و چالش‌های بزرگی که در پیش رو دارد به استقبال این سالگرد رفت که ما اطمینان داریم از همه چالش‌ها پیروزمندانه خارج خواهد شد. به همین مناسبت، سفارت جمهوری کوبادر تهران صمیمانه‌ترین وگرمترین ترین تبریک‌های خود را به دولت ، مسئولان و مردم کشور برادر، ایران در چنین بزرگداشت مهمی ابراز می دارد.

*** دیگر کشورها**

تعدادی دیگر از سران کشورهای مختلف جهان در پیام‌های جداگانه‌ای، چهلمین و یکمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی را تبریک گفتند. جمعی از سران کشورهای مختلف جهان در پیام‌های جداگانه به حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی رییس جمهوری، چهل و یکمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی را به دولت و ملت شریف ایران تبریک گفتند. پادشاهان کشورهای بلژیک و اسپانیا، نخست وزیران کشورهای عراق و تایلند، فرماندار کل استرالیا و روسای جمهوری کشورهای فیلیپین، قزاقستان، قرقیزستان، الجزایر، تونس، آلمان، کرواسی، روسیه، چین، ایتالیا، افغانستان، لبنان و تاجیکستان این پیام‌های تبریک را صادر کردند.

*** آژانس بین المللی انرژی اتمی**

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم با حضور در مراسم دیپلماتیک روز ملی کشورمان در اقامتگاه سفیر جمهوری اسلامی ایران در وین، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت. «رافائل گروسی» در مراسم دیپلماتیک روز ملی کشورمان در اقامتگاه سفیر جمهوری اسلامی ایران در وین حضور یافت و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را به علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی که در وین به سر می برد و سایر دیپلمات‌های سفارت کشورمان تبریک گفت.

*** موضع رسانه‌ها**

خبرگزاری فرانسه با اشاره به راهپیمایی گسترده مردم ایران در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، نوشت که این حضور انبوه نمایش اتحاد ایرانی‌ها همزمان با تشدید تنش با آمریکا بود. خبرگزاری فرانسه مانند بسیاری دیگر از رسانه‌های جهان به پوشش مراسم راهپیمایی سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی پرداخت و نوشت که این راهپیمایی جلوه اتحاد ایرانی‌ها در برابر آمریکا بود. این خبرگزاری نوشت: هزاران نفر از ایرانی‌ها روز سه‌شنبه در نمایشی از اتحاد، همزمان با تنش‌های اوج‌گرفته با ایالات متحده، برای گرامیداشت چهل و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی تجمع کردند و حاضران در این راهپیمایی تصاویر امام خمینی (ره)، پرچم‌های ایران و دست‌نوشته‌هایی با شعار «مرگ بر آمریکا» و «تا آخر ایستاده‌ایم» به دست داشتند. خبرگزاری رویترز هم در گزارش خود درباره راهپیمایی ۲۲ بهمن در ایران به رغم تنش‌های این کشور با آمریکا، شعارهای مرگ بر آمریکا و اسرائیل و همچنین تصاویر موشک‌های ایرانی را برجسته کرد. این رسانه انگلیسی نوشت: به رغم تشدید تنش‌ها با ایالات متحده، ده‌ها هزار ایرانی در خیابان‌های تهران و دیگر شهرها حضور یافتند تا چهل و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی را جشن بگیرند. رویترز در این گزارش به راهپیمایی مردم در تهران، مشهد، اهواز، کرمان و برخی دیگر از شهرها اشاره و شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» و پلاکاردهای آنها را برجسته کرد. خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس هم در واکنش به حضور پر شور مردم ایران در راهپیمایی ۲۲بهمن نوشت: ایرانی‌ها سالگرد انقلاب اسلامی ۱۹۷۹را گرامی داشتند. آسوشیتدپرس نوشت: همزمان با تشدید تنش‌ها میان آمریکا و ایران، ایرانی‌ها در سراسر کشور به خیابان آمده و پیروزی انقلاب را جشن گرفتند. در گزارش این رسانه آمریکایی آمده است: ایرانی‌ها روز سه‌شنبه با حضور در خیابان‌های تهران و دیگر شهرها در سراسر این کشور، تجمعات و جشن‌های سراسری به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی برگزار کردند و مراسم‌های سالگرد امسال، در بحبوحه تنش‌های بی‌سابقه بین تهران و واشنگتن برگزار شد.

از سویی رسانه روسی راشا تودی نیز در گزارشی درباره راهپیمایی ۲۲بهمن در ایران نوشت: برف سنگین هم ایرانی‌ها را از گرامی داشتن سالگرد انقلاب اسلامی‌شان باز نداشت. شبکه «راشا تودی» با انتشار یک گزارش در سایت اینترنتی خود به حضور پرشور مردم ایران در راهپیمایی ۲۲بهمن به رغم سرمای هوا و بارش شدید برف در برخی نقاط کشور اشاره کرد و نوشت: جمعیت انبوه در مناطق مختلف سراسر ایران به خیابان‌ها آمدند تا چهل و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی را گرامی بدارند و مردم در برخی از مناطق به رغم بارش برف سنگین و بدون واهمه از هوای سرد با در دست داشتن چتر در راهپیمایی حضور یافتند. خبرگزاری چینی «شینهوا»هم گزارش داد که مردم ایران با در دست داشتن تصاویر آیت‌الله خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای و سپهبد شهید قاسم سلیمانی چهل و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی را جشن گرفتند. در گزارش این رسانه دولتی چین آمده است: صدها هزار نفر از ایرانی‌ها در راهپیمایی سراسری روز سه‌شنبه به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی حاضر شدند. شینهوا درباره این راهپیمایی نوشت: «مردم ایران در شهرهای مختلف در خیابان‌ها حضور یافتند و شعارهای ضدآمریکایی و ضداسرائیلی سردادند و شرکت‌کنندگان، پرچم‌های آمریکا و اسرائیل را آتش زدند. در ادامه گزارش آمده است: شرکت‌کنندگان تصاویر آیت‌الله روح‌الله خمینی بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی، آیت‌الله علی خامنه‌ای جانشین او و رهبر معظم کنونی را به همراه تصاویر شهید قاسم سلیمانی در دست داشتند. شبکه خبری المیادین هم به حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن در شرایط برفی واکنش نشان داد. المیادین در گزارش خود گفت: مردم ایران از بزرگ و کوچک، سالخورده و جوان در این راهپیمایی حضور داشتند و زیر بارش شدید برف در خیابان‌ها حاضر شدند و همین حضور با این وضعیت، نشان دهنده دروغ کسانی است که می‌گویند، مردم ایران را بالاجبار به این مراسم‌ها می‌آورند. یک روزنامه عربی فرامنطقه‌ای نیز تظاهرات مردم ایران به مناسبت یوم الله ۲۲ بهمن را بسیار گسترده توصیف و تصاویری از این تظاهرات منتشر کرد. «القدس العربی» در وبسایت خود گزارش داد که راهپیمایی‌های گسترده‌ای به مناسبت چهل و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران در گوشه و کنار ایران برگزار شد.

این روزنامه افزود که این راهپیمایی‌های گسترده در وضعیتی صورت گرفت که ایران با وضع اقتصادی دشوار و فشارهای خارجی روزافزون مواجه است. القدس العربی در عین حال اذعان کرد که این مشارکت گسترده، علیرغم موج سرمای بسیار شدیدی بود که ایران شاهد آن است. یک رسانه لبنانی هم اعلام کرد، علیرغم سرما و بارش برف در برخی استان‌های ایران، میلیون‌ها ایرانی در راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب شرکت کردند و شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل» سر دادند. «العهد» اعلام کرد، در چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران راهپیمایی‌های گسترده‌ای در استان‌های مختلف ایران آغاز شد. العهد افزود: علیرغم سرمای هوا و بارش برف در برخی استان‌ها، میلیون‌ها ایرانی به میدان‌ها و خیابان‌ها آمدند تا در راهپیمایی‌های پیروزی انقلاب شرکت کنند و راهپیمایی‌های امسال همزمان با چهلم شهید قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه و همرزمانش بود. در چنین شرایطی شبکه صهیونیستی «آی ۲۴» در گزارش خود در مورد راهپیمایی سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، اذعان کرد که جمعیت انبوهی از مردم در این مراسم حضور داشتند.



برش کیک مزین به پرچم ایران توسط نیچروان بارزانی در اربیل

مراسم چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و چهلمین روز شهادت سردار شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس از سوی سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در اربیل برگزار شد. در این مراسم «نصرالله رشنودی» سرکنسول ایران در اربیل، «نیچروان بارزانی» رئیس اقلیم کردستان عراق، نماینده مسعود بارزانی، «هوشیار زیباری» وزیر خارجه پیشین عراق، نماینده نخست وزیر و نمایندگان پارلمان اقلیم کردستان و هیأت‌های بلندپایه اتحادیه میهنی، گوران، سوسیالیست، جماعت اسلامی، حرکت اسلامی و سایر احزاب، فرماندهان نظامی و انتظامی و روسای دانشگاه‌ها، دیپلمات‌های خارجی مقیم، علما، شیوخ، استانداران، تجار و بازرگانان حضور داشتند و کیک مزین به پرچم ایران توسط نیچروان بارزانی برش داده شد.

شمار مصدومان آمریکا در حمله موشکی ایران به ۱۰۹ تن رسید

سرویس خارجی : روند تدریجی و قطره چکانی اعلام افزایش شمار تلفات حمله سنگین موشکی کشورمان به پایگاه راهبردی «عین الاسد» آمریکا در «الانبار» عراق همچنان توسط مقامات واشنگتن ادامه دارد و این بار وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) این آمار را به ۱۰۹ تن رساند ؛ امری که بار دیگر ترامپ را مقابل خبرنگاران رسوا کرد و وی را واداشت تا در ادامه لاپوشانی‌های خود ، به دروغ مدعی « بی اطلاعی » از آمار نهایی زخمی‌های این حمله شود.

وزارت دفاع آمریکا در همین رابطه طی بیانیه ای اعلام کرد که در حمله موشکی ماه ژانویه ایران به پایگاه نظامی «عین‌الاسد» آمریکا در عراق، ۱۰۹ نظامی آمریکایی دچار آسیب مغزی شده‌اند.در بیانیه «پنتاگون» آمده است: تا کنون ۱۰۹ نظامی با آسیب مغزی «تروماتیک» شناسایی شده‌اند که نسبت به گزارش قبلی ۴۵ نفر افزایش داشته است.بر اساس این بیانیه، ۷۶ نفر از آنها در حال حاضر به محل وظیفه خود بازگشته‌اند که ۷۵ نفر آنها در عراق درمان شده و یک نفر پس از انتقال به آلمان و طی مراحل درمان به محل وظیفه خود در عراق بازگشته است.در بیانیه وزارت دفاع آمریکا آمده است: همچنین در مجموع ۲۷ نفر از نظامیان آمریکایی برای طی مراحل درمانی به آلمان منتقل شدند که افزایش شش نفری را در مقایسه با گزارش قبلی نشان می‌دهد و ۲۱ نفر از آنها نیز برای تکمیل درمان به آمریکا منتقل شده‌اند. لازم به ذکر است که آسیب مغزی «تروماتیک» به آسیب دیدن مغز به دلیل یک نیروی قوی خارجی گفته می‌شود که می‌تواند به اختلال موقت یا دائم عملکرهای جسمی، روانی و شناختی فرد منجر شود.ساعتی بعد از بیانیه «پنتاگون»، رئیس‌جمهوری آمریکا مقابل خبرنگاران قرار گرفت و برای فرار از اتهام دروغ پردازی و لاپوشانی کردن موضوع، اعلام کرد که از این آمار جدید «بی‌اطلاع » بوده است!

وی خطاب به خبرنگاران گفت : جنگ با ایران نزدیک‌تر از تصور شما بود.در چنین شرایطی، بغداد و ۱۴ استان دیگر عراق شاهد برگزاری مراسم باشکوه چهلمین روز شهادت حاج «قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» و سایر همرزمانشان بودند. در این حال، «فالح الفیاظ»، رئیس الحشد الشعبی عراق در سخنانی با تاکید بر پایبندی این سازمان به رهنمودهای آیت‌الله‌العظمی سیستانی گفت: ترور سپهبد سلیمانی توسط آمریکا به منزله تاسیس دوباره الحشد الشعبی بود. وی این اقدام را «جنایت» و «نقض آشکار حاکمیت عراق» خواند. همزمان، «الکساندر زاسپکین» سفیر روسیه در لبنان نیز طی سخنانی ترور سپهبد سلیمانی و ابومهندس را جنایتی ضدانسانی خواند و گفت : این اقدام به آغاز روند اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه منجر شده است.

در خبر دیگری مقتدا صدر رهبر جریان صدر عراق ضمن انحلال نیروهای تحت امر خود موسوم به کلاه آبی‌ها نخست‌وزیر جدید را به عدم حمایت تهدید کرد.



ظریف: آماده میانجیگری بین ترکیه و سوریه هستیم

سرویس خارجی: وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی تأکید کرد که تهران آماده است برای تسهیل گفت‌وگو میان ترکیه و سوریه تلاش کند.

«محمدجواد ظریف» گفت: ایران بر آمادگی خود برای تسهیل گفت‌وگو میان همسایگان برادر خود، ترکیه و سوریه، تأکید می‌کند. وی افزود: تشدید تنش فقط منافع تروریست‌ها و حامیان آنها را تأمین می‌کند و اجتناب از خونریزی و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی ضروری است. اظهارات ظریف پس از آن بیان شد که دولت ترکیه در واکنش به پیشروی ارتش سوریه در مناطق تحت کنترل تروریست‌ها در منطقه «ادلب»، نیروهای نظامی خود را به این منطقه اعزام و دمشق را به اقدام نظامی تهدید کرد. دولت سوریه تأکید کرده است که اجازه نمی‌دهد اراضی این کشور تحت کنترل گروه‌های تروریستی از جمله جبهه النصره باقی بماند. در این حال معاون وزیر خارجه سوریه اعلام کرد، حضور ترکیه در سوریه مانند هر نیروی خارجی دیگری بدون موافقت دولت این کشور غیرقانونی است. ایمن سوسان، معاون وزیر خارجه سوریه گفت، حضور ترکیه در سوریه غیرقانونی است و وظیفه کشورش این است که به هرگونه حضور غیرقانونی خارجی پایان دهد. وی افزود: وظیفه ما حفاظت از حاکمیت کشورمان و پایان دادن به هرگونه حضور خارجی غیرقانونی است. ترکیه از زمان آغاز جنگ به سوریه حمله کرده و به اشکال مختلف حامی اصلی تروریسم بوده است. سوسان ادامه داد، اگر رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه انتخاب کرده که حامی تروریست‌ها باشد باید مسئولیت آن را هم برعهده بگیرد.

وزارت دفاع ترکیه روز دوشنبه این هفته از کشته شدن پنج سرباز ترکیه‌ای و زخمی شدن پنج تن دیگر در جریان حملات ارتش سوریه به فرودگاه تفتناز در حومه ادلب خبر داد. خبرگزاری رویترز نیز به نقل از مسؤولان ترکیه‌ای اعلام کرد، ارتش سوریه به یکی از پایگاه‌های ترکیه در تفتناز واقع در شمال سوریه حمله کرد و ترکیه نیز به این حمله پاسخ داد. در چنین شرایطی معاون وزیر خارجه سوریه با تأکید بر پاسخ حتمی دمشق به تجاوزات رژیم صهیونیستی، تأکید کرد که در زمان مناسب، پاسخ این حملات را خواهد داد.

امارات نیروهایش را از یمن خارج کرد

سرویس خارجی : امارات عربی متحده اعلام کرد که نیروهایش را از یمن خارج کرده و دیگر به طور مستقیم وارد جنگ یمن نخواهند شد اما همچنان از عربستان حمایت می کند.

پایگاه نظامی «زاید» در ابوظبی شاهد رژه نیروهای اماراتی بازگشته از یمن بود و سرلشکر «عیسی المزروعی» نائب رئیس ستاد مشترک ارتش امارات و فرمانده نیروهای اماراتی در یمن از تغییر استراتژی این نیروها در این کشور خبر داد. به نوشته خبرگزاری رسمی امارات (وام) در این رژه تمامی امرای هفت امارت نشین حضور داشتند و «محمد بن زاید» ولی‌عهد امارات با تعریف و تمجید از نیروهای نظامی این کشور مدعی شد که نیروهای مسلح ما هرجایی که پا گذاشتند ، امید را در آنجا تثبیت کردند و عامل خیر شدند(!). در این مراسم رژه، سرلشکر «عیسی المزروعی»، فرمانده نیروهای اماراتی در یمن گزارشی از حضور پنج ساله این نیروها در یمن را ارائه داد و مدعی شد که شمار کشته‌های نیروهای اماراتی در طول این سال‌ها ۱۰۸تن بوده است.او افزود: پس از پنج سال از آغاز عملیات توفان قاطعیت ، استراتژی حضور مستقیم که با حرفه‌ای‌گری عالی صورت گرفت، به راهبرد حضور غیر مستقیم تبدیل شده است که امروزه به دست نیروهای یمنی اجرا می‌شود؛ نیروهایی که سازماندهی و آموزش و تجهیز شده‌اند و لازم است تا بقایای خاک یمن را آزاد کنند. به گفته وی، تمامی نیروهای اماراتی حاضر در یمن، به کشورشان بازگشته اند.

شمخانی: حادثه هواپیمای اوکراینی نباید به جنجال سیاسی مبدل شود

دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: حادثه تلخ هواپیمای اوکراینی به دلیل اشتباه انسانی موردی پدید آمده بود و نباید اجازه دهیم که با دخالت عناصر مغرض به جنجال سیاسی مبدل شود.

به گزارش دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، دریابان علی شمخانی در گفتگوی تلفنی با «الکسی دانیلوف» دبیر شورای امنیت ملی اوکراین با تسلیت کشته‌شدن تعدادی از اتباع کشور اوکراین در سانحه سقوط هواپیمای این کشور در تهران با خانواده قربانیان این حادثه ابراز همدردی کرد.دبیر شورای عالی امنیت ملی با تاکید بر اراده ایران برای همکاری کامل با طرف‌های ذیربط در این حادثه خاطرنشان کرد: با هماهنگی نزدیکی که از ابتدای وقوع حادثه میان دو کشور برقرار شد کارشناسان اوکراینی نخستین گروهی بودند که به ایران وارد شدند و بدون هیچ محدودیتی با تامین دسترسی‌های مورد نیاز، بررسی‌های فنی و میدانی را آغاز کردند. شمخانی با اشاره به ضرورت تداوم تلاش دو کشور برای جلوگیری از اعمال اراده طرف‌های دیگر و ایجاد سوء تفاهم در روند بررسی‌های فنی و کارشناسی گفت: این حادثه تلخ به دلیل اشتباه انسانی موردی پدید آمده و نباید اجازه دهیم که با دخالت عناصر مغرض به جنجال سیاسی مبدل شود.

دبیر شورای عالی امنیت ملی با دعوت از همتای اوکراینی خود برای سفر به تهران و بررسی مشترک این رخداد از سوی نهادهای امنیت ملی دو کشور اظهار داشت: دستیابی به ارزیابی فنی مورد توافق می‌تواند به تعیین تکلیف این پرونده در فضایی کارشناسی و غیر سیاسی کمک شایانی کند.

دانیلوف دبیر شورای امنیت ملی اوکراین هم در این گفتگو با تسلیت متقابل و همدردی با رهبری، رئیس جمهوری، ملت ایران و خانواده‌هایی که عزیزانشان را در این حادثه از دست داده‌اند، اظهار داشت: از همکاری و میزبانی موثر ایران برای بررسی کارشناسی ابعاد این حادثه صمیمانه سپاسگزارم. وی با تاکید بر ضرورت تسریع در روشن شدن ابعاد و دلایل حادثه که می‌تواند از دخالت طرف‌های دیگر جلوگیری کند، افزود: لازم است ضمن تداوم همکاری مشترک، روش‌های تسریع در اعلام نتیجه نهایی و خاتمه پرونده را شناسایی و پیگیری کنیم.

ترامپ: اتحادیه اروپا تهدیدی علیه آمریکاست

سرویس خارجی: رئیس جمهوری آمریکا در سخنرانی خود در جمع فرماندهان آمریکایی در کاخ سفید اعلام کرد: اتحادیه اروپا تهدیدی بسیار بد علیه کشورش است.ترامپ اظهارداشت: یکی از دلایل اولیه تشکیل اتحادیه اروپا این بوده است که کشورهای عضو آن بتوانند از آمریکا انتقاد کنند و به آن بتازند! ترامپ درباره سازمان ناتو هم مدعی شد که پیش از ریاست جمهوری او این ائتلاف در حال سقوط بود وپس از روی کار آمدنم ومتقاعد کردن دیگر کشورهای عضو برای مشارکت مالی بیشتر، ناتو را از آن وضعیت نجات دادم. رئیس جمهوری آمریکا با بیان این که این کشور "قدرتمندترین نیروی هسته‌ای جهان" را ایجاد خواهد کرد،گفت:اکنون روسیه و چین همزمان با یکدیگر خواستار مذاکره با ما برای متوقف کردن هزینه میلیاردها دلار برای تسلیحات هسته‌ای هستند. ترامپ همچنین در حالی از بودجه پیشنهادی ۴٫۸ تریلیون دلاری خود برای سال ۲۰۲۱ رونمایی کرد که درآن پیشنهاد داده که بودجه مقابله با روسیه و چین افزایش یابد.

از طرفی وزارت خارجه چین پس از این که وزارت دادگستری آمریکا چند نظامی چینی را به سرقت اطلاعات آمریکایی‌ها متهم کرد، با رد این اتهامات تأکید کرد: پکن خود قربانی سرقت و حملات سایبری آمریکاست.ازسویی،وزارت امور خارجه آمریکا با فروش سامانه سپر دفاع موشکی (IADWS) به ارزش یک میلیارد و ۸۷۰ میلیون دلار به هند موافقت کرد.

حمله انتحاری به دانشگاه نظامی کابل با ۶ کشته و ۱۲ زخمی

سرویس خارجی: حمله انتحاری به دانشگاه نظامی «مارشال فهیم» درمنطقه پنجم امنیتی کابل منجر به کشته شدن شش تن و زخمی شدن ۱۲ نفر دیگر شد. رسانه‌های افغانستان گزارش دادند:یک مهاجم انتحاری، خودرو اساتید دانشگاه نظامی مارشال فهیم را در ورودی این دانشگاه هدف انفجار قرار داد که بر اثر آن شماری کشته و زخمی شدند.«نصرت رحیمی» سخنگوی وزارت کشور افغانستان نیز گفت: بر اثر این انفجار انتحاری در ورودی دانشگاه نظامی مارشال فهیم ،دو غیرنظامی و چهار سرباز ارتش افغانستان کشته و ۱۲ تن از جمله پنج غیرنظامی نیز زخمی شدند. این درحالی است که وزارت دفاع افغانستان از کشته شدن یک مقام طالبان به نام «محمد گل» مشهور به ابوبکر در ولایت بلخ خبر داد. در چنین شرایطی،بر اساس گزارش رسمی منتشر شده از سوی ایالات متحده آمریکا تنها در جریان عملیات بازسازی و ایجاد ثبات در افغانستان از سال ۲۰۰۲ تاکنون بیش از ۲۲۰۰ تن کشته و ۲۹۰۰ تن زخمی شده‌اند.ازسویی پایگاه خبری «واشنگتن اگزماینر» با اشاره به کشته‌شدن نظامیان ایالات متحده در افغانستان در گزارشی انتقادی نوشت: آمریکا در افغانستان همچون حیوان چهارپایی است که در یک «گردونه» برای رسیدن به «هیچ» می‌دود و همچنان به اشغال نظامی «شکست خورده» خود در خاک افغانستان ادامه می‌دهد.

کوتاه از سراسر جهان

سندرز: بهترین راه تعامل با ایران، دیپلماسی است



ایرنا: برنی سندرز سناتور ایالت ورمونت و نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ با ابراز نگرانی از احتمال تشدید تنش‌ها در روابط واشنگتن- تهران، خواستار کمک به آرامش و استفاده از رویکرد دیپلماسی با ایران شد. سندرز گفت، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا می‌تواند ما را به سمت جنگی دائمی و بی پایان در خاورمیانه سوق دهد بنابراین سنا باید قانون ممنوعیت جنگ با ایران را تصویب کند. وی درباره احتمال تشدید تنش بین ایران و آمریکا به شدت ابراز نگرانی کرد و گفت: گمان می کنم افرادی در دولت ترامپ به دنبال جنگ با ایران هستند، همین طور گمان می کنم افرادی هم در ایران هستند که به دنبال چنین جنگی هستند. وی افزود: فکر می کنم اگر جنگی با ایران در بگیرد، یک فاجعه به تمام معنا برای آمریکا، ایران، منطقه و جهان خواهد بود و معتقدم کاری که باید انجام دهیم این است که اوضاع را آرام کنیم. این سیاستمدار آمریکایی افزود: وظیفه ما این نیست که حامی عربستان سعودی به عنوان رژیم مستبد و قاتل باشیم بلکه وظیفه ما این است که عربستان سعودی و ایران را به یکدیگر نزدیک کنیم و به جای کمک به تشدید تنش‌ها، آن را کاهش دهیم.

تنش در لبنان در روز رأی اعتماد به دولت

فارس: همزمان با آغاز جلسه پارلمان لبنان برای اعطای رأی اعتماد به دولت، تعدادی از معترضان تلاش کردند جلوی ورود نمایندگان به ساختمان پارلمان را به شیوه‌های مختلف بگیرند. برخی معترضان در اطراف پارلمان به کاروان حامل «سلیم سعاده» حمله کردند و این نماینده لبنانی بر اثر ضرب و شتم معترضان به شکستگی دچار و به بیمارستان منتقل شد. معترضان همچنین به سمت خودروی «دمیانوس قطار» وزیر محیط زیست در نزدیکی پارلمان تخم‌مرغ پرتاب و تلاش کردند جلوی وی را بگیرند.

رئیس جمهوری فیلیپین به توافق نظامی ۲۰ ساله با آمریکا پایان داد



تسنیم: رئیس جمهوری فیلیپین با ارسال یادداشتی رسمی به دولت آمریکا توافق نظامی ۲۰ ساله با واشنگتن را پایان داد. رودریگو دوترته، به این توافق نظامی که اصطلاحا "توافق بازدید نیروهای نظامی" خوانده می شد پایان داد. بر اساس اعلام رسانه‌های فیلیپینی یادداشت مذکور به معاون سفیر آمریکا در مانیل تحویل داده شد. دوترته شخصا خواستار ارسال یادداشت رسمی فوق به آمریکا شده بود.

۳۰ کشته در حمله عناصر تروریستی بوکوحرام در نیجریه

ابنا: تروریست‌های بوکوحرام با حمله به یک منطقه در شمال شرقی نیجریه ۳۰نفر را کشتند و تعدادی را نیز به گروگان گرفتند.مقام‌های نیجریه از حمله مرگبار تروریست‌های بوکو حرام در ایالت «بورنو» خبر دادند و کشته شدن ۳۰نفر در حمله گروه تروریستی بوکو حرام به منطقه آئونو در ایالت بورنو را تایید کردند.این حمله به یک ایست بازرسی ارتش نیجریه انجام شد.

پاکستان فرار سخنگوی تحریک طالبان از زندان را تایید کرد

ایسنا: مقامات امنیتی پاکستان فرار «احسان الله احسان» سخنگوی سابق گروه تحریک طالبان پاکستان از زندان را تایید کردند. یک مقام ارشد امنیتی پاکستان اعلام کرد: در یک اتفاق جنجالی احسان الله احسان که بیش از دو سال پیش خودش را به مقامات امنیتی تسلیم کرده بود از بازداشتگاه خود فرار کرده است.وی گفت:احسان الله احسان یکی از دارایی‌های مهم ما در راستای شناسایی و رهگیری شبه نظامیان به حساب می آید.وی نتوانست ادعاها درباره این که احسان در ترکیه است را تایید کند یا جزئیاتی درباره این که چطور او فرار کرده ارائه دهد.این در حالی است که چند روز پیش احسان الله احسان، سخنگوی سابق گروه موسوم به "تحریک طالبان پاکستان" با انتشار پیامی صوتی مدعی شد که از زندان محل بازداشتش فرار کرده و هم اکنون در ترکیه به سر می‌برد.

استعفای گزینه جانشینی صدراعظم آلمان



فارس: رهبر حزب دموکراتیک مسیحی آلمان و گزینه جانشینی صدراعظم این کشور، در پی انتقاداتی که از عملکرد این حزب در یک انتخابات محلی شده بود، استعفا می‌دهد. «آنه‌گرت کرامپ کارن باوئر» که به‌عنوان جانشین آینده آنگلا مرکل صدراعظم آلمان شناخته می‌شد گفت، قصد دارد از رهبری حزب محافظه‌کار «اتحادیه دموکراتیک مسیحی» آلمان استعفا دهد.

یورش ارتش السالوادور با ادوات سنگین نظامی به پارلمان

ایسنا: نیروهای پلیس و ارتش السالوادور با تجهیزات و ادوات سنگین نظامی به زور وارد پارلمان این کشور شدند، تا مجلس با بودجه ۱۰۹میلیون دلاری برای خرید تجهیزات مناسب‌تر برای نیروهای نظامی موافقت کند. آنها زمانی وارد ساختمان پارلمان شدند که نجیب ابوکیله، رئیس جمهوری السالوادور می‌خواست برای نمایندگان پارلمان سخنرانی کند و به آنان هفت روز فرصت داد تا با این وام موافقت کنند.

ترامپ دیدار با رهبر کره شمالی را به بعد از انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا موکول کرد

ایرنا: رئیس جمهوری آمریکا هرگونه دیدار خود با رهبر کره شمالی در راستای مذاکرات هسته ای را به بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ کشورش موکول کرد. در همین رابطه،شبکه خبری سی‌ان‌ان به نقل از دو منبع آگاه در گزارشی اعلام کرد: ترامپ به مشاورانش گفته قصد ندارد تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر سال ۲۰۲۰ (آذر ۱۳۹۹) با کیم جونگ اون رهبر کره شمالی دیدار کند.به گفته «سی‌ان‌ان»، یک مقام دولت واشنگتن مذاکره با پیونگ یانگ را «مرده» توصیف کرد و افزود: آمریکا صدور مجوز برای مقام‌های این کشور در راستای سفر به کره شمالی به خاطر پیگیری مذاکرات را متوقف کرده است.همچنین یک مقام دیگر دولت آمریکا نیز در این زمینه گفت: اکنون تمایل بسیار کمی بین نزدیکان به دونالد ترامپ برای پیگیری مذاکره با رهبرکره شمالی قبل از انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری وجود دارد.

بری: لبنان نیازمند کمک صندوق بین‌المللی پول است



ایسنا: رئیس پارلمان لبنان بر نیاز این کشور به کمک صندوق بین‌المللی پول برای تدوین طرح نجات اقتصادی تاکید کرد. نبیه بری گفت: تصمیم‌گیری برای بازپرداخت اوراق قرضه بین‌المللی در مارس آتی نیازمند مشورت با صندوق بین‌المللی پول است. بری تاکید کرد: البته لبنان نمی‌تواند همه کار خود را به صندوق بین المللی پول بسپارد زیرا کشور هرگز توان تحمل این شروط را نخواهد داشت.

شکایت ونزوئلا از آمریکا به دیوان کیفری بین‌المللی

ایسنا: دولت ونزوئلا قصد دارد از ایالات متحده به دلیل تحریم‌های یکجانبه که آسیب‌های اقتصادی به بار آورده است، به دیوان کیفری بین‌المللی شکایت کند. نیکولاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا به دلسی رودریگز معاون اجرایی، خورخه آریزا وزیر خارجه و رینالدو مونوز دادستان کل کشور دستور داده هر چه سریعتر شکایتی را علیه دولت واشنگتن به دلیل لطمه زدن به کمپانی‌های ملی ونزوئلا تنظیم کنند.

پیروزی حزب «الهام علی اف» در انتخابات مجلس جمهوری آذربایجان



فارس: نتیجه اولیه انتخابات زودهنگام مجلس ملی جمهوری آذربایجان که درصد مشارکت آن حدود ۴۸ درصد بوده، نشان می‌دهد حزب حاکم این کشور حائز اکثریت کرسی‌ها شده است. نتایج اولیه، از پیشتازی حزب حاکم "آذربایجان نوین" به رهبری الهام علی اف رئیس‌جمهوری این کشور حکایت دارد. کمیسیون انتخابات جمهوری آذربایجان نتایج اولیه انتخابات زودرس مجلس ملی را اعلام کرد اما به تعلق حزبی نامزدهای پیروز اشاره نکرد. نظرسنجی‌های سر صندوق آرای ششمین انتخابات پارلمانی جمهوری آذربایجان نشان می‌داد، حزب حاکم «آذربایجان نوین» به رهبری الهام علی‌اف اکثریت کرسی‌ها را کسب کرده است.

سودان: «عمر البشیر» را تحویل دادگاه «لاهه» می دهیم

سرویس خارجی: شورای حاکمیتی سودان اعلام کرد که «عمر البشیر» و دیگر افراد تحت تعقیب به دادگاه کیفری بین‌المللی «لاهه» تحویل داده خواهند شد. «محمد حسن التعایشی» عضو شورای حاکمیتی سودان و نماینده دولت این کشور در مذاکرات «جوبا» گفت : طبق آخرین توافقات قرار بر این شده است تا «عمر البشیر» و دیگر افراد تحت تعقیب، به دیوان کیفری بین‌المللی «لاهه» تحویل داده شوند.به نوشته وبگاه سودانی البشایر، او افزود: در پی مذاکرات دولت سودان با ائتلاف «الجبهه الثوریه السودانیه» که از مدت‌ها پیش در جریان بود؛ طرفین بر تحویل «عمر البشیر» و چند تن دیگر از افراد دولت سابق به دیوان بین‌المللی کیفری توافق کردند.در خبر دیگری از آفریقا، حمله تروریست‌های داعش به نیروهای امنیتی مصر در شمال شبه‌جزیره «سینا»، هشت کشته و چندین زخمی بر جا گذاشت. داعش در بیانیه‌ای، مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت.



علم جدید
و فرهنگ سنتی
۲



یادی از
جهان پهلوان تختی
۶



تاریخ نگاری
از چشم اسناد
۷

۴۳۴

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۹۸



اگر راه مسالمت آمیز نبود اعلام جهاد میکنم

امام: اعضای شورای انقلاب تعیین شدند

روز شمار انقلاب

اطلاعات

ضمیمه اطلاعات

دولت را بزودی معرفی می کنم

برای جهاد میتوانیم اسلحه تهیه کنیم

دولت فعلی فاسد و غیر قانونی است و باید کنار برود

• با ارتش در تماس بوده و اگر مقتضی بود باز هم تماس میگیریم

صفحه ۲

صف یک کیلومتری در اطراف منزل امام

در صفحه ۲

حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی در اولین مصاحبه

متن کامل سخنان امام خمینی در بهشت زهرا و فرودگاه

★ چون بعلت انتشار سریع روزنامه متن کامل سخن امام به چاپهای اولیه نرسید این متن ها امروز مجددا بصورت کامل در صفحه ۳ چاپ شده است.

شهردار تهران استعفای خود را به امام خمینی تسلیم کرد

★ جواد شهرستانی در استعفانامه خود دولت فعلی را غیر قانونی خواند.

در صفحه ۲

تاریخ و نحوه اعزام مشمولان عادی

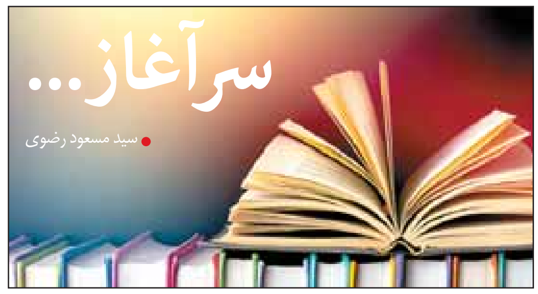
خبرگزاری فرانسه:

یک ژنرال ارتش

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۹۸

سرآغاز...

● سید مسعود رضوی



صدرالمتألهین شیرازی، واپسین «حکیم» و به تعبیری «فیلسوف» ایرانی است که نظریه‌های بدیع و ویژه‌ای برای درک جهان و تفسیر آن بر اساس فاهمه و منطق انسانی ارائه کرد. ابداعات او در تقریر مسائل جهان و تأویل نظریات نیاکان از هر نظر جالب و آموزنده است. او کوشید میان سه راه یا روش مختلف که مهم‌ترین طرق معرفت و سرچشمه‌های ایمان و دانش بشری بودند جمع و اتحادی ایجاد کند تا طریقت و شریعت و حقیقت، از تنازع و آشفتگی به‌سوی وحدت و همبودگی حرکت کنند. آرمان اتحاد و اجتماع میان فلسفه و عرفان و شریعت (فقه و حدیث) در آن زمان اهمیتی خاص داشت و با آنکه دعاوی بسیار در طول تاریخ علوم عقلی و نقلی در این باب مطرح شده بودند، اما هیچگاه این پریشانی به نظم مطلوبی نرسیده بود:

حافظ آن ساعت که این «نظم پریشان» می‌نوشت
طایر فکرش به دام «اشتیاق» افتاده بود

اشتیاق، در شعر خواجهٔ بزرگ شیرازی، به تفسیر مولی شاه محمد دارابی، مفسّر بزرگ اواخر عصر صفوی، همین آرزوی وحدت و انتظام میان طرق بود؛ شامل دین (فقه و تفسیر و حدیث)، علوم عقلی (منطق و فلسفه و کلام) و تصوف (عرفان عاشقانه و زاهدانه)؛ و البته فلسفه در ایران به دو شاخه بزرگ مشایی و اشراقی تقسیم می‌شد و تصوف نیز دو گرایش بزرگ نظری و عملی داشت. فیلسوف بزرگ مشاء ابن‌سینا بود و حکیم بزرگ اشراق، سهروردی است. در عرفان عملی و ذوقی، از احمد غزالی و عین‌القضات و خرقانی، تا عطار و مولانا پیروان ایشان و دیگران، جملگی تحت اثر شعر و زیبایی قرار داشته‌اند و گرایندگان به عرفان نظری یا زاهدانه، از حسن بصری تا ابن عربی و شارحان فصوص و فتوحات در ایران و عراق و سراسر جهان اسلام را در بر گرفته است.

باری، آنچه صدرا با آن روبه‌رو بود، بجز این مسایل، دو گرایش در شریعت هم بود، نخست گرایش اجتهادی و کلامی ـ عقلی و دوم گرایش اخباری یا حدیث گرایی افراطی، که مبنای دعاوی و مدعیات غریبه و عجیبه‌ای بود و مملو از جادو و طب سنتی مبتنی بر کیمیا و غرایب و تجویز اوراد و دخان و ادعیهٔ ناصحیح، موجب انحطاط اذهان و نابودی عقل و نقل اجتهادی و اخبار صحیح هم می‌شد.

صدرا البته میراث عظیم ادبیات صوفیانه و اشعار و استعارات و مفاهیم کنایی را نیز در کنار داشت. با این همه، وقتی به اسفار و مشاعر و حتی دیوان شعر و مکاتیب و دیگر آثار وی نظر می‌کنیم، حقیقتاً باید برایش احترامی ویژه قایل شویم. این احترام اما نباید موجب گذشته‌گرایی و توقف شود، چنان‌که برخی کوته‌بینان درهای حکمت را می‌بندند و سالیان دراز عمر را در یک نحله یا حاشیه بر یک دو اثر تلف می‌کنند. صدرالمتألهین، حاجی ملاهادی سبزواری و حکما و متألهان بزرگ را باید در تفسیر انتقادی و توضیحات امروزی بازشناسیم و اگر بهره‌ای هست، از آثار و آراء ایشان برگیریم.

یکی از نظرات مهم جالب ملاصدرا، نظریهٔ حرکت جوهری است. نظریه‌ای که در عصر و روزگار تقریر آن، یک ایدهٔ انقلابی و بی‌سابقه محسوب می‌شد ولی البته بی‌سابقه نبود. صدرا کیفیت بیان را تعالی داده بود و شیوهٔ استدلال و تحریر و تقریر و آموزش را فرا برده بود. جامع‌الحکمتین، فیلسوف بزرگ عصر ما، استاد دکتر مهدی حائری یزدی معتقد بود که حکمت متعالیه، یعنی همین اعتلای زبانی، زیرا فلسفه گسترش پرسش و توسعه و تکرار مسأله‌های مشترک به زبان‌ها و شیوه‌ها و مفاهیم تازه است. در هر عصری از معرفت و شناخت، از وجود و ماهیت، از کیهان و زمان، از انسان و فاهمه بشری، و از منطق و روش‌های برهان و امثال همین مسائل سخن گفته می‌شود. فیلسوفان بزرگ، بهترین و جامع‌ترین بیان و منظم‌ترین دستگاه فکری را در همین حیطه فراهم می‌آورند.

نظریه انقلابی صدرا، یعنی حرکت جوهری نیز، دلالت بر درک ذات هستی داشت. زمانی دموکریت گفته بود که در یک آب دو مرتبه نمی‌توان پانهاد. رودخانه همیشه جاری است و هر شناگری تجربه نامکرری را پدید می‌آورد. ملاصدرا نیز همین دیدگاه را داشت که جهان و چیزها، در حال شدن است و هیچ لحظه‌ای مانند قبل نیست: هر نفس نو می‌شود دنیا و ما ـ بی‌خبر از نو شدن اندر بقا! مولانا جلال‌الدین نیز قایل به همین نظر بود و مبانی دیالکتیک فردریش هگل، فیلسوف بزرگ آلمانی نیز تضارب میان ضدین (تزو آنتی‌تز) برای حصول به مرتبه‌ای عالی‌تر و فراتر در سنتز یا نوشدگی بوده است. سال‌ها پیش استاد متفکر و خطیب بی‌مانند، حسینعلی راشد، با توجه به اهمیت موضوع، کتابی امروزین و سهل و ممتنع نوشت به نام «دو متفکر شرق و غرب»؛ این دو متفکر عبارت بودند از ملاصدرا و آلبرت انیشتین. نظریه نسبیت و انرژی به مثابه ذات هستی، بیانگر تحول مداوم و بی‌پایان جهان بوده و فیزیک نظری جدید، چه در انگاره فیزیک ذرات ماکس پلانگ و چه در نسبیت انیشتین، حرکت را ذات عالم دانسته و به تعبیر حکیم و متفکر معاصر «نهاد ناآرام جهان» در سیر و صیرورت معنا می‌شود.

مرحوم جواد مصلح و استاد گرامی دکتر سید حسین نصر نیز تحریر و توضیحات شیوایی دربارهٔ ملاصدرا، هستی شناسی در حکمت متعالیه و حرکت جوهری نوشتند. آنچه دستمایه یادآوری و گرامیداشت نظریات صدرالمتألهین در این پیوستار (ضمیمه) شده است، توجه دادن به حکمت خوانان صدرایی است که بدانند درهای جهان بسته نیستند و باب تحول و تغییر همواره باز و بلکه ذات جهان بدون آن، غیرقابل توضیح و به قول حکمای اولین، ممتنع الحصول یا ممتنع الوجود است. این امتناع می تواند در نگرش‌های ما نیز روی دهد؛ زمانی که به جای اعتلای آینده‌نگرانه، درگذشته و سنت توقف کنیم یا باب تفسیر و توازی عقاید و دیدگاه‌های متنوع را ببندیم. صدرا محصول کثرت گرایی (پلوراليسم) و عقل گرایی بود. او مصلح دینی و به نظر من ابداعگری شجاع بود که برای حل مشکلات فکری روزگار خود چاره‌ای می‌اندیشید. از عجایب آنکه سال‌هاپیش، متعصبانی به دفاع از او و عقیده او برخاستند و چنان در تعصب پیش رفتند که به معلم ثانی و رئیس الحکما، جناب بوعلی نیز اهانت روا می‌داشتند. مکتب عظیم برهان مشایی را به ادعا خوار می‌خواندند و خلاصه باید کسی به یادشان می‌آورد که صدرا، صدرنشین عقل بود و تعالی و تحول و جان کلام حکیم دوران صفویان را باید در همین نکته فهمید؛ وگرنه باد تاریخ همه را چون غبار برخواهد چید...

ایران من

زنده‌یاد حسین منزوی



ایران صدای خسته ام را بشنو ای ایران
شکوای نای خسته ام را بشنو ای ایران
من از دماوند و سهندت قصه می گویم
از کوه های سربلندت قصه می گویم
از رودهایت، اشک های غرقه در خونت
از رود رود کرخه، زاری های کارونت
از بیستون کن عاشقان تیشه دارانت
وآن نقش های بی گزند از باد و بارانت
از دفتر فال و تماشایی که در شیراز
حافظ رقم زد، جاودان در رنگ و در پرواز
از اصفهان باغ خزان نشناسی از کاشی
از میر و از بهزاد یعنی خط و نقاشی
از نبض بی مرگ امیر و خون جوشانش
که می زند بیرون هنوز از فین کاشانش
ایران من! آه ای کتاب شور و شیدایی
هر برگی از تاریخ تو فصلی تماشایی
فصلی همه تقدیر سرخ مرزدارانت
فصلی همه تصویر سبز سر به دارانت
فصل ستون های بلند تخت جمشیدت
در سر بلندی برده بالاتر ز خورشیدت
از سرخ جامه چون کفن پوشندگان تو
وز خون دامن گیر بابک در رگان تو
آواز من هر چند ایرانم! غم انگیز است
با این همه از عشق از عشق تو لبریز است
دیگر چه جای باغ های چون بهشت تو
ای در خزان هم سبز بودن سرنوشت تو
در ذهن من ریگ روانت نیز سرسبز است
حتا کویرت نیز در پاییز سرسبز است
می دانمت جای به مرداب اوفتادن نیست
می دانمت ایثار هست و ایستادن نیست
گاهیت اگر غمگین اگر نومید می بینیم
ناچار ما هم با تو نومیدیم و غمگینیم
با این همه خونی که از آیینه ات جاری است
رودی که از زخم عمیق سینه ات جاری است
می شوید از دل های ما زنگار غم ها را
همراه تو با خود به دریا می برد ما را.

علم جدید و فرهنگ سنتی-۲



● دکتر رسول جعفریان

در زمان صفویه، عده ای از روحانیون اصفهان، کوشش کردند نجوم اسلامی درست کنند و علیه منجمان سنتی قیام کردند. برخی استدلال‌هایشان هم درست بود، چون منجمان سنتی با اعتقاد به احکام نجومی که نه دلیل عقلی داشت نه تجربی و نه شرعی، شورَش را درآورده بودند. اما اینها هم با علم اختیارات، خواستند نجوم اسلامی درست کنند و «مجلسی» چندین اختیارات برای شاه سلیمان و شاه سلطان حسین نوشت و«فیض» هم و دیگران از لشگر خاتون آبادی هم.

در عصر قاجار، اوائل که علم جدید آمد، کسی از مراجع با آنها در نیفتاد، ولی روحانیون درجه دو در محلات و شهرها، گاهی مخالفت می‌کردند و در این زمینه، مخالفت‌هایی را با دارالفنون گوشزد می‌کنند.

حقیقت آن است که بسیاری از علمای مخالف هم، نه برای اصل علم، بلکه برای فرنگی مآبی، لباس پوشیدن و برخی از مسایل حاشیه ای با این نهادها درگیر شدند. عالمان بزرگی هم که ضد سلطه کفار بودند، نگران تسلط غربی ها به اسم مدرسه و دانشگاه بر سرنوشت ملت بودند. به نظرم باز هم، مشکل علم نبود؛ حواشی علم بود. مثلا رفتن دختران به مدرسه که آن هم دو سویه بود. هم علم آموزی آنها با توجه به جایگاه زن در متون ما، و هم بحث حجاب.

مخالفت با مظاهر تمدنی غربی بسیار بیشتر از علم

در واقع، مخالفت با مظاهر تمدنی غربی بسیار بیش از علم بود، اما چون ترس آن بود که به اسم علم و مدرسه، فرنگی مآبی رواج یابد، در منابر و نوشته ها، مخالفت هایی بود. گاهی هم شبهات شرعی بود. نمونه اش را در باره تحصیل دختران گفتیم که تا اواخر پیش از انقلاب هم خاندان های متدین در این باره احتیاط می کردند. کاری که مسلمانان هندی هم در وقت سلطه انگلیسی ها کردند و کشور هند را دو دستی تقدیم هندوها کردند.

از نمونه شبهات شرعی، یکی هم این بود که مثلا مسلمانی که عمری در خزینه غسل می کرده، حالا برود زیر دوش که امر جدیدی است، غسل کند. دوش این نگرانی را ایجاد می کرد که شاید شرایط واقعی غسل به عمل نیاید! ما باید ابعاد این ماجرا را روشن کنیم. این که چه مقدار اینها، در سطح مراجع و علمای درجه اول بوده و چه مقدار، روحانیون سنتی کوچه و پس کوچه ها و شهرها.



چند روز قبل آقای دانش، می فرمود، وقتی پدرم در سال ۱۳۳۶ در فردوس، حمام تازه‌ای با دوش ساخت، متدینین فردوس، مخفیانه نامه ای به آیت الله بروجردی نوشته بودند که ایشان حمام‌های شرعی! را خراب و حمام فرنگی درست کرده است. می‌دانیم که دو سال پیش کسی از جنبش خزینه می گفت، بعد رئیس‌جمهوری مطلبی گفت و بعد هم عده ای از او انتقاد کردند. ما باید زیر و بم این ماجرا را روشن کنیم.

وقتی حرف‌های مبارکه‌ای تا بازرگان، مطهری را فریب نداد

یک بار دیگر هم نوشتم، تمامی آنچه که توسط امثال مبارکه‌ای یا در مقالاتی در آیین اسلام و مکتب اسلام و جز اینها درباره انطباق علم جدید با دین گفته می‌شد، حتی آنچه دوست نزدیکش مرحوم بازرگان می‌گفت، امثال آقای مطهری را فریب نداد. این مهم است. اما توجه داشته باشیم که در ایران، منبع بسیاری از مردم، برای شناخت دین، نه نوشته‌های مطهری، بلکه همان مقالاتی بود و است که در ندای حق و آیین اسلام و دنیای اسلام منتشر می‌شد. حالا هم ببینید حرف چند منبری، مثل وحی است و رسانه‌های رسمی هم آنها را ترویج می کنند.

متأسفانه، جامعه ما تفکر آقای مطهری را جدی نگرفت، گرچه آن هم، در حد خود، زیاده فلسفی بود؛ فلسفی که می کوشید دانش تجربی را تحقیر کند و این را در مقالی مستقل نوشتم.

بازرگان، نقش مهمی در نزدیک کردن تلقی های علمی از دین داشت. اولین کتابش «مطهرات در اسلام» بود. راه طی شده هم همین بود. این کتاب‌ها، روی روحانیون تأثیر زیادی داشت. انقلاب شد، اما با چه تفکری؟ این مهم بود.

ادامه دارد

زندگی و مبارزات ملک‌المتکلمین- ٤

مبارزه با اجانب و واکنش‌های آنان



استاد اکبر ثبوت



تصویر متن فرمان مشروطیت

*** سفر ملک به هند و اثرگذاری او بر مسلمانانِ آن دیار و اقدام انگلیسی‌ها به اخراج وی**

ملک در بازگشت از حج، در بغداد به دعوت چند تن از حجّاج محترمِ ایرانیِ ساکن هند، عازم آن دیار شد و در طی دو سال اقامت در آنجا، از یک سو کتابی موسوم به من‌الخلق الی الحق نوشت و منتشر کرد؛ و از سویی به معاشرت و مجالست با علما و فلاسفهٔ آن دیار پرداخت و در کتاب خود می‌نویسد: از دریای فضل و دانش این مردان بزرگ که دنیا در نظر آنها بسیار حقیر و کوچک است طرف‌ها بستم؛ و از خرمن دانش آنها خوشه‌ها چیدم و از آن چشمه‌های فضل و بزرگواری به اندازه‌ای که، استعدادِ ناچیزم اجازه می‌داد سیراب شدم.

یکی از آزاد مردان بزرگ و مسلمانانِ عالیمقام آن دیار که نامش فخرالدین خان و مقام ارجمندی در علم و سیاست داشته، دوستی بسزایی با ملک المتکلمین پیدا کرده بود، و اغلب با هم طرف مکاتبه بودند و با این‌که از نویسندگان نامی بود، کتب سودمندی را که تألیف کرده بود برای دوست قدیمی خود می‌فرستاد و ملک المتکلمین کراراً در مجالس خصوصی از این مرد تمجید می‌کرد و از فکر روشن و مراتب عقل و دانش او سخن می‌گفت و اگر نویسندهٔ این تاریخ(ملک‌زاده) به ذکر خیرِ بعضی از دوستانش می‌پردازد، برای این است که نام کسانی که طرفِ محبت و دوستی او بوده، در جوار نام فنا ناپذیرش برده شود و جاویدان بماند.

اخراج ملک المتکلمین از هند

روح تازه‌ای که با سفر ملک به هندوستان در کالبد مسلمانان و ایرانیان مقیم هند دمیده شده بود و آتش مهر ایران که در قلوبشان روشن و نور آزادی و آزادمردی که در افکار پیدا شده بود، جلب توجّهِ زمامداران انگلیسی در هند و بدخواهان را کرد، و با نارضایی از انتشار کتاب نامبرده، حکومتِ انگلیسیِ هند را وادار کردند که به ملک اخطار کند که توقّفش در هندوستان به مصلحت نیست و بهتر است هرچه زودتر به‌طرف ایران حرکت کند؛ و چون این تقاضا، با عدم رضایت و هیجان مسلمانان اصطکاک پیدا کرد و سر و صدایی چند بلند شد، غفلتاً این مرد بزرگ را با کشتی مخصوص به ایران فرستادند و مسلمانان و ایرانیان هند را برای همیشه از این استفاضهٔ غیر منتظره که برای آنها پیش آمده بود محروم کردند.

ترویج صنایع داخلی

توجه ملک المتکلمین به ابعاد گوناگون استقلال، او را بر آن داشت که بی‌نیازی ایران از بیگانگان ـ خاصّه انگلیسی‌ها و روس‌ها ـ در عرصه اقتصاد را با حفظ جنبهٔ اسلامیت، هدفی بزرگ بشناسد و در این مورد به اقدام برخیزد و این نکته را حتی پیشرو و افترانامه نویسان نیز تصدیق کرده و در پرونده‌ای که برای ملک ساخته، بخش مهمی از گزارشِ اقدامات او در این مورد را بدون چون و چرا در آن آورده است.[۱] این هم تفصیل آن به نقل از کتاب زندگانی ملک‌المتکلمین (ص۳ ـ ۹۲):

ملک‌المتکلمین به ترویج صنایع داخلی و به کار گماشتنِ هنرمندان ایرانی همت گماشت و با زحمات فوقِ طاقت، عده‌ای از ثروتمندان و تجّار را برای این منظور مقدس همراه کرد؛ و چون زمینهٔ این‌کار فراهم شد، مجلسی از بزرگان و تجّارِ معتبر شهر در خانهٔ خود برپا کرد و پس از نطقی بلیغ، از منافعی‌که دولِ اروپا از راه تجارت و صنعت در ممالک خارجه به‌دست آورده‌اند، شمّه‌ای ذکر و بیچارگی و پریشانی صنعت‌گران ایران را گوشزد نمود. و تأثیرات تجارت خارجیان را در پیشرفتِ نفوذ سیاسی و مذهبی آنها در ممالک بیگانه تشریح نمود؛ و در نتیجه در همان مجمع تصمیم گرفته شد که شرکتی به‌نام شرکت اسلامیّه، با سرمایهٔ کافی، برای ترویج امتعهٔ داخله و به‌کار گماشتنِ هنرمندان تأسیس شود؛ و اجناسِ موردِ ضرورت به قیمت مناسب در دسترس مردم گذارده شود.

با این‌که در آن زمان فقر و پریشانی به سرحدِ کمال رسیده بود، زمانی طول نکشید که شرکت اسلامی به مدیریت حاجی محمد حسین کازرونی که یکی از تجار روشن‌فکر اصفهان بود، با سرمایهٔ نهصد هزار تومان که در آن دوره مبلغ هنگفتی بود، تأسیس یافت؛ و می‌توان گفت که این شرکت، ریشهٔ کارخانه‌های بزرگی می‌باشد که امروز در اصفهان تأسیس شده. چند ماهی نگذشت که صدها دستگاه نساجی و صنعتی به کار افتاد و هزارها بیکار به کار افتادند؛ شعبه‌های شرکت اسلامی در تمام شهرهای بزرگ ایران برقرار شد؛ چنانچه تا چندی قبل هم هنوز شعبهٔ این شرکت در تهران برپا بود.[۲]

بنابر آنچه در کتاب زندگانی ملک‌المتکلمین آمده است:

در پایان آن سال نیز قبل از عید نوروز ملک‌المتکلمین برای هر یک از روحانیونِ معروفِ شهر یک دست لباس از پارچهٔ وطنی هدیه فرستاد و از آنهاَ خواهش کرد که در روز عید برای تبرّک آن لباس را بپوشند و از این راه مردم را به استعمال امتعهٔ وطنی تشویق فرمایند. خود او و تمام بستگانش نیز آنچه لباس و پوشاک از پارچهٔ فرنگی داشتند به فقرا دادند؛ و برای عید جملگی لباس وطنی پوشیدند؛ و در صبح عید نوروز ۱۳۱۸هـ در خانهٔ امام جمعه که عدّهٔ زیادی از طبقات مختلفهٔ شهر حضور داشتند، ملک‌المتکلمین نطق مفصّلی در اطراف منافع شرکت اسلامی نمود و نکتهٔ مهمّی بیان کرد که ما به ذکر آن در اینجا مبادرت می‌جوییم:

امروز در مقابل کارخانه‌های عظیم دنیا که در هر بیست و چهار ساعت به اندازهٔ دست رنج هزارها هنرمندِ ما که با دست‌کار می‌کنند محصول بیرون می‌دهند، اگر کسی خیال کند که با دستگاه‌های نسّاجیِ دستی (جولائی) در مقابل آن کارخانه‌های بزرگ می‌توان رقابت کرد و لباس و احتیاجات کشور را تأمین نمود به خطار رفته است و ما برای بی‌نیازیِ کشور از خارجه، چاره نداریم جز همان راهی‌که ملل مترقی پیموده‌اند بپیمائیم و به سرحدِ کمال برسیم تا بتوانیم با آنها برابری کنیم. فرزندان لایق خود را برای فرا گرفتن علوم و صنایع جدید به اروپا بفرستیم و پس از تکمیل آنها کارخانه‌جاتی که مورد احتیاج است وارد کنیم و خود را از دیگران بی‌نیاز سازیم.

سپس شرح مفصلی از ترقّیاتِ محیّرالعقولِ ژاپن که در زمان کمی در ردیف ملل بزرگ جهان جای گرفته بیان کرد و توصیه کرد که ما هم باید همان راهی را که آن ملّت خردمندِ آسیایی در طریق بینش و پرورش پیش گرفته بپیمائیم تا به مقصود برسیم و مقامی را که درخور نام بلند ایران و اسلام است احراز نمائیم.

یادآوری: با این‌که افراد متعددی از شخصیت‌های روحانی و غیرروحانی در تأسیس شرکت اسلامیه یا ترویج منسوجات آن نقش داشتند، اما اهمّیتِ نقش ملک المتکلمین در این مورد، به اندازه‌ای بود که برخی وی را «علتِ تأسیسِ» آن شرکت شمرده‌اند (کاتوزیان، ص۱۷۴)

پی نویس:

۱ ـ تاریخ مکتوم، ص۲۴۰

۲ ـ به ظنِّ قوی پارچهٔ موسوم به کازرونی که تا حدود شصت‌سال قبل نیز در ایران مورد استفاده بود، از منسوجات همین شرکت بود.



نمای داخلی مقبره ملک المتکلمین

شورای انقلاب یک پژوهش تاریخی



● سید مسعود رضوی

حلقه مفقوده مطالعات در باب تاریخ انقلاب اسلامی ایران، فقدان نوشته یا نوشته‌هایی معتبر درباره «شورای انقلاب» است. در واقع، این حلقه مفقوده، مهم‌ترین حلقه در شناخت تفکر و عملکرد و انگیزه‌های برجسته‌ترین راهبران انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران است. دانایان این عرصه می‌دانند که دولت موقت به صدارت مرحوم مهندس بازرگان، تنها بازوی اجرایی شورا بود و مجری قوانین و اراده اعضای آن. با این حال تعداد کثیری کتاب و رساله و بسیاری مقالات در باب دولت موقت تحریر شده، اما هنوز هم یک کتاب دقیق و مفصل و مستند درباره شورای انقلاب نوشته نشده است. البته این امر به معنای نادیده گرفتن اهمیت دولت بازرگان نیست. اما هم به لحاظ طول عمر و هم گستره تأثیر و هم دامنه عمل و هم حصول نتیجه، شورای انقلاب با هیچ نهاد و سامانه سیاسی دیگری قابل قیاس نیست. به جرأت باید اعلام کرد که اگر روزی مسائل مربوط به شورا مشخص و در معرض داوری مورخان و پژوهشگران قرار گیرد، انگاره‌های کنونی نسبت به انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، به کلی دگرگون خواهد شد. اسناد شورا بسیار کثیر و از یک سند محوری در باب «مذاکرات»، دو سند قانونی تحت عنوان «مجموعه قوانین» و «آئین‌نامه و اساسنامه‌ها»، مجموعه «اسناد و مکاتیب دبیرخانه»، «خاطرات» و «مصاحبه‌ها»ی بعدی و بالاخره «اخبار مطبوعات» در زمان فعالیت‌های شورا ـ دی ماه ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۵۹ ـ قابل طبقه‌بندی هستند. تاکنون درباره شورای انقلاب یک کتاب کوچک و مفید از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ شده است. افزون بر آن، مجموعه کتاب‌های توصیفی و تحلیلی عباس شادلو که از بهترین کارها در عرصه تاریخ انقلاب است. و نیز ۷ مقاله تحریر شده که بهترین آنها را محمد حیدری تحت عنوان «نهاد و انقلاب» در روزنامه ایران مورخ ۸۱/۳/۱۳ نوشته و به جز آن مقاله جالبی در دو شماره کیهان در ۲۷ و ۲۸ اسفند ۱۳۵۸ تحت عنوان «بررسی کارنامه شورای انقلاب» منتشر شده است. به جز این دو که انگاره‌ای بسیاری کلی از شورا در اختیار خواننده قرار داده‌اند، سایر مقاله‌ها، اعتباری ندارند. خوشبختانه ابراهیم یزدی، عزت‌الله سحابی، مصطفی کتیرایی، آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌های متعدد، برخی مسائل را در این موضوع باز طرح کرده و بر حجم منابع افزوده‌اند. زنده‌یاد مهندس بازرگان نیز نوشته‌های متعددی در کتب و یادداشت‌های خود در مورد شورا به جای نهاده و آیت الله منتظری نیز اشاراتی مختصر در خاطرات خود بدین موضوع دارد. دیگرانی همچون کریم سنجابی و ابوالحسن بنی صدر نیز نکته‌هایی در این زمینه در خاطرات خود مذکور داشته اند. بقیه منابع، مطالبی است که در ضمن کتب تاریخ معاصر یا تاریخ انقلاب اسلامی آورده شده و حداکثر یک فصل چند صفحه ای در موضوع شورای انقلاب و واپسین ماه‌های قبل از پیروزی را در برگرفته است. در این زمینه، مفصل‌ترین و بهترین کار، از آن دکتر ابراهیم یزدیِ به نام «آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها» است. غیر از این، فعلاً چیز مهم و قابل توجهی سراغ نداریم. نگارنده، برای نخستین بار، به صورت بنیادی و نه به اجمال، کوشید تا به بازخوانی مدارکی موجه تر و در گستره‌ای وسیع‌تر و دقیق‌تر، این بخش از تاریخ انقلاب را مورد پژوهش قرار دهد. مقاله زیر، بخشی از مقدمات این پژوهش است که مثل همه کارها در سرزمین ما، تنها به میل و علقه شخصی به پیش می‌رود و به کندی و آرامی و این به دلیل فقدان امکان و پشتیبانی است و نه کاهلی و بی‌انگیزگی.[۱] پیش از شروع بحث، این اشارت واجب است که مقدمه تحلیل در مسائل تاریخی، توصیف است. بدون درک توصیفی و نزدیک به واقع، نمی‌توان تحلیل و داوری کرد. بهترین روش‌ها و دقیق‌ترین تحلیل‌ها هم در غیاب توصیف موثر و مفید، درمانده و افسانه خواهد بود. از بدو تشکیل شورای انقلاب و پس از دعوت از افراد و رجال برگزیده، هنگامی که استخوان بندی شورا شکل گرفته بود، جلسه‌های شورای انقلاب به صورت متناوب با دستور کار امور جاری انقلاب برگزار شد. اما هنوز به طور دقیق، زمان تشکیل نخستین جلسه رسمی شورای انقلاب مشخص نشده و شاید اختلاف نظر وجود داشته باشد. اگر رسمیت جلسه‌ها را از زمان فرمان امام به مرحوم مطهری منتسب کنیم، تمامی جلسات گفت‌وگو با اعضا برای دعوت به شورا را شامل می‌شود و اگر شروع کار عملی و تصمیم سازی را مد نظر و مبدا کار قرار دهیم، بعد از اعلام آمادگی و حضور حدود هشت الی ده نفر از اعضای شورا باید آن را رسمیت یافته بدانیم و نقطه آغاز کار به حساب آوریم.

در این صورت مقارن آغاز کار کمیته بسیج مردم و هدایت راهپیمایی‌ها و نیز کمیته تنظیم اعتصابات، جلسه شورا تشکیل و آغاز شده است. نهایتاً اگر روندهای قانونمند را ملاک قرار دهیم، با توشیح اساسنامه شورای انقلاب پس از ورود امام به ایران و مقارن معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر ـ ۱۵ بهمن ۵۷ ـ کار شورا به صورت رسمی آغاز شده است. در این زمینه، روایت‌های قطعی نداریم و شاید هیچ گاه زمان دقیق نخستین جلسه مشخص نشود، خاصه که ثبت مذاکرات نیز از دوازدهم اسفند ۵۷ صورت گرفته و هیچ گونه ضبط مشخصی نیز در کار نبوده است. علاوه بر این، روحانیون و غیرروحانیون نیز در باب نخستین روزهای تشکیل شورا توافق ندارند. لذا باید یک پروسه کوتاه زمانی با مجموعه ای از اتفاقات را برای این محدوده و این آغاز به کار در نظر گرفت.

عزت الله سحابی می گوید که در بدو تشکیل شورا «... ما دو سه جلسه تشکیل دادیم که به آذر ماه و ماه محرم برخورد کرد.»[۲] اما در باب مکان این جلسات، باید مدارک مختلفی را دید و ما در اینجا رد جلسات شورا را در مکان‌های مختلف می کوشیم بیابیم. مهندس سحابی در جای دیگری می گوید: «چند جلسه اول در دفتر آقای احمد صدر حاج سیدجوادی برگزار شد. ابتدا صحبت از آئین نامه و نظم داخلی شورا بود، بعد موضوع محرم و تاسوعا و عاشورا مطرح شد. در شورا صحبت بود که باید از این راهپیمایی استفاده کرد. به همین لحاظ در خصوص موضوعات راهپیمایی بحث گردید.

البته این موضوع در سه جا مطرح بود، یکی در منزل آقای طالقانی...، دوم در کمیته حقوق بشر که دفتری نزدیک حسینیه ارشاد داشت...، سوم در جمع شورای انقلاب.»[۳] همو در جای دیگری می گوید: «پس از راهپیمایی عاشورا، اولین جلسه شورای انقلاب در دفتر آقای صدر حاج‌سید جوادی در بنیاد طاهر تشکیل شد. مرحوم مطهری، مرحوم بازرگان، مرحوم بهشتی و آقایان صدر حاج سیدجوادی، مهندس کتیرایی، موسوی اردبیلی و باهنر حضور داشتند...»[۴] مرحوم احمد صدر حاج سیدجوادی در یادداشت‌های منتشر نشده خود از روزهای انقلاب، ذیل مورخه ۹ دی ماه ۱۳۵۷ می نویسد: «امروز صبح زود، آقای مهندس بازرگان تلفن کردند که برای مشاوره لازمی ساعت هشت صبح در دفتر شرکت طاهر در خیابان روزولت حاضر باشم.

ساعت هشت ویک چهارم به آنجا رسیدم و آقایان مهندس مصطفی کتیرایی و آقای شیخ علی اکبرهاشمی بهرمانی (رفسنجانی) هم آنجا آمدند و بقیه آقایان، شیخ مرتضی مطهری و شیخ محمدرضا مهدوی کنی هم به این جمع پیوستند...»[۵] مهندس سحابی درباره ساختمان بنیاد طاهر توضیح داده و می گوید: «در ساختمانی در خیابان مفتح، متعلق به بنیاد طاهر بود. هیات امنای این بنیاد، آقای علی بابایی، آقای صدر حاج سیدجوادی، آقای مهندس بازرگان و... از روحانیون هم آقای هاشمی و بهشتی بودند.»[۶] پس یکی از مکان‌های تشکیل جلسه‌های شورای انقلاب، ساختمان بنیاد طاهر بوده است. اما این تنها مکان نبود.

بسیاری از جلسات در منزلِ اعضا تشکیل می شد. مهندس کتیرایی از جلسه ای در «تقریباً اوایل نیمه دوم سال ۱۳۵۷» یاد می‌کند که «در منزل آقای مطهری» تشکیل شده و موضوع آن تشکیل شورای انقلاب بوده است: «دعوت کننده، میزبان، یعنی آقای مطهری بود.»[۷] شاید به دلیل اقتضائات دوران مبارزه، این عدم مکان ثابت، لازم بوده است. در واقع هیچ گاه «جلسات شورای انقلاب، محل ثابتی نداشت و هر بار در منزل یکی از اعضا برگزار می شد. این کار تا حدودی برای رعایت مسائل امنیتی بود...»[۸] تا قبل از ورود امام به ایران، این قاعده برقرار بود. سحابی در آستانه راهپیمایی‌های بزرگ تاسوعا و عاشورا به یاد می آورد که: «در پی تماس با روحانیون بودیم که آدرس منزل مرحوم باهنر را یافتیم و به آنجا رفتیم.

دیدیم آقایان بهشتی،هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی، باهنر و مهدویِ کنی حضور دارند...»[۹] با پیش رفتن کار انقلاب، بر انسجام شوراً و طبعاً افزایش تعداد جلسات شورای انقلاب افزوده می شد، اما ظاهراً همان حالت محفلی در منازل اعضا تداوم داشت. مهندس کتیرایی درباره مکان می گوید: «قبل از پیروزی انقلاب و مدتی پس از پیروزی، جلسات را در منازل اشخاص عضو شورای انقلاب برگزار می کردیم. جای مشخصی نداشت و جای ثابتی هم نبود به دلیل اینکه آن حالت اختفای شورا هم مد نظر ما بود. بنابراین، ما بدون توجه به جا و مکان، هر بار در یکی از منازل آقایان جمع می شدیم و جلسه‌های شورا را برگزار می کردیم.

البته بیشتر جلسات تا آنجا که من به خاطر می آورم در منازل آقایان بازرگان، بهشتی و مطهری بود. منزل آقای صدر و دیگران هم بود، اما بیشتر در همان منازل که گفته شد جلسه می گذاشتیم...»[۱۰] مهندس بازرگان درباره مکان جلسات شورای انقلاب، در یادداشت‌های روزمره‌اش در دو یا سه مورد اشاراتی دارد که عیناً نقل می شود: «۵۷/۱۱/۱۹ ـ تشکیل جلسات شورای انقلاب، صبح و بعدازظهر (قاعدتاً در دبیرستان رفاه)

– گرفتن و ترتیب اتاق در طبقه دوم برای ملاقات‌ها و یک اتاق برای شورای انقلاب، کسانی که کمک می کنند: ابوالفضل [حکیمی]، توسلی، صباغیان، سرهنگ توکلی. ۵۷/۱۱/۲۰ – ... جلسه منزل آقای اردبیلی ـ سخنرانی دانشگاه

۵۷/۱۱/۲۱ ـ ساعت ۱۱، شورای انقلاب ـ قاعدتاً در مدرسه رفاه...»[۱۱] در زمان فوق الذکر، یعنی آستانه پیروزی انقلاب، ظاهراً جلسات شورا به مدرسه رفاه و متعاقب آن مدرسه علوی منتقل شده بود. از زمان بازگشت امام در ۱۲ بهمن ۵۷، مدرسه رفاه، به یکی از ستادهای رهبری انقلاب بدل شد. سپس مدرسه علوی نیز در همان نزدیکی، برای اقامت رهبر انقلاب در نظر گرفته شد، که حکایت و رقابتی میان این دو به وجود آمد که بسیار شنیدنی و عبرت آموز است. به هر حال، مدرسه رفاه، هم محل آغاز کار دولت موقت و هم مرکز فعالیت شورای انقلاب بود.

یکی از فعالان شاهد آن روزهای انقلاب می نویسد: «مهندس بازرگان در این سه روزه و در این هفته، نه وزیری را تعیین کرده و نه وزارتخانه و محلی را به عنوان مقر نخست وزیری اشغال کرده بود. انقلاب با تبعیت از خدا و توکل به او، با متانت و اطمینان، بدون فشار و تعجیل پیش می رفت و به فضل حق، گره‌ها و راه‌ها در جلوی پایش گشوده می شد. همه دستگاه‌های انقلاب، از امام گرفته تا شورای انقلاب و نخست وزیر و همکاران همراه با داوطلبان و خدمتگزاران فداکار با نام و بی نام، در ساختمان سه طبقه دبیرستان دخترانه رفاه و در دبستان علوی، واقع در کوچه پس کوچه‌های شرق کاخ مجلل و وسیع مجلس شورای ملی و غرب خیابان عین الدوله قدیم جا گرفته بود.

آنجا محل ملاقات‌های امام و شورای انقلاب و تصمیم‌ها و مراجعات مردم و صدور دستورها بود...»[۱۲] بازرگان در ادامه یکی از یادداشت‌هایش، پس از ذکر جلسه شورا در مدرسه رفاه می نویسد: «... ما در مدرسه رفاه و ستاد ماندیم که در ارتباط باشیم و از آقای خمینی دفاع کنیم... ترتیباتی برای محاصره و محافظت آقای خمینی در دبستان علوی داده شد. برای ماها هم سرهنگ توکلی و قره نی اصرار داشتند که در آنجا نباشیم و به یک خانه دیگر برویم. خانه آقای... واقع در کوچه مستجاب را که آشنا بود انتخاب کردیم... هوا که روشن شد، کسانی رفتند به کوچه مستجاب ببینند در عین الدوله چه خبر است، چند نفر از پاسدارها شهید شده اند...»[۱۳]

اتفاقاً در اینجا ذکری از سرهنگ توکلی شد. این مرد که از امرای ارتش و اوایل امر، از افراد مورد وثوق شورای انقلاب بود، بعداً درگیر مسائلی شد، از جمله با یک فرد آمریکایی به نام راف شانمن که وی را به توطئه و اقدام برای کمونیست کشی و کودتا متهم کرده و نواری هم از مکالماتشان به مطبوعات ارائه داده بود. توکلی طی همین مجادلات، برای دفاع از خود، نامه ای به مهندس بازرگان نوشت که در روزنامه‌ها چاپ شد. او در این نامه که در حدود نیمه اسفند ۱۳۵۷ تحرير شد، اشارتی هم دارد به یک مکان فعالیت شورای انقلاب که ظاهراً، نقطه چین یادداشت‌های بازرگان مد نظر اوست: «جناب آقای مهندس بازرگان، نخست وزیر دولت انقلاب... با کمال افتخار یادآور می شود که در اوایل بهمن ماه سال جاری، هنگامی که نهضت انقلابی ملت مسلمان ایران، حساس ترین مراحل خود را در رویارویی با مقاومت نظام استبدادی طی می کرد و هر لحظه مخاطرات گوناگونی و از جمله بیم اعدام همکاران دولت انقلابی و احتمال یک کودتای خشن از طرف نظامیان دست نشانده شاه سابق، رهبران انقلاب و همه مردم ایران را تهدید می نمود، من برای تقدیم گزارش در ساختمان شماره ۱۶۹ که محل مخفی شورای انقلاب بود، به حضور جنابعالی آمدم...»[۱۴]

عباس امیرانتظام نیز درباره محل فعالیت شورای انقلاب در روزهای بحرانی ۲۱ و ۲۲ بهمن که بازرگان اشارتی به محل دقیق آن نکرده، اطلاعات دقیق تری دارد. وی در یادداشت‌های مربوط به روز ۲۲ بهمن می نویسد: «صبح اول وقت در مدرسه رفاه بودیم. شدت تیراندازی اطراف مجلس و مدرسه رفاه به حدی بود که شورای انقلاب طبق توصیه مهندس بازرگان تصمیم گرفت محل خود را از مدرسه رفاه به منزل «حاج معین» در ضلع شرقی خیابان ایران (عین الدوله) تغییر دهد. به اتفاق مهندس بازرگان وهاشم صباغیان مدرسه رفاه را ترک کردیم و از در شمالی مدرسه خارج و به منزل حاج معین منتقل شدیم.

بلافاصله پس از استقرار در آن محل، به اتفاق مهندس صباغیان، موقعیت منزل و همسایه‌ها و دیوارهای اطراف را مورد بررسی قرار دادیم که اگر مجبور شدیم آن منزل را نیز ترک کنیم، چگونه دست به چنین کاری بزنیم. بعد، یکی از اتاق‌ها برای صرف ناهار شورای انقلاب آماده شد...»[۱۵] پس بخشی از جلسه‌های شورا در این ایام ـ بعد از بازگشت امام به ایران ـ در مدرسه رفاه برگزار می شود و در اوج بحران به منزل حاج معین در خیابان عین الدوله منتقل شده است.

امیرانتظام در یکی دیگر از یادداشت‌های بهمن ۵۷ نیز می نویسد: «در طول این ماه، چند ملاقات طولانی با دکتر بختیار داشتم و بحث ما برای استعفای او به درازا کشیده بود. بختیار در هفته اول قانع شد که استعفا بدهد و از مشارکت در مرگ و ویرانی خودداری کند. او متن استعفا نامه اش را نوشت و به من داد. متن استعفا را برای مهندس بازرگان به شورای انقلاب بردم. این شورا در اتاقی بزرگ در حدود ۵ * ۸ متر در مدرسه رفاه تشکیل شده بود. از اعضای شورا فقط آیت‌الله طالقانی را می شناختم...»[۱۶]

افزون بر این یادداشت‌ها و مستندات، در جلد اول «صورت مذاکرات شورای انقلاب در دو جا ذکری از مکان جلسات شورا شده که نشان می دهد که حداقل تا پایان اسفند ۱۳۵۷، مکان ثابتی نداشته و به تناوب محل آن تغییر می کرده است. یک جا در پایان جلسه مورخ سه شنبه ۵۷/۱۲/۸ منشی جلسه در داخل پرانتز نوشته است: «جلسه بعد، ساعت ۱۰ پنجشنبه ۵۷/۱۲/۱۰ منزل دکتر شیبانی.»[۱۷] و دیگر جا، در جلسه یک شنبه مورخ ۵۸/۱/۲۶ نیز در ضمن دستور کار جلسه همان روز آمده است: «۱ ـ در مورد محل ثابت شورا مذاکره شد، قرار شد طبقه بالای مکتب امیرالمومنین انتخاب شود.»[۱۸]

با تشکیل دبیرخانه، البته این وضع باید تغییر می کرد، ولی هر چند دبیرخانه جای ثابت داشت، ولی باز هم اعضا در مکان‌های مختلف تشکیل جلسه می دادند. این نکته را مهندس مصطفی کتیرایی می‌گوید.[۱۹]

پی نوشت‌ها:

۱ ـ بهره گیری از اسناد درجه اول شورای انقلاب، با هدف توجه دادن مورخین به این اسناد، اولین بار در این کتاب صورت گرفته است:

– مسعود رضوی،هاشمی و انقلاب ـ تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ، انتشارات همشهری ۱۳۷۶، چاپ جدید انتشارات اطلاعات ۱۳۹۷، از این اثر اقتباس‌ها و انتحال‌های زیادی شده و نویسندگان بسیاری از راست و چپ، بدون ذکر ماخذ خود را محق دانسته اند از آن بهره گیرند. یک مورد و عجیب‌ترین مورد در روزنامه شرق در مورخه ۲۳ خرداد ۱۳۸۳ در مقاله آقای جهانگیر پاک نیا درباره انتخابات نخستین رئیس جمهوری ایران صورت گرفته است. ایشان حدود ۷۰ درصد مقاله خود را از صفحات مختلف کتاب فوق گلچین فرموده و غافل از آنکه اشتباهات چاپی در ذکر شماره صفحات صورت مذاکرات و موارد دیگر را هم همان گونه درج کرده است و العاقل یکفیه الاشاره.

۲ ـ در شورای انقلاب چه گذشت؟، گفت وگو با مهندس عزت الله سحابی، ایران فردا، بهمن و اسفند ۱۳۷۷.

۳ ـ امواج انقلاب، مهندس سحابی، ایران فردا، بهمن ۱۳۷۶.

۴ ـ دریایی از انسان‌ها، گوشه‌هایی از خاطرات مهندس سحابی از دوران انقلاب، چشم انداز ایران، دی و بهمن ۱۳۸۰.

۵ ـ دست نوشته‌های دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی، منتشر نشده، ذیل روز ۵۷/۱۰/۱۰ با تشکر از ایشان.

۶ ـ در شورای انقلاب چه گذشت، همان.

۷- هیات تنظیم اعتصاب شرکت نفت، گفت وگو با مهندس مصطفی کتیرایی، ایران فردا، فروردین ۱۳۷۸.

۸ و ۹ ـ دریایی از انسان‌ها، همان.

۱۰ ـ بخشی از گفت وگوی نگارنده با مهندس کتیرایی.

۱۱ ـ شصت سال خدمت و مقاومت، مهندس بازرگان، به کوشش سرهنگ غلامرضا نجاتی، انتشارات رسان جلد ۲ ص ۳۴۵.

۱۲ ـ روزنامه میزان، شماره ۱۲۲، ۱۹ بهمن ۱۳۵۹، مقاله «هفت روز بحرانی انقلاب».

۱۳ ـ شصت سال خدمت و مقاومت، همان، ص ۳۶۶.

۱۴ ـ کیهان، ۱۵ اسفند ۱۳۵۷، ص ۴.

۱۵ و ۱۶ ـ آن سوی اتهام، خاطرات عباس امیرانتظام، نشر نی، چاپ سوم ۱۳۸۱، ج ۱ صفحات ۲۱ و ۲۲.

۱۷ ـ صورت مذاکرات شورای انقلاب، ج ۱ ص ۸.

۱۸ ـ همان، جلد ۱ ص ۱۳۰.

۱۹ ـ گفت وگوی اختصاصی نگارنده با مهندس مصطفی کتیرایی.



اجتماع صدها هزار نفری امروز دانشگاه

اطلاعات

معرفی اعضای شورای سلطنت

پس از ۱۵ سال امام خمینی به وطن بازمیگردد

امام خمینی: شورای انقلاب اسلامی تشکیل شد

ارتش محترم نباید از خواست









شورای انقلاب یک پژوهش تاریخی



سید مسعود رضوی

حلقه مفقوده مطالعات در باب تاریخ انقلاب اسلامی ایران، فقدان نوشته یا نوشته‌هایی معتبر درباره «شورای انقلاب» است. در واقع، این حلقه مفقوده، مهم‌ترین حلقه در شناخت تفکر و عملکرد و انگیزه‌های برجسته‌ترین راهبران انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران است. دانایان این عرصه می‌دانند که دولت موقت به صدارت مرحوم مهندس بازرگان، تنها بازوی اجرایی شورا بود و مجری قوانین و اراده اعضای آن. با این حال تعداد کثیری کتاب و رساله و بسیاری مقالات در باب دولت موقت تحریر شده، اما هنوز هم یک کتاب دقیق و مفصل و مستند درباره شورای انقلاب نوشته نشده است. البته این امر به معنای نادیده گرفتن اهمیت دولت بازرگان نیست. اما هم به لحاظ طول عمر و هم گستره تأثیر و هم دامنه عمل و هم حصول نتیجه، شورای انقلاب با هیچ نهاد و سامانه سیاسی دیگری قابل قیاس نیست. به جرأت باید اعلام کرد که اگر روزی مسائل مربوط به شورا مشخص و در معرض داوری مورخان و پژوهشگران قرار گیرد، انگاره‌های کنونی نسبت به انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، به کلی دگرگون خواهد شد. اسناد شورا بسیار کثیر و از یک سند محوری در باب «مذاکرات»، دو سند قانونی تحت عنوان «مجموعه قوانین» و «آئین‌نامه و اساسنامه‌ها»، مجموعه «اسناد و مکاتیب دبیرخانه»، «خاطرات» و «مصاحبه‌ها»ی بعدی و بالاخره «اخبار مطبوعات» در زمان فعالیت‌های شورا ـ دی ماه ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۵۹ ـ قابل طبقه‌بندی هستند. تاکنون درباره شورای انقلاب یک کتاب کوچک و مفید از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ شده است. افزون بر آن، مجموعه کتاب‌های توصیفی و تحلیلی عباس شادلو که از بهترین کارها در عرصه تاریخ انقلاب است. و نیز ۷ مقاله تحریر شده که بهترین آنها را محمد حیدری تحت عنوان «نهاد و انقلاب» در روزنامه ایران مورخ ۸۱/۳/۱۳ نوشته و به جز آن مقاله جالبی در دو شماره کیهان در ۲۷ و ۲۸ اسفند ۱۳۵۸ تحت عنوان «بررسی کارنامه شورای انقلاب» منتشر شده است. به جز این دو که انگاره‌ای بسیاری کلی از شورا در اختیار خواننده قرار داده‌اند، سایر مقاله‌ها، اعتباری ندارند. خوشبختانه ابراهیم یزدی، عزت‌الله سحابی، مصطفی کتیرایی، آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌های متعدد، برخی مسائل را در این موضوع باز طرح کرده و بر حجم منابع افزوده‌اند. زنده‌یاد مهندس بازرگان نیز نوشته‌های متعددی در کتب و یادداشت‌های خود در مورد شورا به جای نهاده و آیت الله منتظری نیز اشاراتی مختصر در خاطرات خود بدین موضوع دارد. دیگرانی همچون کریم سنجابی و ابوالحسن بنی صدر نیز نکته‌هایی در این زمینه در خاطرات خود مذکور داشته اند. بقیه منابع، مطالبی است که در ضمن کتب تاریخ معاصر یا تاریخ انقلاب اسلامی آورده شده و حداکثر یک فصل چند صفحه ای در موضوع شورای انقلاب و واپسین ماه‌های قبل از پیروزی را در برگرفته است. در این زمینه، مفصل‌ترین و بهترین کار، از آن دکتر ابراهیم یزدیِ به نام «آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها» است. غیر از این، فعلاً چیز مهم و قابل توجهی سراغ نداریم. نگارنده، برای نخستین بار، به صورت بنیادی و نه به اجمال، کوشید تا به بازخوانی مدارکی موجه تر و در گستره‌ای وسیع‌تر و دقیق‌تر، این بخش از تاریخ انقلاب را مورد پژوهش قرار دهد. مقاله زیر، بخشی از مقدمات این پژوهش است که مثل همه کارها در سرزمین ما، تنها به میل و علقه شخصی به پیش می‌رود و به کندی و آرامی و این به دلیل فقدان امکان و پشتیبانی است و نه کاهلی و بی‌انگیزگی.[۱] پیش از شروع بحث، این اشارت واجب است که مقدمه تحلیل در مسائل تاریخی، توصیف است. بدون درک توصیفی و نزدیک به واقع، نمی‌توان تحلیل و داوری کرد. بهترین روش‌ها و دقیق‌ترین تحلیل‌ها هم در غیاب توصیف موثر و مفید، درمانده و افسانه خواهد بود. از بدو تشکیل شورای انقلاب و پس از دعوت از افراد و رجال برگزیده، هنگامی که استخوان بندی شورا شکل گرفته بود، جلسه‌های شورای انقلاب به صورت متناوب با دستور کار امور جاری انقلاب برگزار شد. اما هنوز به طور دقیق، زمان تشکیل نخستین جلسه رسمی شورای انقلاب مشخص نشده و شاید اختلاف نظر وجود داشته باشد. اگر رسمیت جلسه‌ها را از زمان فرمان امام به مرحوم مطهری منتسب کنیم، تمامی جلسات گفت‌وگو با اعضا برای دعوت به شورا را شامل می‌شود و اگر شروع کار عملی و تصمیم سازی را مد نظر و مبدا کار قرار دهیم، بعد از اعلام آمادگی و حضور حدود هشت الی ده نفر از اعضای شورا باید آن را رسمیت یافته بدانیم و نقطه آغاز کار به حساب آوریم.

در این صورت مقارن آغاز کار کمیته بسیج مردم و هدایت راهپیمایی‌ها و نیز کمیته تنظیم اعتصابات، جلسه شورا تشکیل و آغاز شده است. نهایتاً اگر روندهای قانونمند را ملاک قرار دهیم، با توشیح اساسنامه شورای انقلاب پس از ورود امام به ایران و مقارن معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر ـ ۱۵ بهمن ۵۷ ـ کار شورا به صورت رسمی آغاز شده است. در این زمینه، روایت‌های قطعی نداریم و شاید هیچ گاه زمان دقیق نخستین جلسه مشخص نشود، خاصه که ثبت مذاکرات نیز از دوازدهم اسفند ۵۷ صورت گرفته و هیچ گونه ضبط مشخصی نیز در کار نبوده است. علاوه بر این، روحانیون و غیرروحانیون نیز در باب نخستین روزهای تشکیل شورا توافق ندارند. لذا باید یک پروسه کوتاه زمانی با مجموعه ای از اتفاقات را برای این محدوده و این آغاز به کار در نظر گرفت.

عزت الله سحابی می گوید که در بدو تشکیل شورا «... ما دو سه جلسه تشکیل دادیم که به آذر ماه و ماه محرم برخورد کرد.»[۲] اما در باب مکان این جلسات، باید مدارک مختلفی را دید و ما در اینجا رد جلسات شورا را در مکان‌های مختلف می کوشیم بیابیم. مهندس سحابی در جای دیگری می گوید: «چند جلسه اول در دفتر آقای احمد صدر حاج سیدجوادی برگزار شد. ابتدا صحبت از آئین نامه و نظم داخلی شورا بود، بعد موضوع محرم و تاسوعا و عاشورا مطرح شد. در شورا صحبت بود که باید از این راهپیمایی استفاده کرد. به همین لحاظ در خصوص موضوعات راهپیمایی بحث گردید.

البته این موضوع در سه جا مطرح بود، یکی در منزل آقای طالقانی...، دوم در کمیته حقوق بشر که دفتری نزدیک حسینیه ارشاد داشت...، سوم در جمع شورای انقلاب.»[۳] همو در جای دیگری می گوید: «پس از راهپیمایی عاشورا، اولین جلسه شورای انقلاب در دفتر آقای صدر حاج‌سید جوادی در بنیاد طاهر تشکیل شد. مرحوم مطهری، مرحوم بازرگان، مرحوم بهشتی و آقایان صدر حاج سیدجوادی، مهندس کتیرایی، موسوی اردبیلی و باهنر حضور داشتند...»[۴] مرحوم احمد صدر حاج سیدجوادی در یادداشت‌های منتشر نشده خود از روزهای انقلاب، ذیل مورخه ۹ دی ماه ۱۳۵۷ می نویسد: «امروز صبح زود، آقای مهندس بازرگان تلفن کردند که برای مشاوره لازمی ساعت هشت صبح در دفتر شرکت طاهر در خیابان روزولت حاضر باشم.

ساعت هشت ویک چهارم به آنجا رسیدم و آقایان مهندس مصطفی کتیرایی و آقای شیخ علی اکبرهاشمی بهرمانی (رفسنجانی) هم آنجا آمدند و بقیه آقایان، شیخ مرتضی مطهری و شیخ محمدرضا مهدوی کنی هم به این جمع پیوستند...»[۵] مهندس سحابی درباره ساختمان بنیاد طاهر توضیح داده و می گوید: «در ساختمانی در خیابان مفتح، متعلق به بنیاد طاهر بود. هیات امنای این بنیاد، آقای علی بابایی، آقای صدر حاج سیدجوادی، آقای مهندس بازرگان و... از روحانیون هم آقای‌هاشمی و بهشتی بودند.»[۶] پس یکی از مکان‌های تشکیل جلسه‌های شورای انقلاب، ساختمان بنیاد طاهر بوده است. اما این تنها مکان نبود.

بسیاری از جلسات در منزلِ اعضا تشکیل می شد. مهندس کتیرایی از جلسه ای در «تقریباً اوایل نیمه دوم سال ۱۳۵۷» یاد می‌کند که «در منزل آقای مطهری» تشکیل شده و موضوع آن تشکیل شورای انقلاب بوده است: «دعوت کننده، میزبان، یعنی آقای مطهری بود.»[۷] شاید به دلیل اقتضائات دوران مبارزه، این عدم مکان ثابت، لازم بوده است. در واقع هیچ گاه «جلسات شورای انقلاب، محل ثابتی نداشت و هر بار در منزل یکی از اعضا برگزار می شد. این کار تا حدودی برای رعایت مسائل امنیتی بود...»[۸] تا قبل از ورود امام به ایران، این قاعده برقرار بود. سحابی در آستانه راهپیمایی‌های بزرگ تاسوعا و عاشورا به یاد می آورد که: «در پی تماس با روحانیون بودیم که آدرس منزل مرحوم باهنر را یافتیم و به آنجا رفتیم.

دیدیم آقایان بهشتی، هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی، باهنر و مهدویِ کنی حضور دارند...»[۹] با پیش رفتن کار انقلاب، بر انسجام شوراٍ و طبعاً افزایش تعداد جلسات شورای انقلاب افزوده می شد، اما ظاهراً همان حالت محفلی در منازل اعضا تداوم داشت. مهندس کتیرایی درباره مکان می گوید: «قبل از پیروزی انقلاب و مدتی پس از پیروزی، جلسات را در منازل اشخاص عضو شورای انقلاب برگزار می کردیم. جای مشخصی نداشت و جای ثابتی هم نبود به دلیل اینکه آن حالت اختفای شورا هم مد نظر ما بود. بنابراین، ما بدون توجه به جا و مکان، هر بار در یکی از منازل آقایان جمع می شدیم و جلسه‌های شورا را برگزار می کردیم.

البته بیشتر جلسات تا آنجا که من به خاطر می آورم در منازل آقایان بازرگان، بهشتی و مطهری بود. منزل آقای صدر و دیگران هم بود، اما بیشتر در همان منازل که گفته شد جلسه می گذاشتیم...»[۱۰] مهندس بازرگان درباره مکان جلسات شورای انقلاب، در یادداشت‌های روزمره‌اش در دو یا سه مورد اشاراتی دارد که عیناً نقل می شود: «۵۷/۱۱/۱۹ ـ تشکیل جلسات شورای انقلاب، صبح و بعدازظهر (قاعدتاً در دبیرستان رفاه)

– گرفتن و ترتیب اتاق در طبقه دوم برای ملاقات‌ها و یک اتاق برای شورای انقلاب، کسانی که کمک می کنند: ابوالفضل [حکیمی]، توسلی، صباغیان، سرهنگ توکلی. ۵۷/۱۱/۲۰ – ... جلسه منزل آقای اردبیلی ـ سخنرانی دانشگاه

۵۷/۱۱/۲۱ ـ ساعت ۱۱، شورای انقلاب ـ قاعدتاً در مدرسه رفاه...»[۱۱] در زمان فوق الذکر، یعنی آستانه پیروزی انقلاب، ظاهراً جلسات شورا به مدرسه رفاه و متعاقب آن مدرسه علوی منتقل شده بود. از زمان بازگشت امام در ۱۲ بهمن ۵۷، مدرسه رفاه، به یکی از ستادهای رهبری انقلاب بدل شد. سپس مدرسه علوی نیز در همان نزدیکی، برای اقامت رهبر انقلاب در نظر گرفته شد، که حکایت و رقابتی میان این دو به وجود آمد که بسیار شنیدنی و عبرت آموز است. به هر حال، مدرسه رفاه، هم محل آغاز کار دولت موقت و هم مرکز فعالیت شورای انقلاب بود.

یکی از فعالان شاهد آن روزهای انقلاب می نویسد: «مهندس بازرگان در این سه روزه و در این هفته، نه وزیری را تعیین کرده و نه وزارتخانه و محلی را به عنوان مقر نخست وزیری اشغال کرده بود. انقلاب با تبعیت از خدا و توکل به او، با متانت و اطمینان، بدون فشار و تعجیل پیش می رفت و به فضل حق، گره‌ها و راه‌ها در جلوی پایش گشوده می شد. همه دستگاه‌های انقلاب، از امام گرفته تا شورای انقلاب و نخست وزیر و همکاران همراه با داوطلبان و خدمتگزاران فداکار با نام و بی نام، در ساختمان سه طبقه دبیرستان دخترانه رفاه و در دبستان علوی، واقع در کوچه پس کوچه‌های شرق کاخ مجلل و وسیع مجلس شورای ملی و غرب خیابان عین الدوله قدیم جا گرفته بود.

آنجا محل ملاقات‌های امام و شورای انقلاب و تصمیم‌ها و مراجعات مردم و صدور دستورها بود...»[۱۲] بازرگان در ادامه یکی از یادداشت‌هایش، پس از ذکر جلسه شورا در مدرسه رفاه می نویسد: «... ما در مدرسه رفاه و ستاد ماندیم که در ارتباط باشیم و از آقای خمینی دفاع کنیم... ترتیباتی برای محاصره و محافظت آقای خمینی در دبستان علوی داده شد. برای ماها هم سرهنگ توکلی و قره نی اصرار داشتند که در آنجا نباشیم و به یک خانه دیگر برویم. خانه آقای... واقع در کوچه مستجاب را که آشنا بود انتخاب کردیم... هوا که روشن شد، کسانی رفتند به کوچه مستجاب ببینند در عین الدوله چه خبر است، چند نفر از پاسدارها شهید شده اند...»[۱۳]

اتفاقاً در اینجا ذکری از سرهنگ توکلی شد. این مرد که از امرای ارتش و اوایل امر، از افراد مورد وثوق شورای انقلاب بود، بعداً درگیر مسائلی شد، از جمله با یک فرد آمریکایی به نام راف شانمن که وی را به توطئه و اقدام برای کمونیست کشی و کودتا متهم کرده و نواری هم از مکالماتشان به مطبوعات ارائه داده بود. توکلی طی همین مجادلات، برای دفاع از خود، نامه ای به مهندس بازرگان نوشت که در روزنامه‌ها چاپ شد. او در این نامه که در حدود نیمه اسفند ۱۳۵۷ تحریر شد، اشارتی هم دارد به یک مکان فعالیت شورای انقلاب که ظاهراً، نقطه چین یادداشت‌های بازرگان مد نظر اوست: «جناب آقای مهندس بازرگان، نخست وزیر دولت انقلاب... با کمال افتخار یادآور می شود که در اوایل بهمن ماه سال جاری، هنگامی که نهضت انقلابی ملت مسلمان ایران، حساس ترین مراحل خود را در رویارویی با مقاومت نظام استبدادی طی می کرد و هر لحظه مخاطرات گوناگونی و از جمله بیم اعدام همکاران دولت انقلابی و احتمال یک کودتای خشن از طرف نظامیان دست نشانده شاه سابق، رهبران انقلاب و همه مردم ایران را تهدید می نمود، من برای تقدیم گزارش در ساختمان شماره ۱۶۹ که محل مخفی شورای انقلاب بود، به حضور جنابعالی آمدم...»[۱۴]

عباس امیرانتظام نیز درباره محل فعالیت شورای انقلاب در روزهای بحرانی ۲۱ و ۲۲ بهمن که بازرگان اشارتی به محل دقیق آن نکرده، اطلاعات دقیق تری دارد. وی در یادداشت‌های مربوط به روز ۲۲ بهمن می نویسد: «صبح اول وقت در مدرسه رفاه بودیم. شدت تیراندازی اطراف مجلس و مدرسه رفاه به حدی بود که شورای انقلاب طبق توصیه مهندس بازرگان تصمیم گرفت محل خود را از مدرسه رفاه به منزل «حاج معین» در ضلع شرقی خیابان ایران (عین الدوله) تغییر دهد. به اتفاق مهندس بازرگان وهاشم صباغیان مدرسه رفاه را ترک کردیم و از در شمالی مدرسه خارج و به منزل حاج معین منتقل شدیم.

بلافاصله پس از استقرار در آن محل، به اتفاق مهندس صباغیان، موقعیت منزل و همسایه‌ها و دیوارهای اطراف را مورد بررسی قرار دادیم که اگر مجبور شدیم آن منزل را نیز ترک کنیم، چگونه دست به چنین کاری بزنیم. بعد، یکی از اتاق‌ها برای صرف ناهار شورای انقلاب آماده شد...»[۱۵] پس بخشی از جلسه‌های شورا در این ایام ـ بعد از بازگشت امام به ایران ـ در مدرسه رفاه برگزار می شود و در اوج بحران به منزل حاج معین در خیابان عین الدوله منتقل شده است.

امیرانتظام در یکی دیگر از یادداشت‌های بهمن ۵۷ نیز می نویسد: «در طول این ماه، چند ملاقات طولانی با دکتر بختیار داشتم و بحث ما برای استعفای او به درازا کشیده بود. بختیار در هفته اول قانع شد که استعفا بدهد و از مشارکت در مرگ و ویرانی خودداری کند. او متن استعفا نامه اش را نوشت و به من داد. متن استعفا را برای مهندس بازرگان به شورای انقلاب بردم. این شورا در اتاقی بزرگ در حدود ۵ * ۸ متر در مدرسه رفاه تشکیل شده بود. از اعضای شورا فقط آیت‌الله طالقانی را می شناختم...»[۱۶]

افزون بر این یادداشت‌ها و مستندات، در جلد اول «صورت مذاکرات شورای انقلاب در دو جا ذکری از مکان جلسات شورا شده که نشان می دهد که حداقل تا پایان اسفند ۱۳۵۷، مکان ثابتی نداشته و به تناوب محل آن تغییر می کرده است. یک جا در پایان جلسه مورخ سه شنبه ۵۷/۱۲/۸ منشی جلسه در داخل پرانتز نوشته است: «جلسه بعد، ساعت ۱۰ پنجشنبه ۵۷/۱۲/۱۰ منزل دکتر شیبانی.»[۱۷] و دیگر جا، در جلسه یک شنبه مورخ ۵۸/۱/۲۶ نیز در ضمن دستور کار جلسه همان روز آمده است: «۱ ـ در مورد محل ثابت شورا مذاکره شد، قرار شد طبقه بالای مکتب امیرالمومنین انتخاب شود.»[۱۸]

با تشکیل دبیرخانه، البته این وضع باید تغییر می کرد، ولی هر چند دبیرخانه جای ثابت داشت، ولی باز هم اعضا در مکان‌های مختلف تشکیل جلسه می دادند. این نکته را مهندس مصطفی کتیرایی می گوید.[۱۹]

پی نوشت‌ها:

۱ ـ بهره گیری از اسناد درجه اول شورای انقلاب، با هدف توجه دادن مورخین به این اسناد، اولین بار در این کتاب صورت گرفته است:

– مسعود رضوی، هاشمی و انقلاب ـ تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ، انتشارات همشهری ۱۳۷۶، چاپ جدید انتشارات اطلاعات ۱۳۹۷، از این اثر اقتباس‌ها و انتحال‌های زیادی شده و نویسندگان بسیاری از راست و چپ، بدون ذکر ماخذ خود را محق دانسته اند از آن بهره گیرند. یک مورد و عجیب‌ترین مورد در روزنامه شرق در مورخه ۲۳ خرداد ۱۳۸۳ در مقاله آقای جهانگیر پاک نیا درباره انتخابات نخستین رئیس جمهوری ایران صورت گرفته است. ایشان حدود ۷۰ درصد مقاله خود را از صفحات مختلف کتاب فوق گلچین فرموده و غافل از آنکه اشتباهات چاپی در ذکر شماره صفحات صورت مذاکرات و موارد دیگر را هم همان گونه درج کرده است و العاقل یکفیه الاشاره.

۲ ـ در شورای انقلاب چه گذشت؟، گفت وگو با مهندس عزت الله سحابی، ایران فردا، بهمن و اسفند ۱۳۷۷.

۳ ـ امواج انقلاب، مهندس سحابی، ایران فردا، بهمن ۱۳۷۶.

۴ ـ دریایی از انسان‌ها، گوشه‌هایی از خاطرات مهندس سحابی از دوران انقلاب، چشم انداز ایران، دی و بهمن ۱۳۸۰.

۵ ـ دست نوشته‌های دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی، منتشر نشده، ذیل روز ۵۷/۱۰/۱۰ با تشکر از ایشان.

۶ ـ در شورای انقلاب چه گذشت، همان.

۷– هیات تنظیم اعتصاب شرکت نفت، گفت وگو با مهندس مصطفی کتیرایی، ایران فردا، فروردین ۱۳۷۸.

۸ و ۹ ـ دریایی از انسان‌ها، همان.

۱۰ ـ بخشی از گفت وگوی نگارنده با مهندس کتیرایی.

۱۱ ـ شصت سال خدمت و مقاومت، مهندس بازرگان، به کوشش سرهنگ غلامرضا نجاتی، انتشارات رسان جلد ۲ ص ۳۴۵.

۱۲ ـ روزنامه میزان، شماره ۱۲۲، ۱۹ بهمن ۱۳۵۹، مقاله «هفت روز بحرانی انقلاب».

۱۳ ـ شصت سال خدمت و مقاومت، همان، ص ۳۶۶.

۱۴ ـ کیهان، ۱۵ اسفند ۱۳۵۷، ص ۴.

۱۵ و ۱۶ ـ آن سوی اتهام، خاطرات عباس امیرانتظام، نشر نی، چاپ سوم ۱۳۸۱، ج ۱ صفحات ۲۱ و ۲۲.

۱۷ ـ صورت مذاکرات شورای انقلاب، ج ۱ ص ۸.

۱۸ ـ همان، جلد ۱ ص ۱۳۰.

۱۹ ـ گفت وگوی اختصاصی نگارنده با مهندس مصطفی کتیرایی.



اجتماع صدها هزار نفری امروز دانشگاه

اطلاعات

معرفی اعضای شورای سلطنت

پس از ۱۵ سال امام خمینی به وطن بازمیگردد

امام خمینی: شورای انقلاب اسلامی تشکیل شد

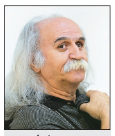
ارتش محترم نباید از خواست









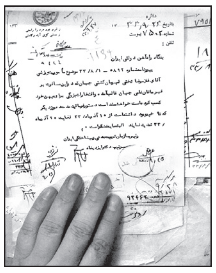


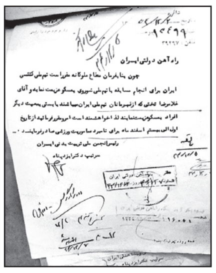
حسن فرازمند

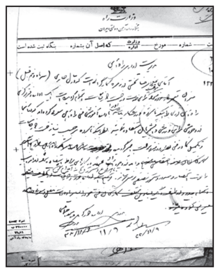
قصه پرونده پهلوان تختی در راه‌آهن تهران و خیابانش در تجریش

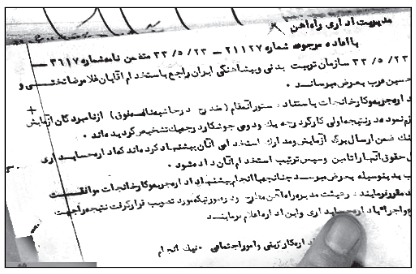
اسناد جهان پهلوان











حدود ۶سال پیش نقل شد که دکتر احمد مسجد جامعی، عضو فعال و فرهنگ شناس شورای شهر، پیشترها در دیدار خصوصی با مرتضی احمدی، هنرمند نام‌آشنای سینما و تلویزیون از وجود پرونده ای درباره جهان پهلوان غلامرضا تختی‌آگاهی یافته بود و او هنگام بازدید از ساختمان راه آهن درگفتگو با مسؤولان راه آهن تهران به نقل از این بازیگر کهنه‌کار و کارمند سابق راه‌آهن بر وجود اسناد اصرار می کند تا سرانجام با بررسی بایگانی آشکار شود که پرونده‌ای از این قهرمان ملی با حدود سیصد برگ موجود بوده و به خوبی نگهداری شده اما کمتر کسی از آن آگاهی داشته و به همین دلیل ساده، نادیده مانده است.

حتما به خاطر دارید که مدت‌ها یکی از جمله برنامه‌های دکتر احمد مسجد جامعی پس از تکیه زدن بر کرسی ریاست شورای شهر تهران، بازدید از مناطق گوناگون شهر بوده است که تحت عنوان و نام «کشف تهران» صورت می‌گیرد؛ برنامه‌ای که گاه در آن کشفیاتی رخ می‌دهد که هم جالب است و هم در نوع خود بسیار عجیب!

در آن روزها برخی خبرگزاری‌ها ازجمله سایت خبری«تابناک» نوشت: در بازدید روز گذشته رئیس شورای شهر تهران از مناطق گوناگون شهر، مستنداتی از زندگی کاری این قهرمان ملی کشف شد که پیشتر کمتر کسی از وجودشان آگاهی داشت.

ماجرا از این قرار بود که وقتی مسجد جامعی در برنامه تهران‌گردی خود به ایستگاه راه‌آهن تهران رسید، از مسؤولان این نهاد قدیمی خواست تا بازدیدی هم از اسناد استخدامی جهان پهلوان غلامرضا تختی در راه آهن تهران داشته باشد اما متولیان راه آهن ابراز بی اطلاعی می کنند.

عضو شورای شهر اصرار می‌کند که چنین چیزی موجود است و در نهایت امر با بررسی بایگانی راه‌آهن تهران آشکار می‌شود که پرونده‌ای از این قهرمان ملی با حدود سیصد برگ موجود بوده و به خوبی نگهداری شده اما کمتر کسی از وجود آن آگاهی داشته و به همین دلیل ساده، نادیده مانده است.

بررسی پرونده کارگزینی جهان پهلوان تختی از این روی جالب توجه است که مسؤولان درمی‌یابند به رغم اتمام فعالیت وی در این نهاد پس از نه سال، روند پرداخت دستمزد این قهرمان متوقف نشده و با مرگ وی، به برقراری مستمری گره خورده است .

در این پرونده قید شده است که یکصد تومان برای مادر وی، یکصد تومان برای پسرش، بابک و یکصد تومان برای همسرش مقرری فوت تعیین شده و حقوق مستمری او نیز مصوب شده و از آن زمان تا کنون در اختیار خانواده‌اش قرار می‌گیرد؛ حقوقی که پس از سال‌ها به عددی بیش از چهارصد هزار تومان رسیده و هنوز برقرار است.

این پرونده که به روایت تصاویر می‌توان دریافت که بسیار ارزشمند است، نامه‌های اداری و کارگزینی مربوط به تختی دارد و علاوه بر آن، اسنادی چون معرفی وی به شرکت راه‌آهن، معرفی برای سفرهای بین‌المللی و شرکت در مسابقات، پرونده پزشکی، حقوق پرداختی به وی از آغاز ورود به راه آهن تا امروز را شامل شده و حتی اسناد محرمانه درباره این فرد را نیز در بر می‌گیرد.

از جمله نکات جالب دیگر در این پرونده، کامل بودن آن است؛ به گونه‌ای که حتی مستنداتی از انتقال وی به کارخانه سیمان ری، مقصد تختی پس از ترک راه آهن تهران را هم در بر می‌گیرد، ولی بی گمان نکات مندرج در آن جذاب‌ترین بخش کشف این پرونده است که احتمالا در آینده بیشتر درباره آن خواهیم شنید: مثل این نکته که جلوی ستون مدرک تحصیلی وی نوشته شده است: «قهرمان جهان».

در آن روز و در آن دیدار رئیس وقت شورای شهر تهران در پایان بازدید ش از راه آهن و به مناسبت این کشف جالب، دستور داد تا تندیسی از این کشتی‌گیر نامی و جوانمرد ایرانی ساخته و در ساختمان راه آهن نصب شود که ما از آن روز تا به حال خبری و اثری از نصب تندیس او در راه آهن تهران نشنیده ایم و نخوانده‌ایم،گرچه خبر پرده برداری ازتندیس پهلوان تختی در امریکا را بارها خوانده و دیده ایم.

واما قصه خانه تختی و خیابان تختی

قصه آنجا غمناک تر می شود که خبرنگارجوانی به نام مرضیه دارابی خبرنگار سایت – نشریه پیروزی متعلق به تیم پرسپولیس در ۲۸آذر امسال (۱۳۹۸) خبر از تغییر نام خیابان تختی در تجریش داد و نوشت :

خداحافظی همیشگی تختی از تجریش پس از ۵۲ سال، خانه‌ای که رفت، خیابانی که دیگر نیست.

او درگزارش خود نوشته است: آن روزها که کشتی، ورزش اول کشور بود و مردم برای تشویق قهرمانان و تماشای رقابت‌های‌شان صف می‌کشیدند، جهان پهلوان تختی یکی از دو مدال طلای کشتی ایران در مسابقات المپیک ۱۹۵۶ ملبورن را از آن خود کرد.

بعد از این رقابت‌ها، جایزه ارزشمندی به قهرمانان اهدا شد. منصور مهدیزاده قهرمان سابق جهان و یکی از هم تیمی‌های تختی گفته است که «او با ۵۰ هزار تومان جایزه اش، که در آن وقت، خیلی پول بود، یک خانه بزرگ و باصفا از دکتر حسابی در خیابان فرشته خرید، پول این خانه ۴۸ هزار و پانصد تومان شد. بقیه پولش را هم یک ماشین بنز خرید.»

آن خانه، قصه عجیبی پیدا کرد، از روزگارِ سختِ روزهای تنهاییِ مردِ بزرگ و جدالش با زندگی، تا سرنوشت آن خانه و آدم‌هایش. پسری که آنجا متولد شده بود، عروسی که با امید به آن خانه آمده بود، مادر و خواهرانی که چشم به راه برادر بودند و... تختی در جنوب شهر متولد شده بود، در محدوده خانی آبادنو، جایی که امروز یک میدان، به نام اوست.

همانقدر که مرگ او مرموز و پر از ابهام و سوال بود، اتفاقاتِ بعد از مرگش و سرنوشت آن خانه هم عجیب شد.



چندین وصیت نامه از او ماند، این‌که کدام‌یک وصیت او بود و کدام دروغین، این‌که کدام نوشته، نزدیک به حال و احوالِ قهرمان در روزهای پایانی مرگش بود و کدام‌یک، سنخیتی با روزگار پایانی اش نداشت، چیزی نیست که امروز بخواهیم به آن بپردازیم.

خانه تختی در خیابان فرشته منطقه تجریش تهران ، به هر دلیل به تنها فرزندش بابک نرسید و خواهران تختی در آنجا روزگار گذراندند؛ طبق آن چیزی که در یکی از وصیت نامه‌ها عنوان شده بود.

بعد از آن هم، مثل خیلی از خانه باغ‌های تهران، خانه ای که قهرمان روزهای آخر عمرش را در آنجا گذرانده بود و به نامش بود، سال‌ها قبل، پیش از آنکه کسی بتواند اقدام جدی و تاثیرگذاری برای خراب نشدن آن و تبدیلش به موزه کشتی یا تختی انجام دهد، تبدیل به برج شد.

خانه– باغ، همان جایی که مردم منطقه به نام تختیِ بزرگ می‌شناختند، برج شد و آن خیابان، به نام تختی. اما در روزهای گذشته تصمیمی که مدتی روی آن بحث و تبادل نظر شده بود، اجرایی شد.

یکی از کارهای کمیسیون فرهنگی شورای شهر، نامگذاری معابر، خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و ... به نام افراد شاخص و تاثیرگذار است. پایتخت، بزرگ و بزرگ‌تر می شود و حالا جدا از خیابان‌هایی که به نام شهدا خو گرفته اند، معابر و گذرگاه‌هایی هستند که به نام هنرمندان و افراد برجسته و خوشنام تغییر پیدا می کنند.

خبر آمد: «براساس مصوبه اخیر شورای شهر تهران، خیابان طوس در منطقه یک شهرداری تهران به نام عباس کیارستمی و خیابان تختی در محدوده باغ فردوس در شمال تهران به نام جلیل شهناز، استاد تار و خیابان هفتم در نزدیکی پارک ساعی در منطقه شش تهران به نام بهمن کشاورز، وکیل دادگستری نامگذاری می‌شود.»

براین اساس حالا تختی به شهناز تبدیل خواهد شد. شهنازی که استاد بی بدیل تار بوده و مشهور به «پهلوانِ تار»؛ استادی که به حق باید خیابان و گذری در خور، به نامش می شد و حالا این اتفاق رخ داده است، اما اینکه چرا خیابان تختی، محله ای که مردم به نام جهان پهلوان آنجا را می شناسند، به نام این استاد بزرگ شود، جای سؤال دارد.

البته باز هم تأکید می‌کنیم در بزرگی و جایگاه فوق العاده استاد جلیل شهناز تردیدی نیست، او سال ۱۳۰۰ در اصفهان به دنیا آمد و سال ۱۳۹۲ بعد از تحمل یک دوره بیماری طولانی، درگذشت. او از خانواده ای کاملا موزیسین برآمده بود و ۹۲ سال زندگی اش با موسیقی و هنر گره خورده بود. سال‌ها در مجموعه گل‌ها ساز می‌زد و بی شک یکی از بزرگان موسیقی ایران است.

او سبک خاص خودش را داشت، استاد بداهه نوازی بود، چه در مجموعه گل‌ها و چه در میان تک نوازانی که او ساز می زد.

این نوازنده بزرگ و صاحب سبک، کارهای زیادی با خواننده‌های بزرگ از جمله بنان و شجریان و... انجام داد. در آستانه پنجاه و سومین سالگرد غلامرضا تختی، جوانمردی که از خود نام نیک بر جای گذاشته بود، حالا دیگر فرشته، نه تختی دارد و نه خانه باغی که یادگار جهان پهلوانی بود. این خیابان حالا به نام استاد جلیل شهناز است.



نگاهی به زندگی، تاریخ‌نگاری و برخی از آثار ابراهیم صفایی

تاریخ نگاری از چشم اسناد



● گودرز گودرزی(مجید)

تاریخ را باید شناخت تا خطای پیشینیان را تکرار نکنیم و راه درست و مصلحت‌های آینده وم حال را بیابیم. بهترین راه شناختن تاریخ برای ما مطالعه و خواندن است. گزینش کتاب‌های مفید و قابل اعتماد هم در عرصهٔ تاریخ دشوار است و شاید از دیگر علوم و رشته‌ها، سخت‌تر. مدتی پیش کتابی دیدم و شروع به خواندن کردم به نام «این روزنامه‌نویس‌ها!- پنجاه خاطره از پنجاه سال»؛ و این اثر برایم چنان تازگی داشت که پیش از آن نه نامش به گوشم خورده بود و نه چیزی از نویسندهٔ آن خوانده بودم. در این یادداشت به معرفی کوتاه نویسنده و کتاب تاریخی وی می پردازم و امیدوارم شوقی در خوانندگان، برای رجوع و خوانش این کتاب برانگیزم.

«پنجاه خاطره از پنجاه سال» نوشتهٔ «ابراهیم صفایی» است. جست‌وجو که کردم دستگیرم شد که زادگاه او ملایر است؛ ۱۲۹۲ خورشیدی. پلّه‌های ابتدایی را در همان زادگاهش یکی‌یکی بالا رفت. سپس به مرکز استان روی آورد: همدان. او دوران دبیرستان را در همین شهر به پایان برد. این همدان بود که او را با انجمن‌های ادبی آشنا کرد؛ با شاعرانی چون: مفتون همدانی[۱] و عارف قزوینی.

چندی نگذشت که تهرانْ وی را به سوی خود کشاند. در آن هنگام او ۲۱ سال داشت؛ بیش‌وکم چیزی در این حدود. بیست‌وپنج شش سال نان‌خور دولت می‌شود؛ در ادارهٔ ثبت. سپس داوطلبانه خود را بازنشسته می‌کند، ولی بی‌کار نمی‌نشیند. این‌جاست که سر از ادارهٔ هنرهای زیبا درمی‌آورد و کاری به دستش می‌دهند درخورِ ذوق و استعدادش: مشاور بررسی و اجازهٔ چاپ و انتشار کتاب و مسؤول صدور مجوّز برای سروده‌ها و ترانه‌هایی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود.

ماندن در تهران برای صفایی، سودمند می‌افتد. در تهران است که به آموختن علوم مقدّماتی زبان تازی و نیز فراگرفتن رمز و رازهای پیچ‌اندرپیچ فنّ و شگرد شعر می‌پردازد، آن‌هم وردستِ سخن‌دانانی چون: آزاد همدانی[۲] و وحید دستگردی.

در این‌جا نمونه‌ای از سروده‌های صفایی را زمزمه می‌کنیم:

«ای وطن! ای که تو میراث منی
زادگاه منی و باغ و گلستان منی
دیده بر خاک دلاویز تو دارم شب و روز
ای که در آفاق جهان اختر تابان منی
پدرانم همه در دامن تو رفته به خواب
قبله‌گاه من و محبوب جوانان منی
خاک‌وسنگ‌توبه‌چشم‌همه‌دُرّوگُهراست
که امید من و گنجینهٔ شایان منی
ای بسا خون عزیزان که به راه تو بریخت
شعلهٔ عشق دلاویز فروزان منی
مهد اندیشه و شعر و ادب و ذوق و هنر
بارگاه خِرد و دانش و عرفان منی
سرزمینی که چو فردوسی توسی پرورد
کشور حافظ و سعدی سخن‌دان منی
قرن‌ها لطمه ز امواج حوادث دیدی
لیک چون مادر دل‌سوز، نگهبان منی
نشود لحظه‌ای از یاد تو غافل دل من
که به گیتی سبب فخر فراوان منی
آن‌که بدخواه تو باشد نفسی زنده مباد
که عزیز من و جان من و جانان منی
تویی ای خاک گرامی، وطن و میهن من!
بهتر از این نتوان گفت که: ایران منی!»

صفایی به سرش می‌زند که یک‌بار دیگر نشریه‌ای را چاپ کند. آخر او سال‌ها پیش دست به این کار زده بود: هفته‌نامهٔ «عسس». اکنون زمان آن فرارسیده که کار را ازسر گیرد: «پژوهش انجمن»؛ نشریه‌ای که به‌صورت فصلی چاپ و منتشر می‌شد. عُمر این فصل‌نامه تا پایان بهار سال ۱۳۵۷ باقی بود.

این صفاییِ ملایری کتاب‌های چندی را نوشته است که از آن میان می‌توان به این‌ها اشاره کرد: مرزهای ناآرام؛ آینهٔ تاریخ؛ نهضت ادبی ایران در عصر قاجار؛ تاریخ ملایر؛ برگ‌های تاریخ؛ رهبران مشروطه. و نیز همین «پنجاه خاطره از پنجاه سال».[۳] که عنوان یادمان و خاطرهٔ بیست‌ویکم این کتاب مرا واداشت و برانگیخت که به‌خواندنش بپردازم: «این روزنامه‌نویس‌ها!» و چون خوانش این یادمان ۳ صفحه‌ای را به پایان بردم، دیدم بدنیست برای این شماره از ضمیمهٔ گرامی «فرهنگی» پیشکش کنم. (ناگفته نگذارم که به‌هرروی من پیوندی دارم با ملایر و ملایریان: پدربزرگِ مادری‌ام اهل ملایر بود و از ملایریان: موسا صارمی).

یادداشت «این روزنامه‌نویس‌ها!» داستان روزنامه‌نگاری را بازگو می‌کند که قلم را برای «تلکه‌کردن» به‌کار می‌گیرد و نه برای روشن‌گری. قلم برای یک‌چنین روزنامه‌نگاری می‌شود آلت و ابزار «باج‌خواهی» و «گوش‌بری». چون چیزهایی از توانایی قلم به گوش چنین جماعتی خورده بودْ مثلاً «کاری که قلم به یک زبان ساخت/ شمشیر به صد زبان نسازد»، پس می‌شود خرِ مراد را سوار شد و چهارنعل تاخت!

*و اینک «این روزنامه‌نویس‌ها!»:

«در بهار ۱۳۲۱ چندی در اصفهان بودم. «کاظم سیّاح» رئیس ادارهٔ پیشه و هنر اصفهان بود. گاهی در دفتر کارش از او دیدار می‌کردم. واپسین‌بار که نزد ایشان بودم، «امیرقلی امینی» مدیر روزنامهٔ «اختر» و بعد «اصفهان» را که از دو پا فلج بود نزد او آوردند. درحالی‌که او را روی دست گرفته و پتویی روی پاهایش آویزان بود، روی مبل نشاندند. سیّاح برخاسته پیش آمد، دست امینی را فشرد و خوش‌آمد گفت و احوال‌پرسی کرد. سپس برگشت و پشت میز خود نشست.

امینی پس از نوشیدن چای چاپلوسی آغاز نمود و گفت: «کودتای ۱۲۹۹ را شما رهبری کردید! شما باید زمامدار کشور باشید!»

سیّاح از شنیدن این سخنان سخت ناراحت شد و گفت: «آقای امینی! من همیشه یک خدمت‌گذارِ کوچک میهنم بوده‌ام... داوطلب مقامی نیستم و برایم موجب سرفرازی است که خدمت کوچکی به میهنم انجام می‌دهم.»

امینی گفت: «جناب‌عالی شکسته‌نفسی می‌کنید. شایستگی شما خیلی بالاتر از این‌هاست. دو نفر مانند جناب‌عالی در تمام ایران نیست!»

سیّاح گفت: «این تعارف‌های شما مرا ناراحت می‌کند. اگر فرمایشی دارید بفرمایید.»

امینی گفت: «دیروز در روزنامه مقاله‌ای دربارهٔ خدمات جناب‌عالی نوشته بودم. ملاحظه فرمودید؟»

سیّاح پاسخ داد: «ندیده‌ام. ولی خواهش می‌کنم چیزی دربارهٔ خدمات من ننویسید. اگر خدمتی کرده‌ام انجام وظیفه بوده است. نیاز به تبلیغ و تعریف ندارد.»

امینی گفت: «من مؤسسهٔ خیریه دارم که مورد بازدید شخصیّت‌های داخلی و خارجی قرار می‌گیرد. چند تابلو نقاشی و چند تکّه زری از کارهای هنرستان صنعتی برای سالن این مؤسسه می‌خواهم که در عین حال معرّف پیش‌رفت صنایع دستی هنرستان نیز می‌باشد.»

سیّاح گفت: «کارهای هنرستانْ اموال دولتی است؛ فروخته می‌شود و پولش به حساب هنرستان منظور می‌گردد. ولی من دستور می‌دهم دو تابلو نقاشی و دو تکّه زری به شما بدهند و بهای آن را خودم پرداخت می‌کنم.» سپس به رئیس هنرستان تلفن کرد و گفت: «دو تابلو نقاشی و دو تخته زری با انتخاب آقای امینی در اختیار ایشان بگذارید و صورت‌حساب آن را برای من بفرستید که پرداخت کنم.»

امینی سپاسگزاری کرد و اجازهٔ رفتن خواست... گماشتهٔ امینی وارد شد و او را از روی مبل برداشت و بیرون برده روی صندلی چرخ‌دار نشاند و ادارهٔ پیشه و هنر را ترک گفت. سیّاح رو به من کرده گفت: «می‌بینید چه روزنامه‌نویس‌هایی داریم؟»

گفتم: «بله! و افسوس بیشتر از این قماشند. روزنامه برای آن‌ها روزی‌نامه است و افکار عمومی را با نوشته‌های مغرضانهٔ خود گمراه می‌کنند.»

چند هفته پس از این دیدار، سیّاح به تهران منتقل شد و «منوچهر امین‌ناطقی» به‌جای او به ریاست پیشه و هنر اصفهان آمد. من با امین‌ناطقی نیز سابقهٔ آشنایی داشتم. او یک فرهنگی بود و من گاهی در دفتر کارش به دیدارش می‌رفتم. روزی با هم گرم گفت‌وشنود بودیم که ناگهان درِ اتاق باز شد و پیکر فلج امینی را به اتاق آورده روی مبل نشاندند.

امینی خود را معرفی کرد. امین‌ناطقی به او خوشامد گفت و از شمار روزنامه‌های اصفهان و تیراژشان پرسید.

او از تیراژ بالا و تأثیر مندرجات روزنامهٔ خود دادِ سخن داد! سپس گفت: «همهٔ مردم اصفهان خوش‌حالند که آن مردکهٔ دزدِ قزّاق (سیّاح) از این‌جا رفت و شما به‌جای او آمدید.»

امین‌ناطقی از شنیدن این سخنان رنگ چهره‌اش برافروخته شد و گفت: «خواهش می‌کنم توهین نکنید! آقای سیّاح از شخصیّت‌های پاک و مورد احترام است.»

من نیز ناراحت شدم و به امینی گفتم: «یاد دارید دو ماه پیش در همین اتاق چگونه از آقای سیّاح چاپلوسی کردید و او چگونه از چاپلوسیِ شما ناراحت شد؟»

امینی گفت: «شما آن‌روز کجا بودی؟»

گفتم: «در همین اتاق بودم و آقای سیّاح به خواهش شما دو تابلو نقاشی و دو تخته زری از کارهای هنرستان را دستور داد به شما بدهند و بهایش را خودِ او پرداخت کرد.»

امینی از سخنان منِ ناراحت شد و به امین‌ناطقی گفت: «امروز فقط برای دیدار شما آمدم. فعلاً یک مزاحم این‌جاست؛ من می‌روم تا ملاقات دیگر.»امین‌ناطقی گفت: «ایشان از دوستان من هستند؛ توهین نکنید!» سپس زنگ اتاق را زد. گماشتهٔ امینی وارد شد و او را بغل کرد و از اتاق بیرون رفتند.

امین‌ناطقی پرسید: «موضوع ملاقات ایشان با آقای سیّاح چه بوده؟» چگونگی را گفتم. درشگفت ماند. گفتم: «جای شگفتی نیست. بسیاری متأسفانه فرصت‌طلب و سودجو و دورو هستند.»

گفت: «راست می‌گویید. باید یک گروه از روان‌کاوان و جامعه‌شناسان معروف جهان بیایند و سال‌ها مطالعه کنند و ریشهٔ این بیماری را بشناسند و راه درمان آن را نشان دهند؛ وگرنه هرگز روی رستگاری [را] نخواهیم دید.»

(الیگودرز– ۷ مهرماه ۱۳۹۸ خورشیدی)

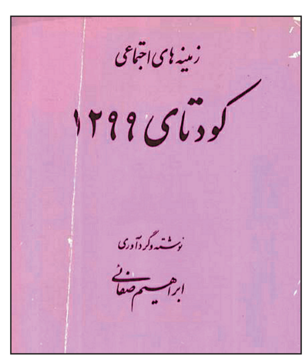
*پی‌نوشت‌ها:

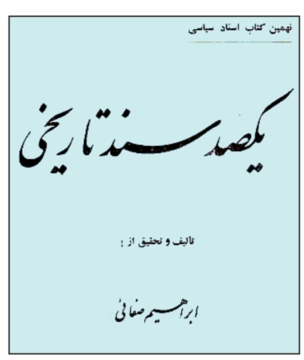
۱. میرآقا همدانی (مفتون)؛ از سروده‌سرایان سده‌های سیزدهم و چهاردهم خورشیدی است. او در سال ۱۲۶۸ زاده شد و در سال ۱۳۳۰ رخت از جهان بربست. شعرِ «علی ای همای رحمتِ» شهریار برگرفته از سروده‌ای است از مفتون با این مطلع:

«علی ای همای وحدت! تو چه مظهری خدا را
که خدا نمود زینت به تو تخت اِنّما را.»

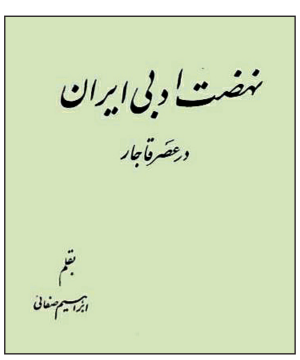
۲. علی‌محمّد غمامی آزاد؛ یکی از ادب‌دانان و شاعران دیار همدان است که به سال ۱۲۶۳ خورشیدی به جهان آمد و در سال ۱۳۲۴ به دیگر سرای رفت.

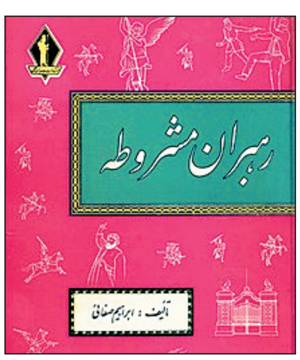
۳. صفایی، ابراهیم. «پنجاه خاطره از پنجاه سال». انتشارات جاویدان. چاپ اوّل ۱۳۷۱.











چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۸ (برابر با ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۰۰، ۱۲ فوریه ۱۹۸۰) نقل شده است.

آتش‌بس در گنبد نقض شد

آتش‌بس اعلام شده از سوی شورای تامین شهر گنبدکاووس، پریشب نقض شد.

در پی نقض آتش‌بس از سوی ضدانقلاب، درگیری و تیراندازی، پریشب بین گروه‌های درگیر در گنبدکاووس آغاز شد و به بامداد دیروز نیز صدای تیراندازی بطور پراکنده در این شهر بگوش می‌رسید.

برای پایان‌دادن به درگیری‌های سه روزه گنبدکاووس، از سوی شورای تامین شهر گنبدکاووس از ساعت ۴٫۳۰ دقیقه بعدازظهر پریروز (۵۸٫۱۱٫۲۱) آتش‌بس اعلام شده بود و از طرفین درگیر خواسته شده بود با رعایت آتش‌بس و تخلیه سنگرها و از تیراندازی به سوی یکدیگر، خودداری کنند تا پرسنل ارتش در شهر گنبدکاووس، مستقر و کنترل شهر را به عهده بگیرند.

تصفیه در ارتش خاتمه یافت

تیمسار سرلشکر محمدهادی شادمهر رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی موقعیت ارتش را قبل و پس از انقلاب تشریح کرد و در مورد اخراج ۱۴۵ نفر از افسران ارشد نیروی هوائی گفت: چون در دادگاه انقلاب اسلامی نظامی باید علاوه بر حاکم شرع قضات ارتش و دادگستری نیز حضور داشته باشند و چون دو قاضی از سوی این دو مرجع در دادگاه شرکت نداشته‌اند رای صادره قابل اجرا نیست.

تیمسار شادمهر در این گفتگو گفت: طبق تصویب شورای انقلاب وظیفه پاکسازی در ارتش بعهده کمیسیون ۵ نفری وزارت دفاع ملی محول شده که این کمیسیون ۷۵۰۰ نفر را در نیروهای سه‌گانه به علل مختلف مشمول پاکسازی قرارداد و بدین ترتیب موضوع تصفیه در ارتش خاتمه یافته است.

۵ نفر زیر دو تانک در تهران کشته شدند

در دو حادثه جداگانه که در جریان برگزاری رژه واحدهای ارتشی بمناسبت گرامیداشت سالروز انقلاب اسلامی ایران در میدان آزادی تهران روی داد چهار نفر کشته و بیش از صد نفر مجروح شدند. در یک حادثه دیگر که بر اثر برخورد یک اتومبیل سواری با یک تانک در خیابان توانیر تهران بوجود آمد نیز دو نفر از سرنشین‌های اتومبیل کشته شدند و یکنفر مجروح گردید.

ساعت ۱۱ صبح دیروز هنگامیکه واحدهای ارتشی در حال رژه بودند قسمت غربی جایگاه مستقر در میدان آزادی به‌علت هجوم جمعیت و فشار بیش از حد فرو ریخت و بر اثر آن یک نفر از پاسداران بنام «کربلایی لباف» جان خود را از دست داد و ۱۳ نفر زخمی شدند.

تعطیلات نوروزی مدارس و ادارات دولتی یکسان شد

تعطیلات نوروزی مدارس و سایر وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی یکسان شد.

محمدعلی رجائی وزیر آموزش و پرورش امروز ضمن یک گفتگوی تلفنی با اطلاعات پیرامون تعطیلات نوروزی مدارس گفت: تصمیم در مورد تعطیلات مدارس از سوی شورای انقلاب اتخاذ شد و این تصمیم در رابطه با تعطیلات سایر ادارات دولتی پس از مشورت با اینجانب اتخاذ شد. و اعلام آن نیز اعلام کلی تعطیلات نوروزی وزارتخانه‌ها و موسسات و دوائر دولتی بوده است.

وی اضافه کرد: تعطیلات رسمی مدارس همان سه روز می‌باشد که به اضافه‌شدن تعطیل روز ۲۹ اسفند که روز نفت است و روز سی‌ام اسفند که روز تحویل سال می‌باشد به ۵ روز افزایش یافته است.

غلامرضا پهلوی از کمیته بین‌المللی المپیک اخراج شد

غلامرضا پهلوی، برادر شاه مخلوع، امروز رسما از کمیته بین‌المللی المپیک اخراج شد! وی که از سال ۱۹۵۵ بعنوان رئیس کمیته ملی المپیک ایران، عضویت کمیته بین‌المللی المپیک را داشت، در ۳ اجلاس اخیر این کمیته، حضور پیدا نکرده و بدین‌دلیل اخراج گردید. وی سال پیش قبل از فرار شاه مخلوع، از ایران گریخت.

لوله نفت موسیان با بمب منفجر شد

ایلام ـ خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از فرمانده هنگ ژاندارمری ایلام گزارش داد که لوله نفت موسیان واقع در شهرستان دهلران از توابع استان ایلام، بوسیله بمب دستی منفجر شد. بر اثر این انفجار، لوله نفت مذکور که در حوزه گروهان ژاندارمری موسیان است، دچار حریق شد.

قاب امروز



چتربازی از برج میلاد / عکس از: محمد محسنی‌فر

سرایه

عقل در عشق تو سرگردان بماند
چشم جان در روی تو حیران بماند
در ره سرگشتگی عشق تو
روز و شب چون چرخ سرگردان بماند
چون ندید اندر دو عالم محرمی
آفتاب روی تو پنهان بماند
هرکه چوگان سر زلف تو دید
همچو گویی در سر چوگان بماند
هر که سر گم کرد و دل در کار تو
چون سر زلف تو بی‌سامان بماند
هرکه یک‌دم آب دندان تو دید
تا ابد انگشت بر دندان بماند
هرکه جست آب حیات از لعل تو
جاودان در ظلمت هجران بماند
گر کسی را وصل دادی بی‌طلب
دیدم آن در درد بی‌درمان بماند
ور کسی را با تو یکدم دست بود
عمرها در هر دو عالم زان بماند
حاصل خاقانی از سودای تو
چشم گریان و دل بریان بمان

خاقانی

امروز در تاریخ

سالگشت درگذشت امیرتیمور گورکان

امیرتیمور گورکان که سه بار به ایران لشکر کشید ۱۲ فوریه سال ۱۴۰۵ میلادی در ۶۹ سالگی در امروزدر قزاقستان درگذشت.

پس از درگذشت امیرتیمور، پیکر او به سمرقند منتقل و در گورگاهی که خود در این شهر ایران باستان ساخته بود مدفون شد. تیمور در جریان لشکرکشی به چین بود که بیمار شد و درگذشت.

بازگشت فاطمه پهلوی با شوهر آمریکایی‌اش به تهران

فاطمه پهلوی ۱۸ بهمن ۱۳۳۲ به همراه شوهر آمریکایی‌اش علی هیلر به تهران بازگشت و برغم پیش‌بینی قبلی مورد استقبال اعضای خانواده سلطنتی وقت قرار گرفت. وی سه سال پیش از آن بدون کسب اجازه از وزارت امور خارجه ایران به هیلر که یک روزنامه نگار آمریکایی بود ازدواج کرده بود. طبق قانون، وی به عنوان یک زن ایرانی قبلا باید از وزارت امور خارجه ایران کسب اجازه می کرد.

روزنامه‌نگاری که دو رئیس جمهوری آمریکا به خانه‌اش رفتند

ویلیام آلن وایت مردی که ۵۵ سال روزنامه نگاری کرد و تئودور روزولت و فرانکلین دی روزولت برای کسب نظر از او به خانه اش می‌رفتند دهم فوریه ۱۸۶۸ به دنیا آمد و ۷۶ سال عُمر کرد.

۹ روز پادشاه انگلستان بود و گردن زده شد!

۱۲ فوریه سال ۱۵۵۴ «جین گری» نواده هنری هفتم که به مدت ۹ روز پادشاه انگلستان بود به دستور «ماری تودور» ملکه تازه انگلستان در ارگ لندن گردن زده شد. در کنار «جین» شوهر او نیز به همان صورت اعدام شد.

شهر جورجیا در آمریکای شمالی ایجاد شد

«جیمز اُگلثورپ» ژنرال و نماینده مجلس انگلستان ۱۲ فوریه ۱۷۳۳ در ناحیه ساوانا ایجاد مهاجرنشین انگلیسی تازه‌ای را در آمریکای شمالی اعلام داشت و آن را به نام پادشاه وقت انگلستان ـ کینگ جورج دوم «جورجیا» نام نهاد که سیزدهمین ایالت وقت بشمار آمده، از ایالت های جنوب شرقی آمریکا و حکومت نشین آن شهر «اتلانتا» است.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۵۱۹۳

غلامحسین باغبان



سودوکو ۲۶۸۰

		۸						۹
۳						۴	۶	
		۱	۳	۵				
۸		۷	۱				۳	
۶				۲				۷
	۹				۶	۸		۴
				۱	۷	۹		
	۳	۴						۶
۹						۷		

۵	۴	۹	۷	۱	۸	۳	۶	۲
۳	۶	۲	۵	۴	۹	۷	۱	۸
۷	۱	۸	۳	۶	۲	۵	۴	۹
۹	۵	۴	۸	۲	۷	۱	۳	۶
۱	۷	۳	۹	۵	۶	۸	۲	۴
۸	۲	۶	۴	۳	۱	۹	۵	۷
۶	۹	۵	۱	۸	۴	۲	۷	۳
۴	۳	۷	۲	۹	۵	۶	۸	۱
۲	۸	۱	۶	۷	۳	۴	۹	۵

حل ۲۶۷۹